

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هفتم، شماره سیزدهم / بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی غضنفری

سر دبیر: آیت‌الله احمد عابدی

اعضای هیأت تحریریه:

آیات عظام و حجج اسلام آقایان: سید خلیل باستان، مهدی باکویی، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی،  
سید عبدالرسول حسینی‌زاده، محمد فراهانی، داوود کمیجانی، سید مرتضی موسوی خراسانی، سید  
محمد نقیب، محمد حسین واثقی. خانم‌ها: جلالی، طباطبائی امین، کاظم‌زاده

و آقای سید مجید نبوی.

ویراستار فارسی: حسین احمدی

ویراستار عربی: دکتر کاظم زاده

کارشناس اجرایی: سید علیرضا قمصری

حروف چینی و صفحه آرایی: مؤسسه گوهر

طراح: رسول خلیج

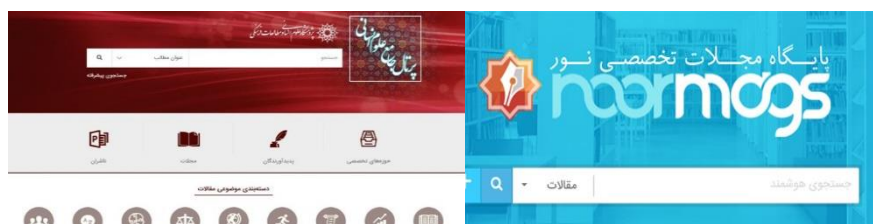
نشانی مجله: [www.qazanfari.net](http://www.qazanfari.net)

پست الکترونیکی: [faslname@quransonnat.net](mailto:faslname@quransonnat.net)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ نسیم

این دوفصلنامه، به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی، از معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با عنوان «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» به صورت تخصصی و به زبان فارسی و عربی، در مورخه ۱۳۹۶/۴/۱۲ و به شماره ثبت ۷۹۵۵۹، پروانه نشر اخذ نموده است

دوفصلنامه تخصصی «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» در نورمگز، مگ ایران، پرتال جامع علوم انسانی و سیویلیکا نمایه می‌شود.



## شیوه‌نامه نگارش مقالات

دوفصلنامه «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت»، مقالات ارائه شده مطابق شیوه‌نامه را بررسی و نتیجه را از طریق پست الکترونیکی نویسنده مسئول، منعکس می‌نماید.

لطفاً قبل از ارسال مقاله به نکات نگارش توجه و مقاله خود را بر طبق آن تنظیم فرمائید:

### شیوه تنظیم چکیده مقاله

- چکیده حداکثر دارای حدود ۱۵۰ واژه (بین ۱۰ تا ۱۲ سطر) و منعکس کننده روش تحقیق، متن و نتیجه بوده و بعد از عنوان آورده شود.

- کلیدواژه‌ها: حداقل ۳ و حداکثر تا ۷ واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کنند و کار جستجوی الکترونیکی را آسان می‌سازند، انتخاب شود.

### شیوه تنظیم متن مقاله

- در آغاز مقاله بعد از بسمله، به ترتیب عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان آورده شود. لازم است تحصیلات، عنوان علمی و تخصص نویسنده یا نویسندگان و آدرس الکترونیکی آنان و شماره تماس ذیل عنوان ذکر شود.

- عنوان مقاله کوتاه، گویا و بیان کننده محتویات مقاله باشد.

- متن مقاله حدود ۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰ کلمه و حدود حداقل ۱۵ و حداکثر ۲۰ صفحه آه بوده و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط ورد ۲۰۰۷ و با فونت (متن مقاله با قلم ۱۲) B Lotus عربی B ۱۲ ، لاتین TimesNewRoman) ۱۰ و یادداشت‌ها، منابع و پاورقی B Lotus ۱۱ حروفچینی شود.

- تیرها بر اساس اعداد و حروف ابجدی شماره گذاری و راست چین شوند.

- مقدمه در حدود ۲۰۰ کلمه شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، سؤالات، فرضیات، پیشینه، روش و نتایج تحقیق بوده و خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده سازد.

- ارجاعات متن بعد از اتمام نقل قول در متن آورده شود. لطفاً (نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، جلد و صفحه کتاب یا شماره و صفحه مجله) و (آدرس سایت به لاتین) آورده شود.

- اگر ارجاع بعدی بلافاصله به همان مأخذ باشد از (همان: شماره جلد/ صفحه) استفاده شود.

- نتیجه حداکثر ۲۵۰ کلمه و بیان کننده مبحث، اثبات یا رد نظریه و ارائه یافته‌های تحقیق باشد.

#### شیوه تنظیم منابع

منابع مورد استفاده در متن، در پایان مقاله و بر اساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی و نام نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود.

کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح یا محقق، محل انتشار، نام ناشر، نوبت چاپ، سال نشر.

مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره نشریه، سال انتشار، شماره صفحات مقاله.

مجموعه مقالات یا دایره المعارف‌ها: نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، نام کتاب، نام ویراستار، محل انتشار: نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد، شماره صفحات مقاله.

سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی و نام نویسنده، عنوان و موضوع، نام و آدرس سایت اینترنتی.

در نگارش فهرست منابع در آخر مقاله به تذکرات ذیل توجه شود:

در انتهای مقاله، ترجمه عربی روان چکیده که از سوی مترجم حاذق تهیه شده‌است، آورده شود.

توجه: حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات و چاپ آن برای مجله محفوظ و مقالات دریافتی مسترد نمی‌شود. نیز چنانچه مقاله‌ای خارج از ضوابط باشد، قابل بررسی نخواهد بود.

جهت ارتباط مستقیم با مدیر مسئول می‌توانید از قسمت تماس با استاد استفاده نمایید.

اگر قبل از چاپ به پذیره مقاله نیاز دارید از همان طریق که مقاله ارسال کرده‌اید، پیام دهید.

محورهای مورد پذیرش:

محور اصلی مقالات پذیرفته شده، آموزه‌های قرآنی و حدیثی خواهد بود و بنابراین کلیه مباحث حوزه مسائل قرآن و حدیث که بتواند در ارائه مناسب نظر صحیح دین در مسائل مبتلابه مانند الگو سازی زندگی، ارائه سبک زندگی دینی، تحلیل و پاسخ به شبهات قرآنی و حدیثی و... مؤثر باشد پذیرفته می‌شود.

توجه:

این شماره بنا به درخواست معاونت پژوهش حوزه علمیه نجفیه خاتون علیها السلام به مقالات طلاب محترمه آن مدرسه، تحت اشراف سرکار خانم دکتر نسیم تیموری اختصاص دارد.

#### راهنمای اشتراک

بهای اشتراک سالانه ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال و تک شماره ۵۰۰/۰۰۰ ریال است. خواهشمند است مبلغ حق اشتراک را به کارت شماره ۶۰۳۷۹۹۷۷۵۰۰۹۷۵۶ بنام «دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» واریز و تصویر آن را به آدرس الکترونیکی نشریه [faslname@quransonnat.net](mailto:faslname@quransonnat.net) ارسال فرمائید.

اینجانب:.....شغل:.....تحصیلات:.....مایلیم .....مجله  
«دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت» را از نیم سال:..... سال:..... دریافت  
نمایم.

آدرس: استان:..... شهر:..... خیابان:..... کوچه:..... پلاک:  
..... واحد:..... کدپستی:..... صندوق پستی:..... تلفن  
منزل / محل کار:..... تلفن همراه:.....  
پست الکترونی:.....

تاریخ: ۱۴۰۲/۸/۱۷  
شماره: ۱۴۰۲-۵۷۴  
پوست



مدرسه علمیة نجمه خاتون اس

باسمه تعالی

مدیر مسؤل محترم دو فصلنامه وزین پژوهش های نوین در آموزه های نوین  
در قرآن و سنت

جناب آقای دکتر غضنفری

سلام علیکم

ضمن تشکر از ترویج معارف قرآنی و مکارم اخلاقی برگرفته از قرآن کریم و  
سنت نبوی و روایات معصومین علیهم السلام در آن نشریه، مستدعی است در  
صورت امکان ترتیبی اتخاذ شود مقالات طلاب محترم این مدرسه هم به  
جهت نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و هم تقویت توان نگارشی طلاب  
منتشر گردد.

با احترام

معاونت پژوهش

مدرسه علمیة نجمه خاتون سلام الله علیها



نشانی: شهری، خیابان شهید حجة الاسلام سید حسن خمیری خیابان شهید سرگرد محمدی، میدان شهیدسیفی (صفائیه) کوچه مسجد امام حسن عسکری (ع)  
صندوق پستی: ۱۸۴-۱۸۷۱۵ تلفن: ۳۷۲۲۵۲۲ دورنگار: ۳۷۵۲۷۳۷

مقالات این نشریه با راهنمایی سرکار خانم دکتر نسیم تیموری تهیه و زیر نظر ایشان نگاشته  
شده و حسب درخواست حوزه علمیه نجمه خاتون علیه السلام در این شماره منتشر شده است.

## فهرست مقالات

- سخن سردبیر..... ۹
- واکاوی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان و تأثیرات آن‌از دیدگاه مفسران و روانشناسان / الهام السادات دهقانی فیروزآبادی..... ۱۱
- بررسی علل عدم تاثیرگذاری مصلحان در تربیت جامعه اسلامی / محترم ربیعی..... ۲۷
- رابطه عدل الهی با خلود از منظر قرآن با بهره‌گیری از دیدگاه علامه طباطبایی / سکینه صمیمی..... ۴۷
- بررسی ویژگی‌های عصر ظهور با محوریت آیات ۱۰۵ سوره انبیا و ۵۵ سوره نور/ مینا مرادی..... ۶۵
- نقش زن در تحکیم و تضعیف خانواده در کلام اهل بیت علیهم السلام / فاطمه خلق احمدی..... ۸۳
- بررسی نقش عوامل محیطی و وراثت در شخصیت انسان / افسانه نظام اسلامی..... ۱۰۱
- بررسی تبعات همنشینی با هواپرستان از دیدگاه قرآن و روایات / شهین بالایی..... ۱۱۷
- نقش ادب در تربیت اسلامی از منظر قرآن و روایات / زهرا محمدخانی ..... ۱۳۳
- ویژگی‌های قرآنی یاران مهدی علیه السلام / اعظم هاشمی..... ۱۵۱
- چکیده‌های عربی..... ۱۶۹





بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا و نبينا محمد و على اهل بيته الطاهرين

در قرآن و روایات فراوان در باره مستعاذ منه، آمده است. مانند سحر، کهان، طلسم که باید از آنها به خدا پناه برد. سحر می‌تواند یک مرتبه زندگی آدمی را زیر و رو کند؛ مثلاً مسلمان سراغ دینی دیگر از ادیان یا فرقه‌های عرفانی کاذب برود. بعضی وقت‌ها اینها فقط با یک کلمه، یک لحظه با یک دیدن ایجاد می‌شود یا مثلاً در خیابان راه می‌روید یک دفعه یک اتفاقی می‌افتد که از دین و از همه چیز برمی‌گردد.

یکی دیگر از چیزهایی که به خدا پناه ببریم از شر درد و مریضی است «اعوذ بالله من الامراض و الاسقام» از آتش سوزی، از سوختن، غرق شدن، مرگ بد، زمین گیر شدن یا فلج شدن.

یکی دیگر از موارد، سست شدن در عبادت است. آدم بی‌حال شود در عبادت؛ مثلاً نماز بخواند و حضور قلب نداشته باشد.

همچنین پناه بردن به خدا از ضررهای دنیوی، مثلاً ورشکستگی، همسایه بد، دوست ناباب، تفرقه و اختلاف، وسواس در پاکی و نجسی یا وسواس در اعتقادات، حرص و طمع، چشم زخم و حتی تضعیف دین و حوزه‌های علمی (زمانی همه مراجع تقلید شیعه در حلب سوریه بودند الآن حوزه که هیچی اصلاً معلوم نیست چقدر شیعه آنجا هست).

به عبارت دیگر به صورت کلی اینگونه می‌گوییم که پناه بردن به خدا از سه چیز است.

- پناه بردن به خدا از جهل، «أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» بقره/ ۶۷
- پناه بردن به خدا از فسق و گناه
- و پناه بردن به خدا از آفات و مکروهات.

این معنای اعوذ بالله یعنی مستعاذ منه بود. چند تا بحث دیگر هم بطور خلاصه لازم است مطرح شود.

یک مطلب اینکه: اعوذ بالله به تعبیرهای دیگر هم در قرآن آمده است. قرآن می‌فرماید: «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» ذاریات / ۵۰ فرار کنید، بسوی خدا بروید. این این همان اعوذ بالله است. یا مثلاً «ثُمَّ ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» انعام / ۹۱ بگو خدا و اینها را هم کنار بگذار یا مثلاً آیاتی که می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» فاطر / ۶ شیطان دشمن شما است شما هم با او دشمنی کنید و این را دشمن بگیرید. اینها یعنی همان اعوذ بالله من الشیطان الرجیم.

نکته دیگر اینکه: شیطان همان روح خبیث و شرور است. پس اگر چیزی یک موقع اذیت نکند شیطان نیست چرا که در ذات شیطان بدی است یعنی حتی اگر با او دوست شویم باز خیانت می‌کند.

نکته بعد اینکه: عبادت‌های زیادی داریم. قرائت قرآن، دعا، صدقه، احسان به پدر و مادر و... ولی چرا موقع قرآن خواندن اعوذ بالله می‌گوئیم نه سایر عبادات. علتش این است که قرآن یک عبادت جامع است یعنی قرآن هم اخلاق است هم اعتقادات است هم آداب معاشرت است. یعنی هرچه در دین هست در قرآن هست.

نکته دیگر اینکه: انبیاء: برای چه اعوذ بالله... می‌گویند. این برمی‌گردد به درجات و مراتب پیغمبران نوع عمل آنان، مثلاً اینکه پیامبر مجبور می‌شود با شخصی بی‌اعتقاد به خدا بنشیند، کدورت قلبی برای وی می‌آورد و باید که استعاده بگوید.

نکته آخر اینکه: اعوذ بالله من الشیطان یا عن الشیطان، با هم چه فرقی دارند؟ در این آیه شریفه که باره شیطان است «ثُمَّ لَا تَبِیْنَهُمْ مِّنْ بَیْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» اعراف / ۱۷ دو تا با «من» و دو تا را با «عن» بکار برده است. به نظر می‌رسد لازم است فرق بین (من و عن) روشن شود. به عقیده من اگر یک کار محسوس باشد بهتر است گفته شود اعوذ بالله من الشیطان، اما اگر که یک چیز نامحسوس باشد، گفته شود (اعوذ بالله عن الشیطان الرجیم).

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

## واکاوی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان و تأثیرات آن از دیدگاه مفسران و روانشناسان

صص ۱۱-۲۶

الهام السادات دهقانی فیروزآبادی<sup>۱</sup>


(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### چکیده

تاب‌آوری به توانایی فرد در تطابق با انواع مسائل از جمله مشکلات فردی، اجتماعی، اقتصادی اطلاق می‌شود. تاب‌آوری نوعی ترمیم خود است که به فرد این فرصت را می‌دهد که در تقابل با بحران‌ها صحیح‌ترین مواجهه را داشته و بتواند از آن موقیت به عنوان فرصتی برای رشد بهره برد. این ویژگی در بانوان با توجه به ساختار جسمی و روحی همچنین مسئولیت‌های ایشان در خانواده و اجتماع و پرورش نسل از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا که اگر همسر یا مادر در رویایی با مشکلات فرونریزد می‌تواند در بازیابی سایر افراد خانواده نقش بسزایی ایفاء کند. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای صورت می‌پذیرد، به بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان، پرداخته می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر تاب‌آوری شامل قابلیت‌های شخصیتی با مؤلفه‌های کنترل هیجان، پذیرش واقعیت و خودکارآمدی؛ سبک زندگی با مؤلفه نگرش مذهبی و محیط با مؤلفه‌های حمایت اجتماعی و آموزش می‌باشد که احساس رضایت و آرامش از ثمرات آن است.

کلید واژه‌ها: تاب‌آوری، روان‌شناسی، رویایی با مشکلات، زنان.

---

<sup>۱</sup> دانش پژوه مدرسه علمیه نجمه خاتون  e.dehghani58@gmail.com

## ۱- مقدمه

زندگی انسان‌ها بنا به فرموده خداوند متعال در آیه ۴ سوره بلد «لقد خلقنا الانسان فی کبد» در سختی و مواجهه دائمی با مشکلات است. در این میان بانوان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و احراز این توانمندی برای ایشان با توجه به ساختار وجودی و تأثیرگذاری‌های خانوادگی و اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و آسیب در این ناحیه می‌تواند صدمات جدی برای آنها به بار آورد (تاب آوری و تأثیر مثبت آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان و جامعه، ص ۴۳؛ نقش زن در سلامت خانواده، ص ۳۷۸).

تاب‌آوری<sup>۱</sup> توانایی تطابق فردی در مقابل عواملی مانند تهدیدات، حوادث، مشکلات فردی و خانوادگی، مشکلات سلامت و اقتصادی است (The Reliability and validity of the resilience scale for adults-turkish version. P. ۱۰۴) نیاز به تاب‌آوری جوامع و گروه‌های اجتماعی با افزایش بلایای طبیعی و انسانی و پیامدهای گسترده آنها حایز اهمیت ویژه‌ای است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حوادث دلخراشی مانند بیماری، جنگ، بلایای طبیعی و بحران‌های اقتصادی بی‌گمان برون‌دادهای جامعه‌شناختی زیانباری دارند. علاوه بر این آثار، وقایع استرس‌زا، خاصیت تجمعی دارند بدین معنا که هر واقعه استرس‌زا، اثرهای شدیدتر بعدی را در پی خواهد داشت (تبیین جامعه‌شناختی تاب‌آوری زنان شهر تهران در مواجهه با بیماری کرون، ص ۶۰).

زمانی که حادثه اتفاق می‌افتد عده‌ای نمی‌توانند مشکل را بپذیرند و در آسیب‌های شدید غوطه‌ور می‌شوند و این مساله به دنبال خودش تغییر سلامت جسمی و روانی را به همراه دارد. به طور عمده افراد حادثه دیده قادر نیستند به آسانی به شرایط متعادل و سازگار بازگردند. افراد در این موقعیت یا تسلیم شرایط شده یا تاب آورده و با آن سختی روبرو می‌شوند

(The process of resilience in women who are victims of domestic violence, p. ۳۹۶).

ممکن است در مسیر زندگی، بانوان مسائلی نظیر بیماری خود یا اطرافیان، نابرابری، خشونت خانگی، اعتیاد همسر، مشکلات اقتصادی و اموری از این دست را تجربه کنند. در چنین تجاربی

<sup>۱</sup> resilience

زنان معمولاً خود را فراموش می‌کنند و این امر بر بسیاری از جنبه‌های زندگی آنها اثرگذار است (اثر بخشی آموزش خانواده محور بر سلامت روان و تاب آوری زنان دارای همسر معتاد، مطالعه موردی: سبزوار، ص ۳۱). زنان، تربیت می‌کنند، پرورش می‌دهند، ایمنی و امنیت می‌آفرینند و سلامت نسل فعلی و نسل آتی منوط به وجود ایشان است. لذا بررسی تاب‌آوری آنان و عوامل مؤثر بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (چراغی و همکاران، سال، ص ۶۱).

این پرسش که چرا برخی از زنان در مواجهه با بلایا فرو می‌ریزند و در مقابل عده‌ای در رویارویی با مسائل توانمند هستند و به اصطلاح تاب‌آورند و قادرند مهارت‌ها و توانایی‌های خود را برای فائق آمدن بر مسائل به کار گیرند و خود را پس از رویارویی با چالش‌ها بازیابی کنند، مسأله‌ای است که این پژوهش در پی پاسخ به آن است.

### پیشینه

پژوهش‌های متعددی در رابطه با تاب‌آوری صورت پذیرفته است. کتاب «مجموعه مهارت‌های زندگی دانشگاه هاروارد» اثر فرخ بافنده که در سال ۱۴۰۰ نگاشته شده است، یکی از آثار مرتبط در این زمینه است. مؤلف در این کتاب به عدم تزلزل برخی افراد در سختی‌ها و نامالایمات اشاره کرده و معتقد است باید به ماهیت تاب‌آوری به شکل فردی و جمعی پرداخته شود. این کتاب به افراد می‌آموزد که چگونه با تقویت انعطاف‌پذیری، سختی‌ها و شکست‌های زندگی شخصی و کاری را پشت سر بگذارند.

کتاب «تاب‌آوری نقش کلیدی برای یافتن نقاط قوت درونی و غلبه بر مشکلات زندگی» اثر کارن ریویچ آندروشاته که در سال ۱۳۹۸ نگارش یافته است، پژوهشی دیگر در این موضوع است. این کتاب راهکارهایی به منظور رفع احساس تقصیر و فائق آمدن بر اندوه و اضطراب پیشنهاد می‌دهد.

مقاله «مطالعه تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی» اثر سیامک سامانی و همکاران که در سال ۱۳۸۶ نگارش یافته است، یکی دیگر از آثار مرتبط است. حاصل این پژوهش که با هدف بررسی تأثیر تاب‌آوری بر سلامت روانی و رضایت از زندگی انجام شده، این است که تاب‌آوری به واسطه کاهش مشکلات هیجانی و افزایش سطح سلامت روانی، رضایتمندی از زندگی را در پی دارد.

مقاله «بررسی رابطه‌ی بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه» اثر لادن هاشمی و بهرام جوکار که در سال ۱۳۹۰ نگارش یافته است، مطالعه‌ای دیگر می‌باشد. در این مقاله که به ارتباط معنی‌دار ابعاد معنوی با تاب‌آوری پرداخته شده است، تنها یکی از عوامل مؤثر بر تاب‌آوری مورد بحث قرار گرفته است.

مقاله «اثر بخشی آموزش خانواده محور بر سلامت روانی و تاب‌آوری زنان دارای همسر معتاد؛ مطالعه موردی: سبزوار» اثر علی محمد ناعمی که در سال ۱۳۹۴ نگارش یافته است، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. دستاورد پژوهش مذکور حاکی از آن است که زنان دارای همسر معتاد نسبت به زنان دیگر از مشکلات روانی بیشتری رنج برده و تاب‌آوری کمتری از خود نشان می‌دهند لذا آموزش خانواده‌محور با هدف ارتقای سلامت روانی و افزایش تاب‌آوری در این مورد می‌تواند در رفع مشکلات این زنان مؤثر باشد.

پایان نامه «مقایسه تاب‌آوری، نگرانی و سلامت روان در زنان مطلقه و زنان متأهل» اثر سارا ولی‌زاده که در سال ۱۳۹۴ نگارش یافته است، یکی دیگر از آثار مرتبط است. این پژوهش با هدف مقایسه نگرانی، تاب‌آوری و سلامت روان زنان مطلقه و زنان متأهل صورت گرفته و با توجه به ارتباط معنادار تاب‌آوری و سلامت روان، برگزاری دوره‌های آموزشی مبتنی بر افزایش مهارت‌های تاب‌آوری را توصیه می‌کند.

همانطور که از نظر گذشت بیشتر پژوهش‌های مرتبط به تأثیر تاب‌آوری یا تنها به یک جنبه از عوامل مؤثر بر تاب‌آوری پرداخته و سایر جوانب مغفول مانده است. همچنین جامعه آماری آنها، زنان به طور اخص نبوده است لذا مقاله حاضر در نظر دارد به طور ویژه عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان از نگاه روان‌شناسی را مورد بررسی قرار دهد.

## ۲- مفهوم‌شناسی تاب‌آوری

در این بخش به تبیین مفهوم تاب‌آوری در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود.

### ۲-۱- در لغت

تاب‌آوری در لغت‌نامه دهخدا، صبر، شکیبا بودن، تحمل کردن و طاقت آوردن معنی شده است. توانایی ماده یا شی در بازگشت به حالت اولیه نیز معرف واژه تاب‌آوری می‌باشد (لغت‌نامه دهخدا، سال، ذیل واژه تاب‌آوری).

## ۲-۲- در اصطلاح

تاب‌آوری در دیدگاه روان‌شناسی به عنوان پاسخ مناسب به شرایط تنیدگی‌زا یا موقعیت خطرآفرین توصیف می‌شود. به کمک مفهوم تاب‌آوری به این سوال پاسخ داده می‌شود که چرا یک فرد در شرایط خفیف تنیدگی، اضطراب زیادی نشان می‌دهد در حالی که فرد دیگری در شرایط حادث‌تر این واکنش را نشان نمی‌دهد. ( *Psychiatric-mental health* nursingLippincott Williams & Wilkins ۱۳۱ p-۱۲۳)

تاب‌آوری نوعی ترمیم خود است (پیش‌بینی تاب‌آوری روان‌شناختی بر اساس اعتقادات مذهبی در دانشجویان شهری و روستایی، ص ۴۶) که بازیابی سازنده سلامت در مدتی کوتاه را در پی دارد (Protective Factors for Youth Exposed to Violence. Youth Violence and Juvenile Justice, P. ۱۰۸)

در حقیقت تاب‌آوری به این معنا نیست که فرد در مقابل تنیدگی ایمن شود بلکه به این مفهوم است که فرد، شرایط تنیدگی را به عنوان فرصتی برای رشد فردی شناخت که به همراه خود، سلامت روانی و رضایت‌مندی از زندگی را به دنبال دارد، به حساب آورد. (The process of resilience in women who are victims of domestic violence: aqualitive approach, P. ۳۹۸. ص ۸۶).

گفتنی است در ابتدا معنای مشابهی از دو واژه تاب‌آوری و مقاومت به ذهن متبادر می‌شود؛ اما باید توجه داشت که تاب‌آوری نتیجه تقویت و بالا رفتن سازگاری و تطبیق است در حالی که مقاومت به تحمل سختی‌ها نظر دارد که لزوماً باعث تغییر مثبتی در نتایج نمی‌شود (برگرفته از بررسی ارتباط تاب‌آوری با کیفیت زندگی در مراقبین خانوادگی بیماران مبتلا به اختلالات روانی).

## ۳- عوامل مؤثر بر تاب‌آوری

بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری به افراد کمک می‌کند تا با شناخت بیشتر در این راه گام بردارند.

## ۳-۱- قابلیت‌های شخصیتی

تاب‌آوری ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی و محیطی است. تاب‌آوری تجهیز خود برای پرورش یک شخصیت رشدیافته و سازگار برای مقابله و بازیابی انرژی در چالش‌های زندگی

است. (Resilience traits of African American women survivors of intimate partner violence, p ۱۰۶)

فرد تاب‌آور، فردی است که توانایی رفتار سلامت در شرایط تنیدگی‌ها یا خطرآفرین را دارد. تظاهرات تاب‌آوری را می‌توان در توانایی فرد در فعالیت‌های روزانه مشاهده کرد. (Psychiatric-mental health nursing, page ۱۲۳-۱۳۱)

### ۱-۱-۳- کنترل هیجان

پاسخ تاب‌آورانه به مشکلات خالی از هیجانان نیست. اگر هیجانان مربوط به رویداد ناخوشایند به درستی پردازش نشود، آمادگی لازم برای رویارویی با مشکلات سخت فراهم نخواهد بود. به عبارت دیگر، تاب‌آوری یعنی منعطف بودن و مدیریت هیجانان نه سرکوب آنها (تاب‌آوری به منزله چارچوبی برای کوچینگ، ص ۴۱ و ۱۹۶).

### ۲-۱-۳- پذیرش واقعیت

پذیرش واقعیت به معنای داشتن نگرشی بدون قضاوت و منصفانه به خود و شرایط موجود است. به عبارت دیگر، پذیرش واقعیت به این معنی است که فرد شرایط و امکانات خود را در هر حدی که هست بپذیرد و بر اساس آن برنامه‌ریزی کرده و گام بردارد.

خودپذیری یعنی فرد خود را با تمامی عیب‌ها و نقص‌ها بپذیرد و با آگاهی از توانمندی‌هایی که خدا به او عطا کرده بدون تحقیر و سرزنش خود، تلاش کند از امکانات موجود بهترین بهره را در راه رسیدن به آرمان خود ببرد. فرد با قابلیت‌های شخصیتی، فردی است که فارغ از هرگونه امتیازدهی مثبت و منفی به خود در تلاش است با پذیرش واقعیت با توجه به امکانات موجود در راه هدف گام بردارد. خودپذیری به این معنی نیست که فرد گمان کند همین که هست کافی است و به تلاش بیشتر برای دستاوردهای بالاتر نیازی ندارد؛ بلکه با واقع‌نگری و احتساب دقیق آنچه هست با آنچه می‌خواهد باشد، تلاش می‌کند انتظاری درست از خود داشته و از خیال‌زدگی پرهیزد. به عبارت دیگر، پذیرش واقعیت به معنای تسلیم شدن نیست، بلکه به معنای پذیرفتن حقیقتی است که در آن لحظه باید با آن روبرو شد (تاب‌آوری چارچوبی برای کوچینگ، ص ۶۰؛ پنجمین فرمان، ص ۱۷۸).

نگرش‌های مورد نظر در پذیرش واقعیت عبارتند از تعهد، کنترل و چالش‌طلبی. مقصود از تعهد آن است که فرد در رویارویی با شرایط دشوار به جای ترک صحنه، حضور خود را در صحنه



حفظ و در برطرف کردن مشکل یاری رساند. مراد از کنترل آن است که فرد، توانایی اثرگذاری بر نتایج و رویدادها را داشته باشد. همچنین مقصود از چالش‌طلبی، رویارویی فرد با چالش‌ها به جای مقصر قلمداد کردن سرنوشت است. به این معنا که فرد درصدد ایجاد فرصت‌هایی برای رشد خود و دیگران باشد (ارتباط بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی، ص ۸۱ و ۸۶). نگرش‌های نامبرده و نگرش‌هایی از این دست به فرد کمک می‌کند تا شجاعت پذیرش واقعیت را داشته و با آن به طور مؤثر روبرو شود.

### ۳-۱-۳- خودکارآمدی

از قابلیت‌های شخصیتی که فرد را در تاب‌آوری توانمند می‌سازد، خودکارآمدی است. خودکارآمدی به معنای باور فرد درمورد توانایی مقابله خویش در موقعیت‌های خاص است و الگوهای فردی، رفتاری و هیجانی را در سطوح مختلف تجربه انسانی تحت تأثیر قرار می‌دهد. کسانی که خودکارآمدی بالایی دارند، هدف‌های چالش‌برانگیز را بر می‌گزینند و به خود بیشتر باور دارند. این افراد کوشش و پافشاری بیشتری از خود نشان می‌دهند و کارکردشان در انجام کار بهتر است. تاب‌آوری، توانایی مقابله مؤثر با فشار و مشکلات پیش آمده و غلبه بر نامایمات و توانایی تغییر آنهاست که از طریق افزایش خودباوری و فراهم کردن فرصت‌ها و موفقیت‌ها تقویت می‌شود (رابطه سبک زندگی اسلامی با خودکارآمدی تحصیلی و تاب‌آوری و تاب‌آوری تحصیلی در دانشجویان، ص ۱۰۶). بنابر این احساس کارآمد بودن به فرد این توانایی را می‌دهد که از واقعیت موجود، بهترین بهره را برده و در نامایمات، ظرفیت و توان بیشتری از خود نشان دهد.

### ۳-۲- سبک زندگی

به روشی که افراد در طول زندگی انتخاب می‌کنند، سبک زندگی گفته می‌شود که زیربنای آن در خانواده پی‌ریزی می‌شود و متأثر از فرهنگ، نژاد، مذهب، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و باورها است. در جوامع گوناگون، بحث از آیین و روش زندگی دینی مطرح است و ادیان مختلف در طول تاریخ، دستورالعمل‌های خاصی برای همه ابعاد زندگی انسان پیشنهاد داده و مدعی بوده‌اند که جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روش زندگی ارائه شده توسط آنان است.

در این میان، اسلام اشاره به شیوه و سبکی از زندگی دارد که منبع اصلی استخراج آن، کتاب آسمانی است. سبک زندگی اسلامی به مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد و خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهم‌ترین معیارهای

سبک زندگی مورد تأیید اسلام است. در واقع در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر اسلام و رهنمودهای قرآنی باشد (رابطه سبک زندگی اسلامی با خود کارآمدی تحصیلی و تاب آوری و تاب آوری تحصیلی در دانشجویان، ص ۱۰۶).

### ۳-۲-۱- نگرش مذهبی

محققان بر این عقیده هستند که حالات تاب‌آوری طی یک فرآیند شکست و انسجام مجدد به دست می‌آید که انسجام مجدد تاب‌آورانه به یک منبع انرژی نیاز دارد. به اعتقاد محققان، نیرویی در درون هر فرد وجود دارد که او را به سوی خود شکوفایی، نوع‌دوستی، خرد و هماهنگی سوق می‌دهد و این نیرو از یک منبع معنوی سرچشمه می‌گیرد (بررسی رابطه‌ی بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه، ص ۱۲۷).

موضوع مذهب از دیرباز در روان‌شناسی مورد توجه بوده است. فروید مذهب را به عنوان پدیده‌ای برخاسته از نیاز بشر معرفی کرده و بر این اعتقاد است که یگانه هدف آن کمک به بشر برای غلبه بر ترس‌هایی است که در طول زندگی با آنها روبرو می‌شود (رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان، ص ۷۶).

از نیمه دوم قرن بیستم به ویژه پس از دهه ۸۰، پژوهش‌های مربوط به دین و معنویت به طور فزاینده‌ای در میان روان‌شناسان و روان‌درمانگران رواج یافت به طوری که مجله تایم در سال ۱۹۸۰ نوشت علاقه به پژوهش در باب دین، احیا شده است و خدا در حال بازگشت به صحنه زندگی بشر است. یونگ معتقد است خلاً دین سبب بیماری می‌شود. تا جایی که صریحاً اذعان می‌کند: «در میان همه بیمارانی که در نیمه دوم حیات خود با آنها مواجه بوده‌ام یکی هم نبوده که مشکل او در آخرین وهله چیزی جز یافتن یک نگرش دینی باشد» (اثربخشی ارتقاء نگرش دینی بر رفتار مجرمانه جوانان، ص ۲۰).

آثار دین‌داری در سطح فردی و جمعی مشاهده می‌شود. در سطح فردی، آرامش ذهن تا خشنودی و رضایت از زندگی، تفسیر خوش‌بینانه از مرگ و سلامت جسمی و روانی و در سطح جمعی، انسجام اجتماعی، نوع دوستی و کاهش جرم و انحراف از جمله مهم‌ترین آثار دین‌داری است (همان). ایمان مذهبی، مکانیسم‌های سازگاری را افزایش می‌دهد. دین می‌تواند افراد را توانمند ساخته و به طور مؤثری ایشان را در غلبه بر ترس و فشارهای روانی یاری رساند (بررسی وضعیت نگرش مذهبی دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ص ۳۱۵).

مذهب، مجموعه‌ای از اعتقادات و احساسات و اعمال فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی یا امر مقدس سازمان یافته است. افراد در مواجهه با رویدادهای پراسترس زندگی معمولاً به نظام باورها و اعمالی همچون نماز و دعا متوسل می‌شوند و آنچه در حال وقوع است را به خواست خداوند، امتحان الهی، درس زندگی و ... نسبت می‌دهند یا موفقیت‌ها و شکست‌های روزمره را به عنوان پاداش و تنبیه الهی در نظر می‌گیرند. این شیوه مقابله می‌تواند سودمند واقع شود و در واقع راه میانبری باشد که از طریق آن افراد بتوانند راهبرد جدیدی را برای حل مسائل خویش به کار گیرند (رابطه باورهای مذهبی و انعطاف‌پذیری‌کنشی با خوش‌بینی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه، ص ۴۹). با این نگرش، زندگی نوعی امتحان است که بیماری، فقر، ثروت، سلامتی یا روابط سخت می‌تواند از مصادیق آن باشد و انسان‌ها بنا بر پاسخی که به این امتحان‌ها می‌دهند، سرنوشت خویش را در دنیای دیگر رقم می‌زنند.

دین عامل قوی و تأثیرگذار بر تاب‌آوری است و در شرایط سخت زندگی سوالاتی از این دست که «خداوند اکنون مرا به انجام دادن چه رسالتی فراخوانده است؟» را موجب می‌شود. این دیدگاه به این معنا است که اکنون تکلیفی برعهده فرد گذاشته شده است که از طریق انجام دادن آن به هدف و معنا در زندگی دست خواهد یافت. در این راستا افرادی که تلاش کافی کرده و از خداوند استعانت می‌جویند به توانمندی بالاتری دست می‌یابند. می‌توان گفت ایمان، چارچوبی فلسفی و معنوی است که در آن تجربیات فردی حتی در شرایطی که به نظر می‌رسد هیچ امیدی نمانده است به صورت معنادار و همراه با امیدواری تعبیر و تفسیر می‌شود (تاب‌آوری به منزله چارچوبی برای کوچینگ، ص ۸۲).

### ۳-۳- محیط

در این بخش تأثیر محیط خانوادگی، آموزشی و اجتماعی بر میزان تاب‌آوری از نظر می‌گذرد.

### ۳-۳-۱- محیط خانوادگی

ویژگی‌ها و خصوصیات فردی ما در خلأ به وجود نمی‌آیند، بلکه در محیط خانوادگی معنا می‌یابند و شکل می‌گیرند. از این رو، محیط خانوادگی به میزان قابل توجهی می‌تواند در رشد تاب‌آوری فرد مؤثر باشد. هر زنی تاب‌آوری خود را به شکل متفاوتی رشد می‌دهد که به تجارب منحصر به فرد و عوامل حمایتی او در محیط خانواده بستگی دارد (تاب‌آوری زنان هفت گام برای افزایش تاب‌آوری زنان، ص ۹۵-۹۱).

### ۲-۳-۲- محیط آموزشی

گسترش احساسات مثبت از طریق آموزش تاب‌آوری افزایش می‌یابد و بر سازگاری و مقابله با مسائل کمک می‌کند (اثربخشی آموزش خانواده مجبور بر سلامت روان و تاب‌آوری زنان دارای همسر معتاد، ص ۴۵).

مشکلات به تنهایی انسان‌ها را پریشان‌حال نمی‌کنند بلکه نگرش نسبت به مشکلات است که این حالت را پدید می‌آورد. بر همین اساس می‌توان به انسان‌های هوشمند آموخت که گرفتار غم و ناامیدی نشوند. لذا آموزش تاب‌آوری در جهت رشد عاطفی و شناختی و هیجانی حائز اهمیت است (ارتباط بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی، ص ۸۷).

افراد می‌توانند تحت آموزش قرار گیرند تا ظرفیت تاب‌آوری خود را با آموختن برخی مهارت‌ها افزایش دهند و با واکنش مناسب در برابر تنیدگی، رویدادهای ناخوشایند و دشواری‌ها را تغییر دهند و بر مشکلات، غلبه پیدا کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که آموزش باعث افزایش مهارت تاب‌آوری و سلامت عمومی زنان می‌شود و تأثیرات آن پایدار باقی می‌ماند.

### ۳-۳-۳- محیط اجتماعی

یکی از تصورات غلط درباره تاب‌آوری این است که تاب‌آوری، درون‌فردی است. از عوامل حمایتی مؤثر بر تاب‌آوری، روابط است (تاب‌آوری به منزله چارچوبی برای کوچینگ، ص ۷۱). تاب‌آوری در انزوای اجتماعی رشد نمی‌کند. افراد از اینکه در سختی از دیگران درخواست کمک کند یا پیشنهاد کمک آنها را قبول کنند، نباید واهمه داشته باشند. این کار نشانه ضعف نیست. تاب‌آوری وابسته به یک باور مشترک میان همه انسان‌هاست، مبنی بر اینکه آینده‌ای خوب در انتظار است که ارزش تلاش و سختی امروز را دارد. حمایت دیگران یکی از مهم‌ترین منابع حمایتی است که هر انسانی می‌تواند در طول زندگی خود داشته باشد. دریافت حمایت دیگران مانند سپری در برابر تأثیرات ناگوار وقایع ناخوشایند عمل می‌کند. حمایت دیگران این اطمینان خاطر را می‌دهد که فرد تنها نیست و کمک می‌کند خود باوری دوباره در فرد احیا شود. همچنین باید سعی کرد از کسانی که در سختی درخواست کمک می‌کنند، حمایت کرد (هامن، ص ۲۰۰).

#### ۴- تأثیرات تاب‌آوری

احساس آرامش و رضایت‌مندی دو اثر مهم از تأثیرات تاب‌آوری است که در این بخش بدان پرداخته می‌شود.

##### ۴-۱- احساس آرامش

مفهوم تاب‌آوری شامل آرامش زیر فشار است (اثربخشی آموزش خانواده محور بر سلامت روان و تاب‌آوری زنان دارای همسر معتاد، ص ۴۲). تاب‌آوری و رفتارهای تاب‌آورانه به طور بالقوه به افراد کمک می‌کند تا بر تجارب منفی غلبه کرده و آنها را به تجارب مثبت تبدیل کنند (رابطه بین تاب‌آوری و فرسودگی شغلی پرستاران، ص ۹۵). به عبارت دیگر، مفهوم تاب‌آوری هم شامل آرامش است، هم آرامش را به دنبال دارد. به این نحو که تاب‌آوری در مواجهه با مشکلات به فرد می‌آموزد که قدر دان داشته‌ها و موهبت‌های الهی که به او افاضه شده، باشد که این امر، آرامش را برای فرد به ارمغان می‌آورد.

##### ۴-۲- رضایت‌مندی

هیچ انسانی در گذر زندگی از آسیب روانی مصونیت ندارد. عوامل تنیدگی‌زای شدیدی که معمولاً غیرقابل پیش‌بینی هستند، تهدیدکننده سلامت روانی افراد می‌باشند و انسان‌ها در این شرایط، واکنش یکسانی از خود نشان نمی‌دهند.

تحقیقات نشان داده است که یکی از دلایل واکنش‌های متفاوت افراد در شرایط بحرانی، تاب‌آوری است. تاب‌آوری نه تنها به معنای مقابله با مشکلات در رویدادهای ناگوار است، بلکه پاسخی انعطاف‌پذیر به سختی‌های زندگی است. بسیاری از انسان‌ها که در معرض آسیب قرار گرفته‌اند، می‌توانند با تاب‌آوری به سلامتی از آن بگذرند و حتی به رشدی بیش از پیش دست یابند.

رضایت از زندگی که یکی از اثرات تاب‌آوری است، یک راه مهم برای رسیدن به اهداف است؛ چرا که وقتی افراد شاد هستند، تفکری فراخ‌اندیش و خلاق دارند. از این رو، تاب‌آوری یک راه‌حل امیدبخش و خوشایند در رفع مشکلات است (ارتباط بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی، ص ۸۶).

وقتی صحبت از فرد تاب‌آور می‌شود، فردی متصور است که مبادرت به برقراری روابط مثبت کرده، واکنشی سازگارانه به ناملایمات و سختی‌ها دارد؛ فردی که به جای ملامت خویش، فهم و شناخت درستی نسبت به توانایی‌های خویش و مشکلات دارد. چنین فردی اعتقاد دارد که اگر واقعا اراده کند، می‌تواند به اهداف خویش برسد و این باور رضایت‌مندی به دنبال دارد.

نکته دیگر در افراد تاب‌آور که باعث رضایت‌مندی ایشان می‌شود این است که این افراد واقف هستند که بعضی از شرایط را نمی‌توان تغییر داد لذا بر شرایطی تمرکز می‌کنند که بر آنها تأثیر گذارند. ایشان تلاش می‌کنند از مشکلاتی که تجربه کرده‌اند، بیاموزند (تاب‌آوری زنان هفت گام برای افزایش تاب‌آوری زنان، ص ۶۱-۶۲). این امر، آرامش و رضایت‌مندی را به دنبال دارد.

### ۵- تأثیرات عدم‌تاب‌آوری

این باورها ممکن است در ذهن فرد تاب‌آور هم وجود داشته باشد و کنترل افکار فرد تاب‌آور را در دست گیرد ولی در نهایت فرد این باورها را کنار می‌گذارد و اقدامات سازنده را جایگزین آنها می‌نماید.

### ۱-۵- شکست‌ناپذیری

احساس شکست‌ناپذیر بودن یکی از باورهای غیر تاب‌آورانه است. شاید در ابتدا گمان گردد که این مورد یکی از ویژگی‌های افراد تاب‌آور است ولی باید پذیرفت هر انسانی نقاط ضعفی هم دارد. در مواجهه با تنیدگی شدید، از هم‌پاشیدگی جزء طبیعی و حتی لازم، از واکنش تاب‌آورانه است زیرا وقتی فرد از هم می‌پاشد فرصت مناسبی برای تشخیص نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های او ایجاد می‌شود و در نتیجه فرد می‌تواند راه‌های جدیدی برای مواجهه با سختی‌ها در خود پرورش دهد. ممکن است عده‌ای از هم‌پاشیدگی را قسمتی از پاسخ تاب‌آورانه ندانند. در چنین شرایطی راه‌هایی که فرد قبلاً برای مواجهه و سختی استفاده می‌کرد دیگر جواب نمی‌دهد و فرد مجبور به یافتن راه‌های جدید می‌شود ولی توجه به این نکته حایز اهمیت است که دوره فروپاشی خالی از خطر نیست. از طرفی ممکن است این فروپاشی به یکپارچگی بینجامد و از طرف دیگر ممکن است این فروپاشی هیچ‌گاه به یک کل منسجم و معنی‌دار منتهی نشود و فرد را برای همیشه در مرحله بی‌ثباتی نگه‌دارد (همان، ص ۱۵۰).

### ۲-۵- چرا من باید با مشکل مواجه شوم

یکی دیگر از تفکرات غیر تاب آورانه این است که چرا من باید با این مشکل مواجه شوم و این سوالی است که هیچ‌گاه به جواب نمی‌رسد. تنها راه رهایی، مواجهه با واقعیت است، هر قدر هم که تلخ باشد. دیدگاهی که باید جزئی از نگرش تاب آورانه باشد این حقیقت است: «رویدادهای بد اتفاق می‌افتند و این موضوع به این‌که من انسان خوبی بوده‌ام یا نه ربطی ندارد» (تاب آوری به منزله چارچوبی برای کوچینگ، ص ۱۵۲).

### ۳-۵- تفکر قربانی بودن

تفکر قربانی بودن نیز یکی دیگر از باورهای غیر تاب آورانه است. هر فرد ممکن است به نحوی قربانی شده باشد و تحت تأثیر وقایعی چون جرایم خشونت‌بار، بی‌عدالتی و فجایع طبیعی و انسانی قرار گرفته باشد ولی پس از آن تصمیم بگیرد با آنچه بر او رخ داده مواجه شود. با این حال قربانی بودن نوع دیگری هم دارد که دامی بیش نیست. در این مورد فرد تصور می‌کند به علت یک رویداد ناخوشایند یا بدشانسی، درمانده و بی‌اراده شده است. در این شرایط فرد برای تغییر وضعیت خود هیچ تلاشی نمی‌کند و دیگران را به دلیل مشکلاتی که برایش پیش آمده مقصر دانسته و سرزنش می‌کند (همان، ۱۶۵).

### نتیجه گیری

تاب آوری به عنوان پاسخی مناسب به شرایط تنیدگی را توصیف می‌شود. تاب آوری به این معنا نیست که فرد در مقابل تنیدگی ایمن می‌شود بلکه به معنای بازیابی سازنده سلامت در مدتی کوتاه است. با توجه به این مطلب که برخی از زنان در رویارویی با مسایل توانمند هستند و به اصطلاح تاب آورند و قادرند مهارت‌ها و توانایی‌های خود را برای فایق آمدن بر مسایل بکار گیرند و خود را پس از رویارویی با چالش‌ها بازیابی کنند و عده‌ای دیگر در این امر ناتوان هستند در این مقاله به مبحث تاب آوری و به طور ویژه عوامل موثر بر آن پرداخته شد.

در این میان برخی از باورهای غیر تاب آورانه مانند شکست ناپذیر بودن و تفکر قربانی بودن مورد بررسی قرار گرفت. مدل‌های تاب آوری شامل مدل چالشی، جبرانی و مدل عوامل محافظ بررسی گردید. ایجاد حس رضایت مندی و آرامش بخشی به عنوان تأثیرات تاب آوری مطرح شد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که عوامل موثر بر تاب آوری شامل قابلیت‌های

شخصیتی با مولفه های کنترل هیجان، پذیرش واقعیت و خودکار آمدی، سبک زندگی با مولفه نگرش مذهبی و محیط شامل مولفه های حمایت اجتماعی و آموزش م باشد. یافته ها به طور اخص بر نقش نگرش مذهبی و دین در تاب آوری منطبق است. در نظر دینداران تجارتي سودمندتر از این نیست که بر ناگواری های زودگذر دنیا شکیبایی ورزند تا آسایش جهان ابدی را بدست آورند. ایمان نوعی همدلی مشترک پدید می آورد و دانستن اینکه فرد عضوی از یک اجتماع بزرگ است به حل بحران ها در زندگی کمک می کند و فردی تاب آور را رشد می دهد.

## منابع

### قرآن

۱. آگورمن، پاتریشیا، تاب آوری زنان هفت گام برای افزایش تاب آوری زنان، مترجمان: محمد رضا مقدسی، غف حیدری، تهران: انتشارات جوانه رشد، ۱۳۹۹ ه ش.
۲. امینی، فهیمه، «رابطه بین تاب آوری و فرسودگی شغلی پرستاران»، مجله توسعه پژوهشی در پرستاری و مامایی، ۱۳۹۲ ه ش، شماره ۲.
۳. بابا نژاد ایرانی، ارکاناز، نریمانی شندی، احمد، «تاب آوری و تاثیر مثبت آن در کاهش آسیب های اجتماعی زنان و جامعه»، هشتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان شناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، ۱۳۹۹ ه ش.
۴. بافنده، فرخ، مجموعه مهارتهای زندگی دانشگاه هاروارد، انتشارات پندار تابان، ۱۴۰۰ ه ش
۵. چراغی، معصومه و دیگران، « تبیین جامعه شناختی تاب آوری زنان شهر تهران در مواجهه با بیماری کرونا»، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۱۳۹۹ ه ش، شماره ۲.
۶. حسین چاری، مسعود، محمدی، مژگان، « پیش بینی تاب آوری روان شناختی براساس اعتقادات مذهبی در دانشجویان شهری و روستایی»، روانشناسی معاصر ۱۳۹۰ ه ش، (۲) ۶.
۷. خلعتبری، جواد، بهاری، صونا، « ارتباط بین تاب آوری و رضایت از زندگی»، فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۳۹۸ ه ش، شماره ۲.
۸. دهخدا، لغت نامه
۹. رجالی، مهري، مستاجران، مهناز، «بررسی وضعیت نگرش مذهبی دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان»، مجله تحقیقات نظام سلامت سال هشتم، ۱۳۹۰ ه ش، شماره ۲.
۱۰. رضایی، اباذر، جان بزرگی، مسعود، « اثربخشی ارتقاء نگرش دینی بر رفتار مجرمانه جوانان»، روان شناسی و دین، ۱۳۹۲ ه ش، شماره اول.



۱۱. ریویچ، کارن، شاته، آندرو، تاب آوری نقش کلیدی برای یافتن نقاط قوت درونی و غلبه بر مشکلات زندگی، مترجم: مهسار مشتاق، ۱۳۹۸ ه. ش.
۱۲. زاهد بابلان، عادل، رضایی جمالویی ححسن، حرفتی سبحانی، رعنا، «رابطه دل‌بستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۳۹۱ ه. ش، شماره ۳.
۱۳. سامانی، سیامک، جوکار، بهرام، صحراگرد، نرگس، «تاب‌آوری سلامت روانی و رضایت از زندگی»، مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۳۸۶ ه. ش، شماره ۳.
۱۴. سنگه، پیتر، پنجمین فرمان، خلق سازمان یادگیرنده، مترجم: حافظ کمال هدایت و محمد روشن، چاپ چهاردهم، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۹۸ ش.
۱۵. شفیع زاده، رقیه، «رابطه تاب‌آوری با پنج عامل بزرگ شخصیت»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۳۹۱ ه. ش، شماره ۳.
۱۶. کریمی راد، محمد رضا، «بررسی ارتباط تاب‌آوری با کیفیت زندگی در مراقبین خانوادگی بیماران مبتلا به اختلالات روانی مراجعه‌کننده به مراکز روانپزشکی آموزشی‌درمانی دانشگاه‌های منتخب علوم پزشکی تهران». ۱۳۹۳ ه. ش. پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی‌ارشد روان‌پرستاری. دانشکده پرستاری- مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
۱۷. کریمی‌ان، حسین، «روش بدخورد با مشکلات از نظر نهج البلاغه» پیام زن. ۱۳۸۸ ه. ش، شماره ۲۱۲.
۱۸. زینبوند، مژگان، «نقش زن در سلامت خانواده» دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه. دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۶ ه. ش.
۱۹. ناعمی، علی محمد، «اثر بخشی آموزش خانواده محور بر سلامت روان و تاب‌آوری زنان دارای همسر معتاد، مطالعه موردی: سبزوار» ۱۳۹۴ ه. ش، شماره ۱.
۲۰. نصر اللهی، مرضیه، ژیان باقری، معصومه، همتی راد، گیتی، «رابطه سبک زندگی اسلامی با خود کار آمدی تحصیلی و تاب‌آوری تحصیلی در دانشجویان»، فصلنامه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت. ۱۳۹۸ ه. ش، شماره ۷.
۲۱. نصیر، مرضیه، نادری، فرح، «رابطه باورهای مذهبی و انعطاف‌پذیری‌کنشی با خوش‌بینی در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه»، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۱۳۹۳ ه. ش، شماره ۱۹.
۲۲. نینان، مایکل، تاب‌آوری به منزله چارچوبی برای کوچینگ، راهنمایی برای مشاوران و روان‌شناسان. مترجمان: محمد رضا مقدسی، مرضیه نزاکت الحسینی، تهران انتشارات رشد، چاپ اول، ۱۴۰۰ ش.
۲۳. ولی زاده، سارا، «مقایسه تاب‌آوری، نگرانی و سلامت روان در زنان مطلقه و زنان متأهل»، استاد راهنمایی ایرج صالحی، ۱۳۹۴ ه. ش.

۲۴. هاشمی، لادن، جوکار، بهرام، «بررسی رابطه‌ی بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه»، مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی، ۱۳۹۰ ه.ش، شماره ۱۳.
- ۲۵-Basim H N, Cetin F (۲۰۱۱) the Reliability and validity of the resilience scale for adults-turkish version. *Turkish Journal of Psychiatry*. ۲۲(۲) ۱۰۴-۱۱۴.
- ۲۶-Eley D S, Cloninger C R, Walters L, Laurence C, Synnott R and Wilkinson D (۲۰۱۳) the relationship between resilience and personality traits in doctors: implications for enhancing well being. *PeerJ*. Nov ۱۹;۱:e۲۱۱۶. doi: ۱۰.۷۷۱۷/peerj.۲۱۱۶. eCollection
- ۲۷-Fortune M, Abugideiri S E, & Dratch M (۲۰۱۰) A commentary on religion and domestic violence. *Domestic violence: Intersectionality and culturally competent practice*. ۱-۱۷.
- ۲۸-Jain S, Buka S L, Subramanian S V and Molnar B E (۲۰۱۲) Protective Factors for youth exposed to violence role of developmental assets in building emotional resilience. *Youth Violence and Juvenile Justice*. ۱۰(۱) ۱۰۷-۱۲۹.
- ۲۹-Nishi D, Uehara R, Kondo M and Matsuoka Y (۲۰۱۰) Reliability and validity of the Japanese version of the Resilience Scale and its short version. *BMC Research Notes*. ۳(۱) ۳۰۴-۳۱۰.
- ۳۰-Trigueiro T H, Labronici L M, Merighi M A B and Raimondo M L (۲۰۱۴) The process of resilience in women who are victims of domestic violence: a qualitative approach ۱۹(۳):۳۹۵-۴۰۱.
- ۳۱-Wortham T T (۲۰۱۳) Resilience traits of African American women survivors of intimate partner violence (ipv): Mental health practitioner perspectives (Doctoral dissertation, Capella University).
- ۳۲-Zolkoski S M, Bullock L M (۲۰۱۲) Resilience in children and youth: a review. *Children and Youth Services Review*. ۳۴(۱۲) ۲۲۹۵-۲۳۰۳.

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت  
سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

بررسی علل عدم تاثیرگذاری مصلحان در تربیت جامعه اسلامی صص ۴۶-۲۷

محترم ربیعی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

## چکیده

یکی از اهداف مهم جامعه اسلامی، تربیت فردی و اجتماعی است. در سایه تحقق این امر می‌توان به جامعه ای مطلوب و آرمانی که در آن حقوق متقابل افراد رعایت می‌گردد و قوانین آن عادلانه و بشر دوستانه است، دست یافت. در چنین جامعه ای همواره مصلحان راستین، دلسوزانه در جهت هدایت جامعه به سوی رستگاری و سعادت تلاش می‌نمایند. مصلحانی که علاوه بر اصلاح خویش، تربیت افراد اجتماع را وظیفه خود می‌دانند تا زمینه ساز شکل گیری حکومت جهانی امام زمان (عج) در عصر غیبت باشند. مقاله حاضر با روش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی، تحلیلی، به بررسی موانع فردی مصلحان در راستای تربیت جامعه اسلامی پرداخته و اولین قدم اصلاحات یعنی خودسازی فرد مصلح و رفع رذایل اخلاقی احتمالی در وی، همچون عجب و خودپسندی، ظلم و انظلام، دنیا پرستی را مورد تاکید قرار داده است. علاوه بر موانع فردی، علل اجتماعی عدم اثرگذاری از جمله وضعیت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، همچنین عوامل موثر در تربیت جامعه که شامل خودسازی، خداشناسی و شناختن راهکارهای موثر در ارتباط نظیر خوش رویی، آراستگی، حلم و بردباری، عفو و گذشت، محبت و دوستی و تغافل می‌شود، ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: مصلح، تربیت، جامعه، رذایل اخلاقی

---

<sup>۱</sup> دانش پژوه مدرسه علمیه نجمه خاتون  rabiemohtaram@gmail.com

## ۱- مقدمه

یکی از مهمترین مسائلی که همواره در جامعه اسلامی مطرح بوده اصلاح نابسامانیهای موجود در اجتماع می‌باشد. تربیت فردی و اصلاح جامعه از اهداف بنیادین آموزه‌های اسلامی است که آیات و روایات بسیاری بر آن تاکید دارند؛ از آنجا که حرکت انسان برای رسیدن به ساحل نجات حرکت جمعی است، لذا به تنهایی نمی‌توان اقدامات لازم برای سعادت را فراهم نمود. از این رو، ضروری است در مسیر هدایت اجتماع، دردها را شناخته و به درمان آن اقدام شود.

شایان ذکر است، چنانچه فرد مصلح در جبهه جهاد اکبر پیروز نباشد و زمام کار خویش را به شیطان و نفس اماره بسپارد، نمی‌تواند امور جامعه را سامان بخشد، زیرا تربیت فرد و اصلاح جامعه بر یکدیگر تأثیر مستقیم دارند. به عبارت دیگر رشد فکری و بصیرت اجتماعی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی است، افرادی که ادعای اصلاح جامعه را دارند گاه‌گاه در این امر مهم موفق نبوده و نمی‌توانند اثر چندانی در تربیت محیط پیرامون خود داشته باشند. بنابراین یکی از مهمترین دغدغه‌هایی که شایسته است بدان پرداخته شود، بررسی علل عدم تأثیرگذاری مصلحان در مسئله هدایت جامعه به سوی غایت آفرینش انسان یعنی رسیدن به مقام خلیفه الهی است. گفتنی است اگر غفلتی در این خصوص صورت پذیرد، نه تنها سعادت فرد و جامعه محقق نمی‌گردد بلکه سقوط و انحطاط را به دنبال خواهد داشت، لذا میبایست چالش‌ها و آسیب‌های احتمالی ناشی از علل فردی مصلح و همچنین علل اجتماعی عدم تأثیرگذاری در تربیت جامعه اسلامی ریشه‌یابی و راهکارهای رفع آن واکاوی گردد.

این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت می‌پذیرد، در تلاش است ضمن اشاره به عوامل مهمی چون خودسازی و خداشناسی که نقش بسزایی در رشد فکری و بصیرت اجتماعی دارد؛ به بررسی برخی از علل فردی عدم تأثیرگذاری از جمله عجب و خودپسندی، ظلم و انظلام، عدم خودباوری و عزت نفس و علل اجتماعی عدم تأثیرگذاری همچون موانع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پرداخته و در نهایت راهکارهای مقابله با علل مذکور را ارائه دهد. به امید آنکه گامی در جهت کاهش معضلات ناشی از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری افراد جامعه برداشته و زمینه برای رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی فراهم گردد.

## پیشینه

پژوهش‌هایی در زمینه موضوع فوق صورت گرفته است از جمله کتاب «خودشناسی برای خودسازی» اثر محمد تقی مصباح یزدی، نوشته‌ای در این مورد است که به ضرورت خودشناسی به استناد آیات قرآن و روایات، توصیف کمال در انسان و سایر موجودات، حرکت استکمالی و شرایط آن اشاره نموده و انسان به جهت آنکه موجودی کمال پذیراست، به شناختن کمال حقیقی و راه رسیدن به آن پرداخته است.

کتاب «جامعه منتظر، چالش‌ها و آسیب‌ها» اثر سید محمد میرتبار که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده نوشته‌ای در این رابطه است که در آن به آسیب‌شناسی جامعه منتظر، عوامل پیدایش آسیب‌ها و آثار و پیامدهای آن، همچنین به شیوه ناهنجاری رفتاری پرداخته است.

مقاله «اصلاح جامعه از طریق اصلاح خود» اثر حسین حقانی زنجانی که در سال ۱۳۵۸ نگاشته شده پژوهشی مرتبط در این زمینه است. در این تحقیق به طرق اصلاح افراد جامعه پرداخته و با اشاره به روایاتی در این خصوص به اهمیت محاسبه نفس و احساس مسئولیت نسبت به اصلاح خود و جامعه تاکید نموده است.

مقاله «خودسازی نخستین گام اصلاحات» اثر ابوالقاسم یعقوبی که در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده، تحقیقی دیگر در این مورد است و در آن به خودسازی و جامعه‌پردازی، پیامدهای حکومت ناصالحان، صلاح‌مصلحان در نگاه امام علی (ع) و ویژگی‌های اصلاح‌گران پرداخته است.

پایان نامه «اهداف و شیوه‌های اصلاح اجتماعی از دیدگاه قرآن» اثر نشمین نژادی، که در سال ۱۳۹۱ نگاشته شده، اثری دیگر در این زمینه است. پژوهشگر در این نوشتار به اهداف حرکت‌های اصلاحی چون اجرای عدالت، اجرای حدود الهی، اقامه حق، حفظ کرامت انسانی پرداخته و شیوه‌های قرآنی عملیاتی کردن اصلاحات از قبیل تقویت ایمان، الگو سازی، امر به معروف و نهی از منکر را بیان نموده است.

پایان نامه «خودشناسی و خودسازی و نقش آن دو در اخلاق فردی و اجتماعی با تکیه بر نهج البلاغه» اثر مهری توکلی بنیزی که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده، پژوهشی دیگر در این رابطه است. در این نوشته با نگاهی کلی به نهج البلاغه و سایر کتب دینی و روایی، مسائلی که به اصلاح و تربیت نفس کمک می‌کند در دو بخش اصول و مبانی ایجابی و سلبی مورد موشکافی قرار گرفته

است. اخلاص، حیا، تقوا از جمله مواردی هستند که در اصول ایجابی مورد بحث واقع شده و به مسائلی همچون دوری از گناه، طمع، همنشینی با اشرار در بعد مبانی سلبی اشاره نموده است.

با بررسی آثار مرتبط در این زمینه در حد احصاء، پژوهشی که به علل عدم تاثیرگذاری مصلحان در جهت بصیرت و هدایت جامعه پرداخته و موانعی چون رذایل اخلاقی احتمالی در فرد اصلاح گر و عوامل اقتصادی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را مورد توجه قرار دهد، مشاهده نگردید.

## ۲- علل عدم تاثیرگذاری فرد مصلح در تربیت جامعه اسلامی

نخستین گامی که ضروری است، مصلحان در امر تربیت جامعه در نظر داشته باشند، خودسازی و رفع رذایل اخلاقی است. بی توجهی به این گام مهم، موجب عدم تاثیر در کلام می‌شود. در مرحله بعدی لازم است فرد مصلح به موانع موجود در اجتماع پرداخته و درصدد اصلاح آن برآید. در ادامه علل فردی و اجتماعی عدم تاثیرگذاری مصلحان در تربیت جامعه اسلامی از نظر می‌گذرد.

### ۲-۱- علل فردی

عجب و تکبر، ریا و منزلت طلبی، ظلم و انظلام و دنیا پرستی از مهمترین موانع فردی تاثیرگذاری مصلحان در تربیت جامعه اسلامی است.

#### ۲-۱-۱- عجب و خود پسندی

فرد خود پسند به جهت کمالی که در خود می‌بیند، خود را بزرگ می‌شمارد و احساس خودبرتربینی دارد و تفاوت آن با صفت کبر آن است که متکبر خود را بالاتر از دیگران می‌بیند اما معجب کسی است که به جهت صفت یا نعمتی که دارد به خود می‌بالد و پای غیر در میان نیست یعنی چنین کمالی را فقط در خود می‌یابد و از اینکه این نعمت کرامت الهی است و هر وقت بخواهد از او می‌گیرد غافل می‌شود. (نراقی، معراج السعاده، ص ۲۳۰)

فرد خودپسند به دلیل خود بزرگ بینی منزوی و تنها می‌شود و اگر قصد خیرخواهی کسی را هم داشته باشد کلامش فاقد ارزش و تاثیر خواهد بود زیرا در نزد دیگران منزلتی نداشته و تحقیر و توهین دیگران موجب تنهایی او می‌شود. امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: هولناک ترین

تنهایی، خودپسندی است و هیچ تنهایی، وحشتناک تر از خودپسندی نیست. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۲۱)

یکی از خطرهایی که آمر به معروف را تهدید می‌کند، خود را منزّه دیدن و خودبرتربینی است که در صورت غفلت، شیطان چنین احساسی را برایش به وجود می‌آورد.

برخی علمای اخلاق بر این باورند که آمر به معروف و ناهی از منکر مانند پزشک معالج مهربان و پدر با شفقت است که مراعات مصلحت مرتکب را می‌نماید، و قصدش فقط برای خدای متعال و رضایت اوست و کارش را از آلودگی‌های هواهای نفسانی و اظهار بزرگی، خالص نموده و نفس خویش را منزّه ندانسته، چه بسا برای شخص مرتکب گناه -ولو گناهان کبیره باشد- صفات خوب نفسانی است که خداوند او را به خاطر این صفات دوست دارد، اگر چه کار او مورد بغض خداوند باشد و چه بسا آمر و ناهی عکس او می‌باشد و برخوردش پوشیده است. (امام خمینی، جهل حدیث، ص ۳۵).

## ۲-۱-۲- ریا و منزلت طلبی

ریا و منزلت طلبی یعنی بیان اعمال نیک و اخلاق پسندیده یا عقاید حقه به مردم، به قصد منزلت پیدا کردن در قلوب آنها و میل داشتن به خوبی و صحت و امانت در نزد دیگران، بدون انگیزه صحیح الهی. فردی که قصد تربیت و اصلاح دیگران را دارد می‌بایست عملش خالصانه برای خدا باشد. جز رضایت الهی هدف دیگری نداشته باشد. بدیهی است فردی که به وضوح کسی را به خاطر رفتاری نصیحت می‌کند؛ اما خودش عامل به گفته هایش نیست، نمی‌تواند در شخص اثرگذار باشد. بلکه به دلیل رهایی از احساس حقارت درونی می‌خواهد نزد آن فرد جایگاهی پیدا کند و شخصیتی محبوب، بزرگ و قابل احترام جلوه نماید، در این صورت موجب سلب اعتماد متربی خواهد شد.

خداوند متعال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را با منت و آزار باطل نسازید.» (سوره بقره: ۲۶۴).

همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کند. و به خدا و روز رستاخیز، ایمان می‌آورد. کار او همچون قطعه سنگی است که بر آن خاک باشد و (بذرهایی در آن افشاند

شود.) رگبار باران به آن برسد. (و همه خاکها و بذرها را بشوید) و آن را صاف نماید. آنها کاری که انجام داده اند چیزی به دست نمی‌آورند و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.

تشبیه عمل ریاکارانه به قطعه سنگی که قشر نازکی از خاک روی آن را پوشانده است، گویای آن است که افراد ریاکار باطن خشن و بی‌ثمر خود را با چهره ای از خیرخواهی و نیکوکاری می‌پوشانند و اعمالی که ریشه ثابتی در وجود آنها ندارد انجام می‌دهند؛ اما حوادث زندگی حقایق باطن آنها را آشکار می‌سازد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۲، ص ۳۲۳).

هدایت و اصلاح دیگران نیز مصداقی از صدقات می باشد. طبق آیه مذکور چنانچه کار مصلح به انگیزه ریا و منزلت طلبی باشد و گفتارش با رفتارش مطابقت نداشته باشد، نه تنها کلامش بی‌اثر خواهد بود بلکه از آنجا که تمام قلوب بندگان در تحت تصرف خداوند است، بدون اذن او نمی‌تواند محبوب کسی باشد و در قلبی تصرف نماید، لذا تلاشی بی‌ثمر داشته و عقوبتی همچون منافق و مشرک خواهد داشت. اگر در این عالم رسوا نشود، در روز قیامت پیش بندگان صالح خدا و انبیاء عظام او و ملائکه مقربین رسوا خواهد شد. روزی که به فرموده حق تعالی کافر می‌گوید: «ای کاش خاک بودم.»

## ۲-۱-۳- ظلم و انظلام

ظلم در دو معنا بکار می‌رود یک معنای عام که جامع همه رذایل بوده و شامل ارتکاب هر یک از زشتی‌های شرعی و عقلی است و معنای خاص آن انصراف به ضرر و اذیت رساندن به دیگران دارد مانند دشتام دادن، غیبت و تهمت، بنابراین ظالم به کسی می‌گویند که خود را ملزم به شکرگذاری از نعمت‌های بی‌شمار الهی و مراعات تکالیف شرعی نمی‌داند و از سویی حقوق دیگران را پایمال می‌کند. (سایت گنجینه پرسش‌های قرآنی)

استرحام یعنی گردن کج کردن و التماس و ناله و زاری برای رحم و شفقت، انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن و تسلیم در برابر دشمنان. انظلام و استرحام از مواردی است که هرگز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا اوصیای پیغمبر از آن استفاده نمی‌کردند به این معنا که اگر دشمن را قوی می‌دیدند به یکی از این دو؛ استرحام و انظلام چنگ بزنند. (مطهری، سیره نبوی، ص ۶۵).

بنابراین چنانچه فرد مصلح ظالم یا منظم باشد نه تنها موجب اصلاح و هدایت افراد جامعه نخواهد شد بلکه خود نیز قابل هدایت نبوده و به رستگاری نائل نخواهد شد. زیرا لازمه تربیت



صحیح، ایمان و باور یقینی به خدا و رسولش و عمل به دستورات الهی است. لذا فردی که تحت تاثیر هوای نفس خویشتن، هدفی جز دنیای مذموم و بی ارزش نداشته باشد، هرگز به مقصود غایی خلقت انسان که رسیدن به مقام خلیفه الهی است رهنمون نخواهد شد.

## ۲-۱-۴- بلاهت و نادانی

انسان جاهل و نادان هیچ حکمتی ندارد، مقصود از حکمت یعنی دستیابی به حق با علم و عقل، و به شخصی حکیم گویند که علم توام با عمل داشته باشد، لذا چنانچه مصلح نسبت به مسائل مهم تربیتی فاقد بصیرت باشد قادر نخواهد بود میان آرای مختلف توافق ایجاد کند و با آرامش و تانی به قضیه مورد مناقشه بپردازد. چنین شخصی در صدور حکم که بر سه پایه علم، حلم و متانت استوار است عجله نموده و موجب فساد در حکم خواهد شد. در حالیکه مصلح باید سعه صدر داشته باشد و بر همه جوانب قضیه احاطه کامل داشته و شنونده خوبی باشد. همچنین مصلح باید فردی آگاه به مسائل دینی و فقهی بوده و قدرت تحلیل مسائل را داشته باشد. (صلابی، مقاله ویژگی شخصیتی فرد دعوتگر و مصلح)

نکته حائز اهمیت این است که طرح های به ظاهر اصلاح طلبانه و پرجاذبه، ممکن است هیچ تناسبی با محیط و فرهنگ جامعه هدف نداشته باشد یا هرگز عملی نشود. لذا بسیاری از طرح های اصلاحی نسخه های تدوین شده استعماری هستند و هدفی جز دست یابی به منافع شخصی ندارند و مصلحان اگر از تیزهوشی کافی برخوردار نباشند، ناخواسته و نادانسته با چنین طرح هایی به جای اصلاح، فساد گستر خواهند شد. (بخشاوند، سیمای صلحان در آیات و روایات، ص ۱۱۲).

چنان که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «چون به آنان گفته شود که در روی زمین فساد نکنید، گویند جز این نیست که ما اصلاح گریم. آگاه باش که آنها فساد گراند و لکن نمی فهمند.» (بقره: ۱۱-۱۲)

امام صادق (ع) می فرماید: «هر کس بدون بصیرت عمل کند مانند کسی است که بیراهه می رود و هرچه شتاب کند از هدفش دورتر گردد»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «کسی که بدون شناخت عمل و حرکت کند بیشتر از آنکه اصلاح کند به فساد می کشاند.» (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۸).

## ۲-۱-۵- عدم خود باوری و عزت نفس

انسان جهت رسیدن به اهداف عالی، نیاز به خودباوری و عزت نفس دارد، چنانچه فرد در خود احساس ناتوانی و حقارت نفس کند، به موفقیت نهایی در اهداف خویش نائل نخواهد شد. اگرچه امکانات لازم برای او فراهم باشد، چنین فردی همواره نگران است که مسیر انتخابی او اشتباه باشد لذا انگیزه و اراده کافی جهت طی نمودن مسیر را نداشته و در نهایت کار را رها یا متوقف می‌نماید. (مانیان، مقاله خود باوری و اعتماد به نفس)، چنان که امام هادی (ع) فرموده اند: کسی که خود را خوار شمارد و برای خود ارزش قائل نباشد از شر وی ایمن مباش. (حسن زاده (مترجم)، تحف العقول، ص ۴۸۳).

بنابراین یکی از مهمترین عوامل موفقیت فرد مصلح در تاثیرگذاری، خودباوری و عزت نفس او می‌باشد، یعنی بعد از خودسازی، به این باور یقینی رسیده باشد که با توکل به خداوند و توسل به ائمه اطهار (ع) می‌تواند موجبات هدایت دیگران را فراهم نماید و آنها را در مسیر صحیح زندگی رهنمون سازد. چنانکه طبق قول خدای متعال «کسی که خواهان عزت است عزت یکسره از آن خداست». (فاطر: ۱۰)

عزت در اختیار خداوند است و انسان در پرتو پرستش خدا و تسلیم بودن در برابر او می‌تواند به عزت مندی برسد یعنی اطاعت از خدای یگانه و کردار شایسته دو بال آدمی برای رسیدن به عزت است. امام حسین (ع) در این باره می‌فرماید: «عزت و بی نیازی هر دو شتاب زده به دنبال پناهگاهی می‌دویند، چون به توکل برخورد کردند، آرامش یافته و آن را پناهگاه خود قرار دادند». (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱ ص ۲۱۸).

## ۲-۱-۶- گرایش به ظواهر مادی و دنیایی

یکی دیگر از مسائل مهمی که مصلح و مربی می‌بایست بدان توجه نماید این است که به امور دنیایی نگاه ابزاری داشته باشد، یعنی امکانات مادی و دنیایی وسیله ای برای رسیدن به کمال انسانی وی باشد، به عبارت دیگر کمالات جمادی، نباتی، حیوانی، عقلی همگی مرکبی برای کمال شایسته انسانی هستند. لذا چنانچه کمالات پایینی، متعلق به عالم ماده هدف اصلی مصلح باشد و خواهش های نفسانی او تحت سیطره عقل و دستورات الهی نباشد، از تربیت و هدایت خویش نماند. در مسیر فلاح و رستگاری باز خواهد ماند، و غالباً " چنین فردی قادر نخواهد بود به اصلاح دیگران پردازد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «دنیامحل گذر است و قرارگاه نیست؛ و مردم در آن دو دسته اند، گروهی که دل در گرو خواهش‌های نفسانی سپرده، در بند هستند و کسانی که سر در آستان بندگی سپرده، آزادانه زیستند». (حمید زاده، قطره‌ای از دریا، حکمت ۱۲۸، ص ۳۶۰).

فردی که خدا و خویشتن را با لذات زودگذر شیطانی و هوای نفس معامله کند، از عقلانیت و ایمان فاصله گرفته، به هلاکت و نابودی گرفتار شده است؛ اما کسی که در فضای بندگی و اطاعت معبودش گام بردارد، زنجیر اسارت نفس و شیطان را گسسته، در این جهان با حریت و کرامت زندگی کرده، و در جهان دیگر از عذاب اخروی در امان خواهد بود. امام علی (ع) در این رابطه فرموده اند: «به سبب محبت دنیا، گوش‌ها از شنیدن حکمت ناشنوا و قلب‌ها از روشنایی بصیرت نابینا می‌شود». (انصاری، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱ ص ۸۵)

طبق حدیث مذکور، می‌توان گفت لازمه هدایت و بصیرت، رهایی از دنیا طلبی و ظواهر مادی است؛ زیرا گرایش‌های نفسانی به دنیای مذموم و زودگذر موجب غفلت و گمراهی انسان خواهد شد، در این صورت زیان ناشی از این ضلالت در جهان آخرت جبران‌ناپذیر خواهد بود، لذا می‌بایست آگاهانه و هدفمند از امکانات دنیایی به قدر کفایت بهره‌مند گردید.

## ۲-۱-۷- وضعیت جسمانی

سلامت جسمانی، نعمت بزرگی است که در آموزه‌های اسلامی با تعبیرات زیبا و لطیفی چون بالاترین نعمتها، دارایی پنهان، حسنه دنیا از آن یاد شده است. سلامتی به اعتباری از جنس امنیت است، امنیتی که حیات انسان در سایه آن می‌تواند استمرار و بالندگی پیدا کند.

انسان تا زمانی که خصوصیات مزاجی خود را نشناسد نمی‌تواند برنامه ریزی صحیحی برای زندگی داشته باشد، به عنوان مثال زود عصبانی شدن، برانگیختگی سریع، بی‌اعتنایی به قضاوت دیگران در مورد خود، جرات و جسارت، نشانه گرمی مزاج است. یا آنکه هجوم افکار بد، ترافیک ذهنی و عدم تمرکز، زیادی فکر و خیال، وسواس، نشانه غلبه خلط سودا می‌باشد. حالات روانی یا اعراض نفسانی نیز نقش مهمی را در حفظ سلامتی و درمان بیماری بر عهده دارند؛ زیرا به سرعت، قوا، افعال و مزاج انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. (ناصری، حفظ سلامتی از دیدگاه طب سنتی، ص ۹۴).

امام صادق (ع) می‌فرماید: شناخت نفس خود، آن است که بداند در بدنش چهار طبیعت و چهار رکن است، طبیعت چهارگانه او عبارت است از خون، صفرا، سودا، بلغم و در بدن هر کس دو عامل موثر است که رفتار و گفتار و کردارش به آنها وابسته است، اول: گرمی، دوم: سردی، به واسطه گرمی بدن است که آدمی وحشت می‌کند یا با نشاط می‌شود، یا مرتکب قتل و جنایت و دزدی می‌گردد، یا خود خواه و مستبد به رای خواهد شد، یا فسق و فجور می‌کند، یا فروتنی و تکبر می‌ورزد، اگر سردی بر او غالب گردید افسرده و مهموم و محزون می‌گردد، یا خود را ذلیل و خوار می‌پندارد، یا خاطرات خسته کننده در مغز پرورش می‌دهد، یا فراموشی بر او مستولی می‌شود، یا از زندگی سعادت‌مندانه مایوس می‌شود، و این عوارضی است که موجب بیماری‌های روحی و جسمی می‌گردد و این دو عامل موثر در اثر غذا است که گاهی انسان به موقع میل می‌کند و گاه در غیر موقع غذا می‌خورد و این واضح است که غذای نا به جا و غیر موقع خوردن، راه را برای تسلط همه نوع بیماری باز می‌کند. (مسترجمی (مترجم)، علل الشرایع، ص ۲۳۶).

حدیث فوق نیز بیانگر رابطه متقابل طبع و اخلاق است. لذا فرد مصلح می‌بایست از وضعیت جسمانی خود نیز مطلع باشد. چنانچه خصوصیت مزاجی او در شرایط متعادل نبوده و به یکی از اقسام غلبه مزاج مبتلا باشد، به راحتی نمی‌تواند از آرامش روح و روان برخوردار باشد. لذا در چنین شرایطی در امر هدایت و اصلاح دیگران موفق نخواهد بود؛ زیرا قبل از هر اقدام اصلاح گرانه، نیاز به درمان جسمی و روحی خویش دارد، و می‌بایست تحت نظر یکی از متخصصان طب سنتی، نسبت به رفع سوء مزاج احتمالی خود و یا غلبه اخلاط چهارگانه مبادرت نماید.

## ۲-۲-۲- علل اجتماعی

علاوه بر علل فردی عدم تاثیرگذاری مصلحان در تربیت جامعه اسلامی، که به موارد مهمی از آن در فوق اشاره گردید، علل اجتماعی نیز در این امر موثر می‌باشد.

### ۲-۲-۱- وضعیت اقتصادی

وضعیت اقتصادی و معیشت انسان، در امر تربیت او تاثیر بسزایی دارد. سبک زندگی، میزان بهره مندی فرد از امکانات مادی و چگونگی مدیریت اقتصادی زندگی با شکل گیری شخصیت انسان رابطه مستقیم دارد. انسان آن گونه می‌اندیشد که زندگی می‌کند و آن گونه زندگی می‌کند که می‌اندیشد.

کسی که قادر به تامین نیازهای ضروری زندگی نباشد، از هدف اصلی خلقت خویش که رسیدن به کمال انسانی است، باز می‌ماند. زیرا مجالی برای پرداختن به خود و رشد معنوی نخواهد داشت. از طرفی دیگر ثروت‌های بی‌حد و حصر نیز ممکن است انسان را به خود مشغول سازد و مانع اصلاح و تربیت او گردد، و تلاشی جز ثروت اندوزی و پرداختن به مطامع شخصی نداشته باشد.

بنابراین دو مانع اصلی در رشد و بصیرت انسانی و پیشرفت جامعه به سوی رستگاری، فقر ذلت آور و ثروت سیری ناپذیر است.

امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به فرزند خود حسن بنی علی نوشته، و ایشان را در امور حکومتی راهنمایی می‌کنند. در این باره می‌فرمایند: «پس روزی فراوان به آنان (کارگزاران دولتی و البته همه مردمی که برای آبادانی کشور تلاش می‌کنند) ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و بابتی نیازی دست به اموال بیت المال نمی‌زنند و این اتمام حجتی است بر آنان، اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت خیانت کنند». (دشتی، نهج البلاغه، فزازی از نامه ۵۳، ص ۳۸۲).

علامه طباطبائی (ره) بر این باور است که مهمترین عامل ثبات و قوام بخشی جامعه انسانی، امور اقتصادی آن جامعه است چنانچه گناهان، جرایم، جنایات، و مظالم مورد بررسی قرار گیرد، در تحلیل نهایی به این نتیجه می‌رسیم که علت بروز تمام آنها یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت و راهزنی، آدم کشی، گران فروشی و سایر تعدیات مالی وادار می‌کند یا ثروت بی حساب است که انسان را به اسراف در خوراک و پوشاک، تهیه مسکن، ازدواج، بی بندوباری در شهوات و هتک حرمت‌ها می‌کشاند. (صغری، موانع تربیتی از دیدگاه قرآن، ص ۴).

رهبر معظم انقلاب بر این عقیده است که در مقابل حملات دشمن در عرصه اقتصاد، مسئولین میبایست آرایش جنگی مناسب داشته و در جهت رفع مشکلات معیشتی طبقات ضعیف مردمی، تلاش همه جانبه نمایند. این امر از اساسی ترین وظایف مسئولان کشور به ویژه مسئولان دولتی است. ضمن آنکه درمان فقر تنها یک وظیفه حکومتی نیست. بلکه مردم نیز در این موضوع نقش مهمی بر عهده دارند و به استناد آیات قرآن در این مورد، مانند «ارایت الذی یکذب بالذین فذلک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین» می‌توان گفت یکی از نشانه‌های تکذیب دین این

است که انسان در مقابل مشکلات مالی فقرا و محرومان بی تفاوت باشد و احساس مسئولیت نکند». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مردم قم، ۹۷/۱۰/۱۹)

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت فرد مصلح علاوه بر فعالیت فرهنگی، میبایست به مسائل اقتصادی جامعه نیز توجه ویژه داشته و در حد توان خویش نسبت به رفع مشکلات معیشتی جامعه، از طریق مشارکت های گروهی اقدام نماید.

## ۲-۲-۲- وضعیت فرهنگی

اعتماد ضعیف مردم به رسانه های داخلی، عدم کارآمدی مطلوب نظام آموزش و پرورش، توسعه نامتوازن موسسات آموزش عالی در بخش غیردولتی، پژوهش های ناهماهنگ دانشگاهی با نیازهای تحقیق و توسعه کشور، عدم روابط نظام مند بین سازمان های فرهنگی و دینی، دوگانگی بین اعتقادات دینی و پایبندی مردم به احکام شرعی، تهاجم فرهنگی از طریق رسانه های بیگانه، از جمله ضعف ها و چالش های فرهنگ جامعه اسلامی است.

فرهنگ جامعه، نقش بسزایی در هدایت و تعالی یک جامعه دارد. فرهنگی که جهت گیری ارزشی آن به سمت ارزش های واقعی چون صلح، قناعت، علم آموزی و نظایر آن باشد متضمن رشد و تعالی جامعه است و چنانچه فرهنگ آن به سمت ارزش های پست مانند پرخاشگری، جاه طلبی، ضدیت با دانش و آگاهی باشد نتیجه ای جز سقوط و انحطاط جامعه نخواهد داشت.

بنابراین جهت گیری ارزشی یک فرهنگ نقش مهمی در شیوه نگرش و نحوه رفتار اعضای یک جامعه، دارد. در جهان بینی توحیدی مهمترین ملاک اصلاح و هدایت جامعه، تقوا است که موجب کرامت و برتری افراد نزد خداوند خواهد شد.

فرهنگ دینی که بر شالوده وحی و مصالح الهی شکل گرفته است با کنترل غرایز پست، موجب تجلیویژگی های فطری، آرمان های اخلاقی و کمال روح آدمی و جامعه خواهد شد.

یکی از آفت های فرهنگ این است که پویایی خود را از دست داده و قدرت مقابله با ضد ارزش ها و ضد هنجارهای درونی و بیرونی را نداشته باشد. در جوامع اسلامی به واسطه قدرت نفوذ فرهنگی بیگانگان، مسئله استقلال و هویت فرهنگی مهمترین مسائلی است که در باب آسیب شناسی فرهنگی میبایست بدان پرداخته شود. اصلاح فرهنگ امری سطحی، فردی و آسان نیست بلکه نیاز به افرادی دارد که از تخصص و دانش لازم برخوردار باشند. انتظار تغییر دفعی و سریع در

اصلاح فرهنگ، معقول نبوده و نیاز به صبر و استقامت دارد، از آنجا که فرهنگ، امری جمعی است و در جمع سرایت دارد، مشارکت همگانی را در امر اصلاح فرهنگ می‌طلبد. متأسفانه امروزه عده ای به اسم تجدد خواهی و نوگرایی به نفی مطلق فرهنگ گذشته پرداخته و اقدام خود را اصلاح می‌نامند در حالی که تغییر فرهنگی به معنای نفی و حذف همه عناصر فرهنگ موجود نیست. (عباسی، اصول و ابزار اصلاح فرهنگی عمومی، ص ۱۴).

### ۲-۲-۳- وضعیت سیاسی

در طول تاریخ رابطه قابل توجهی بین سیاست و نظام تربیتی جامعه به وجود آمده است بخصوص در جوامعی که نظام تربیتی آنها متمرکزی است این رابطه در سطح بالایی قابل مشاهده بوده است به طوری که دولت‌ها سعی داشته‌اند تربیت جامعه را کنترل و نظارت نمایند و از ناحیه آموزش و پرورش به برخی از خواسته‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خویش دست یابند. لذا جریان تربیت شدیدا "تحت تاثیر سیاست بوده است. از جهت چگونگی تاثیر سیاست بر تربیت می‌توان به مواردی چون تدوین اهداف تربیت، سیاست دولت و میزان دخالت آن در تربیت جامعه، تدوین محتوای کتب درسی و نگاه حاکمان به نظام تربیتی، اشاره نمود.

هر نظام سیاسی با توجه به نگرشی که به انسان و جهان دارد نسبت به برنامه ریزی تربیتی مورد نظر خویش اقدام می‌نماید. با توجه به آنکه هزینه‌های مالی نظام تربیتی در اکثر جوامع بر عهده دولت می‌باشد، لذا دولتی که در آن تربیت جامعه از اولویت برخوردار باشد به تبع آن نسبت به تامین بودجه و اعتبار مورد نیاز آن توجه بیشتری دارد. چنانچه دولت از جهت رایگان بودن و همگانی شدن تربیت از خانواده‌ها حمایت کند در چنین شرایطی خانواده‌ها با برخورداری از بورس تحصیلی و کمک هزینه تحصیلی علاقه مند به تحصیل و تربیت رسمی فرزندان خود خواهند بود، در نتیجه تقاضای اجتماعی روند صعودی پیدا نموده و به نوبه خویش جریان تربیت را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

### ۲-۲-۴- وضعیت اجتماعی

نظر به اینکه انسان موجودی اجتماعی و مدنی الطبع می‌باشد و برای ادامه حیات خود و تامین نیازهای ضروری خویش ناگزیر به ارتباط با جامعه می‌باشد، لذا محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند در اخلاق و رفتار او تاثیر چشمگیری دارد، چنانچه در اجتماع فاسد باشد بتدریج به سوی رفتارهای ناشایست سوق داده خواهد شد.

دو عامل درونی و بیرونی نقش بسزایی در تربیت انسان دارند، عامل درونی همان وراثت است که موجب می‌شود خصوصیات اخلاقی والدین و نسل‌های گذشته از طریق ژنها به فرزند منتقل شود و عامل بیرونی شامل متغیرهای اجتماعی مانند خانواده، ارتباطات اجتماعی، دوستان و رسانه‌ها می‌باشد. باید توجه داشت که وراثت عاملی مسلط در تربیت نمی‌باشد، زیرا انسان می‌تواند با اصلاح خلیقات موروثی خویش، به تربیت صحیح‌گرایش داشته باشد و بالعکس علیرغم وراثتی سالم، شیوه نادرست اخلاقی و اعتقادی را برگزیند.

محیط خانواده از دیگر عوامل تاثیرگذار در تربیت انسان می‌باشد به ویژه در سالهای نخست تربیت که شاکله اصلی اخلاقی، عاطفی و عقلانی فرد شکل می‌گیرد. در صورتی که هر یک از اعضای خانواده به وظایف خویش عمل نمایند خانواده‌ای موفق و منسجم خواهد بود که در این میان نقش مادر از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد،

خداوند متعال مومنان را به خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان دعوت نموده و دستوراتی در مودر تعلیم و تربیت همسر، فرزندان و خانواده می‌دهد و آنان را به دوری از آتش آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند فرا می‌خواند. (تحریم: ۶)

تاثیر معاشرت با دوستان بر اخلاق و رفتار انسان امری انکارناپذیر است و در متون دینی همنشینی با افراد ناصالح نهی شده است. امام صادق (ع) فرمود: «برای فرد مسلمان شایسته نیست که با شخص بدکار، احمق و دروغ‌گو رفاقت کند». (کلینی، اصول کافی، جلد ۳، ص ۸۹۱).

### ۳- راهکارهای اثرگذاری مصلحان بر جامعه

جامعه مطلوب، جامعه‌ای است که افراد آن به خودسازی و خداشناسی بپردازند، در این صورت جامعه به سوی هدف نهایی خلقت یعنی رسیدن به کمال انسانی، نائل خواهد شد. جامعه‌ای که با تدبیرگر هستی بر مبنای علم، ایمان و عشق رابطه داشته باشد، در رابطه با خویشتن بر اساس پذیرش ارزش‌های معنوی و کمال اخلاق فردی و اجتماعی است. از سوی دیگر رابطه اش با طبیعت بر اساس آبادانی و بهره‌مندی از آن به منزله نردبانی جهت رشد و کمال انسانی می‌باشد.

#### ۳-۱- خودسازی

جهت خودسازی و تزکیه نفس ابتدا می‌بایست روح انسانی را از وجود رذایل اخلاقی پالایش نموده و در مرحله بعد به فضائل اخلاقی آراسته گردد. زیرا با وجود صفات رذیله‌ای چون دنیا



پرستی، خودخواهی، حسد، کبر و خودپسندی، دسترسی به صفات حمیده و انجام اعمال شایسته مقدر نمی‌باشد. در آیات بسیاری از قرآن بر امر خودسازی تأکید فراوانی شده است از جمله آیه ذیل: «ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خود باشید هنگامی که شما هدایت یافتید، کسانی که گمراه شده اند به شما زبانی نمی‌رسانند. بازگشت همه شما به سوی خداست و شما را به آنچه عمل کرده اید آگاه می‌سازد». (مائده: ۱۰۵).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «رسول خدا جمعی را روانه جنگ کرد زمانی که برگشتند، چنین فرمود: آفرین بر کسانی که مبارزه کوچک تر را پست سر گذاشته اند و پیکار بزرگتر برعهده آنان باقی است. سوال شد: ای رسول خدا مبارزه بزرگتر چیست؟ فرمود: مبارزه با هوای نفسانی». در جایی دیگر امام صادق (ع) خطاب به شخصی فرمود: «قلب را همچون رفیقی مهربان و چونان فرزندی که نسبت به تو خالصانه صداقت می‌ورزد قرار ده، و دانشت را چونان پداری که از او پیروی می‌کنی و نفست را همانند دشمنی که با او به مبارزه برخاسته ای و ثروت را عاریتی که می‌بایست آن را به صاحبش برگردانی مورد توجه قرار ده». (مولوی نیا، جهاد با نفس، ص ۳۱)

آیت الله بهجت (ره) در جواب این سوال که آیا برای تهذیب نفس می‌توانیم به دستورات بزرگان دین عمل نمائیم، فرمودند آنها برای اسلام زحمات زیادی متحمل شدند ولی هر فرد را از یک راه به سوی خدا می‌بردند، لذا تهذیب نفس فقط یک دستورالعمل دارد، آن هم «ترک گناه» است، این امر مشکل است و دستورات دیگر بعد از آن است. ترک گناه مانند چشمه ای است که همه چیز را با خود به همراه می‌آورد. (بهجت ره، فریاد گر توحید، ص ۱۹۹).

### ۳-۲- خداشناسی

انسان بعد از خود شناسی و اصلاح خویشتن، می‌بایست در مسیر معرفت الهی گام برداشته و به این حقیقت دست یابد که خداوند علت و خالق جهان هستی است و همه موجودات عین نیاز و متعلق به او هستند.

تمدن بشری امروز و پیشرفت تکنولوژی، آثار ناخوشایندی در زندگی انسان داشته و موجب سردرگمی و سلب آرامش وی شده است. لذا برای رهایی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های دنیوی می‌بایست با شناخت واقعی خدا و اعتقاد راسخ نسبت به معرفتی که برایش حاصل شده، در مسیر بندگی او قرار گرفته تا از آسیب‌های احتمالی در امان باشد.

### ۳-۳- شناخت راهکارهای موثر در ارتباط

برقراری ارتباط موفق، یکی از مهمترین عواملی است که فرد مصلح، جهت تاثیرگذاری کلامش در فرد متربی می‌بایست در نظر داشته باشد، علیرغم آنکه تصور می‌شود ارتباط گیری امری ساده و غریزی است اما وجود سوء تفاهم‌ها و ناسازگاری در روابط افراد بیانگر شیوه نادرست تعامل با دیگران است. اهل بیت (ع) که تجسم عینی تعالیم اسلام هستند موفقیت‌های چشمگیری در برخورد‌های خدایسندانه با گمراهان و هدایت آنها به سوی نور داشته‌اند، لذا از کسانی که دشمن دیرینه با اسلام داشتند یاران فداکار و جان نثار ساختند.

#### ۳-۳-۱- خوش رویی

برخورد ملایم و خوش رویی با متریان تاثیر بسزایی در امر تعلیم و تربیت آنها دارد. مهمترین عامل موفقیت پیامبر اسلام (ص) در گسترش دین و تربیت جامعه اسلامی، اخلاق نیکو و خلق عظیم او بود. خداوند متعال به ایشان که مصلح بزرگ بشریت بود، می‌فرماید: «ای رسول، رحمت خدا تو را مهربان و خوش خلق گردانید و اگر تند خو و سخت دل بودی مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند». (آل عمران: ۱۵۹)

وقتی موسی و هارون ماموریت یافتند که فرعون را به پرستش خدای یگانه دعوت نمایند، برای آنکه بتوانند طبع سرکش و طغیانگر او را ملایم نموده و با سخن دلپذیر در قلب او راه یابند، خداوند می‌فرماید: «با او به نرمی سخن گوئید شاید متذکر شود یا از خدا بترسد» (طه: ۴۳)

چنانچه با سخن نرم و ملایم با او برخورد شود و در عین حال مطالب را با صراحت و قاطعیت بیان کنند یا دلائل منطقی آنها را پذیرفته و ایمان می‌آورد. و یا اینکه لاقلاً از ترس مجازات الهی در دنیا یا آخرت و از دست دادن قدرتش، سر تسلیم فرود آورده و مخالفت نمی‌کند. البته احتمال دیگری نیز وجود دارد، اینکه نه متذکر شود و نه از خدا بترسد بلکه راه مخالفت و مبارزه را پیش گیرد. در این صورت نسبت به او اتمام حجت شده و این ماموریت بی نتیجه نخواهد بود. بی شک خداوند سرانجام کار او را می‌داند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۳).

بنابراین تربیت توأم با خوش خلقی و چهره ای گشاده، تاثیر بیشتری خواهد داشت زیرا موجب می‌شود متربی فرصت تفکر و اندیشه داشته باشد و زمینه را جهت پذیرش خوبی‌ها و

حقیقت در وی فراهم نموده، به ویژه آنکه اگر همراه با دلایل قانع کننده باشد. لذا تندخویی و چهره عبوس موجب نافرمانی و عدم تاثیرگذاری در تربیت خواهد شد.

### ۳-۳-۲- آراستگی ظاهر

ظاهری جذاب و آراسته حاکی از درونی آرام و فاقد هرگونه آشفتگی می‌باشد. لذا پوشش مناسب و آراستگی ظاهر، توأم با پالایش باطنی از آلودگیها موجب تعادل شخصیت و نفوذ در قلوب مردم خواهد شد. ظاهر دلنشین و مرتب یک فضیلت است و باعث انبساط خاطر فرد و اطرافیان خواهد شد اما با رذیله اخلاقی خودنمایی که رفتاری زشت و جاهلانه می‌باشد، متفاوت است. زیرا آراستگی ناشایست و حرام موجب مفسده فرد و جامعه می‌شود.

پیشوایان دین اسلام به آراستگی نزد دیگران توصیه نموده و آن را نزد خداوند محبوب دانسته اند. امام مجتبی (ع) می‌فرماید: « یکی از ویژگی های مومنین این است که در عین فقر و ناداری، ظاهری آراسته و پاکیزه دارد». (دیلمی، اعلام الدین فی صفات المومنین، ص ۱۳۷).

یکی از بارزترین سیره تربیتی آن حضرت، توجه به این نکته ظریف در زندگی است، ایشان در هنگام نماز، حضور در مجامع عمومی و در ارتباط با مردم و خانواده این امر مهم تربیتی را رعایت می‌نمود و چنان از صورت زیبا و ظاهر پاکیزه و آراسته برخوردار بود که حتی توجه دشمنان و مخالفین را به خود معطوف می‌داشت. آن امام رئوف جمال ظاهری را با جمال باطنی در آمیخته و صورت و سیرت زیبا را یکسان نموده است.

### ۳-۳-۳- حلم و بردباری

یکی از عوامل موثر در جذب متری، حلم و بردباری فرد مصلح می‌باشد. رفتارهای ناشایست گمراهان را نباید با بدی پاسخ دهند. بلکه ضروری است با صبر و استقامت، فریب خوردگان را در تشخیص حق از باطل یاری دهند و آنها را در مسیر انسانیت و صراط مستقیم هدایت نمایند. امام علی(ع) در تعریف حلم می‌فرماید: « به درستی که حلم، نگه داشتن و فرو بردن غضب، و مالک شدن و تسلط بر نفس است». (زیدی، سیره اهل بیت (ع) در جذب مخالفان ص ۲۸).

### ۳-۳-۴- عفو و گذشت

یکی از اصول ثابت سیره فردی اهل بیت (ع) عفو و گذشت در برابر گمراهانی است که قصد هدایت آنها را داشته اند. مصلحان نیز می‌بایست در مواردی که متری به حقوق شخصی آنها تعدی

نموده اما بر ظلم خود پشیمان شده و اقرار به خطا و گناه نموده، با کرم و جوانمردی عذرش را پذیرفته و عفو نماید. در صورت عدم بخشش و انتقام و سرزنش، فرد به نافرمانی خود اصرار نموده و در نتیجه اقدامات تربیتی مصلح بی ثمر خواهد بود.

عفو و گذشت زمانی موجب جذب و هدایت فرد خواهد شد که شخص بر او غالب گشته و قدرت بر انتقام داشته باشد اما به واسطه ندامت و عذرخواهی، او را عفو نماید.

### ۳-۳-۵- محبت و دوستی

دین اسلام به محبت و دوستی نسبت به دیگران تاکید فراوانی داشته است. گاه احسان و رفتار نیکو موجب جذب مخالفان و هدایت آنها در مسیر حق خواهد شد. امام علی (ع) می‌فرماید: «با احسان قلب‌ها را مالک می‌شوی». (انصاری، غررالحکم ص ۳۸۵)

مهربانی و عطوفت نقش اساسی در تربیت انسان دارد زیرا موجب عزت نفس وی گردیده و در مسیر تربیت انعطاف پذیر خواهد شد و زمینه را برای پذیرش حق در او فراهم می‌نماید. بنابراین روش محبت، موثرترین شیوه در اصلاح و هدایت جامعه به سوی رستگاری می‌باشد.

### ۳-۳-۶- تغافل

یکی از مواردی که در تربیت دیگران مطرح است بحث تغافل می‌باشد یعنی انسان با نادیده گرفتن برخی از اشتباهات دیگران به او فرصت بازگشت و اصلاح رفتار دهد. از آثار تربیتی تغافل می‌توان به مواردی چون اعتماد متربی به مربی، فراهم شدن زمینه اصلاح، حفظ کرامت متربی اشاره نمود.

تغافلی که در تعالیم دینی ممدوح می‌باشد و اهل بیت (ع) پیروان خود را به رعایت آن توصیه نموده‌اند، می‌بایست ناشی از عقل و مصلحت و هماهنگ با اخلاق و فضیلت باشد و تغافل‌کننده آن را با حسن نیت و با هدف تاثیرگذاری در تربیت انجام دهد.

### ۳-۳-۷- اثرگذاری نامحسوس

بخش عمده‌ای از کارکرد تربیت، رفتارهایی است که بصورت غیرکلامی، خاموش و نامحسوس می‌باشد و فقط بخش اندکی از اثرگذاری‌های تربیتی، از طریق زبان، پند و اندرز و تکرارش، حاصل می‌شود. بنابراین گاهی لازم است مصلح، نصیحت مستقیم را کنار گذاشته و با

زبان کردار و رفتار شایسته پیام خویش را برای متری ارسال نماید. خاموشی و سکوت غالباً" بیشتر از تذکر لسانی تاثیرگذار است. (سایت مرکز پاسخگویی به مسائل دینی، تربیت غیرمستقیم)

#### ۴- نتیجه

جاده پر فراز و نشیب تربیت، جهت نیل به اهداف عالی انسانی، همواره با موانع و آسیب‌های بی شماری مواجه بوده که می‌بایست در جهت رفع این مشکلات تلاش نموده تا زمینه اصلاح و تربیت جامعه فراهم گردد. موانع فراروی تربیتی گاهی فردی است و مربوط به خصوصیات رفتاری مصلح می‌باشد. زیرا مربی شایسته و فرهیخته می‌بایست نمونه بارز انسانیت بوده و به بهترین شیوه ممکن به وظایف خویش عمل نماید. چنانچه مربی صلاحیت لازم را نداشته باشد جامعه را به سوی سقوط و انحطاط سوق می‌دهد. دسته‌ای دیگر از موانع اجتماعی است که هر یک نقش بسزایی در تربیت جامعه خواهند داشت. به عنوان مثال در محیطی که تهاجم فرهنگی وسیعی وجود دارد شیوه‌های ابتدایی اصلاح کار ساز نمی‌باشد و یا چنانچه دستگاه حکومتی در اجرای قوانین اسلام مصمم نباشد، تربیت اجتماع امری دشوار و بی‌ثمر خواهد بود. لذا نتیجه‌ای که در این مقاله بدان رسیده، آن است که اولین گام مصلح جهت نیل به جامعه آرمانی و ایده آل، رفع موانع فردی و اصلاح رذایل اخلاقی خویش مانند عجب، ریا و عدم خودباوری و عزت نفس و دنیا پرستی است و در گام بعدی اقدام در جهت رفع موانع اجتماعی تربیت همچون مقتضیات فرهنگی، سیاسی و وضعیت جامعه می‌باشد و با توجه به عوامل موثر تربیتی نظیر خودسازی افراد جامعه، خداشناسی و شناخت راهکارهای موثر ارتباطی نظیر خوش رویی، محبت، تغافل و اثرگذاری نامحسوس، میبایست نسبت به اصلاح جامعه اسلامی اقدام نماید.

## منابع

- ۱) انصاری، محمدعلی، غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات گلها، ۱۳۸۹.
- ۲) اصغری، محمد جواد، "مقاله موانع تربیتی از دیدگاه قرآن" ۱۳۹۸.
- ۳) ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم: مومنین، ۱۳۸۰.
- ۴) بهجت، محمدتقی، فریادگر توحید، تهران: موسسه فرهنگی انتشارات انصاری، ۱۳۷۸.
- ۵) بخشاوند، مقصود، سیمای مصلحان در آیات و روایات، قم: نشر زائر، ۱۳۹۲.
- ۶) حمید زاده، اکبر، قطره ای از دریا، تهران: پیام نوین، ۱۳۸۹.
- ۷) حسن زاده، صادق، تحف العقول، قم: آل علی، ۱۳۸۲.
- ۸) حسنی ملکی، قاسم، "عوامل موثر بر تربیت در رابطه با سیاست و حکومت" ۱۳۹۴.
- ۹) خامنه ای، سیدعلی، بیانات رهبری در تاریخ های ۸۱/۹/۱۵ و ۹۷/۱۰/۱۹.
- ۱۰) خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- ۱۱) خمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- ۱۲) دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المومنین، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸.ق
- ۱۳) دشتی، محمد، نهج البلاغه، تهران: آثار فرهنگ برتر، ۱۳۹۷.
- ۱۴) صلابی، علی محمد، "مقاله ویژگی شخصیتی فرد دعوتگر و مصلح" ۱۳۹۶.
- ۱۵) عباسی، علیرضا، "اصول و ابزار اصلاح فرهنگی عمومی" ۱۳۹۲.
- ۱۶) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: اجود، ۱۳۸۸.
- ۱۷) مطهری، مرتضی، سیره نبوی، تهران: پیش مطهر، ۱۳۹۱.
- ۱۸) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۵.
- ۱۹) مانیان، عباس، "مقاله خودباوری و اعتماد به نفس" ۱۳۸۹.
- ۲۰) مولوی نیا، محمد جواد، جهاد با نفس، قم: آل طه، ۱۳۸۸.
- ۲۱) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۷۴-۷۱.
- ۲۲) نصری، محسن، حفظ سلامتی از دیدگاه طب سنتی، تهران: انتشارات طب سنتی، ۱۳۹۷.
- ۲۳) نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم: آیین دانش، ۱۳۹۴.
- ۲۴) نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۲.

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

رابطه عدل الهی با خلود از منظر قرآن با بهره‌گیری از دیدگاه علامه طباطبایی صص ۶۳-۴۷

سکینه صمیمی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### چکیده

خلود به معنای جاودانگی در زمره مباحث معاد و از جمله مفاهیمی است که در قرآن کریم بارها بدان اشاره شده است. از آنجا که دنیا ظرفیت اجرای کامل عدل الهی را ندارد، مسأله معاد و به تبع آن خلود در بهشت و دوزخ مطرح است. در رابطه عدل الهی با مسأله خلود نظرات متفاوتی از سوی اندیشمندان مطرح شده است. در این مقاله که به روش نقلی-وحيانی و گردآوری کتابخانه‌ای صورت پذیرفته، به این رابطه از منظر علامه طباطبایی پرداخته شده است. یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که علامه طباطبایی مفهوم خلود در بهشت و جهنم را برگرفته از صورت ذاتی افراد که در دنیا به آن خو گرفته‌اند، می‌داند و بر مبنای استدلال‌های عقلی و مستندات نقلی، نه تنها خلود در عذاب را منافعی با عدل الهی ندانسته بلکه عذاب الهی را رحمت خداوند متعال می‌خواند. وی معتقد است عذاب دائمی نتیجه شقاوت ذاتی نفس بوده که بر اثر اعمال و رفتار فرد ایجاد شده و به قسر بر او تحمیل نشده است. علامه طباطبایی در نهایت، شفاعت و آمرزش خداوند را به شرط داشتن ایمان به خداوند، راه رهایی از خلود و آتش و عذاب جهنم می‌داند.

کلید واژه‌ها: جاودانگی، خلود در بهشت، خلود در دوزخ، عدل الهی، علامه طباطبایی.

---

<sup>۱</sup> دانش پژوه مدرسه علمیه نجمه خاتون  mehрсami mi ۴۷@gmil.com

اعتقاد به معاد و حیات اخروی از مسائل مورد اتفاق هممهادیان آسمانی است. این اعتقاد در دین مبین اسلام نیز جزء اصول و ارکان دین و از شروط مسلمان بودن است. از مهمترین دلایل ضرورت اعتقاد به معاد در اسلام، عدم امکان تحقق و جاری شدن صفت عدل الهی در دوره محدود زندگی دنیوی است. در واقع اگر دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود، ظلم ظالم و داد مظلوم بی پاسخ می‌ماند و این با عدل پروردگار منافات دارد. بر این مبنا یکی از دلایل اعتقاد به معاد، تحقق پاداش و جزای انسان‌ها در دوره پس از حیات دنیوی است. گرچه همه ادیان آسمانی به معاد برای تحقق پاداش و جزای اعمال آدمیان اتفاق نظر دارند، ولی در مورد چگونگی و کیفیت کیفر و جزای الهی و مدت و میزان آن اختلاف نظر وجود دارد.

خلود به معنای زیستن جاودانه و همیشگی انسان‌ها در عوالم پس از مرگ است. واژه «خلود» در قرآن کریم یک بار ذکر شده، ولی مفاهیم و عبارات مشتق از آن در آیات متعددی از جمله آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود، مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم، عده‌ای را سعادتمند و مخلد در بهشت و متنعم از نعمت‌های آن و دسته دیگر را شقاوتمند و معذب در عذاب‌های اخروی معرفی می‌کند.

بیشتر مفسران در مورد خلود و جاودانگی بهشتیان اتفاق نظر دارند و بیشترین اختلاف در مفهوم خلود در عذاب است که برخی از دانشمندان، آن را در مورد گروهی از دوزخیان ابدی ولی در مورد برخی دیگر غیرابدی می‌شمرند. در واقع همه افرادی که به دوزخ می‌روند از لحاظ مدت زمان حضور در آنجا یکسان نیستند، گروهی پس از مدت کوتاهی از دوزخ رهایی می‌یابند و عده‌ای دیگر برای مدت طولانی تری در جهنم می‌مانند و سرانجام خارج میشوند، ولی گروهی دیگر برای همیشه و تا ابد در آنجا باقی می‌مانند.

از مهمترین مستندات موافقان خلود همراهی واژه «خلود» با «ابد» در برخی از آیات از جمله آیه ۱۶۹ سوره نساء «خالدین فیها ابد» است که با توجه به واژه ابد، خلود به معنای همیشگی و جاودانگی است، نه به معنای مدت طولانی. در مقابل؛ از مهمترین استنادات مخالفان خلود، آیاتی از قرآن کریم است که خلود را منوط به بقای آسمان‌ها و زمین دانسته نظیر آیه ۱۰۷ سوره هود «ما دامت السموات و الارض» و این که خلود در آتش و عذاب را مخالف با صفت رحمانیت خداوند دانسته و لذا آن را ابدی نمی‌دانند.



در این مقاله سعی می‌شود با واکاوی بحث خلود، بر پایه نظر علامه طباطبایی به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که مراد از خلود چیست؟ آیا بین خلود اهل بهشت و جهنم تفاوتی است یا نه؟ رابطه عدل الهی با خلود چه می‌باشد؟

### پیشینه

پژوهش‌هایی در رابطه با موضوع مذکور صورت پذیرفته است از آن جمله: کتاب «خلود دوزخ و آتش و عذاب جاوید» اثر محمد رضا نکونام که در سال ۱۳۹۳ش به تحریر درآمده است. این کتاب در چند فصل: ۱- تحلیل و نقد دیدگاه‌های کلامی و فلسفی ۲- دیدگاه عرفان ۳- دیدگاه شریعت ۴- بررسی دیدگاه اهل سنت ۵- وعده و وعید حق تعالی ۶- بررسی جدایی دردناکی عذاب از آن ۷- قرآن کریم و اوصاف دوزخیان جاودانه، به مسأله خلود پرداخته است. نویسنده به بررسی آرای متکلمان، فلاسفه و عرفاء پرداخته و به ارزیابی دیدگاه ابن عربی و ملا صدرا و تفاوت دیدگاه آنها با قرآن اشاره کرده است.

کتاب «خلود و جاودانگی در سرای آخرت از دیدگاه قرآن» از عاطفه ضیایدر سال ۱۳۹۶ش به مسئله خلود بهشتیان و جهنمیان همراه با ادله و عوامل قرآنی آن می‌پردازد. نگارنده معتقد است بیشتر اهل لغت، کلمه خلود را به معنای مکث طویل و ماندن طولانی دانسته‌اند. او همچنین تأکید دارد استعمال این واژه در قالب‌های وصفی، فعلی و مصدری در آیات قرآن به معنای جاودانگی در بهشت و دوزخ است.

کتاب «چه کسانی در جهنم جاودانه خواهند بود؟» از سید جواد مرتضایی ارزیل در سال ۱۳۹۱ش، پژوهشی دیگر در این رابطه است. این کتاب بر اساس آیات قرآن به انسان‌هایی اشاره دارد که از احکام خدا و رسولش اطاعت نکرده و موفق به توبه ندامت نشده و برای همیشه اهل جهنم گشته‌اند نظیر: کافران، مشرکان، گناهکاران، رباخواران، منافقان و کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته است.

مقالاتی نیز در این زمینه نگاشته شده‌اند؛ از جمله مقاله «بررسی و نقد دیدگاه ابن عربی در باب کیفیت عذاب اخروی با تکیه بر آثار قرآن و براهین عقلی» اثر محمد حسین بیات در سال ۱۳۹۳ش، که در آن پژوهشگر نظر و دیدگاه محی‌الدین عربی عارف نامدار اسلامی را که با تمسک به مبانی عرفانی و برداشت‌های خودش از مبانی توحیدی، ابدی بودن عذاب در آخرت را با توجه

به غلبه و سطوت رحمت الهی بر تمام اعیان و اسما، نفی می‌کند و مدعی شده که همه آدمیان در جهان بی‌پایان آخرت برای ابد از نعمات الهی بهره مند می‌شوند.

مقاله «دیدگاه امام خمینی (ره) در باب خلود با سایر آرای مخالف و موافق» از نفیسه ساطع و مریم رفیعا، پژوهشی دیگر در این موضوع است که در آن سرنوشت دوزخیان و دائمی بودن بهشتیان در بهشت مورد بحث قرار گرفته است. در این امر گروهی خلود را به معنای وقوف جاودان دانسته‌اند و با تمسک به منابع دینی بر این عقیداند کسانی که به عذاب الهی دچار می‌شوند امکان رهایی از آن را ندارند و معتقدند که دوزخیان توسط شفاعت انبیاء از جهنم رهایی می‌یابند.

پایان‌نامه «بررسی مسأله خلود با تکیه بر آراء علامه طباطبایی، ابن‌عربی، فخر رازی و زمخشری» از ساره معراجی در سال ۱۳۹۲ش، اثری دیگر در این رابطه است. پژوهشگر در این پایان‌نامه اعتقاد به خلود و اینکه این مسأله از طرف فیلسوفان، متکلمان، اندیشمندان و نیز در شرع مطرح گردیده را مورد بررسی قرار داده است.

همانطور که از نظر گذشت، موضوع جاودانگی در مباحث تفسیری، فلسفی و کلامی با دقت و ظرافت خاصی مورد توجه قرار گرفته است. از میان آثار مورد بررسی تا حد احصاء اثری که به رابطه عدل الهی با خلود در آیات قرآن آن هم با تکیه بر آراء علامه طباطبایی بپردازد، یافت نشد.

## ۲- مفهوم شناسی

یکی از ادله وجود خلود برقراری عدل الهی است. به این معنا که اگر جاودانگی نباشد در برخی مواقع عدالت الهی برقرار نمی‌شود لذا به منظور درک بهتر رابطه عدل با خلود، مفهوم‌شناسی این دو واژه از نظر می‌گذرد.

### ۲-۱- عدالت

«عدل» در لغت، ضد ظلم و جور و هم معنی قسط است (شرباصی، دایرة المعارف اخلاق قرآنی، ج ۱، ص ۴۳). عدالت به معنای دادگر بودن و انصاف داشتن است و به اعتبار نزدیک بودن عدل به مساوات در آن مورد هم به کار می‌رود «العدالة و المعادلة». عدل در اموری که با بصیرت و آگاهی درک می‌شود، به کار می‌رود مثل احکام. عدالت اجتماعی، عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (راغب اصفهانی، مفردات، ج ۱، ص ۳۲۵).

عدل در اصطلاح به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می‌رود و از این جهت عدل را به معنای «اعطای کل ذی حق حق» گرفته‌اند و برخی در معنای عدل توسعه داده و آن را به معنای «هر چیزی را در جای خود قرار دادن یا هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن» به کار برده‌اند (فوادیان دامغانی، سیمای عدالت در قرآن، ص ۲۲).

در تعریف عدالت علامه طباطبایی معنای اصلی عدالت را اقامه مساوات میان امور می‌داند به این که «به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا امور مساوی شود به هر یک در جای خود که مستحق آن است قرار گیرد» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۷۶).

عدالت در یک جامعه نشانه حیات سیاسی و عقلانی آن اجتماع است چرا که هیچ جامعه زنده و پویایی از طرح این مسائل مستغنی نیست؛ زیرا عدالت موضوعی است که ریشه در عقل و فطرت انسان دارد و افراد در زندگی اجتماعی خود نیاز حیاتی به آن دارند لذا در دین بر آن تاکید بسیاری شده است.

## ۲-۲- خلود

خلود از ریشه «خ ل د» به معنای جاودانه شدن، همیشه ماندن، و بقای طولانی است (بیهقی، ج ۱، ص ۱۳). و در لغت از ماده خلد است، برخی از اهل لغت آن را به معنای دوام و بقا دانسته‌اند. لذا می‌گویند: (الرجل یخلد خلودا) و (اخلده الله تخلیدا) (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۴). العین نیز واژه خلود را به معنای بقا می‌داند چنانچه در ذیل آن مینویسد: خلد از اسماء بهشت است و خلود در آن به معنای بقاء در آن است (فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۲۳۱).

علامه طباطبایی از راغب اصفهانی نقل می‌کند: که کلمه «خلود» به معنای برائت و دوری هر چیزی از فساد و باقی ماندن بر صفت و حالتی که دارد. عرب چیزی را که فساد و تباهی در آن راه ندارد با واژه خلود توصیف می‌کنند. از نظر علامه طباطبایی کلمه «مخلد» در اصل به معنای چیزی است که مدتی طولانی باقی می‌ماند و به همین جهت به مردی که مویش دیر سفید شده است می‌گویند «رجل مخلد» و به حیوانی که دندانهای ثنائیش آن قدر بماند که رباعیهایش نیز بروید، می‌گویند «دابة مخلده» این معنای اصلی کلمه است؛ اما به عنوان استعاره درباره کسی که دائماً باقی می‌ماند استعمال می‌شود. از نظر علامه طباطبایی خلود در جنت به معنای بقای اشیاء است بر حالت خود، بدون اینکه در معرض فساد قرار گیرند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۲۲).

خلود در اصطلاح به معنای جاودانگی، یکی از اوصاف جهان آخرت و دنیای بعد از مرگ است؛ در قرآن به خلود بهشتیان و جهنمیان تصریح شده است. قرآن به صراحت بیان میکند که آدمیان در جهان آخرت در بهشت و جهنم جاودانه اند و تعبیر گوناگونی همانند خلود، اقامت، قرار و مکث را برای این معنا به کار می‌برد. «خلود» در آیات قرآنی، در قالب‌های مختلف وصفی، فعلی و مصدری، برای جاودانگی در بهشت و دوزخ به کار رفته است. آیات ۳۹ و ۱۶۷ سوره بقره، آیه ۳۷ سوره مائده، آیات ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره هود و آیه ۷۷ سوره زخرف از جمله آیاتی هستند که به صراحت بیان می‌دارد که اهل جهنم هیچ‌گاه از عذاب جهنم رها نمی‌شوند و بهشتیان، جاودان اند (ویکی فقه، wikifegh).

### ۳- عدالت از منظر قرآن

عدالت به همراه مشتقات، وجوه و نظایرش به دو گونه فعلی و اسمی در قرآن آمده است. از وجوه فعلی؛ عدیل کردن، به عدالت و مساوات رفتار کردن، به عدالت حکم کردن، انصاف دادن، عوض دادن است و از وجوه اسمی؛ برابر، مقدار، دادگری، فدیة، تحریف نا پذیری، زوال نا پذیری به کار رفته است (خرمشاهی، دانشنامه قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۴۴۲).

عدالت، ستون دین و از عوامل دوام و بقای حکومت‌ها دانسته شده و هدف پیامبران الهی را تشکیل می‌دهد. چنانچه آیه ۵۷ سوره حدید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب ترازو فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند» بر آن اشاره دارد.

در قرآن کریم شرط دست یافتن به تقوا، عدالت در رفتار است. خداوند در آیه ۸ سوره مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است! و از معصیت خدا پرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید با خبر است». همانطور که ملاحظه می‌شود این آیه، دعوت به قیام به عدالت می‌کند و می‌گوید ای کسانی که ایمان آورده اید همواره برای خدا قیام کنید و به حق و عدالت گواهی دهید. عبارت «اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ عدالت بورزید که به تقوا نزدیکتر است» در این آیه به این معنی است که رعایت عدالت از دیگر طاعات برای نیل به تقوا نزدیکتر است. توضیح آن که

گاهی ظلم و ستم به خاطر هواپرستی و حفظ منافع شخصی است، نه به خاطر حب و بغض دیگران، بنابراین ریشه واقعی انحراف از عدالت همان پیروی از هوای نفس است. یکی از عوامل انحراف از عدالت در این آیه آمده است و هشدار می‌دهد که کینه و عداوت‌های قوی و تسویه حساب‌های شخصی نباید مانع از اجرای عدالت شود و موجب تجاوز به حقوق دیگران گردد، زیرا عدالت از همه اینها بالاتر است.

#### ۴- خلود از منظر قرآن

یکی از صفاتی که قرآن کریم برای اهل بهشت و دوزخ مطرح کرده است، خلود است. آیات زیادی از قرآن کریم مسئله خلود را به اشکال مختلفی بیان کرده است؛ از جمله آیه ۵ سوره مائده: «لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» برای ایشان عذابی پایدار است و آیه ۷۷ سوره زخرف: «إِنَّكُمْ مَأْكُونُونَ؛ شما ماندگارید» و آیه ۱۶۷ سوره بقره: «مَا هُمْ بِخَارَجِينَ مِنَ النَّارِ؛ آنها از آتش جهنم بیرون نمی‌شوند» و آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود «يَوْمَ يَأْتُ لَا تُكَلِّمُ نَفْسٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمَنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فَوَيْلٌ لِلنَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ وَ أَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ الَّذِينَ دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُوذٍ؛ آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا رسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی‌گوید. گروهی بدبختند و گروهی خوشبخت؛ اما آنها که بدبخت شدند در آتشند و برای آنان در آنجا زفیر و شهیق است. جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمان‌ها و زمین بر پاست مگر آنچه پروردگارت بخواهد؛ اما آنها که خوشبخت و سعادت‌مند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمان‌ها و زمین بر پاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی».

#### ۴-۱- عدم تنافی خلود با عدل الهی

با توجه به معنای خلود که در قرآن بیان شده است، این سوال مطرح می‌شود که آیا خلود با عدل الهی سازگاری دارد؟ مفسران و اهل کلام با استناد به آیات و روایات در این مسئله اتفاق نظر دارند که در اصل وجود عذاب دائمی تردیدی نیست، اگر چه در مصادیق افرادی که چنین عذابی دارند، اختلاف است. برخی معتقدند خلود در آیات به معنای مکث زیاد و مدت طولانی است، نه به معنای دائمی و همیشگی بودن؛ اما برخی از مفسران این نظریه را صحیح نمی‌دانند؛ زیرا علاوه بر اینکه در آیات زیادی تصریح به خلود شده است، در آیات دیگر بعد از کلمه «خلود» واژه «ابدأ»

اضافه شده که بیان کننده عذاب دائمی است. آیاتی در قرآن با تعبیراتی هم چون «خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا» در مورد بهشت آمده است که بر دائمی بودن نعمت‌های بهشتی دلالت دارد نه طولانی بودن آن.

با استفاده از آیات و روایات به روشنی معلوم می‌شود که مخلد بودن عده‌ای در جهنم هیچ گونه منافاتی با عدل الهی ندارد؛ زیرا عذاب بر اساس اعتقاد است. توضیح آن که اعمال بدنی و جوارحی انسان محدود و موقت است؛ اما اعمال قلبی همیشگی و دائمی و امر دائمی اثر دائمی در پی خواهد داشت. به عبارت دیگر، از آنجا که اعتقاد و باور، محور و اساس کار است و عمل از اعتقاد سرچشمه می‌گیرد پس پاداش و عذابی که بر پایه اعتقاد است، دائمی بوده و انقطاعی در آن نیست. از طرفی دیگر، گاهی عذاب جاودان به خاطر بزرگی گناه است. بعضی از گناهان به اندازه ای بزرگ است که مجازات جاودان نیز آنها را محو نمی‌کند. در حقیقت گناه بر اساس نقش آن در زندگی انسان‌ها و نسل‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد مثل انفجار بمب اتمی در هیروشیما.

اثر وضعی و تکوینی عمل، گاهی کیفر اعمال قراردادی است و قانون‌گذار آن را معین می‌کند و برخی دیگر از کیفرها اثر طبیعی عمل و خاصیت تکوینی آن محسوب می‌شود یعنی نتیجه عمل خود انسان است که به خودش بر می‌گردد. در حقیقت بین کیفر و عمل در جهان دیگر رابطه تکوینی برقرار است؛ یعنی سوختن در آتش اثر طبیعی عمل و خاصیت خود گناه است و از آن جدا نمی‌شود. رابطه کیفر و عمل قراردادی نیست تا گناهکار آن را یک قرارداد ظالمانه تلقی کند.

#### ۴-۲- عدم تنافی خلود با دوام آسمان‌ها و زمین

مهمترین آیاتی که می‌توان در این بحث از آن یاد کرد، آیات ۱۰۵-۱۰۸ سوره هود است آنجا که می‌فرماید: «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمَنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَيُفَى النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ لَمَّا يَرِيدُ وَاَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَيُفَى الْجَنَّةِ الَّذِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُوذٍ؛ آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا رسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی‌گوید گروهی بد بختند و گروهی خوشبخت؛ اما آنها که بدبخت شدند در آتشند و برای آنان در آنجا زفیر و شهیق است. جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمان‌ها و زمین بر پاست مگر آنچه پروردگارت بخواهد؛ اما آنها که خوشبخت و سعادت‌مند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمان‌ها و زمین بر پاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی.»

در این آیات عنوان «شقی» و «سعید» مطرح می‌شود و از صاحبان شقاوت و اهل آتش و سعادت سخن به میان می‌آورد. این عنوان می‌تواند تشبیه عرفی برای خلود در توان همان عنوان ابد باشد. روشن است که از آن اطلاق ابدیت فهمیده نمی‌شود؛ زیرا خلود مقید به «مادام» می‌شود و هیچ‌گاه قضیه دائمی نمی‌تواند ظهور اطلاقی در ابد و استمرار داشته باشد. آیه شریفه به شکلی ظریف، عناد و سرکشی را محکوم کرده و از خلود سخن می‌گوید و دائمی بودن آن را ثابت نمی‌داند. عبارت «أَنْ رَّبِّكَ فَاعْلَمْ لِمَا يَرِيدُ؛ خدای تو به خوبی و به طور تمام، هرچه اراده کند، انجام می‌دهد» حکایت از شدنی بودن امر و اینکه مشیت الهی قابل تحقق است.

سعادت و شقاوت مقابل هم هستند، سعادت‌تر انسان، که موجودی است مرکب از روح و بدن، عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی و متنعم شدن به آن و شقاوت عبارت از نداشتن و محرومیت از آن. از سیاق آیه مشخص می‌شود که روز قیامت روزی است که مردم از اولین تا آخرین، یک جا جمع میشوند و همه مشهودند و احدی از آن تخلف نمی‌کند و کار مردم در آن روز منتهی به یکی از دو امر می‌شود: بهشت یا جهنم. قرآن کریم بحث خلود را پیش می‌کشد و خلود را به طور خاص عنوان می‌کند و خلود ابدی یا خلود مطلق را مطرح می‌نماید؛ ابتدا خلود اهل آتش را به عنوان «ما دامت السموات و الارض» مقید می‌نماید که تاکید خلود را می‌رساند و معنایش این است که ایشان در آن جاویدند تا زمانی که آسمان‌ها و زمین وجود دارد. در اینجا اشکالی پیش می‌آید که برخی از آیات قرآن از جمله آیه ۳ سوره احقاف «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى؛ ما آسمانها و زمین را با هر چه در آنها است جز به حق برای مدتی معین نیافریده ایم» تصریح دارد بر اینکه آسمان و زمین تا ابد باقی نیستند و این مطلب با خلود در آتش و بهشت که آن نیز مورد نص صریح قرآن است، سازگار نیست.

دسته دوم آیاتی هستند بر جاودانه بودن بهشت و دوزخ تصریح دارند نظیر آیه ۹ سوره تغابن: «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا؛ و به بهشت‌هایی (داخل می‌گردند) که در آن جویها روان است و همیشه در آن جاودانند».

برخی از اهل نظر بر این باورند که از بررسی آیات شریفه چنین بدست می‌آید که خلود بهشتیان پایانی ندارد و به طور دائم و ابدی است؛ اما خلود اهل عذاب و آتش نه تنها از نظر این آیات مسلم نیست بلکه می‌توان گفت چنین خلود و ابدیتی آن هم به طور گسترده ثابت نیست و باقی به بقای حق نمی‌باشد و تنها باقی به ابقای حق است و این بقا- با توجه به زمینه‌های قابلی

که از خصوصیت اهل آتش است - مراتب بسیار و حالات متفاوت و فراوانی دارد؛ در هر حال از رحمت حق نباید غفلت ورزید (نکونام، خلود دوزخ و آتش و عذاب جاوید، ص ۷۵-۷۷).

در مقابل علامه طباطبایی در تفسیر آیاتی که در مورد خلود آمده است بر اصل خلود پافشاری دارد و خیر و شر، سعادت و شقاوت را به ظهور حالات و ملکات نفسانی در انسان نسبت می‌دهد که در دنیا کسب کرده‌اند و معتقد است آنچه باعث عذاب دائمی می‌شود کفر و شرکی است که در نفس رسوخ کرده است و بر این نکته تاکید دارد که خلود در نار، تنها به کافران اختصاص دارد. «فلا یشتمل التهید و الوعید بخلود النار الا الکافرین» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۵۲)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد در آیه «و ما هُم بخارجینَ من النار» (بقره/۱۶۷)، حجتی علیه کسانی است که می‌گویند عذاب آتش تمام شدنی است (همان، ج ۱، ص ۴۰۸). در پاسخ به اینکه آیا عذاب قیامت انقطاع پذیر است و یا خالد جاودانه است؟ می‌نویسد: از جهت ظواهر لفظی، کتاب خدا نص در خلود و جاودانگی دارد و سنت منقول از ائمه اهل بیت (علیه السلام) به قدری زیاد است که به حد استفاضه رسیده است؛ اما از جهت عقل، به هیچ وجه نمی‌توان یک یک احکام شرع و خصوصیتی که برای معاد بیان شده را با مقدمات کلی عقل اثبات کرد. تنها راه اثبات آن، تصدیق به نبوت پیامبر صادق است که معاد و جزئیات آن را از طریق وحی اثبات کرده است. در حقیقت اصل صدق نبوت پیامبر با ادله عقلی ثابت شده است و لازم نیست فروع آن مسائل نیز با ادله عقلی جداگانه ثابت شود؛ چون فرض شده است که نبوت این پیغمبر و صدق آنچه آورده است با ادله عقلی ثابت شده است (همان، ص ۴۱۲).

#### ۵- نظر علامه طباطبایی درباره خلود و عدم تنافی آن با عدل الهی

علامه طباطبایی در تفسیر آیات خلود، بر اصل خلود پافشاری داشته و سعادت و شقاوت، خیر و شر در آدمیان را به ظهور حالات و ملکات نفسانی آنها که در دنیا کسب کرده‌اند، نسبت می‌دهد. وی معتقد است که اگر کفر و شرک در نفس رسوخ کند باعث عذاب دائمی می‌شود و خلود در نار تنها به کافران اختصاص دارد (طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۵۲).

علامه طباطبایی بر اساس استدلالات عقلی و استنادات نقلی، نه تنها خلود در عذاب را با عدل الهی منافی نمی‌بیند؛ بلکه عذاب الهی را رحمت الهی می‌داند. راه رهایی از خلود در عذاب و آتش جهنم را شفاعت و آمرزش به شرط داشتن ایمان به خداوند می‌داند (همان).



علامه در پاسخ به این مسئله که آیا عذاب قیامت انقطاع میپذیرد و یا خالد و جاودانه است. می‌نویسد: «از جهت ظواهر لفظی، کتاب خدا نص در خلود و جاودانگی دارد و سنت مقول از ائمه اهل بیت (ع) نیز آن قدر زیاد است که به اصطلاح به حد استفاضه رسیده است؛ اما از جهت عقل، به هیچ وجه نمی‌توان یک حکام شرع و خصوصاتی که برای معاد ذکر شده است را با مقدمات کلی عقل اثبات کرد. تنها راه اثبات آن، تصدیق به نبوت پیغمبر صادق است که معاد و جزئیات آن اصل را از طریق وحی اثبات کرده است. وقتی اصل و صدق نبوت پیامبر با ادله عقلی ثابت شد، دیگر لازم نیست که فروع آن مسائل نیز با ادله عقلی جداگانه اثبات شود» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۱۲).

#### ۵-۱- تبیین عرفانی و فلسفی

علامه طباطبایی در تبیین فلسفی خلود، اینطور بیان می‌فرماید که احوال و ملکات در نفس، صورتی نیکو یا قبیح ایجاد می‌کند که متناسب با اخلاق و ملکاتی است که نفس انسان در طول زندگی کسب کرده است. از نفس سعید، صورت نیکو و متنعم و از نفس شقی، صورت قبیح و متألم ایجاد می‌شود. اگر صورت‌های خوب و بد در نفس رسوخ نکرده باشند از بین می‌روند. بنابراین این اگر ذات نفس انسان خوب باشد، صورت‌های زشت از آن پاک می‌گردند؛ اما اگر ذات نفس بد باشد، صورت‌های زیبای آن زایل می‌شوند. اگر صورت‌های زشت راسخ شدند، یعنی صورت و نوعیت جدیدی به نفس داده شد، در این حالت نوع جدیدی از انسانمثلاً صورت نوعی انسان بخیل به وجود آمده است. همینطور است صورت‌های نوعیه‌ای که بر اثر تکرار یک عمل در نفس انسان پدید می‌آیند. بنابراین اگر صورت‌های زشت با نفس انسان یکی نشده باشند، نفس بعد از عذابی محدود رها می‌شود؛ ولی اگر گناهان جزو ذات نفس او شده باشند، یعنی اگر نفس بدون قسر و فشار به معصیت تن در دهد و با گناه سنخیت پیدا کند، در عذاب جاودان خواهد ماند. پس عذاب دائمی نتیجه شقاوت ذاتی رخی از نفسهاست و به قسر بر آن‌ها تحمیل نشده است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۱۴-۴۱۲).

علامه در رابطه با عذاب ابدی معتقد است عذاب ابدی اثر و خاصیت صورت نوعیه شقاوت باری است که پیوسته همراه انسان شقی است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۱۴). به نظر علامه طباطبایی کفر و عقاید فاسد، علت پیدایش شقاوت و عذاب ابدی و صورت نوعیه و فصل اخیر انسان است که این صورت نوعیه جدید، علت فاعلی آثار نا محدود و عذاب اخروی است که

به مقتضای طبع شقاوت بار آنها صادر شده است. علامه بیان می‌کند که نفس انسان در اثر کسب ملکات، طبیعت ثانوی جدیدی به دست می‌آورد که این صورت نوعیه جدید در آخرت به صورت دائمی و جاودانه باقی می‌ماند و این در صورتی است که اعمال و رفتار انسان در دنیا در نفس وی رسوخ کرده باشد؛ اما اگر رسوخ نکرده باشد، این اعمال و رفتار، وصفی عرضی است و دائمی نخواهد بود (همان). بنابر این هرگونه کیفر و عقابی که در آخرت متوجه انسان شود، تنها انعکاس اعمال زشت خود انسان است و هیچ‌گونه عذاب و کیفری خارج از وجود انسان گناهکار به او نمی‌رسد ( طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۸۶).

#### ۵-۲- تبیین تفسیری

برخی مفسران به دلیل مقید شدن اهل شقاوت به قید «مادامت السماوات والارض» در آیات ۱۰۶ تا ۱۰۸ سوره مبارکه هود «فاماالذین شقوا ففی النار لهم فیها زفیر و شهیق. خالدین فیها ما دامت السماوات و الارض الا ما شاء ربک ان ربک فعال لما یرید. و اماالذین سعدو ففی الجنة خالدین فیها ما دامت السماوات و الارض الا ماشاء ربک عطاءً غیر مجذوذ» و بر این باورند از آنجا که آسمان‌ها و زمین عمر جاودان ندارند مسأله خلود با مشکل روبرو است. علامه طباطبایی در پاسخ به این شبهه معتقد است آنچه ریشه اشکال را از بین می‌برد، کلام خداوند در آیه ۴۸ سوره ابراهیم است، آنجا که می‌فرماید: «یوم تبدل الارض غیر الارض و السماوات؛ روزی که زمین و آسمانها تبدیل به زمین و آسمانی دیگر می‌شوند» بنا بر این آیه زمین و آسمان‌های آخرت غیر از زمین و آسمانهای دنیاست که خداوند متعال به بقای آنها و عدم فنای آنها حکم کرده است؛ چرا که هر چه نزد خداوند است باقی است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ۲۳-۲۴). در حقیقت پاسخ علامه به این امر اشاره دارد که مراد از آسمان و زمین در آیه یاد شده آسمان و زمین دنیوی نیست که زوال پذیر باشد، با توجه به قیدی که بیان شد نعمت و عذاب اخروی محدود و متناهی نخواهد بود. آیه ۱۶۷ سوره بقره «و ما هم بخارجین من النار» نیز دلیلی بر استدلال فوق است و علامه آن را حجت علیه کسانی می‌داند که معتقدند عذاب آتش تمام شدنی است (همان، ج ۱، ص ۴۰۸).

دومین آیه‌ای که می‌توان با استناد به آن مسئله خلود و عدم تنافی آن با عدل الهی را اثبات کرد، آیه ۱۵۶ سوره اعراف «قَالَ عَذَابِيْ بِهَمِّنْ اُشَاءُ وَ رَحْمَتِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» است که در آن خداوند متعال عذاب را مقید به قید «هر که را بخواهیم» فرموده ولی رحمت خویش را مقید به قیدی نکرده است. به عبارت دیگر، از ناحیه خداوند جز رحمت ناشی نمی‌شود و عذاب، اقتضای

عمل گنهکاران است. اگر خداوند متعال، گنهکاران را عذاب می‌کند، این عذاب کردن به اقتضای ربوبیتش نیست و گرنه تمامی افراد را عذاب می‌کرد. در حالیکه مشیت خدا به عذاب افراد معینی که نعمتش را کفران کرده‌اند، تعلق می‌گیرد پس باز عذاب او مستند به گنهکاران است نه مستند به خود او. در ادامه علامه بیان می‌کند هدف خداوند از عقوبت و عذاب برای آرام شدن دل نیست؛ بلکه تجسم اعمالی است که فرد گنهکار مرتکب شده است (همان، ج ۸، ۳۵۶-۳۵۷) پس با عدل الهی ناسازگار نیست.

### ۵-۳- تبیین مسأله در پاسخ به چند اشکال

برخی تصور می‌کنند که جاودانگی گناهکاران در برابر گناه محدود، با اصل عدالت الهی سازگار نیست و باید مدت کیفر به اندازه زمان گناه باشد در حالی که مقدار زمان مجازات با کیفیت گناه تناسب دارد. در واقع وقتی سخن از خلود و جاودانگی گناهکاران در جهنم مطرح می‌شود برای شنونده سوالی بزرگ در ذهن جای می‌گیرد که این نابرابری چگونه در کار خدا ممکن است؟ چگونه می‌توان به این شبهه پاسخ داد که انسان در مدت محدود عمر خویش، هفتاد سال، بیشتر یا کمتر گناه کند و تا ابد مجازات شود و بسوزد؛ علامه طباطبایی در پاسخ به این شبهه، و در رابطه با عذاب ابدی می‌نویسد: «ان العذاب الخالد اثر و خاصه لصوره الشقاء الذی لزمت الانسان الشقی» مسلماً عذاب ابدی اثر و خاصیت صورت نوعیه شقاوت باری است که پیوسته همراه انسان شقی است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ۶۱۴).

علامه طباطبایی بر اساس تبیینی که از رحمت حق دارد خلود در عذاب را منافی با رحمت خداوند نمی‌داند و این چنین بیان می‌کند که کلمه «رحمت» به معنای تأثر قلب است. وقتی این کلمه به خدای تعالی که فاقد جسم و جسمانیت است نسبت داده می‌شود، به معنای تأثر قلبی نیست؛ بلکه به معنای نتیجه آن تأثر است. نتیجه تأثر در آدمیان، این است که در مقام جبران نقص طرف بر می‌آید رحمت خداوند تعالی نیز به همین معناست. اینکه گفته می‌شود خداوند رحیم است معنایش این است که نقص بنده را جبران می‌کند و حاجتش را بر آورده می‌سازد. در یک عبارت جامع «رحمت خدا منطبق است با اعطای او و افاضه وجود بر خلقش». اگر رحمت او به مطلق خلقش نسبت داده شود، منظور از این رحمت (رحمت رحمانی او) دادن هستی به خلق است؛ اما اگر رحمت خدا به مؤنث نسبت داده شود، در این صورت منظور از آن، (رحمت رحیمیه او) رحمتی خواهد بود که مختص به مؤمنان است و آن سعادت، مظاهر مختلفی دارد که خدای

تعالی تنها به مؤمنان مرحمت می‌کند؛ نظیر داشتن معارف حقه الهی، اخلاق کریمه، اعمال صالحه و حیات طیبه در دنیا و آخرت و جنت رضوان. رحمت در خدای تعالی به معنای رحمت در ما انسان‌ها نیست. رحمت در انسان به خاطر داشتن اعضای همچون قلب و اعصاب و ... است. به عبارت دیگر، رقت قلب و اشفاق و تأثر باطنی و دیگر حالات باطنی، ماده می‌خواهد و خدای تعالی منزله از ماده است. پس رحمت الهی به معنای عطیه و افاضه است. افاضه‌ای متناسب با استعداد مخلوقی که قابلیت و ظرفیت افاضه خدا را یافته و استعدادش به حد کمال و تمام رسیده است. خداوند به چنین مخلوقی، آنچه را که می‌طلبد و درخواست می‌کند، افاضه می‌فرماید. بنابر این اگر رحمت به همان معنایی که علامه مطرح کردند معنا شود، باز این عذاب دائمی، نوعی رحمت محسوب می‌شود و اثر بخشی خود را دارد و به نوعی عذاب نیست (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۱۱۷-۱۱۸).

یکی از اشکالات دیگری که برخی از منکران خلود مطرح کرده‌اند، جمعین رحمت واسعه الهی با خلود در عذاب است. علامه طباطبایی در رد این اشکال منظور از رحمت الهی را رحمتی می‌داند که متناسب با استعدادهای تامه‌ای است که در شخص وجود دارد. وی معتقد است اعطای صورت شقاوت که لازمه عذاب دائم است به انسانی که استعداد شدید برای آن پیدا کرده با رحمت خدا منافات ندارد بلکه مقتضای رحمت عامه اوست. وی اضافه می‌کند که اگر ایراد یاد شده صحیح باشد به عذاب دائم اختصاص نخواهد داشت و عذاب منقطع اخروی بلکه عذاب‌های دنیوی را نیز در برمی‌گیرد (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۲۲-۶۲۸).

اشکال دیگری در اینجا مطرح است و آن این که عذاب دائم و همیشگی چگونه متصور است در حالیکه حالات عذاب قسری و استثنایی هرگز دوام‌پذیر نیست؟ علامه در این باره معتقدند که آثاری که از نفس شقی صادر می‌شود متناسب با شقاوت اوست که صورت نوعی خاصی را تشکیل داده است و از این جهت قسری در کار نیست. در عین اینکه مورد تنفر اوست و از نظر وجدان و ذوق مورد رضایت او نیست؛ همانند آدم مالیخولیایی که تصوراتی بر حسب طبع از قوه خیال او صادر می‌شود و او را معذب می‌سازد (همان).

مخالفان خلود اشکال دیگری را مطرح کردند و آن این که حیات و عمر بشر محدود است و گناهی که انجام داده نیز محدود و متناهی است و عدل الهی ایجاب می‌کند که بین جرم و جریمه، گناه و عقوبت آن تناسب وجود داشته باشد چگونه ممکن است خداوند بنده خود را به خاطر

گناهان محدود و متناهی، عقوبت نامحدود و نامتناهی کند؟ علامه در این اشکال معتقدند که عذاب از آثار گناهان محدود نیست بلکه از آثار صورتی است که همواره برای نفس شقی ثابت است و گناهان تنها از علل معده حصول صورت شقاوتند (همان).

منکران خلود اشکالی دیگری را وارد می‌دانند در مورد اینکه خدماتی را که شقاوت‌مندان از نظر نظام عالم تکوین و آفرینش انجام می‌دهند، کمتر از خدمات سعادت‌مندان نیست و اگر آنها نباشند، سعادت‌مندان هم نمی‌توانند به سعادت برسند با این حال چرا آنها مبتلا به عذاب دائمی شوند؟ علامه طباطبایی در رد این اشکال اینطور بیان می‌دارد که خدماتی که کافران و مجرمان انجام می‌دهند از نوع عبودیت عامه تکوینی است نه عبودیت خاصه. عبودیت عامه مستلزم رحمت عامه است نه رحمت خاصه و عذاب برای آنها همان رحمت عامه است. اگر اشکال یاد شده درست باشد، لازمه‌اش انکار هر نوع عذاب دنیوی و اخروی منقطع است (همان).

بحث دیگری که منکران به آن پرداخته‌اند این است که عذاب به منظور انتقام از عاصی و سرکش برای جبران و رفع نواقصی است که به شخص مظلوم وارد کرده است، و این معنا در مورد خداوند متعال که غنی مطلق است، تصور نمی‌شود؛ چطور ممکن است کسی را عذاب کند آن هم عذاب دائم و مخلد؟ در رفع این اشکال علامه فرمودند: که انتساب عذاب مجرمان و کفار به خداوند مانند استناد همه موجودات به اوست. عذاب دائم به صورت شقاوتی مستند است که در اثر اعمال شخصی برای او پیدا می‌شود. لازمه این اشکال انکار هر نوع عذاب است (همان).

با آنچه علامه در بطلان اشکالات وارده بر خلود در عذاب مطرح فرمودند، آشکار شد که عذاب دائم از آثار و خواص شقاوت نفس شقی است بنابر این پس از آنکه ذات انسان صورت شقاوت به خود گرفت دیگر جایی برای این سوال باقی نمی‌ماند که چرا لوازم و آثار شقاوت دامن‌گیر او می‌شود؛ زیرا استعدادها و رفتار باعث افاضه صورت‌های مناسب آن استعداد است.

### نتیجه

تعدد و تواتر و صراحت آیات قرآن در مورد جاودانه بودن بهشتیان در بهشت و عذاب دوزخیان در جهنم به حدی است که در اصل موضوع جای شکی باقی نمی‌ماند. در واقع چنین می‌توان نتیجه گرفت که امکان عذاب و جاودانه اخروی برای بعضی از انسانها حتمی و قطعی است، اما وقوع و کیفیت وقوع آن قابل اثبات نیست و کاملاً به مشیت الهی بستگی دارد؛ مشیتی که عین حکمت، عدل، رأفت و مهربانی و دیگر صفات خداوند است. خداوند این امر را به مشیت

خود موکول نموده و آدمی را در خوف و رجا قرار داده است، زیرا اینکه سیر الی الله و دستیابی به کمالات انسانی از طریق خوف و رجا توأمآً آدمی را به بندگی و می‌دارد.

آنچه مورد اختلاف دانشمندان است در بیان چگونگی خلود و توصیف و مصادیق آن است. علامه طباطبایی در تبیین عقلی مسأله خلود، طبق مبانی کلامی، تفسیری و فلسفی خویش راه اعتدال را پیش گرفته و مرز خلود و خالدین در جهنم را مشخص کرده و بر اصل خلود پافشاری دارد و سعادت و شقاوت، خیر و شر در آدمیان را به ظهور حالات و ملکات نفسانی نسبت می‌دهد. در واقع این صورت‌های عمل خود انسان است که در آخرت به صورت نعمت و عذاب همراه اوست، جاودانگی عذاب همان حرص و طمع آدمی و آن باطن شیطانی است که بر عذاب و آتش دوزخ حاکم است و با غفران و شفاعت حق تعالی و اولیای خداوند منافات ندارد و محدود به اموری دقیق و مشخص می‌باشد، شرک، کفر، الحاد، بغض و عناد صاحبان عذاب ابدی هستند. وعده و وعید خداوند تعالی به تمام معنای کلمه، خود را در قیامت نشان خواهد داد و این به هیچ طریقی در تقابل با رحمانیت پروردگار عالم هم نیست. بنابر این از مجموع آیات و روایات مربوط به خلود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که عذاب جاودانه اخروی برای برخی از انسان‌ها حتمی و قطعی است، اما وقوع و کیفیت آن قابل اثبات نیست و به اراده و مشیت خداوند بستگی دارد.

## منابع

قرآن کریم؛ ترجمه مکارم شیرازی

- ۱- خرمشاهی، بهالدین، سال ۱۳۹۳، دانشنامه قرآن پژوهی، ناشر دوستان، چاپ سوم
- ۲- دهخدا، علی اکبر، سال ۱۳۰۹-۱۳۱۰، لغت نامه
- ۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، سال ۱۳۸۸، مفردات، ناشر مرتضوی، چاپ چهارم
- ۴- ضیایی، عاطفه، سال ۱۳۹۶، خلود و جاودانگی در سرای آخرت از دیدگاه قرآن، ناشر دانش آور
- ۵- طباطبایی، سیدمحمدحسین، سال ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم انتشارات اسلامی، چاپ

پنجم

- ۶- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، سال ۱۳۷۵، ناشر مرتضوی، چاپ سوم
- ۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، سال ۱۳۶۷، العین، ناشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
- ۸- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ناشر دارالحديث، محل نشر قم

۹- محمد شیرازی، صدرالدین (ملاصدرا)، سال ۱۳۶۰، الحکمه المتعالیه، ناشر دار احیاء التراث، چاپ

سوم

۱۰- مرتضایی ارزیل، سید جواد، سال ۱۳۹۱، چه کسانی در آتش جهنم جاودانه خواهند بود،

۱۱- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، سال ۱۳۸۶، تفسیر نمونه، ناشر دار الکتب الاسلامیه

۱۲- نکونام، محمدرضا، سال ۱۳۸۷، خلود دوزخ و آتش و عذاب جاوید، ناشر ظهور شفق

۱۳- ایزدی، جنان، صادقی حسن آبادی، مجید، یوسفی کرج، فاطمه، "خلود در جهنم از منظر ابن قیم

جوزی و علامه طباطبایی"، مجله علمی پژوهشی الهیات

۱۴- تاره، مسعود، مهدی پور، حسن، "خلود" مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تاریخچه مقاله

۱۳۹۸

۱۵- ساطع، نفیسه، رفیعا، مریم، "دیدگاه امام خمینی (ره) در باب خلود با سایر آرای مخالف و

موافق" منبع پژوهشگاه متین، تاریخچه مقاله ۱۳۹۳

۱۶- پایگاه رسمی اینترنتی حضرت آیت الله مکارم شیرازی در باب خلود

۱۷- پایگاه رسمی اینترنتی استاد حاج حسین انصاریان. مقاله ی خلود





دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

بررسی ویژگی‌های عصر ظهور با محوریت آیات ۱۰۵ سوره انبیا و ۵۵ سوره نور صص ۸۲-۶۵

مینا مرادی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

## چکیده

یکی از موضوعاتی که آیات قرآن کریم به آن پرداخته، موضوع مهدویت است، برخی از این آیات قرآن کریم با بهره‌گیری از روایات متواتر تفسیری به بیان ویژگی‌های عصر ظهور و حکومت بندگان صالح خدا بر روی زمین اشاره دارد. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای با هدف ارائه مستندات و شواهد روایی به بررسی ویژگی‌های عصر ظهور با توجه به آیه ۱۰۵ سوره انبیا و آیه ۵۵ سوره نور می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که بر طبق روایات مطرح شده ذیل آیات نامبرده، صالحان مذکور در آیه یاران حضرت مهدی (ع) هستند که با رهبری ایشان به خلافت در زمین رسیده و آن را پر از عدل و قسط می‌کنند. حکومت حق، تمکین دین و امنیت کامل از ویژگی‌های است که در دوران زمامداری امام عصر (ع) به منصفه ظهور می‌رسد. این امر با قانون تکوین و نظام آفرینش که در آن هر چیزی به سوی کمال خود حرکت می‌کند نیز هماهنگ است بنابراین حکومت به سمت کمال خود و برقراری عدالت حقیقی در حرکت است.

کلید واژه‌ها: آیه ۱۰۵ سوره انبیا، آیه ۵۵ سوره نور، حکومت صالحان، عصر ظهور، مهدویت

---

<sup>۱</sup> دانش‌پژوه حوزه علمیه نجمه خاتون [Mina13511013511@gmail.com](mailto:Mina13511013511@gmail.com)

## ۱- مقدمه

با وجود کم رنگ شدن اخلاق و معنویت در عصر حاضر و سیر تصاعدی جنایات حکمرانان به نظر می‌رسد آینده جهان تیره و تار است؛ اما برخی آیات قرآن کریم از جمله آیه ۱۰۵ سوره انبیا و آیه ۵۵ سوره نور و روایاتی که از معصومان (علیهم‌السلام) در ذیل آیات وارد شده، نوید آینده‌ای روشن که در آن جهان پر از عدل و داد و امنیت خواهد شد را به ارمغان می‌آورد.

چنان که خداوند متعال در آیه ۱۰۵ سوره انبیا می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث زمین خواهند شد». امام باقر (علیه‌السلام) در ذیل آیه مذکور می‌فرماید: آنان اصحاب حضرت مهدی (علیه‌السلام) در آخرالزمان هستند. (مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۶۷). همچنان که سوره نور، آیه ۵۵ می‌فرماید: «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند وعده خلافت روی زمین داده، همان گونه که افرادی را که قبل از شما بودند و ایمان و عمل صالح داشتند حکومت و خلافت داشتند». این آیه نیز به خوبی نشان می دهد که سرانجام، حکومت روی زمین از دست حکام جبار و زمامداران ستمگر بیرون خواهد آمد و مؤمنان صالح بر سراسر زمین حکومت خواهند نمود. امام علی بن الحسین (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه فرمود: «هم و الله شيعتنا يفعل الله ذلك بهم على يدي رجل منا و هو مهدي هذه الامه؛ این گروه به خدا سوگند همان پیروان مکتب ما هستند، خداوند به وسیله مردی از خاندان ما این موضوع را تحقق می بخشد و او مهدی این امت است». (همان، ص ۲۶۸)

در دنباله آیه اخیر علاوه بر وعده فوق، سه وعده دیگر، نیز داده شده است: تمکین دین و نفوذ معنوی حکومت «الله» در دل ها «و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم»، مبدل شدن هر گونه ناامنی به امنیت «و لیبدلنهم من بعد خوفهم اماناً» و ریشه کن شدن شرک از سراسر زمین «یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا».

مراد از عصر ظهور، نمایان شدن امام مهدی (عج) پس از غیبت کبرا که شامل دوره قیام و عصر فرمانروایی و حکومت جهانی آن حضرت می‌شود. عصر ظهور تعبیر شفاف و روشن از روزهایی است که حضرت مهدی (ع) در کوفه مستقر می‌شوند و لشکرها را از آنجا به سراسر عالم می-فرستند. این عصر از این زمان آغاز می‌شود و سیصد و نه سال ادامه پیدا می‌کند. مطابق روایات

صحیح، مدت حکومت حضرت بقیه‌الله (ع) سیصد و نه سال است، به تعداد سالهایی که اصحاب کهف در غار بوده اند (نشریه موعود، ش ۶، ص ۷). عصر ظهور ویژگی‌های فراوانی دارد از جمله تکامل عقول بشری، عمومیت و گستردگی دین، محوریت مساجد در مرکز دولت کریمه، امنیت، وفور نعمت، عدالت و ....

پژوهش‌هایی در ارتباط با عصر ظهور و مهدویت صورت گرفته است. مطالعه این آثار برای شناخت بهتر و ترسیم دنیای بعد از ظهور و ویژگی‌های آن مفید به فایده به نظر می‌رسد. در ادامه به برخی از این آثار اشاره می‌شود.

کتاب «تاریخ پس از ظهور» اثر سید محمد صدر ترجمه حسن سجادی پور در سال ۱۳۸۴، یکی از کتابهای است که در حوزه مهدویت نوشته شده است. این کتاب در واقع جلد سوم از مجموعه چهار جلدی «موسوعه الامام المهدی علیه السلام» اثر مؤلف مذکور است و یکی از منابع ارزشمند در زمینه معارف مهدوی به شمار می‌آید که در آن به شیوه‌ای نقادانه روایت‌های مربوط به حوادث و رویدادهای پیش و پس از ظهور مورد بررسی قرار گرفته است.

کتاب «نوید امن و امان» نوشته لطف‌الله صافی گلپایگانی که در سال ۱۳۹۳ توسط دفتر تنظیم و نشر آثار ایشان به چاپ رسیده است، یکی دیگر از آثار مرتبط در این زمینه است. بخش اول این کتاب پیرامون بشارت‌های قرآن مجید و احادیث مربوط به ظهور حضرت ولیعصر (عج) می‌باشد و در بخش‌های بعدی کتاب به موضوعاتی چون مشخصات و اوصاف حضرت، اسرار و فلسفه غیبت، طول عمر حضرت، شرح چگونگی ولادت حضرت ولیعصر (عج) می‌پردازد. ویژگی این کتاب آن است که بر اساس ماخذ و مصادر معتبر شیعه و اهل سنت نوشته شده است.

کتاب «قرآن و ظهور حضرت مهدی (عج)» نوشته علی اصغر رضوانی در سال ۱۳۸۵، اثری مرتبط با موضوع مورد نظر است. در این کتاب ده آیه از قرآن کریم با موضوع مهدویت و ظهور منجی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

پایان نامه «موقعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر متون اسلامی و عهد جدید» اثر منیره قضاوی، پژوهشی دیگر در این رابطه است. در این پایان نامه موضوعاتی چون آخرالزمان و علائم آن، وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منجی از منظر روایات، اخلاق در عصر ظهور، علم در عصر ظهور، وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منجی از منظر عهد جدید، جهانی شدن و نظریه پایان تاریخ بحث شده است.

پایان نامه «تأویل آیات قرآن پیرامون حضرت مهدی (عج)» اثر ثمانه اختر دانش، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. نویسنده در این پایان نامه از آیات ۳ و ۱۴۸ سوره بقره که تاویل آنها پیرامون حضرت مهدی (عج) و یارانش و یا علائم ظهور می‌باشد، بهره برده است.

پایان نامه «امام مهدی در روایات تفسیری» نوشته شاه‌گل حسین سجادی در سال ۱۳۸۲، اثری دیگر در این موضوع است که در ۲۰۳ صفحه به نگارش درآمده است. نویسنده در این پایان نامه با استفاده از روایات تفسیری به تبیین ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) و علائم ظهور آن حضرت پرداخته است.

مقاله «بررسی دلالت اظهار دین بر نفی تکثرگرایی در عصر ظهور بر پایه آیه ۹ سوره صف» نوشته حمزه ترابی در سال ۱۳۹۸، اثری مرتبط در این زمینه است. نویسنده در این مقاله تلاش کرده است تا علاوه بر ترسیم بازنمایی از عصر ظهور با توجه به آیه ۹ سوره صف، میزان رسمیت داشتن تکثر ادیان در عصر ظهور را تبیین نماید و در آخر بر پایه یافته‌های تحقیق اینطور عنوان شده است که قرآن کریم آینده جهان را در پیروزی جبهه حق و غلبه اسلام بر سایر ادیان دانسته و در عصر ظهور این نجات بخشی با رهبری امام عصر (عج) تحقق خواهد یافت.

مقاله «مواجهه امام زمان (عج) با قوم یهود در عصر ظهور» اثر سعید بخشی، پژوهشی دیگر در این رابطه است. در این مقاله آمده است که امام زمان (عج) در عصر ظهور در دو مرحله با یهودیان مواجهه دارد. در مرحله اول با اقامه دلایل مورد قبول برای یهودیان آنان را به اسلام دعوت می‌نماید و برخی نیز ایمان می‌آورند؛ اما بسیاری در اثر نژادپرستی و عناد اسلام نمی‌آوردند و جنگ سختی با آنها شکل می‌گیرد و اوج خواری و ذلت قوم یهود در عصر ظهور خواهد بود.

مقاله «ویژگی‌های اخلاقی جامعه عصر ظهور» نوشته رسالت تاج الدین آوا در سال ۱۴۰۰، اثری دیگر در این رابطه است. در اینمقاله محقق ویژگی‌های اخلاقی جامعه امام عصر (عج) را شرح داده و به مقایسه اخلاق در جامعه فعلی با جامعه امام زمان (عج) پرداخته است.

مقاله «تبیین دلالت آیه ۵۴ سوره مائده بر جامعه عصر ظهور با تأکید بر نظر علامه طباطبایی» نوشته فاطمه احمدی در سال ۱۴۰۰، مقاله‌ای دیگر در این زمینه است. در مقاله مذکور نویسنده با استفاده از منابع روایی و تفسیری و تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی به بررسی جامعه و اقوام عصر ظهور در آیه ۵۴ سوره مائده پرداخته است.

تحقیق و بررسی در زمینه مهدویت و فرهنگ انتظار موجب می‌شود اهل ایمان و منتظران حکومت عدل حضرت مهدی (عج) بیش از پیش امیدوار و دل‌بسته آن عصر گشته و نسل‌های بعدی را نیز با این فرهنگ مأنوس کنند. سخن از خصوصیات انقلاب جهانی امام عصر (عج) بذر امید و آرزوی استقرار دولت کریمه را در دلها شکوفا می‌گرداند تا رایحه دل‌انگیز دوران ظهور در روح و جسم انسانهای خسته از ظلم و ناعدالتی و فتنه و فساد، حیاتی تازه ببخشد. در حالی که منابع مذکور به جنبه امیدآفرینی کمتر توجه شده است لذا محقق بر آن است که آن ویژگی‌های عصر ظهور را که در حال حاضر جامعه بشری بیشتر به آن نیاز دارد از جمله عدالت، امنیت و حاکمیت صالحان را با محوریت آیه ۱۰۵ سوره انبیا و ۵۵ سوره نور بیان نماید.

## ۲- مفهوم شناسی

در این بخش به تبیین دو مفهوم ظهور و عصر ظهور پرداخته می‌شود.

### ۲-۱- ظهور

یکی از اصطلاحات بسیار رایج در فرهنگ مهدویت واژه «ظهور» است. این کلمه از نظر لغت به معنای آشکار شدن چیز پنهان است (العین، ج ۴، ص ۳۷). نکته مهم در ظهور مسبوق بودن آن به غیبت است. در اصطلاح مهدویت مقصود، ظاهر شدن حضرت مهدی (علیه السلام) پس از پنهان زیستن طولانی، جهت قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است که دوران ظهور را می‌توان به مراحل ذیل تقسیم کرد. مرحله نخست، ظهور و آشکار شدن است که تنها در اراده و علم الهی است. مرحله بعدی، قیام و نهضت به امر الهی و خروج بر ستمگران و مبارزه با دشمنان است. مرحله پایانی، مرحله تثبیت و حکومت جهانی است (دانشنامه مهدویت و امام زمان (عج)، ج ۱، ص ۴۳۶).

رویکرد این مقاله مرحله پایانی یعنی مرحله تثبیت و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) و ویژگی‌های آن می‌باشد.

### ۲-۲- عصر ظهور

تعبیر شفاف و روشن عصر ظهور مربوط به روزهایی است که حضرت مهدی (ع) در کوفه مستقر می‌شوند و لشکرها را از آنجا به سراسر عالم می‌فرستند. این عصر سیصد و نه سال، به تعداد سالهایی که اصحاب کهف در غار بوده‌اند، ادامه پیدا می‌کند (نشریه موعود، ش ۳۹، ص ۶).

## ۲-۳- ویژگی‌های عصر ظهور

از مجموع روایاتی که در کتاب‌های حدیث، تفسیر و تاریخ درباره عصر ظهور مهدی موعود نقل شده، دو مطلب درباره مشخصات آخرالزمان یعنی عصر مهدی موعود به صورت تواتر معنوی به دست می‌آید. نخست اینکه در این عصر، پیش از ظهور مهدی موعود، فساد اخلاقی و بیداد و ستم همه جوامع بشری را فرا می‌گیرد و به صورت عام‌ترین پدیده در روابط انسانها درمی‌آید.

دیگر اینکه پس از ظهور مهدی، تحول عظیمی در جوامع واقع می‌شود، فساد و ستم از میان می‌رود و توحید و عدل و رشد کامل عقلی و عملی در سراسر زندگی انسانها گسترش می‌یابد. معروف‌ترین حدیث که با عبارات گوناگون نقل شده، علامت اصلی دوران حکومت مهدی در آخرالزمان را بال گسترده داد بر سراسر جهان یاد می‌کند: خداوند جهان را که از بیداد و تباهی آکنده شده است، به وسیله او از قسط و عدل پر می‌سازد (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۶).

برخی، مجموعه مشخصات و علائم آخرالزمان را که مربوط به عصر مهدی موعود می‌شود و در احادیث پیشگویی شده است. چنین تفسیر کرده‌اند: پیروزی نهایی صلاح و عدالت و آزادی، حکومت جهانی واحد، عمران تمام زمین، بلوغ بشریت به خردمندی کامل و آزادی از جبرهای طبیعی و اجتماعی، برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر ثروت، منتفی شدن کامل مفسد اخلاقی، منتفی شدن جنگ و سازگاری انسان و طبیعت (دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۲).

## ۳- بررسی آیه ۱۰۵ سوره انبیاء

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!

## ۳-۱- تحلیل واژگانی

در این بخش واژگان «الزُّبُور» و «الذِّكْر» و «وراثت» که در آیه به کار رفته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۳-۱-۱- واژگان «الزُّبُور» و «الذِّكْر»

در ذیل آیه شریفه، سعید بن جبیر و مجاهد و ابن زید گویند که مراد از «الزُّبُور» جنس کتب منزله و مراد از «الذِّكْر» لوح محفوظ است یعنی در کتب جمیع آسمانی نوشته‌ایم پس از آنکه در لوح محفوظ نیز ثبت نموده بودیم. به ابن عباس ضمن بیان نظری که گذشت، است، روایتی دیگر

نیز نسبت داده شده که در آن «الذکر» تورات دانسته شده است. شعبی گفته که مراد «الذکر» قرآن و مراد از «بعد» قبل است یعنی در همه کتابهایی که پیش از قرآن بودند، نوشته‌ایم (تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۶، ص ۱۱۵).

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) از تفسیر قول خدای عزوجل در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء که می‌فرماید: «محققاً ما نوشتیم در زبور پس از ذکر» سوال کرد که زبور و ذکر چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: «ذکر، نزد خدا است (دفتر کل الهی) و کتابی است که به داود نازل کرده و هر کتابی که نازل شده نزد اهل علم است و ما همان اهل علم هستیم» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۹).

بعضی گفته‌اند که منظور از «ذکر» در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، قرآن است و «زبور» تمام کتب انبیاء پیشین، و کلمه «مِنْ بَعْدٍ» تقریباً معادل کلمه «علاوه بر» در فارسی خواهد بود (لغات در تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۳۵).

### ۳-۱-۲- واژه «وراثت»

در معنای واژه «وراثت» و «ارث» که عبارت «بِرِثْهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» به آن اشاره دارد، راغب در کتابمفردات آن را به معنای انتقال مال بدون معامله دانسته است. وی مراد از «وراثت زمین» را سلطنت بر منافعی دانسته که از دیگران به صالحان منتقل می‌شود. او معتقد است برکات زندگی در زمین مختص صالحان است که یا دنیایی است و به تمتع صالحان از حیات دنیوی برمی‌گردد که در این صورت خلاصه مفاد آیه این می‌شود که به زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک گشته، جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند در آن زندگی می‌کنند. همچنان که آیه ۵۵ سوره نور «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض ... یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا» از آن خبر می‌دهد. یا این برکات اخروی است که عبارت است از مقامات قربی که در دنیا برای خود کسب کردند چون این مقامات هم از برکات حیات زمینی است هر چند که خودش از نعیم آخرت است (نوید امن وامان، ص ۳۱۵).

علامه طباطبایی معتقد است که آیه مورد بحث خاص به یکی از دو وراثت‌های دنیایی و آخرتی نیست بلکه هر دو را شامل می‌شود (المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۶). صافی گلپایگانی معتقد است آیه مذکور دلالت بر این دارد که زمین از آن خداست و آن را بندگان صالح او مالک خواهند شد (نوید امن وامان، ص ۳۱۵).

## ۲-۳- تحلیل مضمونی

بر طبق مضمون آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، زمین از آن خداوند است که به نیکوکاران و پرهیزگاران به ارث داده می‌شود. اگرچه در گذر زمان و طی مراحل تاریخی، حکومت از نسلی به نسل دیگر و از گروهی به گروه دیگر دست به دست می‌شود و سنت الهی بر اساس حکمت و تدبیر در پیوند امور به اسباب، بدین سان جریان می‌یابد؛ اما سرانجام، زمین و حکومت آن از متقین و صالحان است که اراده الهی را درباره اصلاح ابعاد گوناگون زندگی، از حکومت و شریعت تا باور و عقیده محقق ساخته و عینیت می‌بخشند.

خداوند متعال نظام جهان را طوری قرار داده است که هر نوعی از انواع موجودات به منتهای سیری که خداوند برایش معین کرده است، برسد و به سعادت مقدر خود نایل گردد. انسان هم، که یکی از انواع موجودات و بلکه برترین آن هاست، همین وضعیت را دارد. بر این اساس، مراد از «وراثت زمین»، که در آیه مذکور مطرح گشته، انتقال سلطنت بر منافع زمین از دیگران به صالحان است. به گونه‌ای که تمام برکات زمین، هم برکات دنیوی و هم برکات اخروی، به ایشان اختصاص یابد. مؤمنان صالح باید مطمئن باشند که زمین فقط جولانگاه اشرار و ناپاکان نیست، بلکه برای نیکان و نیکوکاران نیز فرصتی فراهم می‌آید؛ زیرا وراثت زمین پیش از آنکه یک وعده الهی باشد، یک قانون تکوینی محسوب می‌شود و نظام آفرینش دلیل روشنی است بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده بر جهان انسانیت (نشریه معرفت، ش ۹۰، ص ۷).

استاد مطهری در این رابطه معتقدند که آیات متعددی چون آیه ۳۳ سوره توبه، که حاکی از غلبه دین اسلام بر همه ادیان و آیین هاست، و همچنین آیه ۱۰۵ سوره انبیاء و آیه ۱۲۸ سوره اعراف، که حاکمیت نهایی زمین را از آن صالحان و متقین می‌داند، دال بر جامعه جهانی واحد با حاکمیت اسلام است (فلسفه تاریخ، ج ۴، ص ۸۱).

مراد از «حکومت صالحان» که آیه مذکور بر آن دلالت دارد و یکی از ویژگی‌های عصر ظهور است، دورانی است که در آن جامعه بشری و به طور خاص در جامعه دینی و اسلامی چاره‌ای جز به دست گرفتن قدرت سیاسی، به وسیله انسان‌های صالح، دیندار، عادل، امین، پارسا، شجاع و مورد اعتقاد و اعتماد مردم نیست؛ وگرنه نه دیانت بر جای باقی می‌ماند و نه عدالت محقق می‌شود و نه مردم به سعادت واقعی خواهند رسید. از نظر شیعیان دوازده امامی، حکومت صالحان منحصرأً حکومتی است که در رأسش معصوم باشد و معصوم نیز در حال حاضر فقط یک تن بیش نیست



که غایب است. از این رو با ظهور امام زمان و مهدی منتظر (علیه السلام)، حکومت صالح جهانی و ایده آل محقق خواهد شد (دانشنامه مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ج ۱، ص ۲۱۲).

### ۳-۳- تحلیل روایی

برخی از روایات در تفسیر این آیه به مصداق آن اشاره کرده و به صراحت بیان می‌کنند مقصود از بندگان صالح حضرت مهدی (علیه السلام) و یارانش هستند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «زویت لی الارض فاریت مشارقها و مغاربها و سیبلغ ملک امتی ما زوی لی منها؛ زمین برای من جمع شد و تمام شرق و غرب آن به من ارائه شد. به زودی ملک امت من همه آنها را فرا می‌گیرد». (شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، ج ۱۰، ص ۱۳۲)

امام باقر (علیه السلام) در ذیل آیه مورد بحث فرمود: اینها اصحاب مهدی در آخر الزمانند. مؤید آن روایتی است که خاص و عام از پیامبر خدا روایت کرده‌اند که: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یبعث رجلاً صالحاً من اهل بیتی یملأ الارض قسطاً و عدلاً کما قد ملئت ظلماً و جوراً؛ اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خدا آن روز را طولانی میکند تا مردی صالح از اهل بیت من را مبعوث گرداند و زمین را چنان که پر از ظلم و جور شده است، پر از عدل و داد کند (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۷۱).

از محمد بن عباس، از احمد بن محمد، از احمد بن حسن، از پدرش، از حسین بن محمد بن عبدالله بن حسن، از پدرش از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که ایشان فرمودند: منظور از عبارت «أن الارض یرتھا عبادی الصالحون» یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان می‌باشد (تاویل الآیات الظاهره، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۲۲). همین مضمون از علی بن ابراهیم و صاحب مجمع البیان در تفسیر این آیه وارد شده است (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۲؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۲۰).

### ۴- بررسی آیه ۵۵ سوره نور

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي

شَیْءًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

#### ۱-۴- تحلیل واژگانی

در این آیه به سه چیز وعده داده شده است: ۱- استخلاف در زمین. ۲- تمکین در زمین، ۳- تبدیل خوف به امن. این سه مورد در واقع اشاره به سه ویژگی عصر ظهور دارد.

#### ۱-۴-۱- واژه «استخلاف»

راغب در «مفردات» می‌گوید: «خلافت نیابت از غیر است به جهت غیبت کسی که از طرف او نایب شده‌یا به جهت مرگ یا عجزش یا به جهت شرف او و به همین معنا اخیر است که گفته می‌شود: «خداوند اولیایی در زمین به عنوان خلیفه خود قرار داده است» (مفردات قرآن، ص ۱۷۴).

#### ۱-۴-۲- واژه «تمکین»

«تمکین» در اصل به معنای قرار دادن چیزی در مکان است. راغب می‌نویسد: «مَكَّنْتُهُ وَمَكَّنْتُ لَهُ فَتَمَكَّنْتُ؛ شیء را در مکان قرار دادم پس جای گرفت» (همان، ص ۷۷۲).

وعده خداوند به تمکین دین برای قوم موعود «وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»، به معنای تثبیت دین ایشان بدون زوال و اضطراب است؛ آن هم دینی که خداوند برای آنان پسندیده که همان اسلام است (نشریه قرآن شناخت، ش ۶، ص ۱۶۷). از نظر رضوانی، مقصود به «تمکین دین» آن است که خداوند دین را در جامعه مورد عمل مردم قرار دهد و اسلام را بر همه ادیان غالب سازد. چنان که فرموده: «يُعْبَدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا». مراد از «دین مورد رضایت» همان دین اسلام است (قرآن و ظهور حضرت مهدی (عج)، ص ۱۱).

#### ۱-۴-۲- تحلیل مضمونی

در آیه مذکور، منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» پیامبر و اهل بیت است. این آیه آنها را مژده می‌دهد که خلیفه می‌شوند و در تمام بلاد قدرت را به دست می‌گیرند و در وقت قیام مهدی (ع) ایمن خواهند شد.

مقصود از عبارت «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» که در آیه آمده این است که قبلاً هم خداوند افرادی را که صالح خلافت بوده‌اند، قدرت و خلافت بخشیده است مثل آدم و داوود و سلیمان (علیهم‌السلام). شاهد این مطلب آیه ۳۰ سوره بقره «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ در روزی زمین خلیفه‌ای قرار میدهم» آیه ۲۶ سوره ص «بَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛ ای داود، ترا در روی زمین خلیفه ساختیم» و آیه ۵۴ سوره نساء «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا؛ آل ابراهیم را کتاب و ملک عظیم دادیم» می‌باشد.

تمام ائمه طاهرین (ع) بر این مطلب اجماع دارند و اجماع آنها حجت است؛ زیرا رسول خدا فرمود: «من در میان شما دو چیز سنگین ترک می‌کنم؛ کتاب خدا و عترتم. از هم جدا نمیشوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند». وانگهی هنوز مسلمانان و مؤمنین در روی زمین قدرت کامل پیدا نکرده‌اند بنا بر این باید در انتظار روزی بود که خداوند به این وعده خود جامه عمل ببوشد؛ زیرا خدا خلف وعده نمیکند (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۶۴).

آیت الله صافی گلپایگانی در توضیح این آیه آورده است که معنای استخلاف و جانشینی مومنین در زمین و نیز وارث شدن آنان، استخلاف در تمام زمین و وارث شدن کره ارض است که برای امام زمان (علیه‌السلام) و یاران آن حضرت حاصل می‌شود (نوید امن و امان، ص ۴۱).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است که وعده استخلاف در این آیه، جز با اجتماعی که با ظهور مهدی (ع) بر پا می‌شود با هیچ مجتمعی قابل انطباق نیست. ایشان بر این باورند که آنچه از همه مطالب حاصل می‌شود این است که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برایشان تکوین می‌کند که به تمام معنا صالح باشد و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد. زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد. ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. علامه اضافه می‌کند که این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مبعوث به رسالت گشته تاکنون چنین جامعه‌ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی (علیه‌السلام) خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) در

خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد، البته این در صورتی است که روی سخن در آیه متوجه مجتمع صالح باشد، نه تنها حضرت مهدی (علیه السلام) (المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۶).

در مقصود به کلمه «الارض» در آیه شریفه بین مفسران اهل سنت اختلاف است، برخی مقصود به آن را زمین مکه و برخی زمین مدینه و برخی جزیره العرب دانسته‌اند. ولی نزد برخی دیگر مقصود کل روی زمین است. این معنا با روایات متواتر فراوان در موضوع حکومت عدل جهانی سازگاری دارد، و برخی از مفسران نیز همانند آلوسی و قرطبی آن را انتخاب کرده‌اند، خصوصاً آن که کلمه «الارض» با الف و لام آمده که ظهور در استغراق دارد، در نتیجه شامل کل کره زمین می‌شود (قرآن و ظهور مهدی علیه السلام، ص ۱۲).

جمله «وَلَيَبْدُلَنَّهُمْ مَنْ بَعْدَ خَوْفِهِمْ» نیز دلالت بر حکومت عدل جهانی در عصر ظهور دارد؛ زیرا مؤمنین در طول تاریخ گرفتار مشکلات و مورد ظلم و جور سلاطین و دشمنان بوده و درخوف به سر می‌بردند. این خوف تبدیل به امن و امنیت کامل که ظهور آیه در آن است، نمیشود مگر در صورتی که سلطه مؤمنین تمام روی زمین را فراگیرد که تاکنون چنین امری اتفاق نیفتاده است. در نتیجه آیه به آینده ای درخشان و دارای نوید و امنیت اشاره دارد که مؤمنین به آن خواهند رسید (همان).

منظور از صالحان مؤمن که در آیه یاد شده‌اند به چند جهت مستضعفان هستند. نخست اینکه «صالحان مؤمن» عموماً در طول تاریخ از طبقه محرومان بوده‌اند. بیشتر پیروان انبیا، بینوایان و طبقات متوسط جامعه بودند نه ثروتمندان، طبق آیات فراوان قرآن کریم، طبقات اشراف و مترفان و مسرفان و مستکبران نوعاً فاسد و منحرف و مخالف حق و عدل بوده‌اند. چنان که در آیه ۱۱ سوره مزمل «وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمْ قَلِيلًا؛ تَكْذِيبُ كُنُودًا صَاحِبِ نِعْمَتٍ رَاحَتٍ بِهَا يَكْفُرُونَ» (مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۹۲).

دوم این که در این آیه از تمکین و استواری و استقرار دین خدا سخن رفته است. استواری و استقرار دین در اجتماعی امکان دارد که دارای طبقه مستکبر و مستضعف نباشد. این چنین اجتماعی بی‌تردید جامعه فرودستان و مستضعفان است که از طبقات زر به دست و زورمدار و مستکبر تصفیه شده است. (همان، ص ۳۹۲).

سوم این که در فرازهای آخر آیه شریفه، از امنیت اجتماعی و رخت برپستن ترس‌ها و دلهره‌ها و بیم‌ها سخن رفته است. سلطه‌طلبان و قدرتمندان مالی و سیاسی و نظامی هستند که توده‌های مردم را می‌ترسانند و با شیوه‌های ارعاب و ایجاد نگرانی و دلهره حاکمیت و سلطه خود را تداوم می‌بخشند (همان، ص ۳۹۳). بنابراین، آیه یادشده که درباره حاکمیت فراگیر قرآنی، در جامعه‌های بشری سخن می‌گوید، حاکمیت محرومان و مستضعفان را در نظر دارد.

صافی گلپایگانی در کتاب خود بعد از آوردن آیات مهدوی قرآن کریم، ذیل آیه ۱۰۵ انبیا و ۵۵ سوره نور تینطور بیان می‌دارد که در این دو آیه ضمن تأکیدات آشکار و روشن وعده داده است که مؤمنان و صاحبان اعمال شایسته، مالک امور و خلیفه روی زمین شده و دین اسلام با قوت تمکین گردیده و ترس و بیم آنها مرتفع و به امنیت مبدل شود (نوید امن و امان، ص ۱۳۶). طبرسی پس از ذکر اقوال مختلف ذیل آیه ۵۵ سوره نور با استناد به روایات اهل بیت (علیهم السلام) این آیه را در باره حضرت مهدی (علیه السلام) از آل محمد می‌خواند.

#### ۴-۳- تحلیل روایی

محمدبن ابراهیم نعمانی از احمدبن محمدبن سعیدبن عقیده، از احمدبن یوسف بن یعقوب جعفی ابوحسن، از کتابش روایت کرده، از اسماعیل بن مهران از حسن بن علی بن ابوحمزه، از پدرش و وهیب از ابویصیر، از امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه ۵۵ سوره نور که فرموده این آیه در باره حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش نازل شده است (الغیبه، ص ۱۶۰).

در حدیثی از امام علی (علیه السلام) آمده که ذیل آیه شریفه می‌فرماید: «هم آل محمد، یبعث الله مهدیهم بعد جهدهم، فیعزهم و یذلّ عدوهم؛ ایشان (مستضعفان میراث بر زمین)، خاندان پیامبرند که خداوند پس از سختی‌ها، مهدی ایشان را برانگیزد و به آنان بخشد و دشمنان‌شان را خوار سازد (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۴). واضح است که حکومت آل محمد «ص» یعنی همان حکومت مردم مستضعف و رسیدن محرومان به حق خود. از نظر دیگر نیز برای اجرای عدالت راستین، حاکمیت فرودستان محروم ضرورت دارد، زیرا که در تمامی دوران گذشته تاریخ مورد اصلی ظلم و بی‌عدالتی، طبقات محروم بوده‌اند و سرانجام باید پدیده ناهنجار و ضد بشری «استضعاف» که تعبیری از همه ظلم‌ها و ستم‌هاست از میان برود و انسان از زیر بار سنگین و شکننده آزاد شود.

ابوالنضر عیاشی با سند از علی بن حسین (علیه السلام) نقل می‌کند که در آن، حضرت آیه را تلاوت کرده و فرمود: به خداسوگند که آنان شیعیان ما اهل بیت (علیهم السلام) هستند و خداوند (مؤمنان و صالحان را در زمین) به دست مردی از خانواده ما که او مهدی است به حکومت می‌رساند و او همان است که پیامبر در باره او فرمود: اگر از دنیا فقط یک روز باقیمانده باشد، خداوند آن را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از اهلیت من که همنام من است بیاید و زمین را همانطور که پر از ظلم و ستم شده است، پر از عدل و داد کند. در ادامه طبرسی اضافه می‌کند که چنین مطلبی درباره این آیه، از امام محمد باقر «ع» و امام جعفر صادق «ع» نیز روایت شده است (مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۶۷).

#### ۵- ویژگی‌های جامعه پس از ظهور

آیت الله صدر در کتاب تاریخ پس از ظهور خود در مورد چگونگی جهانگیر شدن عدل و اجرای عدالت در دوره پس از ظهور آورده است که امام مهدی (علیه السلام) هر منطقه ای را که فتح نماید، اجرای عدالت را در آنجا آغاز می‌کند و وقتی همه جهان فتح گردد، اجرای عدالت نیز جهانگیر خواهد شد. وی وجود برنامه‌ای عادلانه و کامل که آماده عملیاتی شدن در سطح جهان باشد را ضروری می‌داند. روشن است هرگاه قانون آماده نباشد یا به طور کامل عادلانه نباشد، اجرای عدالت کامل و بهره‌وری از ثمرات مطلوب اجتماعی آن با مشکل مواجه خواهد شد. از اینرو وجود این قانون عادلانه و کامل، ضمانت مؤثری برای موفقیت است و البته این قانون در اختیار دولت مهدوی قرار دارد. این برنامه عادلانه و کامل، همان اسلام است که در آن احکام حقیقی آشکار می‌شود. اندیشه‌ها و مفاهیمی که بر آمده از تحول و پیشرفت تفکر اسلامی است، ظهور می‌یابد. احکام و مفاهیمی که روزی از میان رفته بوده آشکار می‌گردد. احکام و مفاهیمی که پیش از این اعلان نشده بوده و آشکار شدن آن بستگی به تشکیل دولت جهانی داشت، بیان می‌شوند. تشکیلات و قوانین مشروعی که خود ولی عصر (علیه السلام) در چارچوب احکام ثابت دینی به آن رسمیت می‌بخشد، نمایان می‌شوند. قوانین کلی که امام (علیه السلام) به عنوان دستور العمل به فرماندارانش در سطح جهان ابلاغ می‌فرماید آنها را در حکمرانی و قضاوت عادلانه در هر نقطه از جهان توانایی می‌بخشد. همچنین قوانین کلی که امام (علیه السلام) به منظور استمرار فرآیند تربیت و تکامل انسان‌ها در دراز مدت برای یاران خاصش مقرر می‌فرماید در تربیت تدریجی انسان‌ها مؤثر خواهد شد (تاریخ پس از ظهور، ص ۴۰۲).

طبق آیه ۵۵ سوره نور یکی از ویژگی‌های عصر ظهور امنیت اجتماعی است. امنیت اجتماعی، امنیت در بخش‌های گوناگون زندگی از جمله بخش‌های اقتصادی، سیاسی، دفاعی، فرهنگی و ... را شامل می‌شود. امنیت اجتماعی زمینه همه فعالیت‌های درست و مفید اجتماعی است و شرط لازم رشد و تکامل فرد و جامعه می‌باشد. در محیط امن و آرام، روابط اجتماعی بر اصل ضوابط استوار است و حق و تکلیف معیار رابطه‌ها است. با امنیت اجتماعی، منافع همه تأمین می‌شود و حق هر قدراری تأمین می‌گردد. تضاد و درگیری به حداقل می‌رسد و در صورت بروز تضاد و درگیری، هرکس در محدوده حقوق خویش محدود می‌گردد، و قانون مانع تجاوز و دست‌درازی اوست.

در جامعه امن، قانون حاکم است و مورد ستایش و پذیرش عمومی، حتی مجری قانون از قانون بیم دارد. در جامعه امن، بیم، هراس، دلهره و نگرانی در مردمان نیست. کسی از کسی بی‌جهت نمی‌هراسد و هرکس در هر مقام بالای اجتماعی نمی‌تواند به شخصی دیگر در هر پست و منزلت پایین اجتماعی زور بگوید و مانع راه و کار او گردد. در جامعه امن، سرمایه‌داران و متنفذان بر جامعه تسلط ندارند و اقویا، ناتوانان را نمی‌بلعند و سرنوشت فرودستان در دست فرادستان و مستکبران و سرمایه‌داران نیست.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در حدیثی می‌فرماید: «... و لم یغلق بابہ دونہم فیأکل قویہم ضعیفہم...؛ ... (حاکم اسلامی) در خانه خود را به روی مردم نبندد، تا توانای ایشان (حق) ناتوان را بخورد» (کافی، ج ۱، ص ۴۰۶). در این تعلیم نبوی، چنانکه جامعه صالح و امن ترسیم گردیده، راه رسیدن به آن نیز ارائه شده است. در جامعه امن طبقه حاکم از مردم فاصله ندارند و توده‌های مردم هر گاه لازم باشد به دولتمردان دست‌رسی دارند و دربانان و نگهبانان مانع آنها نیستند. همچنین اقویا و توانمندان نمی‌توانند ناتوانان و ضعیفان را ببلعند و در پنجه خود گلویشان را بفشارند. این دو موضوع با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارد. اگر حکومت‌ها درهای دارالحکومه‌ها را به روی مردم بستند و دربان و حاجب گماردند و هرکس نتوانست به دادرسی نزد آنان رود و عرض حال کند، طبیعی است که توانمندان بر توده‌های مردم تسلط می‌یابند و حق ناتوانان را می‌خورند.

در جامعه پس از ظهور، مردم در زندگی، از همه جهات، امنیت دارند. حوادث، پیش آمدها، زیان‌ها، کمبودهای طبیعی و انسانی و ... موجب نگرانی افراد نیست، زیرا که مردم تأمین کافی

دارند و دولت‌ها مردم را تأمین می‌کنند و ضرر و زیان‌ها و خسارت‌ها جبران می‌گردد. چنان که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «من مات و ترک دینا، فعلینا دینه و الینا عیاله ...؛ هرکس بمیرد و دینی داشته باشد، ادای دین او و نگاهداری از عیال او بر عهده ما (حاکم اسلامی) است (کافی، ج ۷، ص ۱۶۷). در چنین اجتماعی، با این سطح بالای تأمین و امنیت، مردمان می‌توانند با آرامش خاطر و آسایش کامل زندگی کنند و از هیچ چیز و هیچ امری نگران نباشند.

در جامعه عصر ظهور، هرکس ادعای به حق و سخن درستی داشته باشد می‌تواند بدون بیم بر زبان آورد و حق و نظر خود را اظهار کند.

از دیگر ویژگی‌های جامعه عصر ظهور آن است که هر فرد از محصول کوشش و کار خویش بی‌کم و کاست بهره می‌برد. پدیده شوم استثمار و بهره‌کشی از ثمره کار و کالای دیگران وجود ندارد. سرنوشت‌ها بازیچه دست جریان‌ها و نوسان‌های اجتماعی نیست؛ بلکه سرنوشتها و انجام کارها منظم و حساب شده است. از آغاز هرکار روشن است که انجام آن کجاست و چیست؟ در آن دوران نادرستی و دغلبازی در کار نیست، و بازار نامردمیها و ناانسانیه‌ها رونقی ندارد، همه‌چیز بر معیار درستی و راستی استوار است.

در این جامعه، انسان به انسان نزدیک است و دوستی و مهرورزی جای کینه‌توزی و دشمنی را می‌گیرد. تضاد، درگیری و تزاخم جایش را به رقابت سالم و آزاد و انسانی می‌دهد. و دارالسلام و جامعه امن و زندگی آرام و آسوده‌ای که نمونه زندگی در بهشت جاوید است، نصیب انسان می‌گردد. در عصر ظهور، جامعه در دست مؤمنان قرار می‌گیرد و مؤمنان مرزبانان حق و حقوق همگانند و در برابر خدا و خلق، تعهدی ایمانی دارند.

امام مهدی «ع» پدیدآورنده چنین جامعه‌ای است که بشریت در تمام دوران تاریخ خود مانند آن را نادیده است. او در جامعه عدالت بنیاد خود، همه معیارها و ضوابط غیرانسانی و نادرست را کنار می‌زند و علل و عوامل دلهره، نگرانی، ترس را نابود می‌کند و بیم‌آفرینان را از سر راه جامعه برمی‌دارد و اعمال نفوذها و قانون‌شکنی‌ها را نفی می‌کند. حرکت جامعه و روابط اجتماعی را برپایه‌های قانون و عدل و احترام به حقوق و ارزش انسان استوار می‌سازد. در آن دوران سعادت بار، هیچ حقی تضییع نمی‌گردد و هرکس در هر مقام به بیش از آنچه حق دارد، دست نمی‌یابد. همه‌چیز به اندازه و حساب و حق است. به معنای واقعی کلمه اراده آزاد انسانی در قلمرو درست



و قانونی خود حرکت می‌کند و انسان‌ها بی‌مانع، امکان شدن و رشد را می‌یابند (عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج)، ج ۱، ص ۱۷۴).

## ۶- نتیجه

۱. از بررسی واژگان آیه ۱۰۵ سوره انبیا و دیدگاه مفسران روشن شد که این وعده تاکنون تحقق نیافته و با توجه به احادیث مصداق اتم آن عصر ظهور می‌باشد.
۲. ایجاد امنیت پس از خوف که آیه ۵۵ سوره نور «وَأَكْبَدُ لَهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» بدان اشاره دارد در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه والشریف) به نیکی صدق می‌کند.
۳. درباره مفاد آیه ۵۵ سوره نور و تعیین مصداق آن اختلاف نظرهای وجود دارد ولی با توجه به عام بودن الفاظ آیه و مراجعه به روایت ذیل تفسیر این آیه تطبیق قوم موعود بر امام مهدی (عج) و یارانش مصداق اتم و درست‌تر است؛ زیرا قول ائمه اطهار (علیهم السلام) نسبت به قول دیگران اقوی است.
۴. هر ظلم و ستمی که به محرومان و بی‌پناهان شده است یا مستقیم به دست حکومت‌های اشرافی و مرفه انجام گرفته است یا به دست طبقات اشراف و سرمایه‌دارانی که در زیر چتر حمایت حکومت‌های مستکبر قرار داشتند و با حمایت قانونی و عملی آنها راه ظلم و تحمیل و استثمار را هموار می‌ساختند. این نظام‌ها و جریان‌های ضد بشری هنگامی پایان می‌یابد که حکومت و قدرت سیاسی و نظامی جامعه فقط و فقط به دست طبقات محروم و مستضعف سپرده شود. دفاع از حقوق پایمال‌شده فرودستان و مستضعفان آنگاه امکان دارد که حاکمیت به دست آنان سپرده شود. هر حکومتی هر چند صالح هم باشد نمی‌تواند حقوق محرومان را به آنان بازگرداند، مگر اینکه خود از این طبقه باشد و دردهای این طبقه را با تمام وجود خویش لمس کرده باشد.
۵. عصر ظهور ویژگی‌هایی دارد که در رأس آنها ایجاد امنیت و عدالت اجتماعی و احقاق حق مظلومان و از بین رفتن خوف‌ها و ترس‌ها است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶ش، کامل الزیارات، تصحیح عبدالحسین امینی، دار المرتضویه، نجف.
۲. استرآبادی، علی، ۱۴۰۹ق، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، تصحیح حسین ولی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.

۳. الزرقانی، محمد بن عبدالباقی، ۱۴۱۷ق، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴. جمعی از نویسندگان، بی تا، دانشنامه مهدویت و امام زمان (عج)، پایگاه تخصصی عاشورا، بی جا.
۵. حکیمی، محمد، ۱۳۷۴، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام پژوهشی در انقلاب جهانی مهدی (عج)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۶. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۵ش، قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، مسجد مقدس جمکران، قم.
۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۳۹۳، نوید امن و امان؛ پیرامون شخصیت، زندگانی، غیبت و ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی، قم.
۸. صدر، سید محمد، ۱۳۸۹، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، موعود عصر، تهران.
۹. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر مجمع البیان، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۱۲. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، تصحیح طیب موسوی جزایری، دار الکتب، قم.
۱۳. کاشانی، ملا فتح الله، ۱۳۳۶ش، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتابفروشی محمدحسن علمی، تهران.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، الوفا، بیروت.
۱۶. محمدی، عبدالعلی، در عصر جهانی شدن، نشریه معرفت، ش ۹۰، ۱۳۷۰، ص ۷.
۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، فلسفه تاریخ، صدرا، تهران.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، لغات در تفسیر نمونه، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم.
۱۹. موسوی بجنوردی، محمد کاظم، ۱۳۶۷ش، دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
۲۰. مهدی پور، علی اکبر، ویژگی های عصر ظهور، نشریه موعود، ش ۳، ۱۳۸۲، ص ۶.
۲۱. نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی آیه وعد (۵۵ سوره نور) از دیدگاه مفسران فریقین، نشریه قرآن شناخت، س ۳، ش ۶، ۱۳۸۹، ص ۱۶۵.
۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، الغیبه للنعمانی، تصحیح علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران.

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت  
سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

نقش زن در تحکیم و تضعیف خانواده در کلام اهل بیت علیهم السلام صص ۱۰۰-۸۳

فاطمه خلق احمدی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### چکیده

زن به عنوان محور و یکی از ارکان اصلی خانواده در ارضای نیازهای عاطفی و جنسی همسر و برطرف کردن نیازهای عاطفی و تربیتی فرزندان و مدیریت اقتصادی اهل خانواده نقش اساسی دارد. چنانچه زن از عهده مدیریت خانواده چه از لحاظ همسری و چه مادری برنیاید کانون خانواده مرکز کشمکش و در نهایت سقوط خواهد شد و تأثیرات منفی که بر چنین خانواده ای وارد می‌شود، می‌تواند جامعه را نیز به سوی تباهی و شکست و جامعه ی ناهنجار سوق دهد. پژوهش حاضر که با روش نقلی-وحيانی و به صورت گردآوری کتابخانه‌ای صورت گرفته در تلاش است به تبیین تأثیر وجودی زن در دو بعد تحکیم و تضعیف خانواده از جنبه اعتقادی، عاطفی و اقتصادی بپردازد. اگر زن در نقش همسری یا مادری دارای عقیده راسخ بوده و از مهرورزی دریغ نرزد و در اقتصاد جانب تعادل را نگه دارد و کمک‌کار خانواده در امر معاش باشد، می‌تواند بنیان خانواده را استحکام بخشد. چنانکه در مقابل اگر از اعتقادی استوار برخوردار نباشد و مهرورز نبوده و از تجمل‌گرایی و اسراف نپرهیزد موجب تضعیف بنیان خانواده می‌شود.

کلید واژه‌ها: زن، خانواده، تحکیم خانواده، تضعیف خانواده

---

<sup>۱</sup> دانش پژوه مدرسه علمیه نجمه خاتون  ahmadifati۵۴۸@gmail.com

## ۱- مقدمه

در یک جامعه اسلامی، خانواده رکن اصلی است بنابراین توانایی و از بین رفتن قداست آن باعث انحطاط جامعه و ملت می‌شود و بدنه جامعه آسیب جدی و حتی غیر قابل جبران می‌بیند و نسل آینده هم از این آسیب بی بهره نمی‌ماند. نوزاد انسان بیش از هر موجود دیگر نیازمند پدر و مادر و حمایت آن دو می‌باشد و نمی‌تواند به تنهایی به زندگی ادامه دهد. در خانواده است که نقاط ضعف و قوت شخصیت انسان بدون هیچگونه مانعی آشکار می‌شود و همین خانواده محیطی می‌گردد که امکان درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم می‌شود. بدون تردید خانواده بهترین و شایسته ترین کانون برای پرورش استعدادها و شکوفایی انسان هاست. یکی از مشکلات عمده انسان به ویژه در عصر کنونی فقدان آرامش روانی و امنیت خاطر همچنین اطمینان قلبی است که باعث گشته برخی دانشمندان دوران کنونی را عصر اضطراب نامند (برگرفته از کوثری، بهداشت روانی خانواده) که در این میان بی تردید زنان به عنوان همسر و مادر نقشی اساسی دارند.

آگاهی زنان از نقش خاص شان در عرصه خانواده و جامعه می‌تواند زمینه ساز پرورش نسلی با مسئولیت و پراکنگیزه شود. زن به عنوان الگو در خانواده مطرح بوده و جهت دهنده ی همه حرکت خانواده است. به عبارت دیگر سبک زندگی، اخلاق، عملکرد و حتی نگرش او سایه گستر بر همسر و فرزندان خویش است. از این رو، ضروری است زن به گونه‌ای از لحاظ فردی از دوران کودکی و نوجوانی تربیت شود که توانایی حفظ مسئولیت در خانواده و تربیت فرزندان در وجودش نهادینه شود. تاریخ شاهد زنانی بوده است که پاکدامنی و دینداری را سرلوحه امور خود قرار دادند و با وجود ظلم و جورهایی که در محیط خانواده به آنها تحمیل گردید به ساحت مقدس خانواده خیانت نکرده و صبورانه در اصلاح و استحکام آن کوشا بودند از آن جمله آسیه همسر فرعون که شهادت در راه خدا را بر زندگی اشرافی ترجیح داد.

بنابر این جامعه سالم نیازمند داشتن خانواده سالم است و سعادت و سلامتی هر جامعه هم در خانواده پی‌ریزی شده است. شمع فروزان محفل خانواده، زن است به همین دلیل توجه به نگرش زنان در عوامل موثر بر تحکیم یا تضعیف خانواده از نظر فهم دینی اهمیت بسزایی دارد.

آثار متعددی در زمینه زن و تحکیم خانواده نگاشته شده از آن جمله؛ کتاب "زن در آیینه جلال و جمال" اثر آیت الله عبدالله جوادی آملی سال ۱۳۸۳ که نویسنده در آن مقام و موقعیت فردی و اجتماعی زن را واقع‌گرایانه مورد تحلیل قرار داده است. کتاب دیگر در این زمینه به نام "زن آنگونه

که باید باشد" نگارش اصغر طاهرزاده در سال ۱۳۸۷ می‌باشد. این کتاب مجموعه‌ای از چند سخنرانی مؤلف است که در آن زوایای مختلف زن و خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب "حقوق زن در اسلام" اثر مرتضی مطهری که در سال ۱۳۷۰ منتشر شده، اثری دیگر در این موضوع است. کتاب مذکور از پاسخ‌های مستدل نویسنده در مقابل برخی مطالبی که برضد نص مسلم قرآن بیان شده، نگاشته شده و به حقوق زن در مکتب متعالی اسلام اشاره شده است.

پایان نامه "بررسی خانواده مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث" نگارش زهرا گل محمدی در سال ۱۳۹۲ پژوهشی مرتبط است که در آن نویسنده نتیجه می‌گیرد تنها خانواده‌ای که همه جنبه‌های یک خانواده مطلوب را دارد، خانواده حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) است. پایان نامه "راهکارهای سالم‌سازی خانواده از دیدگاه قرآن با تکیه بر تفسیرنمونه" با نگارش نرگس سعیدی اسحاق در سال ۱۳۹۳ پژوهشی دیگر در این رابطه است. پژوهشگر نتیجه می‌گیرد که قرآن کریم به خانواده سالم و متعالی پرداخته و توجه جدی به اهداف و مقاصد تشکیل خانواده قبل و بعد از ازدواج نموده است.

مقاله "مقام و موقعیت زن در اسلام بر مبنای تساوی زن و مرد" اثر شیوا رضوی که در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است، پژوهشی در این باره است. نویسنده مقام و موقعیت زن را بر مبنای تساوی زن با مرد بررسی کرده و آن را با سایر کشورها خاصه اروپاییان، مقایسه نموده است. مقاله دیگر با نام "آزادی و حقوق خانواده در اسلام" اثر حسین حقانی زنجان‌ی در سال ۱۳۴۹ می‌باشد که نویسنده در آن به حدود وظایف مرد در تامین زندگی زن به عنوان همسر پرداخته و آن را با دیگر کشورها مثل ژاپن مقایسه کرده است. مقاله "نقش عوامل عاطفی روانی در تحکیم خانواده از منظر آیات و روایات با رویکرد سبک زندگی اسلامی" اثر مجید استادی و محمدرضا سالاری فر که در سال ۱۳۹۵ به رشته تحریر درآمده به ابعاد مهم زندگی انسان و رابطه‌های خانوادگی پرداخته است.

چنانچه از نظر گذشت بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون زن و نقش و حقوق او در خانواده است و تا حد احصاء پژوهشی که اختصاصاً به بررسی نقش زن در تحکیم علی‌الخصوص تضعیف خانواده آن هم در کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) پردازد، مشاهده نمی‌شود.

این مقاله در پی آن است که به واکاوی نقش و وظایف زن در تحکیم خانواده یا تضعیف آن در کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) پردازد تا از این رهگذر آگاهی‌های لازم برای ایجاد خانواده

مستحکم به طور اجمال در دسترس افراد قرار گیرد مخصوصاً در جامعه نوین بشری که از جوانب مختلف به خانواده آسیب وارد می‌شود و آمار پاشیدگی خانواده فزاینده است.

## ۲- اهمیت خانواده در کلام معصومین (علیهم‌السلام)

خانواده نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد و با تولید مثل، توسعه می‌یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهمترین عامل تکامل جامعه بشر است (محمدی ری شهری، خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۱۱). خانواده، کهن ترین نهاد اجتماعی شناخته شده توسط انسان است و دارای اعتبار و آثاری جدا از آثار و احکام اعضای آن می‌باشد (برگرفته از شهریاری، شناسایی خانواده به عنوان ماهیتی مستقل و آثار ناشی از آن در فقه و حقوق ایران). همه دستاوردهای علمی، هنری و ... در سایه خانواده سالم و امن پدید آمده است. خانواده سه وظیفه اصلی را برعهده دارد یکی ارضای نیازهای جنسی، دوم تأمین مسائل اقتصادی، سوم پرورش نسل (فرجاد، آسیب شناسی اجتماعی، ص ۲۰).

بانیان تشکیل خانواده زن و مرد هستند که در سایه ازدواج، زن و شوهر می‌باشند که در تحکیم و پایداری خانواده خود سعی و تلاش دارند. تمام احکام و دستورات اسلامی به نوعی ناظر بر صیانت از خانواده است. شاهد و گواه بر این موضوع روایات گرانقدر ائمه طاهربین (علیهم‌السلام) می‌باشد. خانواده از دیدگاه سنتی آن غالباً با دید اصالت فرد و روح فردی مورد توجه است و قوانین و حقوق اعضای آن بر اساس رابطه زوجیت و قرابت مترتب می‌باشد، هرچند که زن و مرد از نظر روحیات با هم فرق و اختلاف دارند (برگرفته از شهریاری، شناسایی خانواده به عنوان ماهیتی مستقل و آثار ناشی از آن در فقه و حقوق ایران).

مهمترین امر در تشکیل یک خانواده سعادت‌مند، تربیت صحیح است. امام علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «ای کمیل، خانواده ات را فرمان ده که در بدست آوردن مکارم اخلاق و بزرگواری، بکوشند».

بر اساس روایات معصومین علیه السلام می‌توان خانواده را این گونه تقسیم کرد که مرد مسئول مدیریت خانواده در امور کلان و زن عهده دار امور داخلی منزل است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این زمینه فرمودند: «هر فردی از افراد بنی آدم سیادت و مسئولیتی دارد، پس مرد سید و بزرگ و مسئول خانواده است و زن بانوی منزل و سیده‌ی منزل خود است که البته منزل او منزل شوهر هم است» (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۱۴).

در یک خانواده منسجم و پایدار باید قوانین الهی و دستورات و فرامین اهل بیت (علیهم السلام) مورد اجابت باشد. از حدیث فوق، این چنین استنباط می‌شود که بانوان صالحه دو وظیفه بر عهده دارند. یکی وظیفه پذیرش قوامیت مرد و البته زنان فطرتاً مسئولیت و قوامیت مرد را پذیرا هستند. دوم وظیفه حافظ بودن یعنی در غیاب همسر، حافظ خانه و عرض و آبروی همسر باشند (همان).

### ۳- نقش زن در خانواده

برای زن در خانواده از دو نقش در قالب همسری و مادری متصور است.

#### ۳-۱- نقش همسری

کل شاکله و نظام خانواده تحت مسئولیت مرد می‌باشد؛ اما اداره داخل منزل با بانوی منزل است. همانطور که در حدیثی منقول از حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده: "زنان سیده خانه هایشان هستند" معلوم می‌شود که مدیریت داخل منزل با خانم هاست و آن‌ها مسئول شئون آن هستند (همان).

بر اساس حدیثی دیگر از پیامبر و بهره‌گیری از آیه ۳۴ سوره نساء برای بانوان صالحه دو وظیفه وارد شده است. اول اینکه مطیع باشند یعنی حوزه مسئولیت همسر را بپذیرند و یقین کنند که قرآن مرد را قوام قرار داده است. دوم اینکه در غیبت و نبود شوهر نیز مطیع خواسته او بوده و شئون زندگی و همسر، عفت و پاکدامنی خود همچون قوانین الهی را که خداوند خواسته است، حفظ کنند (همان).

در روایتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است "هرگاه زن نمازهای پنجگانه اش را بخواند و ماه رمضان را روزه بگیرد. دامنش را از گناهان حفظ کند. از شوهرش فرمان ببرد به او گفته می‌شود؛ از هر در بهشت که می‌خواهی وارد شو" (متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۱۶، حدیث ۴۵۱۲۵).

تأکید زیاد اسلام به اهمیت و جایگاه زن به خاطر نقشی است که زن در ابعاد مختلف در خانواده از جمله آرامش‌بخشی دارد. همانطور که قرآن می‌فرماید: "خداوند از جنس خودتان همسران را آفرید تا به واسطه آن آرامش یابید و میان شما دوستی و محبت قرار داد. همانا در این امر نشانه‌هایی برای گروهی که تفکر کنند وجود دارد" (روم: آیه ۲۱). حضرت علی (علیه

السلام) می‌فرماید: "هرگاه به خانه می‌آمدم به چهره فاطمه سلام الله می‌نگریستم تمام غم و اندوه من برطرف می‌شد." (مجلسی، بحارالانوار).

اگر زن از فضایل اخلاقی و رفتاری همچون صداقت نرم‌خویی، انصاف و گذشت برخوردار باشد مشمول این حدیث گرانبها از حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خواهد شد که فرمودند: "در روز قیامت آن کس از شما به من نزدیک تر می‌نشیند که خوشروترین شما باشد و برای خانواده‌اشبهترین کس باشد" (طوسی، امالی، ص ۵۰۹).

یکی از اصلی‌ترین وظایف زن تأمین عاطفی و جنسی مرد است. در این باره امام باقر (علیه السلام) فرمود: "شایسته نیست، زن خود را رها کند و زینت نکند گرچه با یک گردنبند باشد" (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲ و ۱۱۸). زن برای شوهرش باید همیشه مظهر جمال و تمیزی باشد تا از نظر شوهر سقوط نکنند و دیگران چشماناو را پر نکنند. حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به زنان توصیه می‌فرماید: "نماز خود را طول ندهید تا شوهران خود را ممنوع کنید" (همان، ص ۱۱۷).

### ۲-۳- نقش مادری

یکی از نقش‌های زنان در خانواده، نقش بی‌بدیل مادری است. خداوند دو قابلیت عظیم را به زن در خانواده به ودیعه گذاشته است. یکی کلام تأثیرگذار مادر؛ چون او از در محبت و عاطفه وارد می‌شود. دیگری، تحمل مادر؛ خداوند چنان صبر و تحمل به مادر داده است که او به راحتی شرایط سخت بارداری، زایمان، نگهداری و تربیت فرزند را تحمل می‌کند و به شکرانه آن، همیشه لبخند بر چهره و دعا بر لبش می‌درخشد. مادری در چهارچوب فقط زایمان و شیر دادن نیست بلکه جنبه تربیتی و پرورشی آن از لحاظ روانی بسیار حائز اهمیت است. شیر مادر در تربیت فرزند اثر دارد و همین‌طور رفتار و دینداری مادر و آگاهی مادر از نوع تربیت انسانی نیز، در روح و روان فرزند تأثیر می‌گذارد. دینداری زن و تربیت دینی فرزندان توسط والدین خصوصاً مادر می‌تواند استحکام خانواده و پویایی آن را تضمین کند. اساساً شقاوت و سعادت ملتها به وجود مادران بستگی دارد (بهداروند، اسلام و جایگاه زن در کانون خانواده، ص ۶۸؛ مظاهری، اندیشه‌های ناب سیمای زن در اسلام، ص ۱۹).



یکی از وظایف مادری که نقش اساسی در عاقبت به خیری فرزند دارد، دعا کردن در حق فرزند است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این زمینه می‌فرماید: دعای مادر از موانع اجابت دعا می‌گذرد (طبرسی، مشکات الانوار، ص ۲۸۲).

#### ۴- تاثیر زن در خانواده در کلام معصومین (علیه السلام)

زن در دو بعد تحکیم و تضعیف در خانواده نقش بسزایی دارد. در ادامه ابتدا به نقش زن در بعد تحکیم پرداخته می‌شود.

##### ۴-۱- در بعد تحکیم

زن می‌تواند از جنبه اعتقادی، عاطفی و اقتصادی موجب بالندگی خانواده شود. پر واضح است نقش زن محدود به موارد نامبرده نمی‌شود ولی به دلیل ظرفیت مقاله به برخی از اساسی‌ترین جوانبی که زن در آنها تأثیرگذار است، اشاره می‌شود.

##### ۴-۱-۱- از جنبه اعتقادی

در متون دینی بر انتخاب همسر مؤمن تأکید شده است. چنانکه حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «... با زن متدین ازدواج کن» (متقی‌هندی، کنز العمال، ح ۴۴۶۰۲). در این باره امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر مردی با زنی برای جمال یا مال ازدواج کند به همین امر واگذار می‌شود ولی اگر برای دیندار بودن او ازدواج کند، خدا مال و جمال را نیز نصیبش می‌گرداند» (برگرفته از باقریاری، احادیث امام صادق علیه السلام). ترک باورها و اعتقادات دینی، آرامش و لذت زندگی را می‌ستانند و ممکن است علیرغم امکانات مادی و رفاهی که فرد دارد، زندگی آرام و مطمئنی نداشته باشد (قرائتی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۴۰۶-۴۰۷).

در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تأثیرگذاری را مادر دارد خصوصاً در خانواده‌هایی که شیوه زندگی طبیعی و مطابق با الگو و سنت اسلامی دارند که معتقدند شیر مادر بهترین غذا برای نوزاد و آغوش او بهترین جایگاه برای تربیت و پرورش کودکان می‌باشد. بزرگترین نقشی که در کلام و حیانی برای زنان مشخص است نقش مادری و عهده داری تربیت فرزندان از سوی آنها می‌باشد (جمعی از نویسندگان، اخلاق در خانواده، ص ۵۸۴). از آنجا که فرزندان اوقات بیشتری در کنار مادر می‌باشند، نوع رفتار و نوع تربیت مادر در فرزندان اثرگذار است.

مادری که می‌خواهد موجبات رشد و تعالی انسانی را عهده دار شود باید قبل از اقدام به فرزنددار شدن در جهات انسانی خود سازی کرده و به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی دست یابد (قائمی، نقش مادر در تربیت، ص ۴۲). باورها و اعتقادات دینی آشکال مختلف دارد از آن جمله اعتقاد به خداوند متعال. همسر و مادری که به خداوند متعال باور دارد. زندگی خانوادگی را به سمت رضایت خداوند هدایت می‌کند. زنی که خدا را ناظر اعمال می‌بیند، تلاش می‌کند در برخورد با اعضای خانواده و در انجام وظایف خانوادگی، رضایت خداوند را جلب نماید. این اعتقاد و باور دینی هم باعث تأثیر در شوهر هم فرزندان می‌شود. چه بسا ایشان نیز در اثر الگوگیری در هر امری، خداوند را موثر دانسته و این باعث آرامش و سکون در خانواده می‌شود. الگوگیری در کودکی خیلی سریع تر و صحیح تر انجام می‌گیرد. اعتقاد به رسالت و امامت کن دیگری از دینداری است که ظهور و بروز آن از سمت مادر در بسیاری از مواقع موجب حب قلبی فرزند به پیامبر اعظم (ص) و آل الله (ع) شود (برگرفته از کاوندی، بررسی نقش اعتقادات و بینش های اسلامی در استحکام و توصیه هایی برای کارایی بهتر خانواده از منظر قرآن و روایات). یکی از مهمترین آثار باور و بینش دینی، اعتقاد به معاد و زندگی پس از مرگ می‌باشد. با این معیار، خانواده هم، متوجه اهداف پایدار و رشد و ترقی می‌شود و هم این که پیوند بیشتری بین اعضای خانواده ایجاد می‌گردد.

#### ۴-۱-۲- از جنبه عاطفی

نیاز به مهرورزی و محبت از جمله نیازهایی است که در وجود همه انسان ها مشاهده می‌شود. تأمین این نیاز تا حد زیادی توسط زن در خانواده صورت می‌پذیرد. زن در خانواده، مظهر مهر و کانون عاطفه است که آرامش و آسایش جسم و جان انسان در آن تأمین می‌گردد. در سایه صفا، صمیمیت، همدلی زن است که خستگی‌های عصبی و جسمی مرد زودده می‌شود (رئسی، دودمان و صیامی، ۱۳۹۴).

خود آرایی زن برای همسر وارضای نیاز شوهر از موضعی که زیر مجموعه تأثیر زن در تحکیم خانواده از جنبه عاطفی قرار گرفته و باعث استحکام و قوام خانواده می‌شود. رسول خدا (صل‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: "هر گاه مرد همسرش را به بستر خویش فرا خواند و زن خودداری کند و شوهر شب را با ناراحتی از او بگذراند، فرشتگان تا صبح آن زن را لعنت می‌کنند" (محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ح ۵۲۵).

خوش اخلاقی و نرم خوئی در مقابل همسر و فرزندان باعث استحکام و ثبات خانواده میشود و به راحتی از بسیاری خشونت‌ها و اختلافات ویرانگر و تنش و اضطراب‌ها سرخوردگیها، جلوگیری می‌شود. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: هرگاه به خانه می‌آمدم به چهره فاطمه می‌نگریستم تمام غم و اندوهم برطرف می‌شد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴).

با ورود همسر به خانه یا فرزندان این نیروی عاطفی و محبت ورزیدن و شوق پذیرایی کردن، از تمام وجنات زن به آنها ساطع شود و همه افراد از آمدن به خانه احساس رضایتمندی و شادابی کنند. به عبارت دیگر، در جامعه خانواده، زن شمع جمع افراد خانواده است (برگرفته از بانکی‌پورفرد، نقش و رسالت زن). به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان ارضای نیازهای عاطفی مهمترین کارکردی است که می‌تواند بقای خانواده را در جوامع صنعتی جدید تبیین کند. از عناصر مهم در سازگاری همسر و تحکیم خانواده عشق و علاقه متقابل است (معاونت پژوهش، گروه روانشناسان، ص ۲۳۱، ۱۳۸۶). سلامت جامعه به سلامت خانواده و سلامت خانواده و نشاط اقتدار و پویایی خانواده به مادر وابسته است و نقش محوری مادر در سازندگی کشور بر هیچ کس پوشیده نیست (برگرفته از مطهری، نظام حقوق زن در اسلام).

#### ۳-۱-۴- از جنبه اقتصادی

زن به عنوان یکی از دو رکن خانواده و نیمی از جامعه در جایگاه مادری و همسری از طرق مختلف نقش خود را در بهبود اقتصاد خانواده ایفا می‌کند (برگرفته از رضایی‌خواه، نقش زنان خانه دار در اقتصاد خانواده). مدیریت درآمد و هزینه‌ها، مصرف درست و بهینه و سامان دادن به اوضاع اقتصادی خانواده، هماهنگی درآمد با مخارج تعداد افراد خانواده، ایجاد تعادل و آرامش برچو خانواده از مسئولیتهای زن در خانواده می‌باشد. زن با خانه داری و تربیت فرزندان به طور مستقیم و غیر مستقیم باعث قوام و ایستایی اقتصاد و پرورش نیروی کار می‌شود.

زنان می‌توانند با مدیریت صحیح اقتصادی خود در خانواده از جمله محافظت از اموال، امانت داری و حمایت مالی از شوهر و از همه مهمتر ساده زیستی و قناعت یعنی بیش از اعتدال مصرف نکردن و هدر ندادن انرژی و زمان که ثمره آن آرامش و آسایش اعضای خانواده است، سهم بزرگی در توسعه اقتصادی خانواده ایفاء کنند (برگرفته از سعادت‌مند و خواجه‌نوی صالحی، نقش زن در مورد مدیریت اقتصاد خانواده). اگر زن بتواند با ایجاد الگوی پایداری در کنترل هزینه‌ها و مصرف بهینه برای خانواده مدیریت اقتصادی سالمی را پیاده کند و دیگر اعضای خانواده ملزم به

رعایت آن شوند، به مرور زمان این نوع از الگو جزء فرهنگ خانواده قرار خواهد گرفت. زن می‌تواند با به‌کارگیری روحیات همسرانه و مادرانه خود با تدبیر در هزینه‌ها و مهار مصرف نامطلوب میزان درآمد خانواده را مدیریت کند و پس انداز حاصل از این مواد تدبیر را برای رشد و توسعه خانواده به کار گیرد. امام کاظم (علیه السلام) در مورد اعتدال در مصرف می‌فرماید: "هرکس میانه روی و اعتدال را رعایت کند و قانع باشد، نعمت برای او باقی خواهد ماند و هر کس اسراف کند نعمت از دستش خواهد رفت" (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۳۲۷). همچنین امام باقر (علیه السلام) در مورد اعتدال در مصرف می‌فرماید: "هرکس به مقدار رزقی که خداوند به او داده قانع باشد پس او بی‌نیازترین مردم می‌باشد" (صابری یزدی، الحکم الزاهره، ج ۱، ص ۶۵۰). حضرت علی (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: "قناعت، همان حیات طیبه‌ای است که قرآن کریم به مومنان صالح وعده داده است" (نهج البلاغه، ص ۹۴۰). و می‌فرماید: "قناعت، ثروتی است که از بین نمی‌رود." حضرت رسول صلی الله علیه و آله به زنان فرمودند: "آگاه باشید؛ هر زنی که با شوهرش سازگار نباشد و بیش از توانایی و قدرتش کاری را بر او تحمیل نماید، هیچ کار نیکی از او پذیرفته نمی‌شود و در حالی خدا او را دیدار می‌کند که بر او خشمگین است" (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۷۲). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: "با برکت‌ترین زنان، کم‌هزینه‌ترین آنان است" (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۱، حدیث ۵۳۳۴۴). همچنین می‌فرماید: "پربرکت‌ترین ازدواج آن است که کم‌هزینه‌تر باشد" (همان، حدیث ۴۴۵۷۷).

طبق موازین اسلام، زن مجبور نیست برای امرار معاش خانواده‌ی خود کار کند. از منظر اهل بیت (علیهم السلام) جایگاه و منزلت زن و رعایت مصلحت خانواده، باید مورد توجه باشد ولی اگر حضور و فعالیت اقتصادی او به عنوان یکی از راه‌های شکوفایی استعداد آنها به حساب آید، بلامانع است (برگرفته از شریفی پور و شورا، بررسی حضور اقتصادی زنان از منظر قرآن). از آنجایی که اسلام زن را در همه شئون زندگی با مرد برابر می‌داند هیچ مانعی برای فعالیت اقتصادی زن در عرصه اجتماع قرار نداده است.

تاریخ اسلام همواره شاهد فعالیت‌های زنان در امور اقتصادی در خانواده و جامعه بوده است و در کنار مردان نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) اولین بانوی اسلام، همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در امر تجارت فعالیت داشته و امر تجارت را مدیریت می‌کردند. در عصر معصومین (علیهم السلام) زنان همچون مردان در بیرون از خانه در فعالیت‌های اقتصادی شرکت داشتند. در اموری مثل مشاطه‌گری، خرید و فروش کالا، فعالیت‌های تربیتی،

ریسندگی و تجارت، این امور نیز بعد از اسلام ادامه یافت و منعی از سوی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و دیگر معصومین (علیهم‌السلام) نسبت به آن شغل‌ها صورت نگرفت. در بسیاری موارد حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مشاوره اقتصادی هم به زنان داشتند و به آنها آداب و احکام معامله را می‌شناساندند و آنها را نیز از متن و نیرنگ داشتن نسبت به خریدار یا فروشنده اولیه منع می‌کردند. چنانکه زینب عطر فروش را فرمودند: "فروشنده خوبی باش نیرنگ به کار میر که این کار با خدا ترسی سازگار تر است" (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۵۱).

هنگامی که زن به همسرش در امور اقتصادی یاری می‌رساند نه تنها محبت شان نسبت به هم زیاد می‌شود و اعتماد بینشان افزون می‌گردد بلکه عملاً درس تعاون و همکاری را به فرزندان خود می‌آموزند. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: که امام علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) جهت تقسیم کار خدمت رسول خدا رسیدند و حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کارهای بیرون از خانه را بر عهده حضرت علی و کارهای داخل را بر عهده حضرت زهرا سلام الله قرار دادند که از جمله کارهای داخل خانه مدیریت اقتصادی آن و توازن بین درآمد و هزینه می‌باشد.

عامل دیگری که در بهره‌وری اقتصادی زن تاثیر دارد در دو محور قابل بیان است. محور اول در مواردی است که به طور خاص برای زنان بیان شده است. مانند این روایت از حضرت زهرا (سلام الله علیها) که می‌فرماید: "هیچ زنی نیست که لباس بیافد یا بدوزد مگر آنکه خداوند برای هر نخی صد حسنه می‌نویسد و صد گناه محو میکند" (آملی، ج ۲، ص ۳۹، ۱۴۰۹). محور دوم در مواردی می‌باشد که خطاب عمومی است از جمله پرهیز از اسراف، ساده‌زیستی، قناعت، پرهیز از هم چشمی کردن. امیرالمومنین علی (علیه السلام) قناعت را بهره‌ای نیکو معرفی می‌کند (تمیمی آمدی، غررالحکم، ۱۴۱۰ ق، ص ۹۸۸۷). در بیان دیگر می‌فرماید: «میانه روی کن و از اسراف بر حذر باش؛ زیرا اسراف و زیاده روی از کارهای شیطان است» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۱۶).

#### ۲-۴- از بعد تضعیف

زنی که به وظایف خود چه در نقش همسری و چه در نقش مادری آگاه نباشد موجب تضعیف بنیان خانواده می‌شود که این تضعیف از جوانی قابل بررسی است.

## ۴-۲-۱- از جنبه اعتقادی

اسلام برای خانواده قداست خاصی قائل است به همین خاطر دستورات احکام و تذکراتی برای حفظ و ثبات آن دارد، اگر زنی در نقش مادر یا همسر در انجام عمل به کلام الهی و معصومین (علیهم السلام) کوتاهی و غفلت ورزد نه تنها خانواده بلکه جامعه را دچار آسیب و مخاطره می‌گرداند و در دنیا و در آخرت نیز مشمول به تنبیه و عذاب الهی می‌گردد. از این رو، مردان برای انتخاب زن به عنوان همسر می‌بایست کلام معصومین (علیهم السلام) را مد نظر داشته باشند. پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: "زیبایی روی زن را نباید بر زیبایی دینش ترجیح داد" (متقی‌هندی، کنز العمال: ج ۱۶، ص ۳۰۱، حدیث ۴۴۵۹۰).

از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام) باورها و اعتقادات، نقش اساسی در خانواده دارند و معیارهای تقوا، عقل، اخلاق نیک و همتایی در انتخاب همسر را مورد توجه قرار می‌دهند. اسلام زندگی را با پشتوانه امور اعتقادی و بینش‌های دینی مورد ارزیابی قرار می‌دهد (برگرفته از شریفی و لطیفی، سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام).

باور نداشتن و عدم اعتقاد دینی، خانواده را به کارکردهای محدود زندگی خانوادگی قانع کرده و در اثر بی‌هدفی و بی‌انگیزگی دچار یأس شده، به راحتی به جدایی و انحلال کشیده می‌شود. یکی دیگر از پیامدهای بی‌اعتقادی، عدم باور به زندگی پس از مرگ است. چنین فردی در رویارویی با مشکلات مستاصل شده و آرامش روانی او مختل می‌شود. حتی ممکن است این عدم اعتقاد به تعدی و آزار دیگران منجر شود.

از آثار مخرب دیگر نداشتن باور دینی، عدم احترام به شوهر و عدم رعایت حقوق او می‌باشد. پیشوایان معصوم (علیه السلام) در امر ازدواج، تاکید بر انتخاب زن با تقوا و دیندار دارند، زیرا زن محور اصلی زندگی و روح بخش خانواده می‌باشد و می‌بایست که در اعتقاد و دین باوری قوی و محکم و با صلابت داشته باشد تا به پایداری خانواده آسیبی وارد نشود.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: "با زن به خاطر چهار خصلت ازدواج می‌شود؛ به خاطر مال، دین، زیبایی، حسب و نسب خانوادگی و تو به خاطر دین او ازدواج کن" (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱).

بی اعتقاد بودن زن به دستورات الهی و احکامی که رعایت آن بر زن نسبت به شوهر واجب شده است، باعث رفتارهای ناپسند و گویش‌های زشت با شوهر گردیده و نارضایتی و رنجش و آزار او را به همراه خواهد داشت و در تربیت فرزندان به جای آنکه آنها به سوی هدایت و رستگاری سوق داده شوند به سوی بی حیایی و بی پروایی و بزهکاری کشیده خواهند شد.

باید توجه داشت که این گونه بیماری‌های اخلاقی، همچون بیماری‌های جسمی واگیردار است (طبرسی مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۱۱۷) و بر روی روح و روان و افکار فرزندان اثر سوءیی می‌گذارد. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: "ای مردم از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله رشد کرده‌اند، بپرهیزید"؛ گفتند منظور از این جمله چیست؟ در پاسخ فرمود: "دختر زیبایی که در خانواده بد، رشد کرده باشد" (کلینی، ۱۳۹۵، ج ۵ ص ۳۳۲). نبود معنویت و مذهب در نظام خانواده علاوه بر گسستگی پیوندهای بین اعضای خانواده می‌تواند پیوند پنهان عاطفی بین زن و شوهر را از هم جدا و باعث ناآرامی و تنش و اضطراب در خانواده گردد.

#### ۴-۲-۲- از جنبه عاطفی

در سنت پیشوایان و معصومین (علیهم‌السلام) رابطه عاطفی و برخورد محبت آمیز همسران را به خوبی می‌توان مشاهده کرد. حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) عشق خود را به حضرت علی (علیه‌السلام) ابراز می‌کرد و اینگونه می‌فرمود: جان من فدای تو و حافظ تو. همراه با تو خواهم بود در خوبی و راحتی و سختی و بلا (دستی، فرهنگ سخنان حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، ص ۱۴۵).

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «به خدا سوگند فاطمه مرا خشمگین ننمود و هیچگاه از دستور من سرپیچی نکرد، دائم که به او نظر می‌کردم از دلم نگرانی‌ها و غم‌ها برطرف می‌شد». این جملات حضرت علی (علیه‌السلام) نشانه روابط عاطفی و سالم بین دو همسر است (نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، ص ۱۸۷).

زیباترین‌الگوی که نشان دهنده محوریت زن در ابراز محبت و عواطف است وجود مبارک حضرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) می‌باشد. در مدتی که به امر الهی، رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) در غار حراء بودند، صبر و بردباری و پاکدامنیو انتظار همسر کشیدن را به تصویر کشیدند. چنانکه خداوند در شب پایانی عبادت در غار حراء به رسولش فرمود شام را با همسرت خدیجه (سلام‌الله‌علیها) بخور و با او همبستر شو. ثواب عمل حضرت خدیجه کبرا در ابراز عواطف خاصش به رسول خدا و بخشش اموال در راه خدا این شد که حضرت فاطمه ی زهرا بانوی

کبریایی را باردار شدند. بخشش اموال به رسول خدا نشان دهنده مهر و محبت و عاطفه ایشان به رسول خدا می‌باشد که تا آخرین لحظات عمرشان کوچکترین منت و یا یادآوری نداشتند و همواره یار و مددکار رسول خدا در امور ترویج دین اسلام بودند.

گاهی اوقات اخلاق و رفتار شوهر مورد قبول همسر نیست و حتی ممکن است از نظر عرف و شرع هم قابل تحمل نباشد اما اصلاح او، تنها از طریق تحمل و شکیبایی و ابراز علاقه کردن به او و همدلی کردن می‌باشد. اگر زن با شوهر مدارا نکند یا در هنگام سختی مالی با او سازگاری نداشته و از یاری او خودداری کند، یا انتظارات بیجا داشته باشد به نحوی که برآورده کردن آنها در توان شوهر نباشد، باعث پاشیده شدن و فرو پاشی پایه های خانواده می‌گردد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: "بدترین همسران زنی است که سازگار نباشد" (تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۵۶۸۶). در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است؛ "هر زنی که بی جهت از شوهر خود طلاق بخواهد بوی بهشت بر او حرام است" (طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۵۷). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: "هر زنی که در درخواست نفقه بر شوهرش فشار آورد و خارج از توانش چیزی بر او تحمیل کند، خداوند از او نه استغاثه ای می‌پذیرد و نه فدیة ای. مگر آنکه تو به کند و برگردد و در حد توان شوهر از او چیزی بخواهد" (طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۱۵۱۵). حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در جمعی از زنان می‌فرماید: "خدا را سپاس گویند وقتی زنی عصبانی شود و چنین بگوید که هرگز اساعت خوبی شوهر ندیده است، این خود نا سپاسی نعمت های خداوند متعالی است زیرا که خداوند برای او جفتی قرار داده و آنگاه مهر و محبت بین دل‌هاشان قرار داده و جمع شان را به فرزندان که نور چشم می‌باشند روزی کرده است" (متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۶، ح ۴۵۰۸۳) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "ملعون است ملعون است آن زنی که شوهر خود را بیازارد و غمگینش کند و خوشبخت است آن زنی که شوهر خود را گرامی می‌دارد، آزارش نمی‌دهد و در همه حال از او فرمان می‌برد" (حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۰).

از جمله مواردی که لطمات زیادی در بعد عاطفی خانواده ایجاد می‌کند، خود آرایی زن برای نامحرم است. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: "برای هیچ‌زنی حلال نیست که مچ و پای خویش را برای مردی غیر شوهرش آشکار سازد، هرگاه چنین کند پیوسته مورد لعنت و ناخوشنودی خدا قرار می‌گیرد و خداوند بر او خشمی گیرد و برایش عذابی دردناک آماده



می‌سازد و فرشتگان خدا لعنتش می‌کنند" (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۰، حدیث ۴۵۲۱).

در چنین وضعیتی، گاه‌آ پیش می‌آید که مرد بر اثر سرزنش زن یا زیاده خواهی یا عدم تمکین جنسی به دزدی، کسب درآمدهای نامشروع، گریز از خانه یا اعتیاد کشیده شود. در نتیجه آرامش روحی شوهر کاهش یافته و حالت افسردگی و ناآرامی او در روابط خانوادگی تأثیرگذار می‌شود. از این جهت، احادیث اسلامی، زن را از این رفتارهای تضعیف کننده بنیان خانواده نهی می‌کند.

#### ۴-۲-۳- از جنبه اقتصادی

یکی از عواملی که به تضعیف خانواده می‌انجامد، جنبه اقتصادی آن می‌باشد. در این زمینه، زن به عنوان مادر یا همسر در خانواده نقش محوری داشته و به عنوان مدیر داخلی خانه می‌بایست برای هماهنگی بین درآمد حاصل از دسترنج شوهر و هزینه های داخلی خانواده مدیریت داشته باشد و اگر تدابیر اصولی و صحیح را در نظر نگیرد بیشترین ضرر را از بالاترین درآمد نیز می‌تواند به وجود بیاورد (برگرفته از رضایی خواه، نقش زنان دار در اقتصاد خانواده).

چه بسا اشتغال زنان در بیرون از خانه سبب شود که برخی از ارزشهای دینی زن آسیب دیده و به شخصیت و منش او صدمه وارد شود. بخشی از اختلافات و درگیری های خانوادگی به بخش اقتصادی خانواده و مهم تر، مسئله اشتغال زنان بر می‌گردد که بخاطر آن بخشی از مسئولیت ها و وظایف آنها در قبال خانواده بر زمین می‌ماند. مادری که مسئولیت خانه و شغل خود را بر دوش می‌کشد، تحت فشارهای روانی و جسمانی قرار گرفته و در نتیجه انرژی کافی و وقت لازم برای رسیدگی به امور فرزندان یا انجام امور همسراری را ندارد (کوثری، بهداشت روانی خانواده، ص ۵۲). کار کردن زن، خصوصاً اگر علی رغم میل باطنی شوهر باشد، باعث ایجاد هزینه های گزاف و کاذب جهت استخدام کارگر برای نظافت و ساماندهی به سر و وضع زندگی، انتخاب کردن پرستار برای نگهداری فرزندان و هر هزینه دیگری که در اثر شاغل بودن زن در بیرون از خانه به وجود می‌آید، می‌گردد. این هزینه ها به طور اساسی بر جو عاطفی خانواده تأثیر منفی داشته و اقتصاد خانواده را به نوعی دیگر در مسیر ضرر و زیان قرار می‌دهد (حقانی، نقش زن در خانواده، ص ۳۷).

رغبت و توجه به ظواهر زندگی، اسباب و وسایل لوکس که از خصوصیات زنان و از جمال دوستی و جمال طلبی آنهاست موجب تضعیف خانواده در جنبه اقتصادی می‌شود. تجملات و

تشریفات از ناحیه زنان بر خانواده و جامعه تحمیل می‌شود (محمدی اشتهاردی، حجابیانگر شخصیت زن، ص ۸۲). تقلید کردنو هم چشمی کردن که زاینده رغبت به زندگی لوکس است، نتایج خطرناک و زیان باری در زندگی خانوادگی به بار می‌آورد؛ زیرا زنان به جهت این امر ناشایست بر اثر خریدهای غیرضروری، هزینه های کاذب برای خانواده ایجاد می‌کنند (محمدی، تجمل گرایی زنان از دیدگاه اسلام بررسی عوامل آثار و راهکارها، ص ۲۹۱). در حقیقت، یکی از عواملی که مردان را به سوی کسب درآمدهای نامشروع سوق می‌دهد، فشار ناشی از تامین هزینه‌های بالا و غیرمتعارف بر خانواده است که نشان دهنده ناکارآمد بودن برنامه اقتصادی خانواده، اسراف، مصرف گرایی، زیاده‌خواهی، پرتوقعی و عدم قناعت است که در همه این موارد می‌توان گفت زن نقش کلیدی دارد. (شریفی، اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی، ص ۱۰۴).

### نتیجه

خانواده به عنوان مهمترین نهاد تربیتی، نقش ویژه ای در زمینه های اخلاقی، اجتماعی، فردی و روحی افراد ایفا می‌نماید. محوریت این نهاد با زن در نقش همسری و مادری است که به جهت کارکرد در خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زن در حرکت اعضای خانواده به سمت هدف خلقت و رشد و تعالی آنها با تاثیرگذاری در امور رفتاری از قبیل دینداری، عشق ورزیدن و مدیریت اقتصادی از جمله؛ قناعت کردن، دوری از تجملات و اسراف مؤثر است. زن می‌تواند با هوشیاری و زیرکی هزینه های خانواده را کنترل کرده و در برابر کمبود ها و درآمد کم همسر خود با سازگاری و قناعت، فرزندان را در امر مدیریت اقتصادی و هزینه کم داشتن، تربیت کند و با بهره مندی از این فضیلت در اقتصاد خانواده عزت و غنا و بی نیازی و سلامت دین را به خانواده هدیه کند.

در مقابل عدم توانایی زن در امور مذکور، تبعاتی از قبیل از افول امور دینی و اعتقادی در خانواده، از دست رفتن روابط گرم خانوادگی همچنین فروپاشی اقتصادی را در پی دارد. به عبارت دیگر، سستی اعتقادی زنان تأثیر بسزایی در میزان معنویت اعضای خانواده دارد. همچنان که عدم موفقیت زن در شوهرداری و دلسرد شدن همسر روابط عاطفی با فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار داده و موجب دور شدن اعضای خانواده از لحاظ عاطفی می‌شود. زنان همچنان در گرایش اعضای خانواده به تجمل گرایی و مصرف بی‌رویه نقش داشته و به این ترتیب باعث تضعیف بنیان اقتصادی خانواده می‌شوند.

از آنچه گذشت مشخص می‌شود زنان با آگاهی از وظایف و نقش خود می‌توانند تأثیر زیادی در رشد و تحکیم خانواده در جوانب مختلف اعتقادی، عاطفی و اقتصادی داشته باشند. در مقابل به علت عدم آگاهی و مسئولیت‌پذیری صدمات جبران‌ناپذیری در اعتقادات، عواطف و اقتصاد خانواده و در نتیجه دور شدن اعضای خانواده از هدف اصلی خویش که رسیدن به حیات طیبه و رشد و تعالی و در نهایت رضایت خداوند متعال است، می‌گردند.

اسلام به عنوان ارائه دهنده کاملترین برنامه زندگی و ارائه معیارهایی بی نظیر از زندگی معصومان (علیهم السلام) و با بهره‌وری از رهنمودهای ایشان برای زنان این فرصت را برای ایشان فراهم می‌سازد تا نقش بی‌بدیلی در ساختن خانواده آرمانی داشته باشند.

## منابع

قرآن: ترجمه حسین انصاریان

نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲. بانکی‌پور فرد، امیر حسین، بی‌تا، نقش ورسالت زن، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۳. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۲۴ش، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار رسول خدا صل الله علیه وآله، انتشارات جاویدان، تهران.
۴. حرانی، حسین بن شعبه، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم: انتشارات اسلامی.
۵. تمیمی آمدی، ابوالفتح، ۱۳۸۵ق، غررالحکم، دارالکتاب الاسلامی، بی‌جا.
۶. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱ش، اخلاق در خانواده، دفتر نشر معارف، قم.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۰۸ق، زن در آیینه جمال، نشر اسراء، موسسه آل‌البیت ع، قم.
۸. حقانی، حسین، ۱۳۵۰ش، نقش زن در خانواده، اداره کل تبلیغات اسلامی، هرمزگان.
۹. خوانساری، محمد بن حسین، ۱۳۴۲ش، شرح بر غررالحکم ودررالکلم، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. دشتی، محمد، ۱۳۷۲ش، فرهنگ سخنان حضرت زهرا (سلام الله علیها)، انتشارات قدس.
۱۱. رضایی‌خواه، نرجس، ۱۳۹۸ش، نقش زنان خانه‌دار در اقتصاد خانواده، جشنواره علامه حلی، استان مرکزی.

۱۲. ریسی، روح‌الله؛ دودمان، پروانه؛ صیامی، لیلا، ۱۳۹۴ش، سبک زندگی اسلامی، نقش و جایگاه زن در تحکیم خانواده، راز نهران، تهران.
۱۳. فرجاد، محمد حسین، ۱۳۸۲ش، آسیب‌شناسی اجتماعی، بدر جوان، تهران.
۱۴. فضل‌الله، سید محمد حسین، ۱۳۷۸ش، مترجم: عبدالهادی فقهی زاده، داد گستر، تهران.
۱۵. سعادت‌مند، عصمت السادات؛ خواجه صالحی، حسن، ۱۳۹۸ش، نقش زن در مورد مدیریت اقتصاد خانواده، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام.
۱۶. شریفی، علی؛ حسینی، حسینی، لینا سادات؛ قهرمانی نیک، رقیه، ۱۳۹۳ش، اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.
۱۷. شهریاری، معصومه، ۱۴۰۰ش، شناسایی خانواده بعنوان ماهیتی مستقل و آثار ناشی از آن در فقه و حقوق ایران، دانشگاه شهید مطهری (ره)، تهران.
۱۸. صابری یزدی، علی‌رضا، الحکم الزاهره، ۱۳۷۵ش، مترجم: محمد رضا انصاری محلاتی، مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم.
۱۹. طبرسی، ابوالفضل عل بن حسن، ۱۴۱۸ق، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، کتابخانه حیدری، قم.
۲۰. -----، ۱۳۳۸ق، مجمع البیان فی التفسیر قرآن، مکتبه العلمیه، تهران.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، دارالثقافه، قم.
۲۲. قائمی، علی، ۱۳۵۶ش، نقش مادر در تربیت، دفتر تبلیغات اسلامی، تهران.
۲۳. قرائتی، محسن، ۱۳۸۰ش، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، قم.
۲۴. قمی، عباس، ۱۴۱۴ق، سفینه البحار، اسوه، قم.
۲۵. کاوندی، محمد مهدی؛ توکلی، حمید رضا؛ رشوندی، علیرضا، ۱۳۹۹ش، بررسی نقش اعتقادات و بینش‌های اسلامی در استحکام و توصیه‌هایی برای کارایی بهتر خانواده از منظر قرآن و روایات، سومین همایش ملی سبک زندگی و سلامت.
۲۶. کوثری، یدالله، ۱۳۹۰ش، بهداشت روانی خانواده، انتشارات زمر هدایت، قم.
۲۷. نیلی پور، مهدی، ۱۳۸۴ش، فرهنگ فاطمیه، مرکز فرهنگی شهید مدرس، اصفهان.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، دارالحیاه التراث العربی، بیروت.
۲۹. مظاهری، حسین، ۱۳۹۱ش، سیمای زن در اسلام، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء، اصفهان.
۳۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۱۹ق، کنز العمال، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۳۱. محمدی، مریم، ۱۳۹۱ش، تجمل‌گرایی زنان از دیدگاه اسلام، بررسی عوامل و آثار و راهکارها، پیام عدالت، تهران.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۲ش، میزان الحکمه، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم.

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت  
سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

## بررسی نقش عوامل محیطی و وراثت در شخصیت انسان صص ۱۱۶-۱۰۱

افسانه نظام اسلامی<sup>۱</sup>


(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### چکیده

شکل‌گیری شخصیت ناشی از عواملی است که بدون توجه و شناخت آنها نمی‌توان برنامه تربیتی مناسبی برای انسان طراحی نمود. این عوامل به دو دسته عوامل وراثتی و محیطی تقسیم می‌شوند. این مقاله درصدد است تا ابتدا برخی از مهم‌ترین عوامل وراثتی و محیطی در شکل‌گیری شخصیت را که در نظریه‌های روانشناسی شخصیت بیشتر مورد توجه واقع شده، بیان نموده سپس دیدگاه اسلام را نیز در مورد عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت بررسی نماید و در پایان دیدگاه حاکم بر شخصیت را از نظر بگذرانند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که عوامل موثر بر شخصیت انسان که شامل عوامل محیطی همچون خانواده، دوستان و همسالان، مراکز آموزشی و عوامل وراثتی می‌باشد که نقش بی‌بدیل در شکل‌گیری شخصیت فرد دارند و لکن نه وراثت و نه محیط هیچ کدام نمی‌توانند رشد شخصیت را به طور کامل تبیین کنند. در نهایت عاملی که حاکم بر وراثت و محیط است و تاثیر انکارناپذیری بر شکل‌گیری شخصیت انسان دارد، اراده است.

کلید واژه‌ها: شخصیت، وراثت، محیط، اراده

---

<sup>۱</sup> دانش پژوه مدرسه علمیه نجمه خاتون  NeZaMoLeSIAmi1313@gmail.com

## ۱- مقدمه

عوامل متعددی در شکل‌گیری شخصیت انسان موثر است از آن جمله عوامل محیطی و وراثتی، محیط و وراثت دو عاملی است که هم دین و هم علوم روز دنیا، از جمله روانشناسی بر تاثیر آن دو بر تربیت فرد و شکل‌گیری شخصیت وی اذعان دارند. شاید از همین روستکه تربیت و عوامل موثر بر شخصیت یکی از دشوارترین و بحث‌انگیزترین موضوعاتی است که نظر دانشمندان را به خود معطوف ساخته است.

محققان معتقدند عامل وراثت از این جهت که ساختمان فرد را از لحاظ جسمانی، عقلانی و اخلاقی می‌سازد و محیط از این جهت که در تعیین خصوصیات اخلاقی و عقلانی موثر است، نقشی مهم در شکل‌گیری شخصیت فرد دارند. دانشمندان همچنین معتقدند که وراثت و محیط با یکدیگر در تعاملند و در یکدیگر اثر دارند. نظرات مختلفی در مورد نقش عوامل محیطی و وراثت در شخصیت فرد وجود دارد. برخی معتقدند انسان‌ها همه ویژگی‌ها و خصوصیات خود را به وسیله وراثت به دست می‌آورد. نتیجه این دیدگاه تعطیلی تربیت است. برخی نیز معتقد به جبر محیطی اند و محیط اجتماع را تنها عامل اثرگذار می‌دانند. (مجتهد زاده، عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت، ص ۷۴).

باید توجه داشت استعدادهای نهفته و درونی انسان در جریان تربیت شکوفا شده، به فعلیت و رشد می‌رسد لکن برخی عوامل، نظیر وراثت، محیط، خانواده و جامعه بر این روند تاثیرگذار هستند و جریان شکل‌گیری شخصیت را تقویت یا تضعیف می‌کنند. هر پدیده‌ای که در عالم رخ می‌دهد دارای آثار وضعی خاصی است. رویدادهای اجتماعی نیز به عنوان جزئی از پدیده‌های جهان از چنین خصوصیتی برخوردار بوده و عملکرد انسان را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد. به بیان دیگر تاثیر جامعه بر افراد از طریق تاثیر بر استعدادهای ذاتی آنهاست به همین دلیل جامعه می‌تواند زمینه ساز رشد و ترقی یا فساد و تباهی انسان باشد. به همین ترتیب عامل وراثت نیز حاکم بر سرنوشت انسان نیست و نقش انحصاری در تعیین آن ندارد و در نتیجه افراد با هر نوع وراثتی قابل تربیت هستند و معتقدند که وراثت به عنوان یک علت ناقصه در شخصیت فرد تاثیر دارد نه به عنوان یک علت تامه.

انسان موجودی تاثیرپذیر و تاثیرگذار است و از شرایط و موقعیت‌های وراثتی، زیستی، جغرافیایی و طبیعی و اجتماعی تاثیر می‌پذیرد و از مجموعه این عوامل، شخصیت و شاکله او

ساخته و پرداخته می‌شود. از سوی دیگر، بر فرد، جامعه و شرایط اجتماعی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تاثیر می‌گذارد و موقعیت‌های فردی و اجتماعی را دگرگون می‌سازد. امروزه با توجه به عصر پیشرفت بشری، شخصیت افراد دچار دگرگونی و تغییرات بسیاری شده است. همین امر لازم می‌آید که به بررسی عوامل تاثیرگذار بر شخصیت افراد بیش از گذشته پرداخته شود.

پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است از جمله: کتاب «عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت» توسط اصغر مجتهد زاده که در سال ۱۳۹۸ نگاشته شده است. نویسنده در این کتاب نشان می‌دهد محیط اطراف و اجتماع چه تاثیری در شکل‌گیری هویت فردی می‌گذارد. همچنین پژوهش دیگری را محبوبه حاج نوروزی در سال ۱۳۹۰ با عنوان «روانشناسی شخصیت با تاکید بر تحلیل عوامل موثر بر رشد شخصیت» نگاشته است که در این کتاب تاکید بر زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری شخصیت شده است. کتاب «روانشناسی محیطی» اثر فرانسیس تی مک اندرو که در سال ۱۴۰۱ نوشته شده است، اثری دیگر در موضوع مورد بحث است. نویسنده در این کتاب به بررسی تعامل بین افراد و محیط آنها با مطالعات تجربی پرداخته است.

مقالات زیادی در این مورد نگاشته شده است. به عنوان مثال «نقش وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین علیه السلام از منظر روایی» عنوان پژوهشی است که در سال ۱۴۰۲ انجام شده است که در آن نویسنده با آگاهی از نقش وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین می‌پردازد. همچنین مقاله «تاثیر متقابل ژنتیک و محیط و بروز صفات و ویژگی‌های اخلاقی» اثر یدالله دالوند که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله نگارنده سعی دارد با توجه به اهمیت رشد صفات فاضله انسانی در زندگی انسان‌ها تحلیلی بر تاثیرات متقابل وراثت و محیط ارائه دهد.

پایان نامه «تاثیر وراثت و محیط بر تکوین شخصیت انسان از دیدگاه قرآن و روانشناسی» اثر مجاهد قدیم در سال ۱۳۹۳ پژوهشی مرتبط در این زمینه است که مؤلف در آن به شکل‌گیری شخصیت ناشی از عواملی پرداخته که بدون توجه و شناخت آنها نمی‌توان برنامه تربیتی مناسبی برای انسان طراحی کرد. پایان نامه «بررسی نقش وراثت و محیط در تربیت با استناد به نهج البلاغه» اثر محمد مهدی دیانی که در ۱۳۹۸ به زیور چاپ آراسته گشته، پژوهشی مرتبط در این رابطه است که هدف از آن بررسی تاریخچه و عوامل موثر در وراثت است.

این نوشتار بر آن است تا با اثبات نقش ساختار ژنتیکی افراد و وراثت و همچنین محیط پیرامون بر روی اعمال و رفتار افراد به عنوان یک عامل زمینه‌ای بر اهمیت نقش اختیار و اراده و نیز جایگاه شیوه‌های تربیتی در سرنوشت و شخصیت انسان تاکید ورزد. سوال اصلی این پژوهش آن است که نقش وراثت و محیط در سرنوشت انسان تا چه میزان است؟

## ۲- اهمیت محیط و وراثت در شکل‌گیری شخصیت

عوامل تعیین کننده شخصیت به دو گروه تعیین کننده‌های ارثی و محیطی تقسیم می‌شوند. عوامل ارثی، نقش عمده‌ای در تعیین شخصیت فرد، به خصوص در تعیین آنچه در وی منحصر به فرد است، بازی می‌کنند. اگرچه بسیاری از روانشناسان، در طول تاریخ روانشناسی بر اهمیت عوامل محیطی و ارثی در شکل‌گیری شخصیت تاکید کرده‌اند؛ اما نظریه‌های اخیر معتقدند که اهمیت این عوامل در ویژگی‌های شخصی افراد مختلف، متفاوت است. مثلاً اهمیت عوامل ارثی در ویژگی‌هایی چون هوش و خلق و خو بیشتر است تا در ارزش‌ها، آرمان‌ها و باورها. عوامل محیطی و تاثیرات آن موجب شباهت افراد به یکدیگر می‌شود. همین‌طور، تجارب افراد موجب می‌شود که هر یک موجودی منحصر به فرد باشند. ویژگی‌های وراثتی برای تحقق یافتن و رشد خود به زمینه‌ای مناسب نیاز دارند و این محیط است که چنین زمینه‌ای را فراهم می‌سازد.

عوامل محیطی زیادی از قبیل محیط سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی، دینی و... هر کدام به نحوی در به وجود آمدن رفتارهای خاص یا جلوگیری از مستعد بار آمدن افراد موثرند. چه بسیار افرادی هستند که استعداد نه چندان خوبی دارند ولی محیط آنها طوریست که این حداقل استعدادها نیز به خوبی شکوفا می‌شوند و برعکس این قضیه نیز صادق است و آن اینکه افرادی نیز هستند که استعدادهای بالقوه عالی دارند؛ اما به دلیل نامناسب بودن عوامل محیطی، این استعدادها نهفته در فرد باقی مانده‌اند.

بر همین اساس نقش محیط در به وجود آوردن تفاوت‌های فردی از جمله شخصیت، امری اجتناب ناپذیر است. اما شاید این سوال به وجود بیاید که از بین عوامل مذکور کدام عامل نقش اساسی‌تری را در بروز صفات افراد دارا است؟ پاسخ به این پرسش بسیار دشوار است؛ چرا که هر دو عامل وراثتی و محیط با یکدیگر در تعامل اند و مرز مشخصی بین آنها نمی‌توان تعیین کرد و هیچ کدام به تنهایی نمی‌تواند عامل اصلی باشد به طور کلی تاثیر این دو از یکدیگر تفکیک ناپذیر است (معیری، بچه‌های خوب، پرورش بد، ص ۱۰۱).



### ۳- عوامل محیطی و میزان تاثیر آن در شخصیت

همانطور که ذکر شد یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر رفتار انسان‌ها محیطی است که در آن زندگی می‌کنند. محیطی که انسان‌ها به مرور زمان رابطه عاطفی عمیقی با آن پیدا می‌کنند به طوری که اثر آن را در اکثر اعمال و رفتار انسان‌ها به خوبی می‌توان مشاهده کرد. در این بخش تأثیر محیط خانواده، دوستان و همسالان و مراکز آموزشی از نظر می‌گذرد.

#### ۳-۱- خانواده

خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که انسان در آن قدم می‌گذارد. انسان در خانه متولد می‌شود و عادات را در آنجا کسب می‌کند تا به مرحله رشد برسد. انسان در این مرحله تحت تأثیر هر امریست که او را احاطه کرده و قابلیت انعطاف او در این مرحله بیش از مراحل دیگر می‌باشد. رشد جسمانی او علاوه بر توجه مادر و اطرافیان به عنوان محیط انسانی، تابع شرایط غیر انسانی مانند هوای آزاد، آفتاب، استراحت و... می‌باشد.

وقتی تفاوت‌های افراد را در رفتار آنها از قبیل خوردن و آشامیدن، لباس پوشیدن و معاشرت با دیگران مورد مطالعه قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود خانواده عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت جسمی و روحی و اخلاق انسان است چون در این مرحله فرد از افراد خانواده تقلید می‌کند (حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۰۹-۱۱۱).

مهمترین دوره تربیت، سن خردسالی و کودکی و نوجوانی است که عمده این زمان انسان در اختیار خانواده است. برخی از روانشناسان و دانشمندان تربیت عقیده دارند که شخصیت کودک تا سن ۷ سالگی او تکوین می‌یابد. اسلام نیز برای این دوره اهمیت خاصی قائل شده است. در برخی از روایات اسلامی اینطور آمده «انما قلب الحدث كالارض الخاليه ما تلقى في ها من شى الاقبلته: قلب نوجوان چنان زمین کاشته نشده ای است که آماده پذیرش هر بذریست که در آن پاشیده شود» (قمی، سفینه البحار، ص ۱۱۰).

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره پرورش اخلاقی کودکان می‌فرماید: «اکرموا اولادکم و احسنو آدابهم: کودکان خود را بزرگ و گرامی داشته و خوب تربیت نمایید» (نهج الفصاحه، رشیدپور، تربیت از دیدگاه علی علیه السلام، ص ۱۱۰). این تأکید پیامبر نشان از اثری دارد که خانواده در شخصیت فرزند خود دارند.

## ۲-۳- دوستان و همسالان

یکی از محیط‌هایی که در مورد تربیت بسیار مورد اهمیت است، محیط رفاقت و معاشرت با دوستان و همسالان است. قرآن کریم به نتایج بد رفاقت و معاشرت اشاره کرده و می‌فرماید: «و یومیعض الظالم علی یده یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسوا سیبلا (۲۷) یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلان خلیلا: و روزی که ستمکار دستان خود را به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش من با رسول حق راهی (برای دوستی و طاعت) پیش می‌گرفتم (۲۷) وای بر من، ای کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم (فرقان: ۲۷ و ۲۸).

روابط اجتماعی با دوستان هم از عوامل موثر در تربیت است. اگر پدر و مادر برخورد صحیحی با این مسئله نکنند یا دخالت و نظارت نداشته باشند، ممکن است عامل روابط اجتماعی با دوستان تمام پاکی‌های موروثی و خانواده را نابود سازد (دشتی، مسئولیت تربیت، ص ۳۲-۴۸).

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «انما سمی الرفیق رفیقا لانه یرفقک علی صلاح دینک فمن اعانک علی صلاح دینک فهو الرفیق: رفیق را رفیق نامیدند به این علت که تو را بر صلاح و رستگاری و دینداری کمک می‌کند. پس کسی که تو را در اصلاح شدن و دینداری کمک نماید رفیق واقعی توست» (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۵).

بخش مهمی از تربیت هر فرد، نتیجه تجربه‌هایی است که در شکل‌گیری آنها سهم جامعه بیش از خانواده است.

زندگی در میان جمع ممکن است منشا بروز دگرگونی‌هایی باشد که اساس تربیت خانواده‌گی را در هم بریزد و از شخصیت دوران کودکی چیزی به غیر از آنچه بوده است، فراهم آورد. بنابراین نقش دوستان و همسالان در شکل‌گیری شخصیت انسان، نقشی بی‌بدیل است.

## ۳-۳- مراکز آموزشی

در دنیای امروزی هیچکس بی‌نیاز از آموزش و تربیت نیست. یکی از مهمترین عوامل توسعه، پرورش مهارت‌های ذهنی و اجتماعی در یک جامعه، نظام آموزشی آن است. انسان سالم به عنوان یکی از نیازهای اساسی خود میل به برقراری روابط انسانی با افراد دیگر تحت عنوان دوستان، همکاران، نزدیکان و غیره دارد. احساس تعلق به دیگران و تعلق دیگران به خود و احساس مالکیت از نیازهای انسان است (دشتی، مسولیت تربیت و بررسی نقش زنان و مادران، ص ۲۴۰).

از امام علی (علیه السلام) روایت شده است: «کسی که خود را در جایگاه راهنما و معلم دیگران قرار می‌دهد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود پردازد و در مقام تربیت دیگران، پیش از تربیت به زبان به تربیت با عمل همت گمارد. در این رابطه امام کاظم (علیه السلام) اینچنین می‌فرماید: «لا علم الا من عالم ربانی و معرفه العلم بالعقل: علم جز از دانشمندان الهی به دست نیاید و شناختن علم به وسیله عقل است» (کلینی، اصول کافی، ص ۲۰). باتوجه به موارد ذکر شده معلم و کسی که مسئولیت تعلیم و تربیت و در واقع مسول شخصیت دهی افراد را در محیط های آموزشی بر عهده دارد ابتدا باید خودش را تزکیه کند تا بتواند در شخصیت دهی افراد موثر باشد. مدرسه عامل بسیار موثر اجتماعی است. در این محیط، فرد با دیگران و مربی خود سر و کار دارد از آنجا که فرد در این سن نمی‌تواند امور را بسنجد و هدف تعیین کند لذا بسیاری از اعمال خود را از دیگران و مربی خود تقلید می‌کند. مربی در نظر فرد عظیم‌ترین شخصیت می‌باشد (حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۲۴۲).

مربی همچنین می‌تواند اثرات سوء عوامل دیگر را نابود ساخته و هرگونه انحراف و کج‌روی را تبدیل به راستی و سلامت نماید؛ چرا که استاد و مربی، الگوی تربیتی بوده و فرد از حرکات و افعال و اخلاق او الگو می‌گیرد (دشتی، مسئولیت تربیت، ص ۴۴).

حریم مدرسه بر تربیت عملی بنا می‌شود و تربیت عملی برای نیل نتایج از پیش تعیین شده است. گرچه پایه تربیت اجتماعی فرد در خانه گذاشته می‌شود؛ اما مدرسه در شکل‌گیری و تحول آن نقش موثری دارد.

مدرسه باید کم و کیف ذخایر کسب شده خانوادگی را در ارتباط با پدیده‌های زندگی گروهی چنان تعدیل کند که افراد در مرحله رشد، آمادگی لازم برای زندگی اجتماع را به تدریج کسب کنند (معیری، بچه‌های خوب پرورش بد، ص ۱۶۰).

#### ۴- عامل وراثت و میزان تاثیر آن در شخصیت

یکی از عوامل غیر قابل انکار در سرنوشت انسان، قانون وراثت است. خصوصیات روحی همچون ویژگی‌های جسمانی از طریق عوامل وراثتی از والدین به فرزندان منتقل می‌شوند. به نظر می‌رسد قانون وراثت تنها به منزله یک بستر است و به نحو اقتضا در اعمال فرد اثر دارد نه به نحو علیت تامه. مضاف بر آن اراده انسان نیز تاثیر بسزایی در سعادت یا شقاوت خود دارد (مطهری، فطرت، ص ۱۸).

#### ۴-۱- نقش وراثت در شخصیت انسان از نظر دین

مسئله سرنوشت از جمله مسائل اساسی و بنیادین در زندگی انسان است که همواره توجه اندیشمندان را به خود معطوف داشته است عوامل متعددی را در رقم خوردن آن دخیل دانسته‌اند. یکی از موارد موثر در سعادت یا شقاوت بشر، وراثت است. خصوصیات و صفات والدین از طریق ژن‌های تشکیل دهنده نطفه به فرزند منتقل می‌شود و در تعیین مسیر رشد و شکل‌گیری شخصیت فرد تاثیر می‌گذارد.

قرآن کریم و معصومین (علیهم السلام) در بیش از ۱۴ قرن پیش نه تنها اشاراتی به مسئله وراثت صفات نموده‌اند بلکه در مواردی به آن تصریح نیز نموده‌اند. این در حالی است که کمتر از دو قرن از علم ژنتیک (علم وراثت) می‌گذرد. برخی آیات و روایات را که می‌توان در این زمینه مستند قرار داد عبارتند از: «قالوا سرق آخ له من قبل...برادران گفتند: که اگر بنیامین دزدی کند جای تعجب نیست چون برادرش یوسف نیز قبل از او دزدی کرد...» (یوسف: ۷۷).

در روایات شیعی در مورد وراثت اینطور آمده است: امام رضا (علیه السلام) از پدران خود روایت می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مردی فرمود: فرزندات به چه کسی شباهت دارد؟ او پاسخ داد فرزند یا شبیه مادر است یا پدر، پیامبر فرمودند: چنین نگو، هنگامی که نطفه در رحم قرار می‌گیرد، خداوند کل نسب بین آن و بین آدم را حاضر می‌کند. مگر این آیه را نخوانده‌ای «فی ای صوره ما شاء رکبک: در هر صورتی که خواست، تو را ترکیب نمود» (انفطار: ۸). در کلام حضرت به مسئله تشابه ژنتیکی بین افراد اشاره شده است و بر این اساس نباید انتظار داشت که فرزند تنها به پدر و مادر خود شبیه شود (مجلسی، بحارالانوار، ص ۷۰).

در روایت دیگر از امام باقر (علیه السلام) که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده‌اند: «هیچ انسانی وجود ندارد مگر اینکه بین او و آدم ۹۹ عرق وجود دارد» که در اینجا نسب فعالیت دارند. وقتی نطفه‌ای در رحم قرار می‌گیرد، عرق‌ها به جوش درآمده و از خداوند می‌خواهند که فرزند شبیه آنها شود (کلینی، الکافی، ص ۵۵).

امیر مومنان علی (علیه السلام) در فرمان خود به استاندار مصر چنین می‌فرماید: «ثم الصق بدوی الاحساب و اهل البيوتات الصالحه والسوابق الحسنه ثم اهل النجده و الشجاعه والسخا و السماحه فانهم جماع من الكرم و شعب من العرف ..... برای اداره کشور افرادی را برگزین که گوهر نیک دارند و از خاندانیپارسایند از سابقه نیکو برخوردار هستند. پس دلیران و رزمندگان و

جوانمردان را برگزین که اینان بزرگواری را در خود فراهم کردند و نیکویی‌ها را گرد آوردند (نهج البلاغه، ص ۵۳).

برخی از اندیشمندان با اشاره به فرازهایی از نامه ۵۳ امام علی (علیه السلام) به استاندار مصر توجه به توصیه امام مبنی بر انتخاب افرادی از خانواده‌های شریف، اصیل و پارسا بیان تاثیر وراثت در احادیث را مطرح می‌نماید (سبحانی، منشور جاوید، ص ۳۵۵).

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین آمده است: «تخیر والنطفکم فان العرق دساس: برای نطفه‌های خود همسر مناسب انتخاب کنید که عرق پنهانی تاثیر دارد» (ابن ادریس، السرائر الحادی التحریر الفتاوی، ص ۵۵۹). همچنین وارد شده است که «دس شی تحت التراب فیه ای ادخله فیه واخاه: خصوصیات اخلاق والدین رابه طور پنهانی به فرزندان منتقل می‌شوند و حقیقت این است که نطفه اخلاق و سجایا را به فرزندان منتقل می‌سازد (ر.ک، حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۸۷).

بنابر روایتی، محمد حنفیه در جنگ جمل علمدار لشکر بود، ولی گویا ترسیده بود؛ چرا که در حمله به سپاه جمل اندیشه می‌کرد. امام علی (علیه السلام) پیش او آمد و علت حمله نکردن او را جویا شد. او گفت در پیش رویم به جز تیراندازان که تیر می‌اندازند، کسی را نمی‌بینم. علی (علیه السلام) با دسته شمشیر به او زد و فرمود: «ما ادرکک عرق من ابیک: این عرق از پدرت به تو نرسیده است» (برگرفته از المدنی، وقعه الجمل).

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و معصومان (علیهم السلام) که حقایق را با نور وحی می‌دیدند، به این قانون عظیم خلقت وراثت توجه کامل داشته‌اند و در این روایت و روایات دیگر درباره این راز بزرگ سخن گفته‌اند. این معنا هم با تجربه و هم از راه‌های علمی به ثبوت رسیده که میان ملکات نفسانی و احوال روح و میان اعمال بدنی رابطه خاصی است و با همه این‌ها از حد اقتضا تجاوز نمی‌کند؛ بدین معنا که خلق و خوی هر کس هیچ وقت او را مجبور به انجام کارهای مناسب با خود نمی‌کند و اثر آن به حدی نیست که ترک آن کارها را محال سازد و در نتیجه عمل از اختیاری بودن خارج شود و جبری شود» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۸۹).

امام علی (علیه السلام) در معنای حقیقت سعادت و شقاوت فرمودند: «ان حقیقه السعاده ان یختم للمرء عمله بالسعاده و ان حقیقه الشقا، ان یختم للمرء عمله بالشقا: حقیقت سعادت این است که عمل آدمی به سعادت پایان پذیرد و حقیقت شقاوت این است که عمل آدمی به شقاوت پایان

یابد» (ابن بابویه، التوحید، ص ۳۴۵). با توجه به روایت مذکور وراثت نقش مهمی در سرنوشت انسان و شکل دهی به شخصیت فرد دارد و باعث سعادت و شقاوت فرد می‌شود. امام خمینی (رحمه الله) در خصوص روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان داشته اند: «کسی که پایان کارش به استراحت دائم غیرمتناهی و لذت‌های بدون انقطاع به عطای الهی پایان می‌انجامد، از آغاز خلقت خود سعادت‌مند است، هرچند که چند روزه دنیا را در سختی به سر برد. همچنین در طرف شقاوت به فرض که چند روزی خوش گذران باشد، در مقابل آنکه برای ابد گرفتار عذاب است، ولی این میل و رغبت تا آن پایه نیست که اختیار و اراده را از انسان بگیرد» (موسوی خمینی، طلب و اراده، ص ۸۴).

بنابراین، در پاسخ به کسی که معتقد است مطابق با این فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعیین سعادت و بدبختی انسان در اختیار او نیست، باید گفت که این مقدار از اقتضا که به وسیله انتقال وراثت از والدین به فرزند منتقل می‌شود، تنها به منزله زمینه‌ای در وجود اوست، نه تعیین کننده سرنوشت او، ضمن آنکه این روایت علاوه بر بیان مسئله انتقال صفات روحی به نقش مادر در شکل‌گیری روحيات و شخصیت فرد اشاره دارد؛ چرا که بعد از لقاح و تعیین ترکیب ژنتیکی جنین، تمام حالات روحی و معنوی مادر در طی دوران بارداری روی جنین تاثیرگذار است.

#### ۴-۲- نقش وراثت در شخصیت انسان از منظر روانشناسی

از دیرباز مسئله میزان دخالت و تاثیر وراثت در انتقال صفات اخلاقی و شخصیت افراد، مورد گفتگوی مردم به ویژه اندیشمندان بوده است. بیشتر مردم به علت وجود شباهت‌های زیاد ظاهری میان پدر و مادر و فرزندان‌شان تداوم وجود آنها در میان نسل‌های بعدی که رابطه نسبی با هم دارند و بروز شخصیت‌های که در گذشته به وسیله وراثت به ارث رسیده؛ بر این باورند که شخص، صفات و رفتار خود را از گذشتگان به ارث می‌برد. در علم ژنتیک نیز، حوزه پژوهشی ژنتیک رفتاری به مطالعه وراثت خصوصیات رفتاری و شکل‌گیری رفتار بر اساس وراثت می‌پردازد (۵۹، ص، ۲۰۰۸، Baker).

آگوست کنت و جان هربرت اسپنسر که از دانشمندان غربی طرفدار نظریه کلاسیک وراثت هستند، بر این باورند که وراثت، تمامی جنبه‌های ساختمان وجودی انسان را اعم از جسمانی، اخلاقی و عقلانی را در بر می‌گیرد. بر این اساس محیط یا فاقد اثر است یا تاثیر آن بسیار ضعیف

بوده و نمی‌توان آن را عامل مستقلی در شکل‌گیری ساختار شخصیتی انسان دانست (حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۸۲).

در تایید بحث وراثتی بودن صفات اخلاقی در مورد نقش وراثت و ژنتیک که در گرایش‌های مذهبی مطرح شده است، جوامع علمی بازخوردهای متفاوتی داشته است. دکتر دین هامر مدعی گردید که حتی ایمان مذهبی هم منشا ژنتیکی دارد و دلایل متعددی را نیز در این باره مطرح نمود. وی در کتاب خود مدعی است که در همه جوامع پیروان مذهبی دیده می‌شوند و حتی ده‌ها سال حاکمیت کمونیسم در برخی کشورها نتوانست مانع اجرای مراسم مذهبی و گرایش مردم به دین و ایمان در فرقه‌های مختلف گردد، زیرا این یک نیاز درونی انسان است و صرفاً یک ژن خاصی مسئول آن نیست بلکه مجموعه‌ای از ژن‌ها این نیاز را در انسان ایجاد می‌کنند (Zimmer, ۲۰۰۴).

در حقیقت دانشمندان معتقدند که عوامل ژنتیکی، نقش عمده‌ای در تعیین شخصیت افراد دارند و این تاثیر به خصوص در مورد ویژگی‌های شخصی هر فرد بیش از پیش بروز می‌کند به طوری که در مطالعه نشان داده شد که تفاوت بین دوقلوهای یکسان را محیط و تفاوت بین دوقلوی غیر همسان را توارث تعیین می‌کند. بنابراین از دیدگاه علم ژنتیک بیان این مطلب حائز اهمیت است که آنچه باعث می‌شود فرد انسان باشد و ویژگی شخصیتی خاصی را از بقیه موجودات متمایز داشته باشد، عملکرد وراثت می‌باشد که منجر به داشتن شعور، فهم و درک می‌شود (لارنس و جان، نظریه‌های شخصیت، ص ۱۰۰).

کشفیات نوین در عرصه زیست‌شناسی و ژنتیک سبب شناخت منشا ژنتیکی بسیاری از عملکردهای فیزیولوژیک و همچنین اختلالات جسمی مانند بیماری‌ها گردیده است. موضوع وراثت پذیری ویژگی‌های شخصیتی، روانی در انسان به چند هزار سال پیش برمی‌گردد. نشانه‌هایی از اهمیت این موضوع در کتب مقدس جوامع مختلف انسانی همچنین ضرب‌المثل‌های فرهنگ‌های گوناگون به ثبت رسیده است.

اما قوانین وراثت پذیری صفات در موجودات از نسلی به نسلی دیگر در حدود ۱۵۰ سال پیش توسط کشیش زیست‌شناس اتریشی به نام گریگور مندل کشف شد. تحقیقات نیم قرن گذشته نشان از آن دارد که وراثت در ایجاد رفتارهایی مانند هیجان طلبی، تحریک پذیری، تهیج‌پذیری و... نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. اخیراً در علوم روانشناسی نقش ژن‌ها و وراثت در شکل‌گیری

شخصیت و رفتار انسان و فعالیت مغز به عنوان یگانه پردازش کلی اطلاعات فعالیت‌های انسان مورد بررسی قرار گرفته است (متولی‌زاده اردکانی، فصلنامه اخلاق پزشکی، ص ۶۴).

### ۵- عامل حاکم بر شخصیت انسان

یکی از مسائل مهم اعتقادی مسئله جبر و اختیار است که آن نیز با قانون وراثت ارتباط پیدا می‌کند. برخی نیز با تکیه به آیات و احادیث بر این باورند که با وجود عامل وراثت، سعید یا شقی شدن انسان از اختیار و اراده او خارج است. در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «الشقی من شقی فی بطن امه والسعید من سعد فی بطن امه، شقاوتمند در شکم مادرش نیز شقاوتمند است و سعادت‌مند در شکم مادرش نیز سعادت‌مند است» (بحرانی، ص ۵۲۹).

عده‌ای بر این عقیده هستند که سعادت و شقاوت آدمی به حکم خدا از آدمی جدایی ناپذیر است. به عنوان مثال فخر رازی در تفسیر کبیر خود زیل آیه ۱۰۵ سوره هود چنین دیدگاهی را آورده است (فخررازی، تفسیر کبیر، ص ۳۹۹)

امام خمینی (رحمه الله) در خصوص روایت پیامبر صلی الله علیه و آله بیان داشته اند: «کسی که پایان کارش به استراحت دائم غیرمتناهی و لذت‌های بدون انقطاع به عطای الهی پایان می‌انجامد، از آغاز خلقت خود سعادت‌مند است، هرچند که چند روزه دنیا را در سختی به سر برد. همچنین در طرف شقاوت به فرض که چند روزی خوش گذران باشد، در مقابل آنکه برای ابد گرفتار عذاب است، ولی این میل تا آن پایه نیست که اراده را از انسان بگیرد» (موسوی خمینی، طلب و اراده، ۱۳۶۲).

بنابراین، در پاسخ به آنهایی که معتقدند مطابق با این فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعیین سعادت و بدبختی انسان در اختیار او نیست، باید گفت که این مقدار از اقتضا که به وسیله انتقال وراثت از والدین به فرزند منتقل می‌شود، تنها به منزله زمینه‌ای در وجود اوست، نه تعیین کننده سرنوشت او، ضمن آنکه این روایت علاوه بر بیان مسئله انتقال صفات روحی و اخلاقی به نقش مادر در شکل‌گیری روحیات و شخصیت فرد اشاره دارد، چرا که بعد از لقاح و تعیین ترکیب ژنتیکی جنین، تمام حالات روحی و معنوی مادر در طی دوران بارداری روی جنین تاثیرگذار است (فلسفی، کودک از نظر تربیت، ص ۴۴).

از منظر اسلام خصوصیات منتقله از طریق وراثت از حد اقتضا تجاوز نمی‌کند. به بیان دیگر، اثر ویژگی‌های ژنتیکی انسان تا حدی نیست که اختیار عمل را از او سلب کند، به طوری که قادر به



انجام اعمال نیک و پسندیده یا ترک افعال زشت نباشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قل کل یعمل علی شاکلته... بگو: هر کس طبق روش و خلق و خوی خود عمل می‌کند...» (اسراء: ۸۴).

استدلال علامه طباطبایی در خصوص صفات درونی آدمی در خور توجه است. ایشان ذیل این آیه نوشته‌اند که «آیه کریمه عمل انسان را مترتب بر شاکله او دانسته؛ به این معنا که عمل هر چه باشد، مناسب با اخلاق آدمی است. پس شاکله نسبت به عمل نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را مجسم نموده است و معنویات او را نشان می‌دهد. این معنا هم با تجربه و هم از راه‌های علمی به ثبوت رسیده که میان ملکات نفسانی و احوال روح و میان اعمال بدنی رابطه خاصی است و با همه این‌ها از حد اقتضا تجاوز نمی‌کند؛ بدین معنا که خلق و خوی هر کس هیچ وقت او را مجبور به انجام کارهای مناسب با خود نمی‌کند و اثر آن به حدی نیست که ترک آن کارها را محال سازد و در نتیجه عمل از اختیاری بودن خارج شود و جبری شود» (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۴، ص ۱۸۹).

از سوی دیگر، محیط نیز نقش چشمگیری در تربیت و تکامل شخصیت دارد. اگر انسان در محیط آلوده قرار بگیرد و دچار لغزش شود، خودش پاسخ گوی اعمال و رفتارش است. چنان چه یکی از راه‌های موثر در شکل‌گیری شخصیت، دوری جستن از محیط‌های ناپاکاست. بخش مهمی از تربیت و شخصیت هر فرد، نتیجه‌ی تجربه‌ها ایست که در شکل‌گیری آن سهم محیط و جامعه بیش از خانواده می‌باشد. در نتیجه زندگی در محیط اجتماعی ممکن است منشا بروز دگرگونی‌هایی باشد که اساس شخصیت فرد و تربیت خانواده‌گی را در هم بریزد و از شخصیت فرد چیزی به غیر از آنچه بوده است، فراهم آورد (معیری، بچه‌های خوب پرورش بد، ص ۲۷۶). اما عاملی که حاکم بر وراثت و محیط است و تاثیر انکارناپذیری بر شکل‌گیری شخصیت انسان دارد، «اراده» است. هر چند ممکن است داشته‌های وراثتی و عوامل محیطی در شدت و ضعف اراده موثر باشند؛ اما واقعیت اراده به عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده در عرض عوامل محیطی و وراثتی قرار می‌گیرد و این بدان معناست که ممکن است فرد با تکیه بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود، مسیری متمایز از آنچه داشته‌های وراثتی‌اش طلب می‌کنند و متمایز از آنچه محیط فرهنگی اجتماعی پیرامونش اقتضا می‌کند، برگزیند و خود زندگی آینده خود را رقم زند و شخصیت خود را آنگونه که می‌خواهد، بسازد.

این نقش و جایگاه برای عامل اراده موجب گردید تا نظریه پردازان شخصیت در نظریه‌های خود، توجه ویژه‌ای بدان معطوف دارند از تاثیر آن در شکل‌گیری شخصیت، سخن به میان آورند. از جمله این نظریه پردازان، می‌توان از آلفرد آدلر یاد کرد. وی از جمله افرادی است که به رغم کمبودها و مشکلات جسمی و روحی در دوره کودکی، بر آنها فائق آمد و در پرتو اراده قوی، از زمره روانشناسان برجسته زمان خود شد و این وضعیت در نظریه شخصیت وی تجلی یافت (دوان شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۱۴۹).

آدلر معتقد است که نه وراثت و نه محیط هیچ کدام نمی‌توانند رشد شخصیت را به طور کامل تبیین کنند. در مقابل، شیوه‌هایی که این تاثیرات تعبیر می‌شوند، پایه‌هایی را برای ساختن خلاق نگرش فرد نسبت به زندگی به وجود می‌آورد. به سخن دیگر، برای شکل دهی نیروهای اجتماعی که بر افراد تاثیر دارد و استفاده خلاقانه از آنها برای ساختن یک سبک زندگی بی‌نظیر، فرد صاحب اراده آزاد است (دوان شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۱۱۹).

در اسلام نیز عامل اراده جایگاه ویژه‌ای در شکل دهی شخصیت دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «انا هدایه السبیل اما شاکرا و اما کفورا: ما انسان را به راه حق و باطل رهنمون شدیم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس» (دهر، ۳). بنابراین خداوند توسط پیامبران (علیهم السلام) راه سعادت و نجات را به انسان نشان داده این خود انسان است که در تعیین سرنوشت و شکل‌گیری شخصیت خود موثر است و می‌تواند نوع شخصیت خود را رقم بزند.

«اراده» و «اختیار» در اسلام به عنوان مهم‌ترین شروط تکلیف شرعی به شمار آمده و بدون آن انسان مستحق عقوبت نمی‌گردد و تکالیف شرعی بر عهده او لازم نمی‌گردد. همچنین در اسلام، بر رفتار و عمل صالح بسیار تاکید شده است و اعمال و رفتارهایی که از اراده و اختیار انسان نشأت بگیرند، تاثیر چندانی بر شکل‌گیری شخصیت وی ندارند.

## ۶- نتیجه

این پژوهش نشان می‌دهد که صفات و خصوصیات روحی و اخلاقی که از طریق وراثت به انسان منتقل می‌شود، به منزله یک بستر است که گاه این بستر به وسیله عوامل محیطی از جمله تربیت، تقویت می‌شود و گاه تضعیف می‌گردد. مضاف بر آنکه اختیار و اراده شخص نیز در سرنوشت او دخالت زیادی دارد. آنچه که یک فرد به هنگام تولد به عنوان سرمایه همراه خود به این دنیا می‌آورد، اقتضای خیر و شر است که از طریق وراثت به او منتقل شده؛ اما آنچه در سعادت

و شقاوت او تاثیر دارد، منحصر به عامل وراثت نیست. مؤلفه‌های دیگری همچون تربیت و اراده نیز تاثیر بسزایی در رقم خوردن سرنوشت او دارد. تا جایی که می‌تواند قانون وراثت را به هم بریزند. برخیا طرح نقشه وراثت در سرنوشت معتقدند که انسان قادر به تغییر صفات وراثتی خود نیست و مجبور به انجام اعمال پسندیده یا ناپسند است، اما از دیدگاه اسلام و هم از دیدگاه دانش ژنتیک، وراثت و ساختار ژنتیکی انسان علت تامه در جهت تعیین سرنوشت نمی‌باشد. نیز از منظر قرآن و احادیث، سعادت امر ذاتی نیست و مربوط به قضای مقدر شده الهی نیز نمی‌باشد. به همین دلیل هر انسانی با هر قسم وراثتی اعم از مطلوب یا نامطلوب می‌تواند سرنوشت خود را تغییر دهد و بر همین اساس، یکی از اهداف بعثت انبیا تقویت سرمایه‌های موروثی پسندیده و اصلاح زمینه‌های موروثی ناپسند می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است با توجه به آیات قرآن، انسان سرنوشت خاصی از پیش تعیین شده ندارد و تحت تاثیر «جبر تاریخ» و «جبر زمان» و «محیط» نیست، بلکه عوامل سازنده زندگی انسان دگرگونی‌هایی است که در روش، اخلاق و فکر و روح او به اراده خودش پیدا می‌شود. جبر مادی که انسان را بازچه دست غرایز تغییر ناپذیر و اصل وراثت می‌داند و یا جبر محیط که او را محکوم چگونگی اوضاع اقتصادی و شرایط می‌داند، از نظر اسلام محکوم و نادرست است. انسان آزاد است و سرنوشت خود را به دست خویش می‌سازد و باعث شکل‌گیری شخصیت وی می‌شود، اوست که خود را گرفتار شکست و ذلت می‌سازد تا در وضع خود دگرگونی پیدا نشود و با خودسازی خویشتن را عوض نکند، تغییری در درونش پیدا نخواهد شد. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش گویای آن است آنچه در شخصیت فرد موثر می‌باشد که شامل عوامل محیطی (خانواده، دوستان و مراکز آموزشی) و همچنین عوامل وراثتی و ژنتیکی است بررسی شد و نتایجی که حاصل شد حاکی از آن است که «اراده» و «اختیار» شخص از عوامل یاد شده در شکل دهی شخصیت فرد، تاثیر بیشتری دارد. نتایج حاصله از چندین پژوهش گویای این حقیقت است که در نهایت عاملی که حاکم بر وراثت و محیط است و تاثیر انکار ناپذیری بر شکل‌گیری شخصیت انسان دارد، اراده است.

## منابع

قرآن ترجمه مکارم شیرازی

نهج البلاغه، دشتی.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸ ش، التوحید، جامعه مدرسین، قم.
۲. ابن ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۳. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۹۷ش، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه انصاری قمی، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم.
۴. بحرانی، سید هاشم، ۱۳۷۴ش، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه بعثت، تهران.
۵. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳ش، نهج الفصاحه، موسسه انصاریان، تهران.
۶. جعفری، محمد تقی، ۱۳۹۹ ش، تعلیم و تربیت اسلامی، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران.
۷. حاجتی، سید محمد باقر، ۱۳۵۸ش، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۸. دوان شولتز، نظریه‌های شخصیت، ۱۳۸۱ش، ترجمه عیسی سید محمدی، موسسه نشر ویرایر.
۹. دشتی، محمد، ۱۳۸۰ش، مسئولیت تربیت و بررسی نقش زنان و مادران، نشر امیرالمومنین ع، قم.
۱۰. دیانی، محمد مهدی، ۱۳۹۸ش، بررسی نقش وراثت محیط و اراده در تربیت با استناد به نهج البلاغه، دارالکتاب، قم.
۱۱. رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۲. رضوانی، سیده زینب، ۱۳۹۶ش، تاثیر وراثت و محیط خانوادگی در دوره قبل از تولد از منظر امام صادق ع، کنفرانس بین المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت، مشهد.
۱۳. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۵ش، منشور جاوید، نشر امام صادق، قم.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۰ش، تفسیر المیزان، نشر اسماعیلیان، قم.
۱۵. قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۴ش، سفینه البحار، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸ش، اصول کافی، تالیف علی اکبر غفاری، دارالحدیث، قم.
۱۷. المدنی، ضامن بن شدقم، ۱۳۸۱ش، وقعه الجمل، ترجمه شانه چی، ناشر: دلیل ما، قم.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۰ش، بحارالانوار، ترجمه محمد حسن ارومیه‌ای، کتابفروشی اسلامی، تهران.
۱۹. معیری، محمد طاهر، ۱۳۸۲ش، بچه‌های خوب پرورش بد، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۲ش، ترجمه و شرح سید احمد مهری، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

بررسی تبعات همنشینی با هواپرستان از دیدگاه قرآن و روایات صص ۱۳۲-۱۱۷

شهین بالایی<sup>۱</sup>


(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

## چکیده

همنشینی و معاشرت در انسان تأثیرگذار است. هم‌نشین خوب، اثر سازنده و در مقابل هم‌نشین بد، تأثیرات سوء عمیقی در زندگی و سرنوشت انسان دارد لذا توجه به انتخاب هم‌نشین حائز اهمیت بسیار است. از این رو این مقاله که به روش نقلی- و حیانی و گردآوری کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد به تأثیر همنشینی با هواپرستان از دیدگاه قرآن و روایات می‌پردازد. توجه به اثرات فردی و اجتماعی هم‌نشین ناصالح و هواپرست، انسان را از نزدیکی و معاشرت با افراد ناشایست برحذر داشته و مقدمات عاقبت بخیری او را فراهم می‌سازد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که ضعف در عبادت، قساوت دل، ساده انگاشتن گناه، عدم تأثیر اندرز، بدعت در دین، ناامیدی و عدم تمایل به هدایت از اثرات فردی هم‌نشینان هواپرست است. علاوه بر اثرات فردی، هم‌نشین ناصالح در اجتماع نیز اثراتی دارد که ایجاد تفرق جمعی، غفلت‌زایی، عدم‌گرایش به دوست‌یابی، عدم‌توجه به جامعه از اثرات اجتماعی همنشینی با هواپرستان است.

کلید واژه‌ها: همنشینی، هواپرستی، تزکیه و تهذیب، عاقبت به خیری.

---

<sup>۱</sup> دانش‌پژوه حوزه نجمه‌خاتون  shahinbalai۱۳۴۸@gmail.com

## ۱- مقدمه

خداوند متعال در جای جای قرآن کریم از جمله آیه ۱۰۵ سوره مائده که می‌فرماید: «علیکم أنفکم» بر این نکته تأکید دارد که ضروری است انسان مراقب خود بوده و خویش را از گزند و سوسه های شیطان و از دام یاران او و هواپرستان و دنیاپرستان حفظ نماید؛ چرا که هدف اساسی و مأموریت رسمی فرستادگان الهی بنابر آیه ۵۶ از سوره مبارکه ذاریات «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» چیزی جز تعلیم و تزکیه در جهت رسیدن به کمال انسانیت نبوده و این امر جز با تعلیم، تزکیه و مراقبت دائمی از خویشتن محقق نمی‌شود.

در حقیقت، یکی از مؤثرترین عوامل در هدایت یا گمراهی نفس همنشین و معاشر است. از این رو معاشرت و همنشینی با افراد و توجه به انتخاب همنشین، یکی از دستورات اسلام بوده که به دلیل اثرات بسیار آن، شارع مقدس توصیه هایی در رابطه با آن بیان فرموده است. همانطور که همنشین خوب در کف نفس و دوری از محرمات الهی و عاقبت بخیری مؤثر است، همنشین بد نیز تأثیر به سزایی در ایجاد مشکلات و نابسامانی ها و سوء عاقبت انسان دارد. قابل ذکر است مراد از همنشین بد در این پژوهش، صرفاً دوستان بدی هستند که هواپرست می‌باشند.

خداوند متعال در آیات ۵۰ الی ۵۳ سوره صافات بیان می‌دارد که همنشین بد، انسان را به لبه پرتگاه دوزخ می‌برد. همنشینی با هواپرستان ایمان را از انسان دور می‌کند و شیطان را به حضور می‌کشانند. گاهی گمراهی و فساد بدون اینکه خود فرد بفهمد از دیگری به او سرایت می‌کند و اگر بر نفس خویش لجام پرهیز و شکیبایی نزند، زیان بزرگی در حق خود و افراد هم‌جوار خود کرده است. در نتیجه انسانی که اشرف مخلوقات است در اثر غرق شدن در هواپرستی و نابود شدن فطرت خویش به اسفل السافلین سقوط می‌کند لذا ضروری است انسان به مراقبت نفس پردازد و خود را از دام هواپرستان حفظ کند و اگر خللی در ایمان خود و اطرافیان خود مشاهده نمود به اصلاح آن پردازد.

مضاف آنکه رواج همنشینی با بدان باعث دوری انسان ها از بارگاه خدای تعالی و محروم ماندن از یاری و تأیید خداوند می‌شود، لذا باید هر فرد هوشیار باشد که با سکوت در برابر هواپرستان و رفتارهای غلط ایشان موجب تأیید و تشویق ایشان و مصمم تر شدن آنها در انجام کارهای اشتباه نشده و مقدمات گسترش آنها فراهم نیاید.

در احادیث و روایات نیز به همنشین و اثرات آن عنایت بسیار شده است. چنان که در بخشی از نامه ۳۱ نهج البلاغه امیرالمومنین (ع) اینطور توصیه می‌فرماید: «قارن أهل الخیز تکن منهم و باین أهل الشر تبین عنهم؛ به نیکوکاران و اهل خیز نزدیک شو تا از آنها شوی و از بدکاران و اهل شر دور شو تا از آنها جدا گردی». حضرت همچنین در حکمت ۲۸۵ می‌فرماید: «لاتصحب المائق فإنه یزین لک فعله و یوڈ أن تکون مثله؛ همنشین احمق مباش چون کارش را در نظرت خوب جلوه می‌دهد و دوست دارد تو مثل او شوی».

بنابر آنچه گفته شد شناخت هواپرستان و اثراتی که در همنشینی با ایشان عاید آدمی می‌شود، ضروری است لذا این پژوهش در تلاش است که با استعانت از قرآن و حدیث از طریق معرفی هواپرستان و آثاری که در همنشینی با آنان ایجاد می‌شود، الگوی جامع و کاملی در انتخاب همنشین به دست دهد و راه نفوذ هواپرستان را به زندگیانسان ببندد تا از این طریق گامی در جهت اصلاح فرد، خانواده و جامعه بردارد.

این موضوع در حیطه اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و تاریخی قابل بررسی است و آنچه مدنظر نگارنده است بررسی اخلاقی این موضوع است.

#### پیشینه

در رابطه با موضوع مورد نظر پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است از جمله، کتاب «نقش دوستان در سرنوشت انسان» به قلم علی اکبر صمدی یزدی که در سال ۱۳۸۷ انتشار یافته، پژوهشی مرتبط در این موضوع است. در این کتاب نقش دوستان در سرنوشت انسان به هر دو جنبه مثبت و منفی آثار و پیامدهای تاثیرپذیری در دوستان پرداخته و بیان داشته شخصیت هر انسانی متأثر از عوامل گوناگونی چون وراثت، محیط و آموزش و پرورشو غیره است. کتاب «هم نشینی و کج روی» به قلم علی سلیمی و همکاران که در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده، پژوهشی در موضوع مورد نظر است که بهجایگاه و نقش دوستان و هم نشینان در سعادت و شقاوت فرد می‌پردازد.

مقاله «تقابل عقل و هوی در کلام امام علی علیه‌السلام» اثر عبدالهادی فقیهی زاده و طاهره چینی فروشان که در سال ۱۳۹۰ نگاشته شده، پژوهشی مرتبط در این زمینه است. در این تحقیق به طرق مختلف اثبات می‌شود که بزرگترین دشمن رستگاری آدمی، نفس خودبین و هوس مدار است. مقاله «ویژگی های دوست و همنشین مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث» از بهمن جوشقانی

که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده، اثری مرتبط با موضوع است که به ویژگی‌های دوست و همنشینی از دیدگاه قرآن و روایت معصومان پرداخته است.

پایان نامه «هواپرستی» اثر سکینه صولت کوشک که در سال ۱۳۹۱ نگاشته شده، پژوهشی در موضوع مذکور است که به شناسایی هوی و آثار هواپرستی در زندگی انسان پرداخته و در انتها به مراحل ترک هوای نفس می‌پردازد. پایان نامه «هواپرستی از دیدگاه نهج البلاغه» اثر رقیه طاقانکی که در سال ۱۳۹۱ به نشر رسیده، پژوهشی مرتبط با موضوع مذکور است. این پژوهش در رابطه با آثار همنشینی با هواپرستان و راه کارهای مقابله با هوای نفس است. پایان نامه «بصیرت‌گرایی از دیدگاه قرآن و روایات» به نوشته کبری رشوندی که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است به بررسی بصیرت از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته و یکی از موانع بصیرت را هوای نفس و دوستی کورکورانه دانسته است.

با بررسی آثار مرتبط در این زمینه در حد امکان، پژوهشی که به تأثیر همنشینی با هواپرستان از دیدگاه قرآن و حدیث بپردازد، مشاهده نشد.

## ۲- مفهوم شناسی هوی

در این بخش به مفهوم هوی در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود.

### ۲-۱- در لغت

هوی در اصل به معنای سقوط است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۱۰۰۶). فعل هوی با فتحه عین الفعل به معنای سقوط به سمت پایین است (ابن درید، جمهره اللغة، ج ۱، ص ۲۵۱، ج ۲، ص ۹۹۸؛ جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۵۳۸؛ راغب اصفهانی، مفردات قرآن، ۸۴۹؛ زمخشری، مقدمه الادب، ص ۲۷۹). هوی به فتح «هاء» از واژگان قرآن کریم به معنای فرود آمدن و به فتح «ها و واو» به معنای میل نفس است. این واژه دارای مشتقاتی است که در آیات قرآن به کار رفته است مانند هاویه به فتح «هاء و یاء» به معنای آتش دوزخ (راغب، مفردات قرآن، ذیل ماده هوی).

### ۲-۲- در اصطلاح

هوی در اصطلاح به گرایش نفس به خواسته‌هایی اطلاق می‌شود که می‌پسندد و برای او خوشایند است و نیز به میل یا نیرویی گفته می‌شود که به خواسته غیرمعقول گرایش دارد. به



عبارت دیگر، خواهش نفسانی را از آن نظر هوی نامیده اند که انسان را به عذاب آخرت و مهلکه دنیا ساقط می‌کند (راغب اصفهانی، المفردات، ج ۱، ص ۸۴۹).

### ۳- اثرات مجالست با هواپرستان

انسان یک موجود اجتماعی است و زندگی او به صورت فردی امکان پذیر نیست. ناگزیر است در اجتماع حضور پیدا کرده و با افراد زیادی ارتباط داشته باشد. گاهی با افرادی رابطه دور و ناپایدار و در مقابل با افراد دیگر رابطه عمیق و نزدیکتری دارد. نزدیک ترین این افراد به عنوان دوست و هم نشین یاد می‌شوند که می‌توانند اثرات خوب یا بدی را بر انسان بگذرانند. همنشینی با دوستان هواپرست و آنانکه هیچگونه توجهی به عالم آخرت و معنا ندارند، ایمان را از قلب افراد مومن می‌رباید و باعث حضور شیاطین گمراه کننده می‌شود. در این بخش به اثرات فردی اجتماعی مجالست با افراد هواپرست و آلوده پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱- اثرات فردی

ضعف در اعمال عبادی، قساوت قلب، ساده‌انگاشتن گناه، عدم تأثیر اندرز، بدعت در دین و ناامیدی و عدم تمایل به هدایت از اثرات فردی همنشین هواپرست است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱-۱- ضعف در اعمال عبادی

با انتخاب هم نشین بد و هواپرست، آرام آرام در اعتقادات و باورهای شخص خلل ایجاد شده و با سستی در اعمال عبادی به انحراف از دین و راه مستقیم خواهد رسید. خداوند متعال یکی از علل فراموشی یاد خدا و در نتیجه ضعف در اعمال عبادی را همنشین بد می‌داند چنانکه در آیه ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان می‌فرماید: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۸) لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا؛ ای کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم (۲۸) او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است». آیه دوستان منحرف را از عوامل شیطان می‌خواند که انسان را غافل می‌کند (قرآنی، نور، ذیل آیه). یکی از نمودهای اصلی غفلت، بی‌توجهی فرد به اعمال عبودی است.

امام علی (علیه السلام) از عواقب همنشینی با دوست بد اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «از همنشینی با دوست بد پرهیز که دوست بد، همنشین خود را به هلاکت می‌افکند و یار خود را به نابودی می‌کشاند» (تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۵۹۹) منظور حضرت از نابودی و هلاکت، نابودی در دین و دنیا و آخرت است که یکی از نشانه‌های این نابودی، بی‌توجه شدن فرد به اعمال عبودی است. چه بسا وقتی فردی به اعمال عبودی می‌پردازد، نمازی می‌خواند، ذکری می‌گوید، شب قدری به درگاه خداوند می‌رود همین اعمال موجب متذکر شدن و بازگشت به راه دین شود. چه اینکه خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره حج «ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْظَمَ لَلَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ این گونه است که هرکس شعایر الهی را بزرگ شمارد، نشانی از تقوای دلهاست» بزرگ شمردن شعائر و اعمال دینی و عبادی را نشانه تقوای دل‌ها می‌داند. در حقیقت تقوای درونی باید آثار بیرونی هم داشته باشد، هر کس به شعائر بی‌اعتنا باشد، در حقیقت تقوای قلبی او کم است (قرائتی، نور، ذیل آیه).

بنابر آنچه از نظر گذشت، مشاهده شد که دوستان و معاشران و همنشینان در سعادت و شقاوت انسان تأثیر فوق‌العاده‌ای دارند. نه تنها اخلاق و رفتار افراد آنها را تحت تأثیر قرار داده بلکه در تغییر شکل عقائد آنها اثرگذار هستند (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۵۵) پس اولین اثر معاشر ناپسند تغییر در اعمال و رفتار آدمی است که یکی از مصادیق بارز آن و از اولین نشانه‌های آن، کاهل شدن فرد در اعمال عبادی است. شخص هواپرست با افزایش غفلت آدمی، تأثیر مستقیم روی فرد گذاشته و انگیزه عبادت را از او می‌گیرد. با ایجاد خلل در اعمال عبادی فرد روزبه روز از معنویت دور شده و به خسران ابدی دچار می‌شود.

### ۳-۱-۲- قساوت قلب

یکی از عوامل قساوت قلب در انسان همنشینی با هواپرستان و دنیاپرستان است. این افراد به خاطر جهل و غفلتی که دارند مانع نفوذ نور ایمان در قلب می‌شوند و لذا دل انسان در مقابل نصیحت و معجزه و دلیل سخت می‌شود. قرآن کریم درباره قساوت قلب در آیه ۷۴ سوره بقره اینگونه می‌فرماید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنْ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ سپس دل‌های شما بعد از این واقعه سخت شد؛ همچون سنگ، یا سخت‌تر! چرا که پاره‌ای از سنگ‌ها می‌شکافد و از آن نهرها جاری می‌شود و پاره‌ای از آنها شکاف برمی‌دارد و

آب از آن تراوش می‌کند و پاره‌ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می‌افتد؛ (اما دل‌های شما، نه از خوف خدا می‌تپد، و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است!) و خداوند از اعمال شما غافل نیست»

در این رابطه امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «از هم نشینی با دنیاپرستان بپرهیزید که دین شما را می‌برد و نفاق و دورویی می‌آورد و این دردی سخت و بی‌درمان بوده، سنگدلی و قساوت به بار می‌آورد و فروتنی را می‌زداید (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۶۷).

در حدیثی دیگر امام سجاد (علیه‌السلام) فرزند خود امام باقر (علیه‌السلام) را از همنشینی با دوستان بخیل برحذر می‌دارد که حتی نگاه کردن به او قساوت قلب می‌آورد (کلینی، اصول کافی، ج ۲، باب همنشین).

همنشین هواپرست برای اینکه کمتر احساس گناه کند سعی می‌کند برای جرم و گناهش شریک جرم پیدا کند بنابراین یکی از عوامل اصلی آلودگی به گناه دوستی با افراد هواپرست است که نفس اماره بالسوء را تقویت می‌کند. چنانکه علت گمراهی بسیاری از جوانان به اذعان خود ایشان همنشینی با دوستان ناباب است.

فردی که دنباله‌رو خواهش‌های نفسانی گردد، انجام گناهان و زشتی‌ها برای او ساده و عادی جلوه کرده، مغلوب هوای نفس خویش می‌شود. قلب چنین فردی را قساوت گرفته و سرانجام روحش می‌میرد.

### ۳-۱-۳- ساده انگاشتن گناه

دوستان ناباب و هواپرست، ارتکاب گناه را ساده می‌انگارند و این خصوصیت را به همنشین خود منتقل کرده باعث جرأت در انجام گناه و زیانباری او می‌گردند. وقتی همنشینی در مقابل انسان گناه می‌کند، انجام دادن گناه برای انسان نیز عادی می‌شود و قبح گناه بعد از مدتی از بین رفته و با تکرار گناهان صغیره تبدیل به گناهان کبیره می‌گردد. هم نشینی با اینگونه افراد به شدت در رفتار و کردار انسان اثر سوء گذاشته و او را در انجام گناهان بزرگ‌تر جری ساخته و در نهایت به هلاکت می‌رساند.

بسیاری از افراد با ایمان مراقب هستند گناهان بزرگ را انجام ندهند. دوستان ناباب و شیاطین انسی انسان را وادار به گناه کوچک می‌کند. گناه کوچک وقتی متراکم شد همان کاری را می‌کند که

گناه بزرگ می‌کند. علاوه بر این که تراکم و پی در پی شدن و اصرار بر گناهان کوچک و صغائر کاری با انسان می‌کند که برای انسان گناه بزرگ هم آسان می‌شود (اشعری قمی، النوادر، ص ۱۲۹).

ضمن این که گناهان صغیره اگر تکرار گردد، تبدیل به گناه کبیره می‌گردد همانگونه که امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اشد الذنوب ما استهان به صاحبه؛ شدیدترین گناهان، گناهی است که صاحبش آن را کوچک شمارد». باید توجه داشت کم‌شمردن و ساده‌انگاشتن گناهان عین نابودی و سرگشتگی و زیانباری است؛ چرا که ساده‌انگاشتن گناه باعث غرق شدن در آن و ارتکاب زیاد گناه می‌گردد به طوری که برای انسان ملکه شده و ترک و دوری از آن دشوار می‌شود و این از اثرات دوست هواپرست است (ابن میثم، شرح حکمت‌های نهج البلاغه، حکمت ۳۴۸، ص ۳۵۹).

### ۳-۱-۴- عدم تأثیر اندرز

انسان در اثر همنشینی با دوست هواپرست بر اسب سرکش نفس سوار شده و سرسپرده او می‌شود. در این حالت، اندرز بر فرد اثر نمی‌گذارد و تمام راه‌های بیداری به روی او بسته می‌شود.

قرآن کریم، گوش شنوا نداشتن و تأثیرناپذیری را از ویژگی‌های اصلی اهل جهنم می‌شمارد. قرآن کریم از قول آنان نقل می‌کند اگر اهل تعقل و شنیدن بودیم الان در دوزخ عذاب نمی‌شدیم «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (سوره ملک، آیه ۱۰).

جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «نصیحت ناپذیری و خشمگین شدن در برابر دعوت به تقوا، نشانه‌سرکشی و لجاجت است. به قول مرحوم طبرسی هر کس از پذیرش دعوت حق سرپیچی کند مرتکب یکی از گناهان بزرگ شده است (جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۰، ص ۲۴۳-۲۳۴). پس پندناپذیری و عدم تأثیر اندرز در آدمی یکی از خصوصیات اهل آتش است که همنشین بد در ایجاد آن مؤثر است.

انسان هواپرست در کنار دوستان هواپرست راحت‌تر بر اسب سرکش نفس خویش سوار شده و سرسپرده هواهای نفسانی می‌شود. مشاهده مکرر یک عمل از اطرافیان، آن عمل را در چشم انسان عادی می‌سازد. فرد مبتلا به مرور زمان به پیروی از هوای نفس عادت کرده و راه قبل را بدون فکر ادامه می‌دهد و نصیحت و ارشاد در او اثر نمی‌گذارد بلکه از آن گریزان است؛ چرا که به

افعال ناپسند انس گرفته و مایل به ترک آن نیست حتی به دلیل تکرار فعل قبیح را حسن می‌بیند و اصولاً اشکالی در خود نمی‌بیند که در صدد اصلاحش برآید و نصیحت افراد دیگر را بپذیرد. به این ترتیب تمام راههای هدایت را به روی خود می‌بندد.

### ۳-۱-۵- بدعت در دین

انسان هواپرست برای جلب دوستان و پیروان در تلاش اثبات و مطرح کردن خویش بر می‌آید و راه و روش دین خدا را برای تحقق خواسته‌ها کافی و مناسب نمی‌داند و راهی دیگر را برمی‌گزیند و در دین بدعت ایجاد می‌کند. حال اگر این شخص طرفداران و دوستانی پیدا کند در این امر تقویت شده و اذهان عموم مردم را بهتر و راحت‌تر اقناع می‌کند. این رویه در طول تاریخ بسیار مشاهده می‌شود چنان که حماد بن سلمه می‌گوید: شیخی که پیشتر از پیروان اهل بدعت و بعد به راه صواب برگشته بود می‌گفت: با هم می‌نشستیم و صحبت می‌کردیم وقتی که چیزی را خوب می‌دانستیم آن را به اسم حدیث به خورد مردم می‌دادیم. دستکاری دین یا دین‌سازی، گمراهی است و هرنوع گمراهی به راه آتش جهنم رهسپار می‌شود (سید نوح، آفت‌های دینداری و دعوتگری، ص ۲۷).

در روایت آمده: «الا تصحبوا اهل البدع ولا تجالسوهم فتصيروا عند الناس كواحد منهم؛ اهل بدعت را همراهی نکنید و با آنان هم نشین نشوید؛ چرا که شما نیز در نزد مردم جزء آنان بحساب می‌آید». (پایگاه اطلاع‌رسانی حوضه، پاسدار اسلام، خرداد ۸۶، شماره ۳۰۶).

همنشین هواپرست با تشویق یا سکوت خود، کسی را که در دین بدعت و خرافه وارد می‌کند را تشویق می‌کند. دوست و همنشین اینچنینی شیطان انسی است که با پیروی از ابلیس، موجب بدعت در دین می‌شوند. در طول تاریخ، کسانی بوده‌اند که شیطان را به عنوان مالک و زمامدار کار خود اتخاذ کرده، شیطان هم آنان را برای خود همچون دام‌های گسترده یا شریک‌هایی برگزید. پس در خلال سینه آنها تخم گذارد و جوجه در آورد و در کنار و دامنه‌شان پرورش یافته به راه افتاد پس با چشم آنان نظر کرد و با زبان‌شان به نطق در آمد. در نتیجه آنان را با خود بر مرکب خطاکاری و لغزش سوار کرد و هر بیهوده‌سرایی و ناروایی را بر ایشان آرایش نمود (طالقانی، پرتوی از نهج البلاغه، ص ۱۷۷).

واین بیهوده‌سرایی‌های شیطان و همنشینان هواپرست باعث می‌شود که با اطاعت از هوای نفس هر خرافه‌ای وارد دین شده و بدعت در دین ایجاد شود.

### ۳-۱-۶- ناامیدی و عدم تمایل به هدایت

همنشینی با هواپرست و تسلیم در برابر خواسته‌های نفسانی باعث می‌شود فرد از سرچشمه هدایت و توفیق روی گردان گردیده و امید و تمایلی در خود جهت هدایت به صراط مستقیم نبیند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «آگاه باشید هم نشینی با هواپرستان ایمان را از انسان دور کرده و شیطان را به حضور می‌رساند» (مکارم شیرازی، شرح پیام امیرالمومنین، ج ۳، ص ۵۰۳).

سنت و قانون خداوند متعال بر این قرار گرفته که دست یاریش را تنها به سوی کسانی دراز می‌کند که شایستگی آن را داشته باشند نه اینکه پیرو هوای نفس خود و به حال خودشان رها بوده و در آخر به ناامیدی برسند. قرآن کریم در این رابطه در آیه ۲۳ سوره جاثیه می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؟ آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟» همنشینی با هواپرست انسان را هواپرست کرده و او را به جایی می‌رساند که «خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً» می‌شود. فردی که بر گوش و قلب و چشمش پرده افکنده شد در خود تمایلی به هدایت نمی‌یابد و از رحمت پروردگار ناامید می‌شود.

اینگونه افراد از مرگ وحشتی عمیق دارند؛ چرا که آن را پایان خوشی‌ها می‌دانند برخلاف اهل معرفت که مرگ را سرآغاز حرکت دانسته و برای آن و عوالم پس از آن خود را آماده می‌سازند. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در مقایسه این دو دسته می‌فرماید: «صاحبان معرفت می‌بینند اهل دنیا را که مرگ بدن‌هایشان را بزرگ می‌شمارند و ایشان (اهل معرفت) مرگ دل‌هایشان را بزرگتر و سخت‌تر می‌دانند زیرا دانسته اند که در مرگ تن محروم شدن از خوشی‌های چند روز دنیاست آن هم آلوده به هزاران ناراحتی است ولی در مرگ دل محرومیت از سعادت همیشگی و لذت‌های خالص ابدی و باز ماندن از حیات پاکیزه انسانیت در دنیا و آخرت است» (دستغیب، قلب سلیم، ص ۲۷).

### ۳-۲- اثرات اجتماعی

هم نشینی با هواپرستان اثرات اجتماعی دارد که در تمام‌زوایای زندگی انسان تاثیرگذار است. چند مورد مهم در این مبحث ذکر می‌شود.

## ۳-۲-۱- تفرق جمعی

زندگی بدون هدف هم نشینان هواپرست اثرات گوناگونی در روح و روان آنها گذاشته، حیات طبیعی ایشان را دگرگون ساخته و سبب از هم پاشیدگی واقعیات و قوانین اجتماعی و سقوط ارزشها می‌شود افراد هواپرست بدون تردید به سوی از هم پاشیدگی و چند دستگی سوق داده می‌شوند؛ زیرا اصل التزام و فرمانبرداری در میان آنها ضعیف شده است. آنها جمع‌های ایمانی را ترک گفته و تنها از دوستان مفسد و هواپرست خود اطاعت می‌کنند. امام حسن مجتبی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «غفلت آن است که مسجد را ترک کنی و از همنشینان مفسد اطاعت نمایی» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵).

این جدا شدن از جمع مؤمنان جامعه را دچار تفرق و چنددستگی می‌کند. هرگاه جمعی دچار چنین چنددستگی و از هم پاشیدگی بشوند، به صورت لقمه گوارایی در دهان دشمنان در می‌آیند و به راستی این همان چیزی است که دشمن چندین سال برای دست یابی به آن تلاش می‌کند. این حالت، زمینه را برای سرکوبی امت اسلامی و از دست رفتن و بی نتیجه نمودن سالها مجاهدت و برگشت به عقب فراهم می‌کند.

حضرت امیر (علیه السلام) در نکوهش آثار تفرق و چند دستگی می‌فرماید: «همواره با جماعت حق باشید که دست خداوند با جمعیت است و از تفرق و پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها بهره شیطان است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

به همین دلیل است که امام علی (علیه السلام) همواره یاران خود را از همنشینی با منافقان بر حذر می‌دارد؛ هم آنانکه بزرگترین ضربه‌ها را در طول تاریخ بر پیامبر اکرم (ص) و امیر مومنان علی (ع) و جامعه اسلامی وارد کردند. کسانی که نفاق و دورویی داشتند و تفرقه انداختن بین مردم جزء وظایفشان بود.

## ۳-۲-۲- غفلت‌زایی

یکی از عوامل غرق شدن در غفلتهای گوناگون، بی توجهی به غفلت‌هایی است که فرد به آن دچار بوده و در صدد رفع آن بر نمی‌آید. اگر انسان فقط از یکی از هواهای نفسانی‌اش هم پیروی کند و در صدد کنترل خود و بازگشت بر نیاید، همان باعث می‌شود که باقی هواهای نفسانی نیز به سراغ او آمده و دل او را برابند تا جایی که دلی برای او باقی نماند تا محلی برای ورود ایمان

شود. در حقیقت هر غفلت خود زمینه بروز غفلتی دیگر است. امام خمینی انتهای غفلت را افزایش حجاب‌ها می‌داند تا آنجا که فطرت انسان به واسطه این حجاب‌ها خاموش شده و از محبت الهی در قلبش چیزی نمانده بلکه از انبیا و اولیاء الهی تنفر پیدا می‌کند و درهای سعادت به روی چنین فردی بسته شده و به خلود در جهنم می‌رسد (خمینی، دانشنامه امام خمینی، ج ۷، ص ۵۰۶).

این پیامدهای زیانبار تنها به خود هواپرست محدود نمی‌شود بلکه در بسیاری موارد به دیگران نیز سرایت کرده و موجبات غفلت آنها را فراهم می‌کند. همنشینان هواپرست سعی می‌کنند دوستان مومن را از پای بندهای اعتقادات صحیح منصرف کرده و به خواسته‌های نفس خود از جمله بی‌بند و باری و شهوت‌رانی جامه عمل بپوشانند. بدین ترتیب، همنشین غافل زمینه ازدیاد غفلت آدمی را فراهم می‌سازد. اگر انسان، ایمان به خداوند متعال را رها کرده و به دنبال همنشینان هواپرست برود، آرام آرام دوستان هواپرستش جای دوستان دیندارش را گرفته و در کنار این دوستان بد، حضور شیطان قطعی بوده و دیگر جلوات هواهای نفسانی نیز به سراغ او می‌آیند و دل او را می‌ربایند و نمی‌گذارند دلی برای او باقی بماند تا محلی برای ورود ایمان شود. خداوند متعال در آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره نحل می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (۱۰۷) «أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» این به خاطر آن است که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی‌ایمان را هدایت نمی‌کند (۱۰۷) آنها کسانی هستند که (بر اثر فرونی گناه) خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده (به همین دلیل نمی‌فهمند) و غافلان واقعی همان‌ها هستند! ازدیاد غفلت باعث می‌شود که خداوند دل و گوش و دیده فرد غافل را مهر نماید. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «همه بدیها در مجالست با همنشین بداست» (غرر الحکم، ح ۴۷۷۴).

این پیامدهای زیانبار به طور مستقیم به دوستان و همنشینان هواپرست سرایت کرده و موجب غفلت و به انحراف و بیراهه رفتن آنها می‌گردد تا جایی که به گمراهی کامل و در انتها به مرگ روحی می‌رسند. خداوند متعال در آیه ۱۱۹ سوره انعام می‌فرماید: «... وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ...» تعداد زیادی از مردم با هواهای نفسانی شونمردمرا به غیر علم گمراه می‌کنند.

### ۳-۲-۳- عدم گرایش به دوست‌یابی

در فرآیند دوستی بسیاری از خلق و خوی بین دوستان انتقال می‌یابد به این معنا که عادت‌ها و اخلاقیات، رفتارهای ظاهری حتی تکه کلام‌ها در جریان دوستی منتقل می‌شود. رسول خدا (صلی



الله علیه و آله) می‌فرماید: «انسان، هم کیش دوست و رفیق خویش است» (کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۴۵۶).

در روایتی دیگر در تاثیر معاشر و این که انسان نمی‌تواند همزمان هم با جبهه حق و هم جبهه باطل دوستی کند آمده که سلیمان بن جعفر می‌گوید: خدمت امام هفتم (علیه السلام) رسیدم. حضرت فرمود: چه شده که تو را نزد عبدالرحمان بن یعقوب می‌بینم؟ عرض کردم: او دایی من است. فرمود: او اعتقاد نادرستی در باره خدا دارد پس یا با او بنشین و ما را رها کن یا با ما بنشین و او را ترک کن (پایگاه اطلاع رسانی حوضه، خرداد ۸۶، شماره ۳۰۶). این هشدار امام به دلیل آن است که همنشین در انسان اثر دارد. انسان در اثر همنشینی با هواپرستان به جایی می‌رسد که ذائقه‌اش تغییر کرده و در اثر معاشرت مداوم با آنها و آلوده شدن به نحوه خوی و رفتارشان گرایشی دیگر به دوست واقعی نداشته و انگیزه های دوست‌یابی در او می‌میرد.

همنشینان هوا پرست انسان را در دوستی با دوستان خوب و سالم به شک و تردید و دودلی می‌اندازند و تمام راه های رسیدن به همنشین سالم را به روی انسان می‌بندند.

وجود چنین دوستی‌هایی در جامعه موجب می‌شود سایر افراد در گرفتن دوست دچار تردید شده و گرایشی به انتخاب دوست نداشته باشند. این اتفاق باعث می‌شود جامعه به جامعه‌ای منزوی تبدیل شود.

### ۳-۲-۴- عدم توجه به جامعه

انسان در اثر همنشینی با هواپرستان از صفت انسانی مردم دوستی دور شده و آرام آرام به فردی بی تفاوت و بی مسئولیت که فقط در پی خواسته‌های نفسانی خودش است، تبدیل می‌شود.

در این زمینه امام علی (علیه السلام) به طور مستقیم خود با سران قدرت و همنشینان غاصب آنها به گفتگو پرداخته و سرانجام شوم عملشان را به آنها یاد آوری کرده است. کسانی که با هواپرستی خود و همنشینان هواپرستان روی زمین فساد کرده و بدون توجه به مردم و جامعه موجب جنگ‌های خونین، بی عدالتی‌ها و نابسامانی‌ها شده‌اند. کسانی که در پشت چهره دین و دین‌داری با دوستان ناصالح خود عامل انحراف مردم ساده لوح و بی خبر و باعث آزار و اذیت مسلمانان شدند.

افراد هواپرست جانب هواپرستی خویش و دوستان هم‌پیمان خود را دارند و دیگر افراد جامعه برای ایشان ارزشی ندارند. اینگونه افراد با کمک یاران هواپرست خویش به منظور دست یافتن به دلخواسته‌های نفسانی خودشان جامعه را به تباهی می‌کشانند. چنان که در نامه‌ای که امام علی (علیه‌السلام) به معاویه نوشته این مطالب عیان است. حضرت می‌فرماید: «سبحان الله چقدر با تباه ساختن حقائق، هواپرستی و خواهش‌های تازه را بر خود لازم می‌دانی؛ اما اینکه درباره عثمان و قاتلان احتجاج می‌کنی، تو عثمان را هنگامی که به نفع خودت بود. یاری کردی؛ اما وقتی به سود او بود دست از یاریش برداشتی و السلام» (رضی، نهج البلاغه، خطبه ۸۷). همانطور که از مضمون فرمایش حضرت آشکار است فرد هواپرست مصلحت خویش را بر مصلحت جامعه ترجیح داده و در این راه از هیچگونه دسیسه‌ای فروگذار نخواهد بود.

نکته قابل تأمل این که هواپرستان تا زمانی با همنشینان هواپرست خود دوستی دارند که در جهت منافع خودشان است و گرنه به آنها هم وفا ندارند. دوستی فرد هواپرست نیز حول هواپرستی و در راستای تمایلات نفسانی اوست و تا وقتی ادامه دارد که با منافع او مغایرت نداشته باشد. به عبارت دیگر فرد هواپرست حتی در اجتماع دوستان خود نیز به آنها توجه نداشته و هر کس به فکر منافع خویش است.

از آنچه بیان شد، معلوم گردید که افراد هواپرست با همنشینان هواپرست خود تمایلی به جامعه نداشته و فقط به فکر خود و تمایلات و هواهای نفسانی خود هستند. چنانچه مسئولیت کاری بر عهده چنین اشخاصی باشد امور را نه در جهت مصلحت جامعه بلکه در جهت تمایلات شخصی خویش پیش برده و تمایلی به جامعه و پیشرفت آن ندارند.

#### ۴- نتیجه

همنشین در انسان بسیار اثر دارد لذا ضروری است انسان در انتخاب همنشین کمال دقت و توجه را کند چون پس از طی زمانی، انسان را به شکل و ایده خود در آورده و در زندگی و موفقیت او در دنیا و آخرت موثر است. چه بسیارند افرادی که به سبب معاشرت با دوستان ناباب به فساد کشیده می‌شوند از این رو در آیین‌های الهی به خصوص دین مبین اسلام به انتخاب همنشین اهمیت داده شده است.

مجالست با دوستان اثراتی در حوزه فردی و اجتماعی دارد. در حوزه فردی همنشین انسان می‌تواند در اعمال عبودی او تاثیر بگذارد و او را نسبت به عبادت‌های واجب بی‌توجه نماید. از

دیگر اثرات فردی همنشین ناصالح، دچار شدن به قساوت قلب است. ساده انگاشتن گناه اثر دیگر همنشین آلوده است. مشاهده مکرر یک گناه و ارتکاب به آن، آن گناه را در نظر انسان کوچک می‌سازد. عدم تأثیر اندرز و نصیحت در چنین فردی از دیگر اثرات همنشین بد است. بدعت در دین و ناامیدی و عدم تمایل به هدایت از دیگر اثرات فردی همنشین ناصالح است.

در جانب اثرات اجتماعی همنشین بد می‌توان به تفرقی که در اجتماع حاصل می‌شود اشاره کرد. انسان هواپرست با همدستانش با جامعه هم‌نوا نبوده و منافع و تمایلات نفسانی خود را بر مصالح جامعه ترجیح می‌دهند. غفلت‌زایی از دیگر اثرات همنشین بد است که غفلت بر غفلت و سیاهی بر سیاهی در فرد و در نتیجه در اجتماع را باعث می‌شود. عدم گرایش به دوست‌یابی از دیگر اثرات اجتماعی همنشین بد است؛ چرا که افراد باایمان با مشاهده نمونه‌هایی از معاشران ناصالح در انتخاب دوست دچار ترس و تردید می‌شوند. ضمن اینکه گروه معاشران هواپرست جز هم‌طیفان خود به دوستی با خوبان رغبت ندارند. عدم توجه به جامعه از دیگر اثرات اجتماعی همنشینان هواپرست است زیرا اینگونه افراد فقط به دنبال لذات خود بوده و به افراد دیگر جامعه توجهی ندارند.

### منابع

قرآن ترجمه مکارم شیرازی

۱. ابن فارس، "معجم المقایس الغت"، ۱۳۶۶
۲. ابن درید، "جمهره الغت"، ۱۹۸۸
۳. ازهری، "تهذیب الغت"، ۴۲۱ق
۴. بحرانی، میثم، "ترجمه شرح نهج البلاغه"، مترجم محمدی مقدم، نشر قدس رضوی، ۱۳۷۵
۵. پایگاه اطلاع رسانی حوضه، پاسدار اسلام خرداد ۸۶، شماره ۳۰۶
۶. جرداق، جرج، "بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه"، مترجم انصاری محمد رضا، انتشارات محمدی، ۱۳۷۳
۷. جوشقانی، بهمن، "مقاله ویژگی‌های دوست و همنشین مطلوب از دیدگاه قرآن و حدیث"، ۱۳۹۶
۸. جوهری، "صحاح الغت" ۴۰۴ ق
۹. خمینی، روح الله، "چهل حدیث"، موسسه نشر انتشارات امام خمینی (رح)، چاپ ۸، ۱۳۷۵

۱۰. دیل کارنگی، "آیین دوست یابی"، ترجمه فرشته پرنیان، چاپ دهم، انتشارات هورمزد، ۱۴۰۱
۱۱. دستغیب، سید عبدالحسین، "قلب سلیم"، انتشارات اسلامی، چاپ پنج، ۱۳۸۷
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، "المفردات الفاظ قرآن"، ۱۴۱۲ق
۱۳. رشوندی، کبری، "بصیرت گرایی از دیدگاه قرآن و روایات"، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، ۱۳۹۰
۱۴. رضی، سید شریف، "ترجمه روان نهج البلاغه"، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۸۷
۱۵. رئیس‌یان، غلام رضا، پاکزاد، عبدالعلی، "مقاله غلبه بر نفس اماره در قرآن"، فصلنامه سراج منیر، دوره ۴، ش ۱۲، انتشار ۱۳۹۲
۱۶. زمخشری، ابوالقاسم محمودبن عمر بن محمد خوارزمی، محقق مهدی، نشر موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
۱۷. سلیمی، علی؛ ترابی، محمود؛ داوری، محمد، "همنشینی و کج روی"، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹
۱۸. صولت کوشک، سکینه، "پایان نامه هواپرستی از دیدگاه قرآن و سنت"، مدرسه علمیه حضرت زینب (س)، ۱۳۸۶
۱۹. صمدی، علی اکبر، "نقش دوستان در سرنوشت انسان"، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷
۲۰. طاقانکی باقری، رقیه، "پایان نامه هواپرستی از دیدگاه نهج البلاغه"، وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری، ۱۳۹۱
۲۱. طالقانی، محمود، "پرتویی از نهج البلاغه"، نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰
۲۲. فقیهی زاده، عبدالهادی؛ چینی فروشان، طاهره، "مقاله تقابل عقل و هوی در کلام امام علی ع"، نشریه پژوهش نامه علوی، ش ۲، سال ۱۳۹۰
۲۳. مطهری، مرتضی، "حکمت‌ها و اندرزها"، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۷۳
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، "انسان سازی در اسلام"، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۹۳
۲۵. نوح، سید، "آفت‌های دینداری و دعوتگری"، مترجم عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان، ۱۳۷۸
۲۶. نراقی، محمد، "رساله حقوق، امام سجاد علیه السلام"، انتشارات مهدی نراقی، چاپ چهارم، ۱۳۹۳

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت

سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

نقش ادب در تربیت اسلامی از منظر قرآن و روایات صص ۱۵۰-۱۳۳

زهرا محمدخانی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

## چکیده

ادب شامل هر عملی است که مورد پسند عقل و دین واقع شود و انسان در پرتو آن نوعی پیراستگی از خطا و اشتباه به دست آورد. ادب که لازمه تربیت اسلامی و مقدمه پرورش ابعاد شخصیت انسان می‌باشد، او را در جهت رسیدن به کمال همراهی کرده، منزلتش را بالا می‌برد. برای به فعلیت رساندن استعداد درونی و فتح قله کمال انسانیت، طلب ادب و فهم حدود و ثغور آن از کتاب حیاتبخش قرآن ضروری است. این مقاله که با روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی به نقش ادب در تربیت اسلامی از منظر آیات و روایات پرداخته و به این مهم دست یافته که ادب نشان از عقل داشته و برترین میراث است. ادب که نمود کمال انسانی است در تعامل با اولیای الهی، پدر و مادر و سایر افراد و اماکن مقدس جلوه‌گری می‌کند و آثاری همچون غفلت‌زدایی، تسهیل مقابله با نفس، فزونی عزت و شرافت انسانی و تزکیه‌کننده اخلاق دارد.

کلید واژه‌ها: آداب دینی، ادب، اخلاق اسلامی، تربیت اسلامی.

---

<sup>۱</sup> دانش پژوه مدرسیه علمیه نجمه ع.ا.ع. mohamadkhny@gmail.com

## ۱- مقدمه

ادب یک اصل تربیتی است که اگر نفس در قالب این رفتار و عمل خاص قرار گیرد به واسطه آن معرفت و ایمان و اعتقاد، ثمره خود را نشان خواهد داد. (مرتضی، تعلیم و تربیت، ص ۲۵) رعایت اخلاق فردی و اجتماعی که از آن به اخلاق و رعایت آداب هم تعبیر میشود در همه جوامع و ادیان مورد تاکید و اهتمام قرار دارد تا آنجا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «انی بعثت لأتمم مکارم الاخلاق؛ من مبعوث شده‌ام تا زیبایی‌های اخلاقی را به نهایت برسانم». (الکافی، ج ۲، ص ۵۱۶) آن حضرت قبل از بعثت و بعد از رسالت چه در مکه و چه در مدینه که حکومت تشکیل دادند، به بالاترین صفات اخلاقی متصف بوده و عرب جاهلی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) را به آن محاسن اخلاقی می‌شناختند.

آموزش و رعایت ادب در تربیت‌های دینی نیازمند صرف وقت و تکرار و مداومت است که موجب نمود یک شخصیت انسانی و قابل احترام در جامعه می‌شود. ضروری است مربی در تربیت انسان‌ها به این مسئله توجه کند و با استعانت از قرآن کریم و گفتارهای معصومین علیه السلام و رهنمودهای آنان تربیت دینی درستی را اعمال کند و ادب را جز جدانشدنی تربیت قرار دهد.

پژوهش‌های بسیاری در این زمینه صورت پذیرفته است. کتاب «ادب گفتگو» اثر مهدی ایرانمنش که در سال ۱۳۹۶ نگاشته شده، یکی از آثار مرتبط در این زمینه است. این کتاب در صد آن است تا احکام و مهارت‌های ارتباط با دیگران را شناسایی و این مهارت فراموش شده را احیا کند. کتاب «ادب خیال، عقل و قلب» اثر اصغر طاهرزاده که در سال ۱۳۸۸ نگاشته شده، یکی از آثار مرتبط دیگر در این مبحث است. از نظر نویسنده، همه حقیقت انسان، قلب و دل اوست و اگر توانست قلب خود را ادب کند، بقیه اعضا نیز جهت صحیحی پیدا خواهند کرد.

مقاله «ادب و سلوک عرفانی» اثر جواد شمس که در سال ۱۳۹۰ به زیور چاپ آراسته گشته، پژوهشی دیگر در این رابطه است. پژوهشگر، نگرش به مسئله ادب را یکی از الزامات در تهذیب نفس و طی کردن مسیر سیر سلوک دانسته و به مراعات ادب و شرح ادب عارفانه، پرداخته است. مقاله «ادب در برابر خدا، روش الگوی پیامبران اولوالعزم به هنگام دعا» که توسط علی حسین زاده که در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است، پژوهش دیگر در این زمینه است. نویسنده، نگرش به

الگوخواهی و سرشم داشتن را یکی از نیازهای اساسی انسان دانسته و با بررسی آیه تاسی، پیامبر را شایسته‌ترین الگو مکارم اخلاقی معرفی می‌کند.

یایان نامه «ادب انبیا علیه السلام در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل» اثر محمد حیدری که در سال ۱۳۸۴ به زیور چاپ آراسته گشته، پژوهشی دیگر در این رابطه است. نویسنده، ادبرا به‌یایان نامه «ادب انبیا علیه السلام در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل» اثر محمد حیدری که در سال ۱۳۸۴ به زیور چاپ آراسته گشته، پژوهشی دیگر در این رابطه است. نویسنده، ادب را به عنوان سرمایه کهن آدمی دانسته و بیان می‌دارد جامعه ای به سوی کمال پیش می‌رود که روابط سالم میان افرادش حاکم باشد، پس بحث پیرامون ادب و معرفی مصادیق آن را ضروری دانسته و به بررسی ادب انبیا در تورات و انجیل و مقایسه آن با قرآن پرداخته است.

یایان نامه «ادب در قرآن» اثر عسکر طاهر خرسندی در سال ۱۳۸۴ پژوهشی دیگر در این زمینه است که به بررسی مفهوم ادب و جلوه های آن در اخلاق و سیره پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) پرداخته است.

بررسی آثار مرتبط در این حوزه، بیانگر آن است که پژوهش های صورت گرفته بیشتر به مفهوم ادب پرداخته‌اند. تا حد احصاء، اثری که به نقش ادب در تربیت اسلامی پرداخته باشد، یافت نشد لذا این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که از منظر آیات و روایات، ادب چه نقشی در تربیت اسلامی دارد؟

## ۲- مفهوم شناسی ادب

در این بخش به بررسی واژه ادب در لغت و اصطلاح پرداخته می‌شود.

### ۲-۱- در لغت

ادب به معنای ریاضت نفس همراه با تعلیم و تربیت است. (فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۹۲) این واژه در معناهای مختلفی چون زیرکی و نگهداشت حد هر چیز به کار رفته است. (الکافی، ج ۲، ص ۵۶) در لغت نامه عربی، تمرین دادن نفس و حسن اخلاق نیز شمرده شده است. ابن منظور، ادب را راهنمای مردم به سوی کار پسندیده و بازدارنده آن‌ها از کار زشت می‌داند. (مصباح المنیر، ج ۲، ص ۹)

این واژه در فارسی با کلمات متعدد دیگری مانند فرهنگ، هنر، حُسن معاشرت، حُسن محضر، طور پسندیده، حرمت، و... پیوند معنایی دارد. (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۶)

## ۲-۲- در اصطلاح

در تعریف و تحدید اصطلاحی ادب، عبارات ادبای متقدمین مختلف است. بعضی گویند: ادب عبارت است از هر ریاضت ستوده که به واسطه آن انسان به فضیلتی آراسته گردد. از منظر قرآن منقول، ادب و تادیب از ریاضت اخلاقی گرفته شده است. (فرهنگ لغت نوین المعجم، ص ۳۹۷)

ادب فعلی است که شخصی یا ادیبی به وسیله آن مردم را ادب می‌نماید. (فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۰۱) اصل و ریشه ادب دعوت کردن است. فرد را از این جهت ادیب نامیده اند که فرد ادیب مردم را به امور پسندیده دعوت نموده و آن‌ها را از زشتی‌ها باز می‌دارد. (لسان العرب، ج ۱، ص ۱۸۷)

علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «حاصل معنای ادب آن است که ادب هیأت نیکو و پسندیده ای است که سزاوار است رفتار مشروع دینی یا عقلایی بر مبنای آن شکل گیرد؛ مانند آداب دعا و آداب دیدار دوستان». (طرحی برای تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی، ص ۱۶۸)

علامه به زیبایی از معنای ادب یاد می‌کند و مرز آداب و اخلاق را از یکدیگر جدا می‌داند؛ یعنی اخلاق عبارت است از ملکه‌های راسخ در روح که در حقیقت وصفی از اوصاف روح می‌باشد؛ ولی آداب عبارت است از هیأت زیبایی که رفتارهای آدمی بدان متصف می‌گردد. به عبارت دیگر ادب عبارت است از ظرافت عمل. بدیهی است که عمل وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که اول مشروع بوده و منع تحریمی نداشته باشد. در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای قبیح ادب معنا ندارد و دوم عمل اختیاری باشد یعنی ممکن باشد که آن را در چند هیأت و شکل در آورد و شخص به اختیار خود آن را به وجهی انجام دهد که مصداق ادب واقع شود.

## ۳- جایگاه ادب

از آنجای که هدف اسلام سر و سامان دادن به جمیع جهات زندگی انسانی است و هیچ یک از شئون انسانیت را از قلم نینداخته و برای هر عملی از اعمال زندگی هیأت زیبایی ترسیم کرده که از غایت حیات حکایت می‌کند پس کشف جایگاه ادب از دو دیدگاه قرآن و روایات ضروری است.



## ۳-۱- در قرآن

بهترین راه تربیت که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازها و وجوه اوست، راه وحی است. قرآن کریم بشریت را به آیینی می‌خواند که بهترین آیین تربیت است. این آیین متضمن همه نیازهای تربیتی انسان است و هیچ چیز در آن فرو گذار نشده است.

واژه ادب در قرآن کریم بکار نرفته ولی در آیات فراوانی به مفهوم آن که مجموعه گسترده‌ای از روابط فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد، اشاره شده است. چنانچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: «ان هذا القرآن مادبه فتعلموا ما استطعتم؛ این قرآن ادبستان خداوند است تا آنجا که می‌توانید از آن بیاموزید» (غرر الحکم، ج ۱، ص ۸۲)

در سراسر عالم ادب حکمفرمایی می‌کند. ستارگان، آسمان، زمین و .... مؤدب به آداب الهی شده‌اند، نبات و حیوان نیازمند به ادب می‌باشند، حال چطور انسانی که می‌خواهد سیر انسانی را طی کند محتاج به ادب نباشد.

قرآن کریم، ادبستان الهی است و سرشار از آیات ادب می‌باشد که هرکدام از این آیات خود دلیلی بر اهمیت و ارزش ادب از دید قرآن است. در رابطه با اهمیت ادب می‌توان به سوره حجرات، آیه ۴ رجوع کرد که در این آیه رعایت ادب و نگاهداشتن حرمت افراد در روابط اجتماعی، نشانه خردمندی دانسته شده است پس در اهمیت ادب همین بس که قرآن کریم شخص بی‌ادب را بی‌عقل معرفی کرده و اینگونه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَتَأَدُّونَكَ مِنْ وِراءِ الْحُجْرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ آنهایی که از سوی حجره‌ها ندایت می‌دهند بیشتر بی‌خردانند».

در این راستا میتوان به آیه ۳۲ سوره حج، نیز اشاره کرد که خداوند می‌فرماید: «ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ این است سخن حق و هر کس شعائر دین خدا را بزرگ و محترم دارد این از صفت دل‌های باتقواست».

از بررسی مجموعه این بیانات روشن می‌شود اهمیت و ارزش ادب به حدی است که شخص بی‌ادب، بی‌عقل معرفی شده است. کسی که ادب ندارد، در واقع عاقل نیست. به عبارت دیگر، بی‌ادبی نشانه بی‌خردی است.

## ۲-۳- در روایات

وقتی سخن از ادب به میان می‌آید، نوعی رفتار خاص و سنجیده با افراد پیرامون در نظر می‌آید. این رفتار که از تربیت شایسته نشأت می‌گیرد، به نحوه سخن گفتن، راه رفتن، نگاه، درخواست و... مربوط می‌شود. اگر فردی حد و مرز خود را بشناسد و از آن فراتر نرود، دارای ادب است. اما در احادیث اسلامی، ادب به عنوان یک اصل مهم فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی به کار رفته است که نمونه‌هایی از آن از نظر می‌گذرد.

## ۳-۲-۱- ادب و عقل

در اهمیت و ارزش ادب و رابطه میان ادب و عقل روایاتی از معصومین (علیهم‌السلام) وارد شده است که به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «... ولا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ الا اذا بِالْعَتِّ فِي اِيْلَامِهِ، فَانَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْاَدَبِ، وَ الْبُهَائِمُ الا تَتَعَطَّى الا بِالضَّرْبِ؛ باید از کسانی نباشی که پند دادن به آنها سود نرساند مگر هنگامی که به آزردن و رنجاندنشان بکوشی زیرا خردمند به ادب و یاد دادن پند می‌آموزد، و چهارپایان پیروی نمی‌کنند مگر به کتک». (بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۴۲) امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «العقول مواهبٌ و الاداب مكاسب؛ عقل‌های مردم بخشش‌های الهی است و با سعی و کوشش به دست نمی‌آید، ادب و اخلاق است که مردم می‌توانند از راه سعی و مجاهده به دست آورند».

ابوهاشم گوید: خدمت حضرت رضا (علیه السلام) بودم و از عقل و ادب گفتگو می‌کردیم حضرت فرمود: «ای ابوهاشم عقل موهبت خدا است و ادب با رنج و سختی به دست می‌آید پس کسی که در کسب ادب زحمت بکشد، آن را بدست آرد و کسی که در کسب عقل رنج برد، بر نادانی خویش می‌کاهد». (الکافی، ج ۳، ص ۲۳)

## ۳-۲-۲- ادب و ارث

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْاَدَبُ لاَ الْمَالُ؛ بهترین ارثی که پدران برای فرزندان باقی می‌گذارند، ادب است نه ثروت». (غرر الحکم، ج ۱، ص ۸۲۰)

بنابراین هیچ میراثی چون ادب نیست؛ زیرا ادب، ارزشش بیشتر از مال است. مال و ثروت از بین می‌رود، اما ادب با فرد همراه و تا آخر عمر شخصیت او را شکل می‌دهد. به این دلیل باید به

ادب اهمیت داد. کسی که دارای ادب باشد به وسیله آن می‌تواند اموال فراوانی کسب کند؛ ولی اگر پدر مال فراوانی بدون ادب برای فرزند گذاشته باشد فرزند با بی‌ادبی و نادانی همه را تلف کرده و از مال و ادب تهی دست می‌شود. بنابراین می‌توان گفت بخشش و تفضل هیچ‌پدری به فرزندش بهتر از عطیه ادب و تربیت پسندیده نیست.

### ۳-۲-۳- ادب و کمال انسانی

یکی از روش‌های که انسان را به کمال می‌رساند، رعایت ادب است. از جمله نکاتی که در روایات درباره ادب مشاهده می‌شود، ارتباط ادب با کمال انسانی است. شخصیت آدمی مرتبط با ادب است. هر قدر ادب افزوده گردد، شخصیت آدمی نیز بالاتر می‌رود.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «یا مومن ان هذا العلم و الادب ثمن نفسک فاجتهد فی تعلمه؛ مؤمن علم و ادب ارزش وجود توست در تحصیل علم کوشش نما. چه به هر مقداری که بر دانش و ادب افزوده شود، قدر و قیمت تو افزایش می‌یابد»<sup>۱</sup> رابطه ادب در کمال را در دو حیطه زیر میتوان بررسی کرد. حضرت محمد (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: «هر که ادب ندارد، عقل ندارد. ادب نیکو، زینت عقل است و ادب باعث رشد فهم و ثمر دادن ذهن است». (مشکاة الانوار، ج ۱، ص ۲۶۷) روایت ادب یکی از زینت‌های و ارزش‌ها شمرده شده است که زینت دهنده عقل است و مایه شکوفایی و رشد آن است

### ۳-۲-۴- ادب و تربیت

انسان، شگفت‌انگیزترین آفریده خدای بزرگ و والاترین نشانه قدرت بی‌متنهای اوست. او را خلق شد تا به مقام قرب الهی و جانشینی خدا در زمین برسد و این مقام جز با تربیت صحیح محقق نخواهد شد. پیام آوران الهی زمینه‌های این تحول بزرگ را در وجود انسان فراهم آورده و آنان را از این برهوت ظلمانی به نور هدایت رهنمون کرده‌اند. تردیدی نیست که اگر انسان بر اساس معیارهای الهی تربیت نشود در همان مرتبه حیوانیت باقی خواهد ماند. انسان موجودی است مشحون از قابلیت‌ها و توانایی‌های نهفته درونی که باید در جریان تربیت آشکار گشته و به ظهور برسد. از سوی دیگر بسیاری از خلیات و صفات نیکو باید از طرق مختلف در وجودشبه کمال برسند. امام خمینی (ره) در این زمینه بر این باور است که اساس عالم بر تربیت انسان است. به این معنا که انسان عصاره همه موجودات و فشرده تمام عالم است و انبیاء برای به فعلیت درآمدن آن و

این که انسان یک موجود الهی بشود که تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه‌گاه نور مقدس حق تعالی است، فرستاده شده‌اند (الکافی، ج ۱، ص ۳۱۹)

هر نظام آموزشی و پرورشی بر اساس بینش و نگرش بنیانگذاران آن، نسبت به حقیقت انسان و ابعاد وجودی وی، و نیز بر اساس اعتقادی که به کیفیت رشد و حرکت انسان بسوی هدف مطلوب دارند، بنا می‌شود.

از آنجای که انسان بدون اسوه توانایی سیر به سوی کمال را ندارد، خداوند در قرآن، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) را به عنوان الگو معرفی می‌کند. رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) که الگوی اخلاق و ادب و رفتار نیکو است خود را ادب کرده پروردگار دانسته و می‌فرماید: «أَدَبِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي؛ پروردگارم مرا ادب نمود پس تأدیب من نیکوترین ادب‌هاست.» (بخاری الانوار، ج ۳، ص ۱۲۸)

شایان ذکر است که پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) اسوه ایمان، الگوی اخلاقی، ادب و رفتار نیکو است و با جدیت و دلسوزی به تربیت انسان‌ها براساس تجلی آموزه‌های قرآن همت گماشته است. رفتار پیامبر، نمونه عالی اخلاقی و معاشرت والا است که میتوان به‌چند مورد از ادب پیامبر با دیگران اشاره کرد مانند، پیامبر با هرکس که روبه رو می‌شد؛ کوچک و بزرگ ابتدا سلام و مصافحه می‌کرد. هیچ‌گاه دست خود را عقب نمی‌کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد. هیچ‌کس را ملامت و سرزنش نمی‌کرد و در پی کشف اسرار دیگران نبود. هنگام نگاه به صورت کسی خیره نمی‌شد با چشم و ابرو به کسی اشاره نمی‌کرد، بسیار شرمگین و با حیا بود.

#### ۴- مصادیق و کاربردهای ادب

یکی از راه‌های رسیدن به ادب و دوری از بی‌ادبی شناخت موارد و مصادیق ادب و بی‌ادبی است. گرچه هر یک از ادب و بی‌ادبی نشانه‌هایی دارد؛ اما شناخت دقیق و کامل ادب جز با توجه به نمونه‌های بی‌ادبی میسر نمی‌گردد. این نموده‌ها و نشانه‌ها و علایم، هم در گفتار نمایان است، هم در رفتار و برخورد. آن که زشت گفتار و بد زبان است، به تعبیر حضرت علی (علیه السلام) از ادب بی‌بهره است. «لَا أَدَبَ لِسُنِّي النَّطْقِ؛ آدم بد زبان ادب ندارد.» (مشکاه الانوار، ص ۱، ص ۲۶۷) همچنین عاقلانه زیستن و متانت در گفتار و وقار در رفتار، نشانه ادب است.

در مقابل؛ بی‌خردی، گفتار زشت، بد دهانی، تندخویی، زشت‌گویی، دشنام و توهین، سبک‌سری و خیره‌سری، لجباجت و عناد و... از مصادیق بی‌ادبی است. بی‌ادبی یعنی رفت و آمد با افراد ناباب، بی‌دقتی در گزینش دوستان و بی‌تعهدی در مجالست‌ها و رفاقت‌ها، استهزا، یاوه‌گویی، دشنام، و... همه نشانه‌های فقدان ادب است.

از آن سو، مراعات آداب در خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن، و... نشان ادب است. بی‌ادبی، بی‌اعتنایی به حقوق و شخصیت و حرمت انسان‌ها است. اگر کسی به طرز مشمئزکننده‌ای غذا بخورد، یا به جای تقدیم دو دستی نامه و وسیله و ابزار، آن را پرت کند، اینها نیز نمونه‌هایی از مراعات نکردن ادب اجتماعی است.

رفتار نیک دیگران بر انسان تأثیر مثبت می‌گذارد. این امری روشن و طبیعی است. ناپسندیهای اخلاقی مردم نیز تأثیر سو می‌گذارد. این هم عادی است. هنر انسانهای فرزانه و هوشمند آن است که از رفتارهای ناپسند دیگران هم عبرت و درس می‌آموزند. در قرآن و روایات برای ادب مصادیق فراوان ذکر شده است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود.

#### ۴-۱- ادب حضور

انسان موجودی اجتماعی است. بر این مطلب همگان اتفاق نظر دارند، هرچند که درباره علل و اسباب آن اختلاف دارند. اجتماعی بودن انسان مقتضی آن است که روابط خود را با دیگری بشناسد و به درستی سامان دهد. بخش بزرگی از احکام و قوانین عقلانی و عقلایی و آموزه‌های اخلاقی به حوزه رفتار اجتماعی و چگونگی ارتباطات بشری و ساماندهی آن، باز می‌گردد. یکی از آداب مورد توجه قرآن، ادب حضور در مکان‌هایی است که نوعی تقدس دارند مانند زیارتگاه‌ها، مساجد اینرعیات ادب پس از رحلت پیامبر نیز نیکو شمرده شده است. مراعات ادب در برخورد و تعامل با سایر افراد نیز لازم و پسندیده است.

#### ۴-۱-۱- در مکان مقدس

یکی از آداب مورد توجه قرآن، ادب حضور در مکان‌هایی است که نوعی تقدس دارند. این مکان‌ها یا همانند مساجد و معابد از آغاز، مکانی مقدس در نظر گرفته شده‌اند؛ چنانکه خداوند به موسی (علیه‌السلام) در سوره احزاب آیه ۲ فرمان می‌دهد هنگام حضور در سرزمین مقدس «طُوی» کفش‌ها را درآورده، پای برهنه باشد: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوی» یا به واسطه حضور

اولیای خاصّ الهی مانند پیامبران، قداست یافته‌اند؛ چنان‌که افراد با ایمان موظّف‌اند هنگام حضور در خانه‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ادب را رعایت کرده، با اجازه وارد شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ...».

رعایت ادب و آداب در هر امری، سبب دست یافتن بهتر به اهداف آن کار است. مثل آداب تجارت، آداب معاشرت، آداب نماز و ... که شناخت و مراعات آنها، آن امر را موفقیت آمیزتر می‌سازد و عامل را به هدف نزدیک‌تر می‌سازد. از جمله برای زیارت هم آدابی ذکر شده است. این آداب، برخی ظاهری است و برخی باطنی. در کتب حدیث هم عنوان آداب ظاهری و آداب باطنی برای برخی از اعمال و سنن مطرح شده است. بی‌شک همان آداب ظاهری هم به حصول توجه قلبی و آداب باطنی کمک می‌کند.

#### ۴-۱-۲- ادب تعامل

انسان موجودی اجتماعی است و برقراری ارتباط با دیگران یکی از مهمترین ابعاد زندگی او است. مهارت‌های روابط اجتماعی، در طول رشد و زندگی آموخته میشود. کودکی که یاد می‌گیرد چگونه به حل تعارض با دیگری بپردازد و دوست پیدا کند یا جایگاه خود را در گروه‌های مختلف بیابد، به مرور این مهارت‌ها را یاد می‌گیرد.

یکی از مهارت‌های ضروری در زندگی هر فرد، توانایی برقراری ارتباط اجتماعی است. انسان در طول زندگی خود به ایجاد روابط اجتماعی مناسب و تعامل با دیگران نیازمند است. کسب مهارت‌های روابط اجتماعی فواید فراوانی دارد مانند: ایجاد روابط صمیمی و نزدیک، سلامت روان، افزایش رضایتمندی و شادی و بهبود عملکرد تحصیلی و شغلی از جمله موارد آن است.

اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است و انسان‌ها از نظر امکانات و استعدادها، یکسان و همانند آفریده نشده‌اند که اگر چنین بود، هرکس همان را داشت که دیگری دارد و طبعاً همان را فاقد بود که دیگری فاقد است. خداوند انسان‌ها را از نظر استعداد و امکانات جسمی، روحی، عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده است و به این وسیله همه را بالطبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینه‌ی زندگی به هم پیوسته‌ی اجتماعی را فراهم نموده است. لذا زندگی اجتماعی انسان، امری طبیعی است. یکی از مهم‌ترین آداب اجتماعی که در زمره حقوق مسلمانان نسبت به یکدیگر محسوب می‌گردد، حسن معاشرت با مردم و احترام به آنهاست و رعایت ادب در برخورد و تعاملات است.

### ۴-۱-۳- در برابر اولیای الهی

ادب در محضر رسول خدا پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) و اولیای الهی به عنوان بهترین مخلوقات هستی در پیشگاه الهی، از جایگاه والایی برخوردار است. رعایت ادب نزد اولیای خدا بی تردید سبب توفیقات بسیار و به تبع آن، نیل به کمال و سعادت خواهد شد. خداوند در قرآن مجید علاوه بر بیان اوصاف پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) احترام به آن حضرت را یکی از واجبات برای مسلمانان برشمرده و در آیاتی، همگان را به این وظیفه فرا خوانده است.

ادب در خطاب یکی از آدابی است که در برابر رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) ضروری است. چنانچه خداوند متعال در مصحف شریف در سوره حجرات آیه ۲ می‌فرماید: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ؛ ای مومنان صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید، و آن گونه که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید با او بلند سخن نگویند، مبدا آنکه اعمالتان تباه و بی اثر شود و خود آگاه نشوید».

احترام و ادب به اولیای الهی نشان‌گر شخصیت و کرامت خود انسان و بی‌ادبی و بی‌احترامی نسبت به بزرگان بخصوص اولیاء الهی نشانه جاهل بودن شخص است.

### ۴-۱-۴- ادب در برابر پدر و مادر

در آموزه‌های اسلامی نیکی به پدر و مادر یکی از فضایل بزرگ محسوب می‌شود. در مقابل عدم توجه و سستی نسبت به والدین آثار سوئی در پی دارد.

جایگاه پدر و مادر از دیدگاه اسلام، بسیار بلند و رفیع است، به اندازه‌ای که قرآن کریم سفارش‌های متعددی درباره آنان فرموده است و در مواردی حتی احسان و نیکی به والدین را پس از مسأله توحید و یگانگی خداوند آورده است. مثلاً می‌فرماید: «پروردگارت دستور داده است که تنها او را بپرستی و به پدر و مادرت نیکی نمایی، اگر یکی از آن دو، یا هر دو به سن پیری رسیدند، به ایشان اُف مگو و با آن‌ها به ملایمت سخن بگو».<sup>۲</sup> از آن استفاده می‌شود که اولین چیزی که بعد از اعتقاد به یگانگی خداوند و دوری از شرک به خدا، باید به آن پرداخته شود، احترام به والدین و خودداری از هر گونه اذیت و آزار رساندن و ناراحت کردن ایشان است.

قرآن مجید، نیکی به والدین را بلافاصله بعد از مسأله توحید قرار داده است. این هم ردیف بودن دو مسأله بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. در سوره «بقره» آیه ۸۳ اینطور می‌فرماید: «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». در سوره «نساء» آیه ۳۶: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». همچنین در سوره «انعام» آیه ۱۵۱ می‌فرماید: «أَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». در سوره «اسراء» آیه ۲۳ نیز، این دو قرین یکدیگر قرار دارد: «وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا».

اهمیت این موضوع تا آن پایه است که هم قرآن و هم روایات صریحاً توصیه می‌کنند که حتی اگر پدر و مادر کافر باشند، رعایت احترام شان لازم است. در سوره «لقمان» آیه ۱۵ اینطور توصیه شده است: «وَ إِن جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفٌ؛ اگر آنها به تو اصرار کنند که مشرک شوی، اطاعتشان مکن، ولی در زندگی دنیا به نیکی با آنها معاشرت نما».

## ۵- آثار ادب

در پرتو ادب برکات بسیاری نصیب انسان می‌شود. نوعی عصمت یا پیراستگی از خطا و اشتباه در گفتار و رفتار و حفظ حدود و حریم مقام و موقعیت افراد پدید می‌آید که چون گوهری روشنی بخش در مسیر زندگی باعث سعادت آدمی می‌شود.

پروردگار تاثیر ادب را در پیشروی رسالت رسولان بدان جا می‌رساند که حضرت موسی و هارون (ع) را در دعوت فرعون به صراط هدایت به نرمش در گفتار و سنجش در رفتار فرا می‌خواند. آیه ۴۴ سوره طه در این باره می‌فرماید: «قَوْلًا لِّئِنَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ با او سخن نرم و مودبانه بگویند، شاید بپذیرد یا بهراسد».

توجه ویژه امام علی (ع) نسبت به ادب و ادب آموزی در زندگی موجب گردید که آن حضرت تاثیر کیمیای ادب در ارزش گذاری شخصیت انسان را در سخنی به فرزند در نهج البلاغه این گونه معرفی کند: «پسرم ادب باعث رشد و شکوفایی عقل، پاکی و پیراستگی قلب و نشان فضیلت و فروزندی شخصیت است». در سخنی دیگر همراهی علم و ادب بهای جان و نمایشگر شخصیت انسان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «همانا علم و ادب بهای جان و میزان ارزش وجودی توست پس بکوش در آموختن و دانستن این دو که همان قدر دانش و ادب تو افزایش یابد، ارزش شخصیت تو بیشتر خواهد شد. به درستی که با علم به سوی خداوند هدایت شوی و با ادب به گونه ای



نیکوتر در خدمت پروردگار خواهی بود با علم به سوی پروردگارت هدایت می شوی و با ادب می‌توانی را بطور پسندیده به خدایت خدمت نمایی». (روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۱)

امیر المومنین (ع) می‌فرماید: «صورت و نمایشگر عقل در آدمی، ادب اوست». (الکافی، ج ۲، ص ۱۰۱) عقل در انسان همانند درختی است که ریشه آن عقل است و ثمره آن ادب است. با فضیلت‌ترین نشانه عقل، ادب است و صلاح خرد در ادب دیده می‌شود. هر چیزی نیاز به عقل دارد ولی عقل احتیاج به ادب دارد. بهترین قرین و همنشین عقل ادب است. نیاز صاحبان عقل به ادب در زندگی همانند احتیاج زمین به قطرات باران از آسمان است.

رعایت احترام و ادب متقابل سبب استحکام روابط و نزدیکی افراد می‌شود. در خانواده‌ای که رفتارهای اعضای خانواده احترام‌آمیز و از روی ادب باشد، روابط صمیمانه و نزدیک خواهد بود. روابط صمیمی، مانع بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها می‌شود. چنین خانواده‌ای با نشاط و علاقه به اداره زندگی خود می‌پردازد و بدین ترتیب زمینه شکوفایی استعدادها و بالندگی اعضا و کارآمدی آن فراهم می‌شود.

از سوی دیگر، بی‌احترامی به افراد، در آنان احساس حقارت به وجود می‌آورد. احساس حقارت در فرد، زمینه‌ساز ناکارآمدی و مانعی بر سر راه بالندگی و کمال است. امام علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «انسانی که حقارت نفس پیدا کرده دیگر انتظار خیر از او نمی‌رود. کسانی که نفسشان پست و خوار باشد، به خیرشان امیدی نداشته باش». از انسان‌های پست، انتظار خیر و صلاح نمی‌رود؛ زیرا که از پست، پستی خیزد و از تحقیر شده، بدی. همچنین امام هادی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «انسانی که نفسش خوار شود، از شر او ایمن مباش». حتی خودبینی و خودخواهی و تکبر که سرآغاز تباهی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است، معلول حقارت نفس است. در ادامه به چند مورد از آثار ادب اشاره می‌شود.

#### ۵-۱- درمان غفلت

یکی از آفات ایمان و شاید نخستین آفت آن «غفلت» است و باید دانست که استمرار غفلت نیز موجب «تکبر» و «انحراف» است.

خداوند در قرآن کریم در سوره یوسف آیه ۵۷ می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنُّسْلِهِمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ

هُمْ أَضَلُّوا وَلَيْكَ هُمُ الْعَافِلُونَ؛ بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم زیرا دل‌هایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایشان دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند، آری آنها همان غافل‌ماندگان هستند».

از نگاه قرآن کریم غفلت بنیان‌کزی‌هاست که موجب می‌شود آدمی تنها ظاهری از زندگی دنیا را درک کند و به باطن و حقیقت آن که همان آخرت است، توجه نداشته باشد. برای حاکم شدن روابط عالی انسانی در جامعه و کاهش پلیدی‌ها و زشتی‌ها، هر یک از افراد جامعه وظایفی دارند که باید به آن آگاه باشند و عمل کنند. مهم‌ترین آنها، توجه به زشتی‌ها و پرهیز از آن است.

از حضرت عیسی (ع) پرسیدند: «چه کسی تو را ادب کرد؟» فرمود: «هیچ کس مرا ادب نیاموخت، بلکه زشتی نادانی را دیدم و از آن دوری گزیدم». (تحت العقول، ص ۵۰۱)

### ۵-۲- تسهیل مقابله با نفس

یکی دیگر از آثار ادب، تسهیل در مقابله با نفس است. انسان موجودی است دو بعدی، از یک سو به عالم بالا نظر دارد و از سوی دیگر به عالم سفلی لذا برای انسان دو نوع حیات متصور است و با توجه به این دو نوع حیات، آدمی دارای دو چهره نفسانی است: یکی نفس در مرتبه نازل آن، یعنی خود طبیعی که منشأ غرایز حیوانی و شهوت و غضب و عامل جلب لذت و دفع ضرر است. هرگاه از مسیر صحیح خارج شود، انسان را به کفر، ظلم، جهل، طغیان، حرص، حسد، بخل، نیرنگ، تکاثر و سایر خصال ذمیمه و رذایل اخلاقی خواهد کشید شد. قرآن مجید از این حالت نفسانی با عنوان نفس اماره سخن می‌گوید: «ان النفس لامارة بالسوء».

اگر نفس انسان به ادب الهی مؤدب نشود، صاحب آن هیچ‌گاه به عالم معنا راه پیدا نخواهد کرد؛ لذا باید گفت که دستیابی به معنویات، تنها منحصر به تأدیب نفس است. انسان به هر اندازه نفس خود را مؤدب کند، به همان میزان راه برای سیر معنوی‌اش باز می‌شود. در نتیجه او را به سوی معنویات بالا ببرند. اگر تأدیب نفس به حد کمال برسد، دید اعتقادی، ملکات فاضله و اعمال صالحه نیز به حد کمال می‌رسند و برای انسان سودمند خواهند بود؛ اما به هر اندازه که نفس از ضوابط الهی دور باشد، به همان میزان نیز از معنویات دور می‌شود و در ورطه هلاکت و سقوط خواهد افتاد. به تعبیر دیگر، هر قدر انسان نفسش را مؤدب کند، به همان مقدار به انسانیت نزدیک می‌شود و هر قدر آن را آزاد بگذارد از انسانیت دور می‌شود. آن انسانی اشرف موجودات است که مؤدب به آداب الهی باشد، در غیر اینصورت از پست‌ترین موجودات هم پست‌تر خواهد

بود. ادب در برابر خداوند عزوجل، ایمان فرد را تقویت می‌کند. رعایت آداب عبادت، یعنی ادب کردن در برابر پروردگار ادب محبت را در دل مومن زیاد می‌کند و تکبر را که مادر همه رذائل اخلاقی است از بین می‌برد پس به عنوان تسهیل‌کننده مقابله با نفس است. یکی از شاخه‌های ادب الهی که همان ادب جوارح است، ارتباط تنگاتنگی با ادب نفس دارد، چون اعمال جوارحی، در حقیقت فعلیت یافتن نفس و بروز و ظهور فعلی ادب مربوط به نفس است. اگر نفس کسی مؤدب شود، اعضا و جوارح او نیز مؤدب خواهند شد و نیاز به برنامه‌تأدیبی خاص و مجزایی ندارند. هر نوع عملی که از جوارح صادر می‌شود، اگر برخلاف دستور الهی باشد، همچنین تمام کارهایی که باید انجام شوند و ترک می‌شوند؛ یعنی ترک واجبات و عمل به محرمات، همه مربوط به بی‌ادبی نفس هستند. اگر نفس مؤدب شود، جوارح نیز مؤدب خواهد شد، چون جوارح انسان ابزار کار نفس هستند و در رفتارهای خود استقلال ندارند (مجتبی تهرانی، ادب نبوی ج ۲، ص ۱۵۹)

### ۵-۳- فزونی عزت و شرافت انسانی

ادب، برای شخصیت انسان ارزش آفرین می‌باشد. ادب در هر که و هر کجا باشد، هاله‌ای از محبت و مجذوبیت را بر گرد خود پدید می‌آورد و انسان با ادب را عزیز و دوست داشتنی می‌کند. به همین دلیل نیز مؤدب بودن به هر یک از آداب معاشرت، انسان را به نوعی در نظر دیگران، زیبا و آراسته کرده و ارزش وجودی آدمی و شأن انسانی را افزایش می‌دهد. امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهِمَا فَمَا يَزِيدُكَ مِنْ عِلْمِكَ وَ أَدَبِكَ يَزِيدُكَ فِي تَمَنِّكَ وَ قَدْرِكَ؛ ای مؤمن! همانا این علم و ادب، جان بهای تو است؛ پس در یادگیری آن‌ها بکوش که هر چه علم و ادب افزوده تر شود، قدر و بهای تو بیشتر می‌گردد». (مشکاة الانوار فی الاخبار، ص ۱۳۵)

### ۵-۴- تزکیه‌کننده اخلاق

اخلاق شامل مجموع سجایا، خوی‌ها و عادت‌های خوب و بد و زشت و زیبای انسانی است. آنچه موجب می‌شود اخلاق انسانی از پلیدی‌ها و زشتی‌ها پاک شود، ادب است. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «سَبَبُ تَزْكِيَةِ الْأَخْلَاقِ حُسْنُ لِأَدَبٍ؛ ادب نیکو سبب تزکیه و پاک سازی اخلاق است». (غرر الحکم در الحکم، ص ۲۴۷) رعایت آداب اسلامی می‌تواند انسان را از بدی‌ها، پلیدی‌ها و زشتی‌ها باز دارد. به طور مسلم، اگر هر فردی از افراد جامعه بخواهد آداب هر امری را رعایت کند یا در برابر بی‌ادبی‌ها خویشتن دار باشد، الگویی خواهد شد برای دیگر افراد

جامعه که نتیجه آن، کاهش پلیدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه خواهد بود. ناسزاگویی، زشت و بی‌ادبانه است، ولی اگر مردم بخوانند در برابر ناسزاگویی دیگران، مقابله به مثل کنند، موجب گسترش این رفتار یا گفتار بی‌ادبانه در جامعه خواهد شد در مقابل، اگر خویش‌شننداری باشند یا شرط ادب را رعایت کنند، از گسترش پلیدی و زشتی در جامعه پیش‌گیری خواهند کرد.

### نتیجه

هدف از خلقت انسان نیل به کمال، شناخت و ستایش خدای سبحان و عبودیت و بندگی است. رعایت ادب که جمع آن آداب می‌باشد، برای طی طریق سعادت و مسیر تعالی انسان به منظور وصول به حق، امری لازم و ضروری است. بنابراین، هرکس که قصد طیران در عالم را دارد، باید خودش را مؤدب به آدابی نماید که برخاسته از تعالیم انبیای الهی است.

تربیت دینی برای سازندگی خود و افراد جامعه از امور مهم به شمار می‌آید و دین نه تنها استعداد و میل کمال‌جویی افراد را اشباع می‌کند، بلکه با اتصال آن به خداوند و در اختیار داشتن الگوهای معنویت و عدالت، وظیفه و نقش او، هدایتش هم می‌کند. حضرت (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) نمونه و الگوی مکارم اخلاقی برای تمام انسانها در تمام دوران‌ها بوده است، آن حضرت به عنوان بهترین و کامل‌ترین اسوه راستین برای همه بشریت هستند. هدف از تربیت افراد متدین که معنی و حقیقت دین را درک کرده‌اند و تعالیم دین را راهنمای خود در زندگی قرار دادند یکی از انگیزه‌های هر خانواده معتقد و متدین است که فرزندان خود را در حوزه تربیت اسلامی به نحو عالی پرورش دهند.

در میان راه‌های سعادت و تعالی یک راه یا ابزار وجود دارد که پیچیدگی و دشواری کمتری دارد و در عین حال ضرورتی همگانی نیز دارد و آن راه ادب است. در جای جایقرآن به ادب و آداب بندگی اشاره شده است. با اندک تأملی در قرآن و متون دینی مشخص می‌شود که ادب زمینه ساز رشد و بستر آراسته شدن انسان به تربیت اسلامی است. در قرآن از آدابی سخن رفته است که عمل به آنها موجب آراستگی و رستگاری فرد می‌شود. اهمیت و ارزش ادب از منظر روایات به این صورت است که رابطه ادب با عقل، ارث، کمال انسانی، حسب، تربیت و زینت رابطه مستقیم است.

همان‌طور که در مباحث فوق ذکر شد، بر مبنای آیات و روایات، ادب احساس ارزشمندی، آراستگی به کمالات اخلاقی می‌باشد. در صورتی که ادب دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشد

می‌تواند سایر ابزارها و راه‌های سعادت و کمال را تقویت نیز نماید یعنی بر معرفت، محبت و عقیده انسان تأثیرات شگرفی بگذارد. پس ادب یکی از کلیدهای سازنده در تربیت فردی فرد است. علاوه بر اینجامعه ای که میان افرادش رفتار مودبانه حاکم باشد، ضریب همبستگی اجتماعی در میان افراد بالا می‌رود و بدین ترتیب زمینه را برای استفاده از ظرفیت های بالای جامعه هماهنگ و متحد، فراهم آورده و سبب قوام جامعه می‌باشد. در آموزه های دینی هر چیز ادب خاص خود را دارد مانند، رعایت ادب در برابر خدا و اولیای خدا، رعایت ادب در تعاملات با مردم که هر چقدر این آداب رعایت شود، فرد میتواند از محاسن آن برخوردار شود و سبب رشد و تعالی او باشد.

## منابع

### قرآن کریم

- ۱- ابراهیم مصطفی و همکاران، ۱۴۲۹، معجم الوسیط، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲- اصفهانی راغب، ۱۳۶۲، مفردات راغب، تهران، انتشارات مرتضوی.
- ۳- الطبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۵، مشکاه النوار فی غرر الخبر، نجف، مکتبه الحیدریه.
- ۴- الهامی نیا علی اصغر، ۱۳۷۹، اخلاق عبادی، قم، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۵- باقری خسرو، ۱۳۷۴، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۶- بانکی پور فرد امیرحسین، ۱۳۸۰، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، نشر تربیت اسلامی.
- ۷- بحرانی کمال الدین میثم، ۱۳۶۲، شرح نهج البلاغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۸- تمیمی المدی، عبدالواحد، ۱۳۸۹، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، ادب توحیدی انبیاء در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۰- جان مورگان، آیین آداب و معاشرت ترجمه جهانگیر رستمی، انتشارات ارمغان
- ۱۱- درودیان، منصور ه، ۱۳۹۱، روش های تربیت دینی نوجوانان و جوانان از دیدگاه آیات و روایات تهران.

- ۱۲- دلشاد تهرانی مصطفی، ۱۳۸۵، سیره نبوی، تهران، انتشارات دریا.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۴، لغت نامه دهخدا، بی جا، موسسه لغت نامه دهخدا.
- ۱۴- مخشری، محمودبن عمر، ۱۴۲۴، اساس البالغه، بیروت، دارالفکر.
- ۱۵- سیاح، احمد، ۱۳۸۷، فرهنگ بزرگ جامع نوین عربی به فارسی، تهران، اسلامی.
- ۱۶- شعبانی نظیری، پروانه، ۱۳۹۱، ادب انبیای اولوالعزم در قرآن، تهران
- ۱۷- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، تفسیرالمیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۸- فراهیدی، خلیل، ۱۴۰۹، العین، قم، نشر هجرت.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۳۲، بحار الانوار، تهران، دارالکتب اسلامی.
- ۲۰- معین، محمد، ۱۳۶۹، فرهنگ معین، تهران، انتشارات معین.
- ۲۱- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات نور.

دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت  
سال هفتم، شماره سیزدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

ویژگیهای قرآنی یاران مهدی علیه السلام صص ۱۶۸-۱۵۱

اعظم هاشمی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

## چکیده

یکی از موضوعات مورد توجه در عصر غیبت، بررسی سبک زندگی مهدی یاران است. با توجه به اهمیت مساله ظهور و ضرورت مقدمات لازم پیرامون آن، توجه به سبک زندگی مهدی یاران از امور مهم و قابل تامل است. برای تبیین این سبک از زندگی، ضرورت دارد شاخصه‌های مرتبط با آن بررسی شود. پژوهش حاضر که به صورت تحلیلی- توصیفی و گردآوری کتابخانه‌ای صورت پذیرفته، با بررسی آیات و روایات و با تکیه بر دیدگاه مفسران در جهت تبیین شاخصه‌های فردی و اجتماعی سبک زندگی مهدی یاران شکل گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مولفه‌هایی نظیر معرفت و بصیرت، دید توحیدی، آخرت‌گرایی، امید، انتظار و پویایی و تحول از مهم‌ترین شاخصه‌های فردی و نیز مولفه‌هایی نظیر همدلی، فرهنگ‌سازی، برقراری عدالت و امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی سبک زندگی مهدی یاران می‌باشد. بین شاخصه‌های مذکور و سبک زندگی مهدی یاران رابطه‌ی مستقیم وجود دارد.

کلید واژه‌ها: سبک، اخلاق اسلامی، سبک زندگی، مهدی یاران

---

<sup>۱</sup>. دانش پژوه مدرسه علمیه نجمه خاتون [azamhashemi0909@gmail.com](mailto:azamhashemi0909@gmail.com)

## ۱- مقدمه

در عصر غیبت امام عصر (عجل الله فرجه) دست‌یابی به الگویی از سبک زندگی که مبتنی بر باور داشتن به مسئله انتظار و بازگشت امام باشد، ضروری می‌نماید. انسان‌ها در عصر غیبت با یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به امامت، یعنی غیبت روبرو هستند. دو مفهوم مهدویت و غیبت با مفهوم سوم یعنی انتظار ارتباط تنگاتنگ دارد. به گونه‌ای که این سه مفهوم، سبک فکر و زندگی منتظران واقعی را تعیین می‌کند.

بزرگان دین با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی به سبک زندگی یاران امام مهدی (عج الله فرجه) توجه ویژه‌ای دارند و کشف مؤلفه‌های سبک زندگی مهدویت با بهره‌گیری از آیات الهی و توصیه‌های اندیشمندان دینی و تأسی بدان‌ها، بایسته است.

با توجه به اینکه بحث از مهدویت در حقیقت بحث از آینده‌درخشانی است که اسلام حقیقی را برای جامعه بشری ترسیم می‌کند، با استناد به کلام اندیشمندان تفسیری و مقام معظم رهبری می‌توان مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی مهدی یاران تبیین و در جهت تحقق این هدف به کار بست. از دیدگاه ایشان شاخصه‌های سبک زندگی مهدی یاران مبتنی بر بعد فردی و اجتماعی است.

## پیشینه

پژوهش‌هایی در زمینه موضوع فوق صورت گرفته است، از جمله کتاب «سبک زندگی منتظرانه» شیوه‌ی زندگی مؤمنان در عصر غیبت امام زمان (عج الله فرجه)، اثر حسن ملایی که در سال ۱۳۹۵ به زیور چاپ آراسته گردیده، موضوعی در این رابطه است. در این کتاب بیشتر به تبیین ماهیت و منزلت سبک زندگی منتظرانه پرداخته است.

کتاب «ما منتظریم؛ خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای» اثر حسن ملایی و سید علی خامنه‌ای که در سال ۱۳۹۴ به زیور چاپ آراسته گردیده، پژوهشی مرتبط است که مؤلفان آن در این کتاب، بیشتر به تبیین مفهوم انتظار و جایگاه آن و وظائف منتظران واقعی پرداخته است.

کتاب «مهدویت و سبک زندگی»، اثر محمود ملکی راد، که در سال ۱۳۹۵ به زیور چاپ آراسته گردیده، تحقیقی در این رابطه است. این کتاب به ویژگی‌های اخلاقی منتظران و کارکرد آن



در سبک زندگی، التزام به ویژگی‌های اخلاقی جامعه منتظر و کارکرد آن در سبک زندگی، و ارائه سبک زندگی امیدوارانه پرداخته شده است.

پایان نامه «بررسی جایگاه آموزه مهدویت در سبک زندگی اسلامی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت»، اثر طاهره شهبابی فراهانی که در سال ۱۳۹۳ که به زیور چاپ آراسته گردیده، نزدیک به موضوع است. پژوهش مذکور به بررسی جایگاه دکتترین مهدویت در سبک زندگی اسلامی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت پرداخته است.

پایان نامه «کارکردهای اجتماعی اندیشه مهدویت و تاثیر آن در سبک زندگی»، اثر سید ضیاء سجادی، که در سال ۱۳۹۳ به زیور چاپ آراسته گردیده نزدیک به موضوع است. در این پژوهش به بررسی نظریه‌های سرمایه اجتماعی و سبک زندگی و رابطه مهدویت با آنها پرداخته است.

مقاله «نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تاکید بر آموزه عدالت»، اثر غلام رضا بهروزی لک و دیگران، که در سال ۱۴۰۱ به زیور چاپ آراسته گردیده نزدیک به موضوع است. در این مقاله به این مسئله پاسخ می‌دهد: آموزه عدالت مهدوی، چه جایگاهی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران دارد؟ برای بررسی این مسئله از ترکیب روش تحلیل محتوا در پژوهش کیفی و روش آینده‌پژوهی پس‌نگر استفاده شده است. برای پاسخ به مسئله مذکور در مرحله اول نقش آموزه‌های مهدوی در تحقق چله نخست انقلاب اسلامی و در مرحله دوم چگونگی ایجاد آمادگی برای طلوع خورشید ولایت (عج) بر اساس بیانیه گام دوم تبیین شده است.

مقاله «قرآن و سبک زندگی مهدوی»، اثر اصغر طهماسبی و فاطمه مرادی، که در سال ۱۳۹۵ به زیور چاپ آراسته گردیده نزدیک به موضوع است. این مقاله به بررسی موضوع سبک زندگی از دیدگاه قرآن و مهدویت می‌پردازد.

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، مشخص شد؛ بیشتر این پژوهش‌ها به تبیین مفهوم مهدویت و انتظار و نیز سبک زندگی مهدویت بر اساس آیات و روایات پرداخته اند؛ و اگر چه کتاب ما منتظریم تا حدودی شاخصه‌های سبک زندگی مهدوی را بررسی نموده اما به طور اجمال و پراکنده بدان پرداخته؛ اما پژوهش حاضر در تلاش است به بررسی شاخص‌های فردی و اجتماعی سبک زندگی مهدی یاران به صورت مفصل بپردازد.

## ۲- مفهوم شناسی

قبل از ورود به مباحث اصلی از باب مقدمه ضرورت دارد، مفاهیم اصلی تبیین شود؛ لذا در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

### ۲-۱- سبک زندگی

سبک در لغت به معنای طرز و شیوه و روش و طور و قاعده است. (عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه) «سبک زندگی» عبارت است از الگوی زندگی فردی که در فعالیت‌ها، دلبستگی‌ها و افکار شخصی، خود را نشان می‌دهد. (شوشتری زاده، ۱۳۸۲: ۸۴) برخی از اهل لغت نیز سبک زندگی را با هویت پیوند می‌زنند و این تعریف به گونه‌ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد: «سبک زندگی نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام واره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد». (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۴۶)

در تعریف دیگری، منظور از سبک زندگی چنین بیان شده است: «مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به منظور تأمین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت آن فرد است». (همان‌جا) در تعریفی دیگر نیز آمده: «شیوه‌ای نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند». (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۶)

### ۲-۲- مهدی یاران

همراهان و یاران امام مهدی (عج الله تعالی الشریف) در زمان ظهور را مهدی یاران می‌گویند. در واقع مهدی یاران کسانی هستند که با مال، جان، آبرو و تمام دارایی خود به هر نحو ممکن از حضرت مهدی (علیه‌السلام) حمایت می‌کنند. بیشتر روایات تعداد اصحاب و یاران امام مهدی (علیه‌السلام) را سیصد و سیزده نفر به اندازه اصحاب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جنگ بدر ذکر نموده است. (صفار قمی، بی تا: ۴۶۰)

### ۳- شاخصه‌های فردی سبک زندگی مهدی یاران

سبک زندگی مهدی یاران، یعنی تحقق یافتن روش‌ها و شیوه‌های مطلوب زندگی، از این رو تحقق یافتن این امر هم در زمینه‌ی فردی و هم در زمینه‌ی اجتماعی دارای شاخصه‌هایی است.

## ۳-۱- معرفت و بصیرت

یکی از شاخصه‌های فردی سبک زندگی مهدی یاران معرفت و بصیرت است. اقبال و خواست عموم مردم نسبت به امام زمان و حمایت از تشکیل دولت عدل‌گستر مهدوی، نیازمند این است که شناخت و بصیرت نسبت به اهداف قیام امام عصر در بین مردم به بالاترین درجه‌ی ممکن رسیده باشد.

عام‌ترین مفهوم معرفت، مساوی با مطلق علم و آگاهی و اطلاع است و گاهی به ادراکات جزئی اختصاص داده می‌شود و زمانی به معنای بازشناسی به کار می‌رود چنانکه گاهی هم به معنای علم مطابق با واقع و یقینی استعمال می‌گردد.

بصیرت، عبارت است از قوه‌ای در قلب شخص، که به نور قدسی منور بوده، به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۲۶۳/۶)

اهمیت و جایگاه بصیرت، روشن بینی و درک درست از شرایط و فضاها است، به گونه‌ای است که قرآن کریم یکی از ویژگی‌های فرستادگان الهی را داشتن بینش صحیح از رفتارها و کردارها دانسته و جامعه اسلامی و پیروان دین را نیازمند این ویژگی معرفی کرده: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ (یوسف: ۱۰۸) بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه ی مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم»

عصر ظهور، دوران حیات طیبه و حیات معقول انسانی است؛ عصر حاکمیت عقلانیت و بصیرت افراد و جوامع و دوره بهتر زیستن و کمال‌گرایی است که کم‌تر نظیری می‌توان برای آن تصور کرد. در این عصر، تمامی ظرفیت‌ها و استعدادهای فطری و عقلی انسان، شکوفا می‌شوند و با شناختی همراه با بصیرت و عقلانیت، حیات نوینی فرا روی او گشوده می‌شود؛ چنان که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: «لَوْ كُنْتُمْ يَتَّقُونَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ وَاحِدٍ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلًا مَنِي فِيمَلَأُهَا عَدْلًا وَ قَسْطًا كَمَا مَلَأْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ اگر از دنیا یک روز بیش باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی از تبار من ظهور کرده و زمین را چنان که پر از ظلم و ستم شده، از عدل و داد پر کند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ۱۷۷/۴)

مهم‌ترین بُعد در بصیرت، «شناخت» است؛ یعنی انسان با بهره‌مندی از شناخت درست و اصولی، در رهروی از امام خود، هیچ‌گاه به شک دچار نشود و از موانع در مسیر به آسانی عبور

کند. شخص مومن، بدون داشتن شناخت واقعی، دارای شخصیتی ناقص است؛ چنان که امام کاظم (علیه‌السلام) به حسن بن عبدالله فرمود: «ابوعلی! حالتی در تو هست که من دوست دارم و مرا شادمان می‌کند. تنها نقص تو این است که شناخت و معرفت نداری. باید به دنبال آن بروی و آن را به دست آوری.» (کلینی، بی تا: ۲۸۶/۱)

اصحاب و یاران حضرت مهدی (عج) کسانی هستند که با دل و جان و آگاهی و بصیرت تمام، از دستورات امام خود پیروی می‌کنند و در عمل، التزام، پایبندی و تعهد خود را به ایشان نشان می‌دهند. این طاعت، در طول اطاعت و فرمان برداری از دستورات خداوند است.

یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از شناخت عمیق نسبت به خداوند و امام خود برخوردارند و با آگاهی کامل در میدان حق حضور یافته‌اند. امام علی (علیه السلام) درباره آنها فرموده است: «مردانی که خدا را چنان که شایسته است شناخته‌اند.» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۶۱۱)

شناخت و اعتقاد آنان نسبت به امام نیز در ژرفای وجودشان ریشه دوانیده و سراسر وجودشان را فرا گرفته است؛ شناختی فراتر از دانستن نام و نشان و نسب امام است. معرفت به حق ولایت امام و جایگاه بلند او در مجموعه هستی است و این همان معرفتی است که آنها را سرشار از محبت او کرده و مطیع و گوش به فرمان او قرار داده است؛ زیرا که می‌دانند سخن امام سخن خدا و اطاعت از او اطاعت از خداست.

بنابراین بصیرت چراغ راه است، یعنی بینش عمیق در مسائل فکری و اجتماعی تا انسان فریب نخورد، باطل را به جای حق نپذیرد، مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرد، دچار فتنه‌های اجتماعی نشود و در خط صحیح اهل بیت باقی بماند. بدون این بصیرت که چراغ درونی است از بصر و بینایی چشم، کاری ساخته نیست. بصیرت در دین به ویژه در عصر غیبت ائمه که دسترسی به امام معصوم مهیا نیست و شیادان و رهزنان فراوانند لازم تر است و بدون آن چه بسا افراد سطحی نگر و فاقد بصیرت، با کوچک ترین شبهه دچار انحراف شوند و با اغواگری منحرفان به مذهبهای ساختگی و فرقه‌های پوچ کشیده شوند و از مسلمانی فاصله بگیرند، لذا بصیرت از شاخصه‌های اصلی سبک زندگی مهدی یاران محسوب می‌شود.

## ۲-۳- دید توحیدی

خداگرایی و توجه به توحید را می‌توان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های فردی سبک زندگی مهدی یاران دانست. توحید، به معنای یکتا دانستن خدا، اصلی‌ترین آموزه اعتقادی در اسلام است. (کریمی، ۱۳۷۹: ۱۹) به اعتقاد مسلمانان، خداوند یگانه خالق جهان است و شریک ندارد. (همان)

توجه به خداوند و فرمان‌های الهی، اصلی است که نظام‌های تربیتی توحیدی را از غیر جدا می‌سازد. اصلی‌ترین وظیفه پیامبران که همگی بزرگترین متصدیان تربیتی بشریت بوده‌اند همان توجه دادن مردم به ذات مقدس پروردگار و دور کردن آنها از پرستش طاغوت و شرک بوده است. قرآن کریم خدامحوری و دعوت کردن مردم را از مهمترین برنامه‌های پیامبران الهی میدانند و در این باره چنین می‌فرماید: « وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...؛ (نحل: ۳۶) و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم تا بگوید خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید.»

از آنجا که ائمه اطهار انسانهایی کامل هستند که فطرت خود را از گرد و غبار نفسانیات به طور کامل صیانت کرده‌اند و همچنین از بالاترین درجه معرفت و محبت نسبت به خدای سبحان برخوردارند، مطیع‌ترین افراد نسبت به او و مظهر تام مرتبه الهیه هستند که همه افعال، پروردگار متعال به اذن الهی از آنها بر می‌آید. نفع فرمان برداری و زیان تمرد انسان از قوانین الهی در درجه اول متوجه خود انسان و در درجه بعد به جامعه انسانی و گاه به طبیعت اطرافش می‌رسد؛ اما برای ساخت کبریایی خداوند سبحان هیچ سود و زیانی ندارد.

اطاعت از حق تعالی نمونه بارز توحید محوری در سبک زندگی مهدوی می‌باشد. با توجه به رابطه‌ی مستقیم توحید و سعادت انسان، سبک زندگی مهدی یاران بر مبنای این اصل مهم تنظیم می‌شود.

## ۳-۳- آخرت گرایی

در نظام جهانی حضرت مهدی (عجل الله فرجه) دنیا وسیله‌ای برای رسیدن به آخرت انسان می‌باشد. زندگی و حیات دنیوی مزرعه‌ای برای آخرت آدمی است بنابراین انسان، به خوبی در می‌یابد که تمامی رفتارهای او مستقیماً در زندگانی اخروی او تاثیر می‌گذارد. دین مقدس اسلام بر خلاف مکتب‌های تربیتی مادی گرا مانند لیبرالیست‌ها، اومانیست‌ها و اگزیستانسیالیست‌ها که

جهانی ماورای این دنیا را نمی‌پذیرند، انسان را فقط برای استفاده هر چه بیشتر از لذت‌های دنیا تربیت نمی‌کند. دین اسلام از انسان می‌خواهد با انجام وظایف الهی خود را برای زندگانی در جهان دیگر آماده کند. و در سبک زندگی توجه به آخرت همواره مورد اهمیت می‌باشد.

قرآن کریم این دنیا را جهانی بی ارزش و زوال یافتنی می‌داند و حیات اخروی را زندگانی جاودان همراه با خیر واقعی معرفی می‌کند و در این باره چنین می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام: ۳۲) و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است آیا نمی‌اندیشید؟»

در سبک زندگی مهدوی آن چنان بینشی در قلب و جان مردم به وجود می‌آید که به روز قیامت و جهان آخرت اعتقاد کامل دارند، با در نظر گرفتن اصل آخرت‌گرایی دیگر کسی حقوق دیگران را پایمال نمی‌کند و به خوبی می‌داند، روزی باید در پیشگاه خداوند رحمان پاسخگوی رفتارهای دنیوی خویش باشند. وقتی در جامعه انسانی اصل آخرت‌گرایی به صورت فراگیر در میان انسانها نهادینه شود بهترین و گواراترین سعادت دنیوی و اخروی نصیب مردم خواهد شد و اخلاق انسانی و معنویت کامل در میان انسان‌ها به وجود می‌آید.

### ۳-۴- امید

امید و آرزو در زمره فطریات بشر قرار دارد. چون نگاه به آینده دارند و هنوز ثابت نشده که در میان جانداران جاننداری آینده نگر باشد، پس امید و آرزو و آینده‌نگری از ویژگیهای انسان است. هنگامی که امید بیشتر و نیرومندتر شد؛ هدف و آرمان شکل می‌گیرد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: « إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأُمَّتِي، لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمَّ وِلْدًا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا؛ امید رحمتی از سوی خداوند برای ملت من است. اگر امید نبود، مادری فرزند خود را شیر نمیداد و کسی درختی نمیکاشت». (ردایی آملی، ۱۳۸۵: ۹۳۶)

آیات قرآنی در مواردی متعدد، خبر از آینده‌ای روشن برای جوامع بشری در پرتو حکومت مهدوی می‌دهد و با این بشارت بذر امید را دل انسان‌ها می‌کارد: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و ما اراده کرده‌ایم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان (روی زمین) قرار

دهیم.» (قصص: ۵) در روایات بسیار، حضرت مهدی (علیه السلام) و حکومت آن بزرگوار در آخرالزمان مصداق آیه مذکور معرفی شده است. (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۷/۷)

یکی از ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج الله فرجه) امید به حاکمیت ایشان و تحقق امر ظهور است و با این امید به زندگی خود جهت می‌دهند؛ زیرا امید، عنصر محرک و معجزه‌ای است که انسانها را به آمل و آرزوهایشان می‌رساند.

گسترش امیدهای واقعی، محرک انسان برای رویارویی با آینده به شمار می‌رود. آدمی، پیوسته و در پی انجام هر کاری، به دنبال غایت و مقصودی مشخص است و قبل از اقدام به آن نیز به انگیزه‌ای برای آغاز عمل نیاز دارد. بر این اساس، انسان برای تداوم زندگی و تحمل دشواری‌های آن، نیازمند انگیزه‌ای نیرومند است که در پدیده «امید به آینده» تجلی می‌یابد؛ آینده‌ای که به مراتب، عالی‌تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد. امید به حکومت مهدوی و سبک زندگی مبتنی بر آن از شاخصه‌های سبک زندگی مهدی یاران می‌باشد.

### ۳-۵- انتظار

یکی دیگر از شاخصه‌های فردی سبک زندگی مهدی یاران انتظار فرج است. انتظار فرج در احادیث معصومان، برترین (صدوق، ۱۳۸۰: ۳۷۷/۲) و محبوب‌ترین عمل و عبادت (برقی، ۱۳۷۱: ۲۹۱/۱) و شرط پذیرش سایر اعمال شمرده شده است. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

انتظار در اصطلاح «مهدویت»، به معنای چشم‌به‌راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است.

بنابراین در انتظار و امید به آینده‌ای روشن و رشدآفرین است که، بسیاری از نیازهای روحی و جسمی انسان‌ها پاسخ داده می‌شود. آدمی در پرتو انتظار و امید، رنج‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل می‌کند و با کشتی امید و آرزو در دریای پرتلاطم و طوفان‌زای زندگی، به سلامت به سیر خود ادامه می‌دهد.

### ۳-۶- پویایی و تحول

یکی از ویژگی‌های زندگی انسان، پویایی و تحول است. یکی از شاخصه‌های مهم زندگی مهدی یاران همین امر است. برخی بزرگان، با بهره‌مندی از سخنان پیشوایان معصوم (علیهم السلام) عامل تحول و پویایی انسان را انتظار می‌دانند: «کیفیتی روحی است که باعث به وجود

آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیشتر و هرچه شعله‌آن، فروزان‌تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود». (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲/۲۳۵)

سبک زندگی مبتنی بر آموزه مهدویت و به طبع آن تربیت مهدوی از پویایی، تحرک و نشاط برخوردار است. پویایی از دو منظر قابل است؛ نخست این که انسان پویا به نفعی هر گونه بی تفاوتی برمی‌خیزد و همین امر، زمینه ساز نوآوری، خلاقیت و جست‌وجوی همیشگی امور بدیع است و تأثیر آن نیز رضایت نسبی آدمی از خویشتن و زندگی است؛ زیرا بخشی از آثار وجودی خویش را شاهد بوده و آن‌ها را باور دارد. دیگر این که هر گونه تحرک و پویایی نیز دارای چنین آثاری نخواهد بود؛ زیرا حرکت بدون هدف، عقیم بوده و داشتن هدف بدون حرکت نیز بی معنا است از این روی پویایی معطوف به هدف مورد نظر است. (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۹)

براساس این مقدمات میتوان گفت که انتظار امام عصر (عجل الله فرجه)، در منتظرانش، شامل هر دو مؤلفه ی «پویایی» و «معطوف به هدف بودن» است؛ زیرا منتظر به جامعه ای می‌اندیشد که تمامی وعده های انبیا و اولیا در آن به وقوع خواهد پیوست و از این روی تلاش می‌کند تا به میزان توانایی و درک مسئولیت خویش در ساختن چنین جامعه ای سهمیم باشد. از سوی دیگر، او می‌داند که برای چه تلاش می‌کند؛ انگیزه ای آشکار، منطقی، معقول و قابل دفاع دارد؛ بنابراین تمامی تلاش‌های او معطوف به هدفی والا به نام «انتظار» «ظهور» می‌شود و این هدفی معنادار و ارزشمند است. تجلی این گونه تلاش‌ها را در فرمایش امام صادق (علیه السلام) می‌بینیم که می‌فرماید: «هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم (عجل الله فرجه) باشد باید در انتظار او باشد به نیکویی و پرهیزکاری رفتار نماید؛ پس اگر او به این حال، پیش از قیام او از دنیا برود، پاداش یاران مهدی را خواهد گرفت؛ بنابراین بکوشید و جدیت کنید و چشم به راه باشید که بر شما گوارا باد». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۰/۵۲)

تحرک و پویایی در منتظران امید ایجاد کرده و باعث عملکرد مثبت در آنان می‌شود. اصل پویایی تربیت مهدوی بر پایه به روز بودن این نظام تربیتی استوار است یعنی در هر زمان و مرحله ای راهبردی در مسائل دارد و همگام با زمانه پیش می‌رود و این تحرک مانع عقب افتادگی منتظران می‌شود. سبک زندگی مبتنی بر آموزه مهدویت که با تحرک و پویایی همراه است همیشه به روز



بوده و همزمان با تغییرات اجتماعی خود را وفق داده و دستاوردی جدید برای منتظران فراهم می‌کند تا این سبک زندگی سعادت واقعی را برای انسان‌ها به ارمغان آورد.

#### ۴- شاخصه‌های اجتماعی سبک زندگی مهدی یاران

افزون بر شاخصه‌های فردی سبک زندگی مهدی یاران می‌توان به شاخصه‌های اجتماعی سبک زندگی مهدی یاران اشاره نمود.

##### ۴-۱- همدلی

در مکتب اسلام انسان کامل همراه و همدل با مردم است. در این مکتب حضور در جمع مردم و کمک به هموعان، نوعی عبادت و باعث نزدیکتر شدن انسان به خدا محسوب می‌شود. ناراحت شدن به خاطر رنج و درد دیگران در دین اسلام یک ارزش است و قرآن کریم پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به عنوان نمونه والای انسانی معرفی می‌نماید که نسبت به مردم مهربان و دلسوز بوده: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸) همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجاند، بر او سخت است بر هدایت شما حریص و دلسوز و به مؤمنان رئوف و مهربان است. پیامبران و اولیای الهی که نمونه والای کمال انسانیت هستند در جامعه و در میان مردم حضور داشتند و دل مشغول مشکلات مردم بوده و از گمراهی و مشکلات آنها، دل آزرده و غمگین می‌شدند. (سلطان قرائی، ۱۳۸۶: ۷۶)

دین اسلام، کاملترین دین الهی است و تلاش می‌کند با دستورات و راهنمایی‌های خود انسان را به مرتبه کمال برساند. انسان زمانی در یک خصلت نیک به کمال می‌رسد که استعداد‌های وجودی وی در آن زمینه، تمام و کمال شکوفا گردد. همدلی بخشی از استعداد وجودی انسان است که میتواند رشد و پرورش یابد و از سطح یک پاسخ عاطفی به آشفته‌گی فرد دیگر فراتر برود و به رفتارهای مؤثرتری برسد. در دین اسلام اهمیت زیادی برای رفتارهای همدلانه در نظر گرفته شده است، به گونه‌ای که خدمت کردن به خلق، مقدمه سایر ارزشهای انسانی در نظر گرفته شده است. (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۶۷)

همدلی از نشانه‌های ایمان و از برکات می‌باشد و در سبک زندگی مهدی یاران به خوبی مشاهده می‌شود همانگونه که در روایات آمده است در زمان ظهور و حکومت امام زمان به قدری

همدلی میان افراد زیاد است که مسلمان دست خود را در جیب برادر دینی خود می‌کند و هر چه بخواهد بر می‌دارد و با خشم و اعتراض روبرو نمی‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸۵/۷۳)

یکی از نقشه‌های سنگین شیطان این است که همدلی مومنانه را از بین ببرد. شیعیان با همدلی و هم‌زبانی باید این نقشه شیطان را خنثی کرده و در عمل زمینه ساز ظهور حضرت حجت باشند، همانگونه که حضرت مهدی (عجل الله فرجه) فرمودند: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَقَقَّهْمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْإِيْمَنَ بِلِقَائِنَا، وَكَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْسِنُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِنْ نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق طاعتشان دهد) در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، هم‌دل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تاخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.» (طبرسی، ۱۴۲۲: ۳۱۵/۲)

نتیجه اینکه شرط حضرت برای تحقق ظهور، وفای به عهد جمعی و همدلی اجتماعی است که این نکته بسیار قابل توجه است؛ زیرا ظهور حضرت پدیده‌ای اجتماعی در سطح جهان است و وقوع پدیده‌های اجتماعی زمینه‌های خود را می‌طلبند و بی سبب اتفاق نمی‌افتند و یکی از اسباب آن روحیه همدلی بین مهدی یاران است.

#### ۴-۲- فرهنگ سازی

یکی دیگر از شاخص‌های اجتماعی سبک زندگی مهدی یاران فرهنگ سازی برای امر ظهور است. عصر ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه‌ها و آداب و رسوم ناسالم و غیرمفید است. بیشتر اقدامات حکومت جهانی امام مهدی (علیه السلام) ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد، همان گونه که محققان و مهدوی‌پژوهان بر این باورند در این برهه از تمدن نوین اسلامی جوامع انسانی به عمق زشتی و مفاسد اخلاقی و رذایل اخلاقی پی می‌برند و همین علم و معرفت به باطن رذایل اخلاقی عامل بازدارنده از ناپاکی‌های اخلاقی در جامعه می‌شود، به طوری که فضایل اخلاقی را در سطح گسترده‌ای در جهان نهادینه می‌سازد. (سلیمیان، ۱۳۹۲: ۱۴۶/۴)

فرهنگ و تمدن مهدوی اوج شکوفایی و تثبیت فضایل و مکارم اخلاقی است، بر اساس آیات قران کریم وارثان زمین انسان‌های پاک و صالح خواهند بود، «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد! زمانی که ساکنان زمین را صالحان عالم در برگیرند قاعدتا این چنین دنیایی سرتاسر نیکی و فضایل اخلاقی خواهد بود، عدالت به معنای واقعی آن گسترش خواهد یافت، امنیت به معنای واقعی خود خواهد رسید و در این چنین جهانی کسی به دیگری ظلمی نخواهد کرد. «امیر مومنان (علیه السلام) در یک مجلس، چهارصد نکته به یارانش آموخت که به صلاح دین و دنیای مسلمان است. فرمود: «وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمًا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ ... و اگر قائم ما قیام کند، آسمان، بارانش را فرو می‌فرستد و زمین، گیاهش را بیرون می‌آورد و دشمنی، از دل‌های بندگان می‌رود و درندگان و چارپایان با هم در صلح و صفایند، تا آن جا که زن از عراق تا شام می‌رود و پایش را جز روی سبزه نمی‌نهد و زیتش بر سرش است و نه درنده‌ای او را می‌ترساند و نه او از آن می‌ترسد». (صدوق، بی تا: ۶۲۶/۲)

اگر انسان تحت پرورش درست قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطنت ابلیس نشود، توانایی رشد و بالندگی روحی و معنوی فوق العاده ای پیدا خواهد کرد، این اصل مسلم و رکن پایدار اندیشه مهدویت و از سازو کارهای مهم پرورشی برای نجات انسان از اسارت مادیات و خواهش‌های نفسانی محض و رساندن او به اوج طهارت و قدسی بودن است. (سلیمیان، ۱۳۹۲: ۱۴۷/۴)

#### ۴-۳- برقراری عدالت

اسلام دینی است که بنیان آن بر اساس تعادل شکل گرفته، به همین جهت انسان‌ها را از افراط و تفریط در همه شئون زندگی بر حذر می‌دارد، تا آنچه مربوط به امور فردی انسان می‌باشد، در آن تعادل برقرار گردد و همینطور در حوزه جامعه که اساس نظام اجتماعی را در رعایت حق و عدالت می‌داند؛ زیرا نظامی که مبتنی بر عدالت باشد پایدار خواهد ماند، «العدل اقوی اساس؛ عدالت محکم ترین بنیان است». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ذیل واژه)

در معنای عدالت آمده: «عدل، عدالت و معادله الفاظی هستند که مفهوم مساوات را اقتضا دارند. این کلمات به اعتبار برابری دو چیز به کار برده می‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۵۵۱)

مرحوم علامه‌ی طباطبایی نیز عدالت را چنین تعریف کرده است: «حقیقت عدل برپاداشتن مساوات است و برقراری موازنه بین امور، به طوری که هر چیزی سهم مورد استحقاق خویش را داشته باشد. پس عدل در اعتقاد آن است که به حق ایمان آورد و عدل در افعال فردی آن است که به آنچه سعادت او را تأمین می‌کند یا عمل کند و از آنچه موجب تیره روزی اوست اجتناب نماید. عدل در میان مردم آن است که هر شخصی را در جایگاه مورد استحقاق عقلی و شرعی و عرفی آن قرار دهد». (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۲/۲۶۷)

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد». (نحل: ۹۰) همچنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَا تَعْدِلُونَ أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از (معصیت) خدا پرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است».

از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ انتظار و سبک زندگی مهدی یاران، عدالت دوستی، عدالت محوری و سرشار سازی زمین از عدالت است. اندیشه مهدویت نه تنها با شعار عدالت که با حقیقت عدالت و قسط گره خورده است، به گونه‌ای که نام مهدی برای بشریت، تداعی کننده عدالت حقیقی و پایدار می‌باشد.

در دعای ندبه آمده است: «أَيْنَ الْمُرْتَجَىٰ لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ؛ کجاست آن منبع امید برای برطرف کردن ظلم و ستم و دشمنی‌ها». (مفاتیح‌الجنان: دعای ندبه)

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ما يكون هذا الامر حتى لا يبقى صنف من الناس إلا قدؤلوا على الناس حتى لا يقول قائل إنا لو وُلينا لعدلنا ثم يقوم القائم بالحق والعدل؛ امر فرج تحقق نمی‌پذیرد تا اینکه هر صنفی از مردم به حکومت برسند تا اینکه نگویند اگر ما به حکومت می‌رسیدیم با عدالت رفتار می‌کردیم! سپس قائم قیام می‌کند و با حق و عدالت حکومت می‌نماید». بنابراین عدالت از شاخصه‌های اجتماعی مهم در سبک زندگی مهدی یاران است و عامل مهمی در رسیدن به سعادت و کمال و اهداف عالی انسان محسوب می‌شود.

## ۴-۴- امر به معروف و نهی از منکر

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مطلب در فقه اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان به شمار می‌رود؛ چنان‌که از مهم‌ترین فرایضی است که وجوب کفایی آن ضروری دین شناخته شده و ضامن بقای اسلام است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۹۵/۱۱)

در قرآن بارها از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای ویژه برای امت پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، یاد شده و گاه در کنار باورهایی چون ایمان به خدا و معاد یا اعمالی چون نماز و زکات آمده است. (آل عمران: ۱۱۴، ۱۱۰، ۱۰۴)

معروف و منکر که دو مفهوم متقابلند، در لغت به معنای شناخته شده و ناشناخته می‌باشند؛ (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ۵۶۱) و در اصطلاح کارهایی که نیکی یا زشتی آن‌ها توسط عقل یا شرع، شناخته شده باشند، به ترتیب معروف و منکر نامیده می‌شوند. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۳۹۷/۱)

امر به معروف و نهی از منکر از عوامل تاثیر گذاری برقراری معنویت در جامعه است و شاید به این خاطر است، خداوند در قرآن نسبت به کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند می‌فرماید: «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» آنها هیچ گاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی‌کردند، و آنچه می‌کردند بسی قبیح و ناشایسته بود. (مائده: ۷۹)

کسی که نسبت به فساد، بی تفاوت باشد، ملعون انبیاست؛ زیرا نهی از منکر، یک وظیفه‌ی همگانی و عمومی است. اگر در جامعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر صورت نگیرد، زمینه ساز کفر در جامعه ایجاد می‌شود. (قرائتی، ۱۳۸۵: ۳۵۲/۲)

با توجه به اینکه انسان اجتماعی آفریده شده است و حتی نسبت به برطرف کردن نیازهای خود به دیگری نیازمند است. در این باره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «کلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیتة» (بخاری، ۱۳۹۴: ۳/باب نکاح) همه شما نگهبان و مسئول یکدیگر هستید.»

آیین انسان ساز اسلام برای پاسداری از سلامت جامعه و جلوگیری از هرگونه فساد و انحراف و برقراری معنویت در جامعه، قانون امر به معروف و نهی از منکر را تشریح کرده و از این طریق نظارت همگی را در جامعه اسلامی خواستار شده است «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷۱) مردان و زنان با ایمان برخی ناظر و سرپرست پر بعض دیگر هستند؛ به این معنا که همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند»

فرضه امر به معروف و نهی از منکر که در احادیث اسلامی، از آن به عنوان عالی‌ترین و شریف‌ترین واجب دینی یاد شده است بدین منظور بر فرد فرد مسلمانان واجب گردیده تا در اثر اجرای آن فضای عمومی جامعه، فضایی معنوی و سالم و مطمئن و آرام برای زندگی و رشد انسان است. (تقوی دامغانی، ۱۳۸۵: ۱/۱۷۷)

امر به معروف و نهی از منکر یکی از امور مهم و تاثیر گذار بر ظهور محسوب می‌شود و در گسترش این مهم باید تلاش کرد پس یکی از شاخصه‌های اجتماعی سبک زندگی مهدی یاران مبتنی بر این امر است، لذا عنصر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان کلید مهمی برای ظهور و زمینه سازی ظهور در جامعه بایستی محترم شمرده شود. اگر به ویژگی‌های یاران امام زمان (عجل الله تعالی فی فرجه الشریف) به خصوص در عصر غیبت دقت شود، مشخص می‌شود که منتظر بودن اولین این موارد است. (انتظار فرج) منتظر بودن یعنی ضمن انتظار کشیدن فرد بتواند وظایف خود را نیز در زمان غیبت به خوبی انجام دهد که یکی از این موارد توسعه معروفات و بازداری از منکرات در جامعه است.

##### ۵- نتیجه

آموزه مهدویت، اندیشه‌ای فراگیر، با سابقه و نقطه اوج تعالی بشری است. اسلام سبک خاصی از زندگی را ارائه می‌دهد و مدعی تامین سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است؛ زیرا اسلام دینی نظام وار و جامع است و آموزه‌ها و احکام خود را در ابعاد ساختاری، فرهنگی و رفتاری ارائه می‌دهد؛ مهدویت و اعتقاد به مهدویت نقطه عطف تعالیم اسلامی می‌باشد و آنچه سبک زندگی اسلامی ارائه می‌کند، در سبک زندگی مبتنی بر آموزه مهدویت مشاهده می‌شود. با بررسی‌های صورت گرفته مشخص گردید، سبک زندگی مهدی یاران مبتنی بر شاخص‌های فردی و اجتماعی است. مولفه‌هایی نظیر: معرفت و بصیرت، دید توحیدی، آخرت گرایی، امید، انتظار و

پویایی و تحول از مهم‌ترین شاخصه‌های فردی و نیز مولفه‌هایی نظیر: همدلی، فرهنگ‌سازی، برقراری عدالت و امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی سبک زندگی مهدی یاران می‌باشد. با بررسی‌های صورت گرفته مشخص می‌شود شاخصه‌های فردی عامل مهمی در تحول و حرکت انسان به سمت تلاش و کوشش است. هم‌چنین شاخصه‌های اجتماعی عامل مهمی در تحول اجتماع و حرکت جامعه به سوی کمال و تلاش برای آمادگی جامعه مهدوی است. بعنوان نتیجه‌گیری کلی باید گفت آموزه مهدویت یک فلسفه جهانی و نجات بخش است که برای تمامی ابعاد زندگی بشر امروز برنامه دارد، آموزه مهدویت سبک خاصی از زندگی را ارائه می‌دهد که مهدی یاران با تکیه بر آن می‌تواند به سعادت و کمال و مدینه فاضله عصر ظهور دست یابند.

### منابع

۱. قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق و مصحح: محدث، جلال الدین، قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تهران: دلیل ما، ۱۳۹۴.
۴. تقوی دامغانی، رضا، تاملات فرهنگی، تهران: خلیل، ۱۳۸۵.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بی جا: مرتضوی، ۱۳۸۸.
۷. ردایی آملی، حسین، نهج الفصاحه، قم: نسیم حیات، ۱۳۸۵.
۸. سلطان قرائی، خلیل و مقرآبادی، جواد، «بررسی تطبیقی دیدگاه اسلام و کارل راجرز نسبت به ماهیت و کمال انسانی»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، س ۲، ش ۴، ۱۳۸۶.
۹. سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت، قم: حبل المتین، ۱۳۹۲.
۱۰. شوشتری زاده، شهناز، «بررسی تأثیر آموزش رفتارهای سلامتی بر تغییر روش زندگی مبتلایان به بیماری عروق کرونر قلب مراجعه کننده به بیمارستان های منتخب شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲»، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۱۳۸۲.
۱۱. شریفی، احمدحسین، همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، قم: معارف، ۱۳۹۱.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، مُنتخبُ الأثر فی الامام الثانی عشر (عج)، قم: موسسه السیده المعصومه (سلام الله علیها)، ۱۴۱۹ق.

۱۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۱۴. همو، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: منصور پهلوان، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰.
۱۵. همو، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۶. صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: المکتبه الحیدریه، بی تا.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، میزان، تهران، رجاء، ۱۳۶۷.
۱۸. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، بی جا: سبّطین، ۱۳۹۳.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، قم: دار الاسوه، ۱۴۲۲ق.
۲۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۵.
۲۲. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: سیدجواد مصطفوی، تهران: اسلامی، بی تا.
۲۴. کریمی، جعفر، توحید از دیدگاه آیات و روایات (۲)، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۲۵. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکمال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (عجل الله فرجه الشریف)، ترجمه مهدی حائری قزوینی، بی جا: عطر عترت، ۱۳۹۸.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۲۷. مرتضی، مطهری، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا، بی تا.
۲۸. همو، انسان کامل، تهران: صدرا، ۱۳۶۷ش.
۲۹. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۳۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.



مجله نصف سنویه العلمیه

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة السابعة، العدد الثالث عشر / الربيع و الصيف ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

## أسلوب حياة اصحاب المهدي (عج)

اعظم هاشمی<sup>۱</sup>

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### الملخص

من المواضيع المثيرة للاهتمام في عصر الغياب التحقيق في أسلوب حياة مهدي ياران. ونظراً لأهمية قضية الظهور وضرورة الاستعدادات اللازمة حولها، فإن الاهتمام بنمط حياة المهدي ياران يعد من الأمور المهمة والجديرة.

ومن أجل تفسير نمط الحياة هذا، لا بد من التحقق من المؤشرات المتعلقة به. البحث الحالي هو تحليلي وصفي وجمع مكتبي، ومن خلال دراسة الآيات والأحاديث والاعتماد على وجهة نظر القيادة، تم تشكيلها لشرح الخصائص الفردية والاجتماعية لأسلوب حياة مهدي ياران. وأظهرت نتائج البحث أن مكونات مثل المعرفة والبصيرة، والرؤية التوحيدية، والبدعة، والأمل والتوقع والديناميكية والتحول هي أهم الخصائص الفردية ومكوناتها مثل التعاطف وبناء الثقافة وإقامة العدل والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وهي من أهم السمات الاجتماعية لأسلوب حياة مهدي ياران. هناك علاقة مباشرة بين الخصائص المذكورة وأسلوب حياة مهدي ياران.

الكلمات المفتاحية: الأسلوب، أسلوب الحياة، اصحاب المهدي (عج)

<sup>۱</sup>. الباحثة القرآنية في مدرسة نجمة خاتون عليها السلام zoheira@yahoo.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة السابعة، العدد الثالث عشر / الربيع و الصيف ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

دور الأدب في التربية الإسلامية من وجهة نظر القرآن والأحاديث

زهرا محمدخانی<sup>۱</sup>

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاريخ القبول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### الملخص

والمجاملة تشمل كل عمل يقبله العقل والدين، وفي ضوئه يكتسب الإنسان من الخطأ والخطأ نوعاً من احترام والمجاملة التي هي من متطلبات التربية الإسلامية ومدخل لتنمية أبعاد شخصية الإنسان ويرافقه ليصل إلى الكمال ويرفع من كرامته ومن أجل تحقيق الموهبة الباطنية والوصول إلى قمة كمال الإنسانية، لا بد من طلب الأدب وفهم حدوده وثمراته من كتاب القرآن المحيي. يتناول هذا المقال دور التهذيب في التربية الإسلامية بمكتبة ومنهج وصفي تحليلي، من وجهة نظر الآيات والأحاديث، ووصل إلى أن التهذيب علامة العقل وهو خير التراث. المجاملة التي هي مظهر من مظاهر الكمال الإنساني، تتجلى في التعامل مع أولياء الأمور الآباء وغيرهم من الأشخاص والمقدسات، ولها آثار مثل القضاء على الإهمال، وتسهيل مواجهة الذات، وزيادة كرامة الإنسان و شرفه، تهذيب الأخلاق.

الكلمات المفتاحية: الآداب الدينية، الأدب، الأخلاق الإسلامية، التربية الإسلامية.

<sup>۱</sup> الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون عليها السلام mohamadkhny@gmail.com

مجله نصف سنویه العلمیه

دراسات حدیثیه فی تعالیم القرآن و السنه

السنه السابعه، العدد الثالث عشر / الربیع و الصیف ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

## التحقیق فی عواقب المجالسه مع عباد الهواء من منظور القرآن والأحادیث

شهبین بالایی<sup>۱</sup>

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### الملخص

الرفقة والرفقة فعالة فی البشر. الرفیق الجید له تأثیر بناء، بینما الرفیق السیء له آثار سلبیه عمیقه علی حیاة الإنسان ومصیره، لذلك من المهم جداً الاهتمام باختيار الرفیق. ولذلك فإن هذا المقال الذی یرجى فی أسلوب السرد - الوحی والجمع المکتبى ینتاول أثر التسکع مع عباد الهواء من وجهة نظر القرآن والأحادیث. إن الاهتمام بالآثار الشخصیة والاجتماعیة لرفیق السوء ومحب الهواء، یحذر الإنسان من الاقتراب ومخالطة من لا یرتقی، ویهیئه لحسن الخاتمة. وتشیر نتائج هذا البحث إلى أن الضعف فی العبادة، وقسوة القلب، والتهاون بالمعاصی، وقلة أثر الوعظ، والزندقه فی الدین، والیأس، وعدم الرغبة فی الاهتداء، هی من الآثار الشخصیة لعباد الهواء. وبالإضافة إلى الآثار الفرديّة، فإن لصاحب الظلم فی المجتمع أيضاً آثار خلق الانقسام الجماعی، والإهمال، وعدم الميل إلى تكوين صداقات، وعدم الاهتمام بالمجتمع، من بین الآثار الاجتماعیة للخروج مع عباد الهواء. الكلمات المفتاحیة: الصبحة، عبادة الهواء، التهذیب والتهذیب، خاتمة الخیر.

<sup>۱</sup>. الباحث القرآنی فی مدرسه نجمه خاتون عیال @j.fayazi @ ۱۴۰۰@gmail.com

مجله نصف سنویه العلمیه

دراسات حدیثیه فی تعالیم القرآن و السنه

السنة السابعة، العدد الثالث عشر/ الربیع و الصيف ١٤٠٣ش - ١٤٤٥ق

(تاریخ الأخذ: ١٤٠٢/٩/١٤؛ تاریخ القبول: ١٤٠٢/١١/٢٨)

دراسة دور العوامل البيئية والوراثة في شخصية الإنسان

افسانه نظام الاسلامي<sup>١</sup>

### الملخص

إن تكوين الشخصية يحدث نتيجة لعوامل التي بدون الاهتمام بها ومعرفتها لا يمكن تصميم برنامج تربوي مناسب للإنسان. وتنقسم هذه العوامل إلى فئتين: العوامل الوراثية والبيئية. ستحاول هذه المقالة أولاً بعضاً من أهمها وذكر العوامل الوراثية والبيئية في تكوين الشخصية والتي تعتبر أكثر أهمية في النظريات النفسية للشخصية ثم استعرض نظرة الإسلام إلى العوامل المؤثرة في تكوين الشخصية، وفي النهاية انظر إلى النظرة التي تحكم الشخصية. تشير نتائج البحث الحالي إلى أن العوامل المؤثرة في شخصية الإنسان تشمل العوامل البيئية مثل الأسرة والأصدقاء والأقران والمراكز التعليمية والعوامل الوراثية. التي لها دور لا غنى عنه في تكوين شخصية الإنسان، لكن لا الوراثة ولا البيئة يمكن أن تفسر تطور الشخصية بشكل كامل. وأخيراً فإن العامل الذي يحكم الوراثة والبيئة وله تأثير لا يمكن إنكاره على تكوين شخصية الإنسان هو الإرادة.

الكلمات المفتاحية: الشخصية، الوراثة، البيئة، الإرادة

<sup>١</sup>. الباحث القرآني في مدرسة نجمه خاتون ﷺ @gmail.com ١٣١٣ NeZaMoLeSIAmi

مجله نصف سنویه العلمیه

دراسات حدیثیه فی تعالیم القرآن و السنه

السنة السابعة، العدد الثالث عشر/ الربیع و الصيف ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

دور المرأة فی تقوية الأسرة وإضعافها فی كلام أهل البيت (عليهم السلام)

فاطمه خلق احمدی<sup>۱</sup>

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### الملخص

باعتبارها محور الأسرة وأحد ركائزها الأساسية، تلعب المرأة دوراً أساسياً في إشباع الحاجات العاطفية والجنسية للزوج، وفي تلبية الحاجات العاطفية والتعليمية للأطفال، وفي الإدارة الاقتصادية للأسرة. إذا لم تكن المرأة قادرة على إدارة الأسرة، سواء كزوجة أو كأم، فإن مركز الأسرة سيكون مركز الصراع ويسقط في نهاية المطاف والآثار السلبية على مثل هذه الأسرة يمكن أن تؤدي بالمجتمع إلى الدمار والفشل والمجتمع غير الطبيعي. يحاول هذا البحث الذي أجرى بأسلوب السرد القصصي وعلى شكل مجموعة مكتبية، بيان الأثر الوجودي للمرأة في بعدى تقوية الأسرة وإضعافها من النواحي الدينية والعاطفية والاقتصادية. إذا كانت المرأة في دور الزوجة أو الأم لديها رأى حازم ولا تتردد في أن تكون لطيفة وتحافظ على جانب التوازن في الاقتصاد وتساعد الأسرة في مسألة المعيشة، فيمكنها تقوية أساس الأسرة. ومن ناحية أخرى، إذا لم يكن لديه اعتقاد راسخ، ولم يكن حنوناً، ولم يتجنب الترف والإسراف، فإن ذلك يضعف أساس الأسرة.

الكلمات المفتاحية: المرأة، الأسرة، تقوية الأسرة، إضعاف الأسرة

<sup>۱</sup>. الباحث القرآني في مدرسه نجمه خاتون ﷺ ahmadifati@548@gmail.com

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة السابعة، العدد الثالث عشر / الربيع و الصيف ١٤٠٣ش - ١٤٤٥ق

## دراسة خصائص عصر الظهور مع التركيز على ١٠٥ آية من سورة الأنبياء و ٥٥ سورة النور

مينا مرادى<sup>١</sup>

(تاريخ الأخذ: ١٤٠٢/٩/١٤؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/١١/٢٨)

### الملخص

من المواضيع التي تناولتها آيات القرآن الكريم هو موضوع المهديّة، وتشير بعض هذه الآيات في القرآن الكريم إلى خصائص عصر النزول وحكم عباد الله الصالحين في الأرض من خلال باستخدام الروايات المتكررة. تناول هذا المقال المنهج الوصفي التحليلي والجمع المكتبي بهدف تقديم أدلة توثيقية وسردية لدراسة خصائص عصر المجيء وفق الآية ١٠٥ من سورة الأنبياء والآية ٥٥ من سورة النور. وتشير نتائج البحث الحالي إلى أنه بحسب الروايات الواردة تحت الآيات المذكورة فإن الرجال الصالحين المذكورين في الآية هم أصحاب المهدي (ع) الذين وصلوا الخلافة في الأرض بقيادته وملأها عدلاً وقسطاً. وتشير نتائج البحث الحالي إلى أنه بحسب الروايات الواردة تحت الآيات المذكورة فإن الرجال الصالحين المذكورين في الآية هم أصحاب المهدي (ع) الذين وصلوا الخلافة في الأرض بقيادته وملأها عدلاً وقسطاً. إن حكم الحق وطاعة الدين والأمن التام هي الخصائص التي برزت في عهد الإمام العصر (ع). وهذا أيضاً ينسجم مع قانون الخلق ونظام الخلق الذي فيه يتحرك كل شيء نحو كماله، فتفسير الحكومة نحو كماله وإقامة العدل الحقيقي.

الكلمات المفتاحية: الآية ١٠٥ من سورة الأنبياء، الآية ٥٥ من سورة النور، حكم الصالحين، عصر المجيء، المهديّة.

<sup>١</sup> الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ @gmail.com ١٣٥١١٠١٣٥١١٠ Mina

مجله نصف سنویه العلمیه

دراسات حدیثیه فی تعالیم القرآن و السنه

السنه السابعه، العدد الثالث عشر / الربیع و الصیف ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

## العلاقة بین العدل الإلهی والصمت من منظور القرآن من وجهة نظر العلامة الطباطبائی

سکینه صمیمی<sup>۱</sup>

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

### الملخص

إن الخلود الذي يعنى الخلود هو أحد موضوعات البحث ومن المفاهيم التي وردت مرات عديدة في القرآن الكريم، وبما أن العالم لا يملك القدرة على تحقيق العدالة الإلهية بشكل كامل، فإن مسألة البحث، ونتيجة لذلك يرتفع الخلود في الجنة والنار. أما فيما يتعلق بالعلاقة بين العدل الإلهي ومسألة العزلة، فقد اختلفت آراء المفكرين. وفي هذا المقال، الذي يتم بأسلوب السرد-الوحي والتحصیل المكتبي، تتم مناقشة هذه العلاقة من وجهة نظر العلامة الطباطبائی. تشير نتائج هذا المقال إلى أن العلامة الطباطبائی يعتبر مفهوم الصمت في الجنة والنار مستمدا من طبيعة الناس الذين اعتادوا عليه في العالم، وبناء على الحجج العقلانية والوثائق السردية، فهو لا يعتبر الصمت فقط في العذاب أنه مخالف للعدالة الإلهية، لكنه يسمى العقوبة الإلهية رحمة الله تعالى، ويرى أن العقوبة الدائمة هي نتيجة القسوة المتأصلة في النفس، والتي تسببها تصرفات الإنسان وسلوكه ولا يفرض عليه بالقوة. وأخيراً، يرى العلامة الطباطبائی أن شفاعة الله ومغفرته هي السبيل للتخلص من الوحدة والنار وعذاب الجحيم، بشرط الإيمان بالله.

الكلمات المفتاحية: الخلود، الصمت في الجنة، الصمت في الجحيم، العدالة الإلهية، العلامة الطباطبائی.

<sup>۱</sup>. الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ @gamil.com ۴۷ mehksamimi

مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة السابعة، العدد الثالث عشر/ الربيع و الصيف ١٤٠٣ش - ١٤٤٥ق

## البحث في أسباب قلة تأثير المصلحين في التربية في المجتمع الإسلامي

محترم ربيعي<sup>١</sup>

(تاريخ الأخذ: ١٤٠٢/٩/١٤؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/١١/٢٨)

### الملخص

إن أحد الأهداف المهمة للمجتمع الإسلامي هو التربية الشخصية والاجتماعية. وفي ظل تحقيق ذلك يمكن تحقيق مجتمع مرغوب ومثالي تحترم فيه الحقوق المتبادلة للأفراد وتكون قوانينه عادلة وإنسانية. في مثل هذا المجتمع، يحاول المصلحون الحقيقيون دائماً قيادة المجتمع نحو الخلاص والسعادة. المصلحون الذين، بالإضافة إلى إصلاح أنفسهم، يعتبرون أن من واجبهم تنقيف أفراد المجتمع من أجل وضع الأساس لتشكيل حكومة الإمام الزمان (ع) العالمية في عصر الغيبة. يبحث هذا المقال، باستخدام المنهج المكتبي وبطريقة وصفية وتحليلية، في المعوقات الفردية التي يواجهها المصلحون في اتجاه تعليم المجتمع الإسلامي، والخطوة الأولى للإصلاحات هي التحسين الذاتي للإنسان المصلح وإزالة الإمكانيات الممكنة. الرذائل الأخلاقية فيه، مثل العجب والكبر، والفسوة والظلم، وقد أكد العالم على العبادة. بالإضافة إلى المعوقات الفردية، والأسباب الاجتماعية لعدم الفعالية، بما في ذلك الوضع الاقتصادي والثقافي والسياسي، وكذلك العوامل الفعالة في تربية المجتمع والتي تشمل تطوير الذات، ومعرفة الله، ومعرفة الاستراتيجيات الفعالة في ويتوفر التواصل مثل حسن الخلق والتبرج والرفق والتسامح والعفو واللفظ والصدقة والنسيان.

الكلمات المفتاحية: المصلح، التربية، المجتمع، الرذائل الأخلاقية

<sup>١</sup> الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ rabiemoharam@gmail.com



مجلة نصف سنوية العلمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة السابعة، العدد الثالث عشر/ الربيع و الصيف ۱۴۰۳ش - ۱۴۴۵ق

تحليل العوامل المؤثرة على مرونة المرأة وآثارها من وجهة نظر علم النفس

الهام السادات دهقانی فیروزآبادی<sup>۱</sup>

(تاریخ الأخذ: ۱۴۰۲/۹/۱۴؛ تاریخ القبول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

الملخص

تشير المرونة إلى قدرة الشخص على التكيف مع جميع أنواع المشاكل، بما في ذلك المشاكل الشخصية والاجتماعية والاقتصادية. التحمل هو نوع من الإصلاح الذاتي الذي يمنح الإنسان هذه الفرصة والتي واجهت الأزمات بشكل صحيح ويمكنها الاستفادة من تلك اللحظة كفرصة للنمو. هذه الميزة أما بالنسبة للمرأة، ونظراً لبنيتها الجسدية والعقلية، فإن مسؤولياتها في الأسرة والمجتمع وتربية الجيل أكثر أهمية؛ لأنه إذا وقعت الزوجة أو الأم في الحلم بمشاكل، فيمكن أن يلعب ذلك دوراً هاماً في تعافي أفراد الأسرة الآخرين. في هذا البحث، والذي تم إجراؤه بالمنهج الوصفي التحليلي ودراسة المكتبة، تم دراسة العوامل المؤثرة على مرونة المرأة. تشير نتائج البحث الحالي إلى أن العوامل المؤثرة على المرونة تشمل القدرات الشخصية بمكونات التحكم في الانفعالات، وتقبل الواقع، والكفاءة الذاتية؛ إن نمط الحياة فيه مكون الموقف الديني، والبيئة بها مكون الدعم الاجتماعي والتعليم، والشعور بالرضا والسلام هو أحد ثمارها.

الكلمات المفتاحية: المرونة، علم النفس، الحلم بالمشاكل، المرأة.

<sup>۱</sup> الباحث القرآني في مدرسة نجمة خاتون ﷺ e.deghani58@gmail.com

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلة نصف سنوية علمية

دراسات حديثة في تعاليم القرآن و السنة

السنة السابعة، العدد الثالث عشر / الربيع و الصيف ١٤٠٣ش - ١٤٤٥ق

الصاحب الامتياز و المدير المسؤل: على غضنفرى

رئيس التحرير: آية الله احمد عابدى

لجنة التحرير و الهيئة المستشارية

آيات العظام و حجج الاسلام السادة: سيدخليل باستان، مهدي باكوبى، عبدالكريم بى آزار شيرازى،  
سيد عبد الرسول حسيني زاده، محمد فراهانى، داوود كميجانى، سيد مرتضى موسى خراسانى، سيد  
محمد نقيب، محمد حسين واثقى. السيدات: خديجه جلالى، طاهره سادات طباطبائى امين، فاطمه

كاظم زاده

و سيد مجيد نبوى

المنقح: حسين احمدى

المنقح العربى: الدكتورة فاطمه كاظم زاده، الدكتورة طاهره طباطبائى امين

الخبير التنفيذى: سيد عليرضا قمصرى

المنضد: مؤسسه گوهر

رسام الخرائط: رسول خلیج

عنوان: [www.qazanfari.net](http://www.qazanfari.net)

البريد الالکترونى: [faslname@quransonnat.net](mailto:faslname@quransonnat.net)

الطباعة: چاپ نسيم